

# مهاجرت نامه

ویژه نرروز ۱۴۰۱  
[www.imobs.ir](http://www.imobs.ir)

گفتار تحلیلی - انتقادی پیرامون ریشه‌ها و پیامدهای مهاجرت ایرانیان





[www.imobs.ir](http://www.imobs.ir)



<https://imobs.ir/outlook/detail/5>

دانلود مستقیم

# مهاجرت نامه

گفتار تحلیلی-انتقادی پیرامون ریشه‌ها و پیامدهای مهاجرت ایرانیان

تهیه و تدوین:

رصدخانه مهاجرت ایران

(پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف)

سردبیر:

بهرام صلواتی

دبیران تحریریه:

محمدامین مولا، زهرا علی‌پور

نویسندگان (به ترتیب حروف الفبا):

فهیمة بهزادی، بهرام صلواتی، میترا حسین‌پور، رقیه صمدی، داود عیوضلو، محمدامین مولا.

نویسندگان مهمان:

مرضیه ادهم، علی بابایی، پوریا پیرانی، محمدرضا جلایی‌پور، جلال سمیعی، فاطمه سوری، مهدی فیروز آبادی، پرویز کرمی، سیاوش خالدان، سارا صدیق، فرشته طوسی، مسعود قدرت آبادی، لیلا عراقی و ایمان واقفی.

مصاحبه‌ها:

عباس عبدی، فرشاد مومنی، احسان شریعتی، هادی خانیکی، علی‌اکبر حق‌دوست، حامد بیدی، میثم صدیق، هادی فرنود، محسن مکرمی، بهار سیار، مصطفی سعیدنژاد، هادی کهولی

طرح جلد و صفحه آرای:

مرتضی طهوری

دیدگاه‌ها و یادداشت‌های مندرج در این ویژه‌نامه، اظهارنظر شخصی افراد است و لزوماً به معنای تایید رسمی صاحب‌امتیازان این اثر نیست.

ویژه‌نوروز ۱۴۰۱



رصدخانه مهاجرت ایران



دانشگاه صنعتی شریف  
پژوهشکده سیاستگذاری

© کلیه حقوق مدی و معنوی این اثر متعلق به رصدخانه مهاجرت ایران (پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف) است.

۶

پیشگفتار

۷

تحلیلی بر وضعیت مهاجرت در جهان و ایران

۱۲

مهاجرت به مثابه واکنشی به محدودیت‌های اجتماعی - مصاحبه با احسان شریعتی

۱۴

گسترش ناامیدی و بی‌اقتی مهم‌ترین عامل مهاجرت بی‌بازگشت - مصاحبه با هادی خانیکی

۱۶

«خراب‌شده»؛ واکنشی برای فرار از خویشتن یا وطن؟ - مصاحبه با عباس عبدی

۱۸

«هتروتوپیا»؛ پس‌زدگی ساختاری و روان‌شناختی مهاجران در جامعه مقصد - ایمان واقفی

۲۰

هر بار مهاجرت، صد بار دشوارتر! (روایتی از شوک‌های فرهنگی، خروج و بازگشت) - سیاوش خالدان

۲۲

نقدی بر اظهارنظرهای غیر معتبر در حوزه آمار و اخبار مهاجرتی - پرویز کرمی

۲۲

چرا مشتریان خبرهای تلخ بیشتزند؟ - جلال سمیعی

۲۵

آیا همه دارند از ایران مهاجرت می‌کنند؟ - سید مهدی فیروزآبادی

۲۸

همه می‌گویند: مهاجرت کن! - لیلا عراقی

۳۱

«از، به!» (دوگانه سیاه و سفید از بازنمایی مفهوم مهاجرت در گفت‌وگو با مردم و حاکمیت) - مرضیه ادهم

۳۴

مهم‌ترین اخبار مهاجرتی ایران و جهان در سال ۲۰۲۱

۳۶

نگاهی بر مهمترین تحولات مهاجرت‌های دانشجویی در ایران و جهان در سال ۲۰۲۱

۳۸

نگاهی بر مهمترین تحولات مهاجرت‌های اقتصادی و کاری در ایران و جهان در سال ۲۰۲۱

۴۰

فرصت‌سازی از مهاجرت تحصیل‌کردگان و نیروی کار - میترا حسین‌پور

۴۳

پروژه‌های چشم‌انداز ساز کشورهای حوزه خلیج فارس - فهمیه بهزادی

۵۳

خریداران خانه در ترکیه ( از اشتیاق کشورهای بحران‌زده تا خروج برخی از کشورهای منطقه) - داود عیوضلو

۵۹

نگاهی به مسئله تابعیت مضاعف در ایران و جهان - فاطمه سوری

۶۲

از کدام زن مهاجر خاورمیانه‌ای صحبت می‌شود؟ - فرشته طوسی

۶۴

مهمترین دستاوردها و جوایز بین‌المللی برای ایرانیان در سال ۲۰۲۱

۶۶

روایت‌های فعالین استارت‌آپی از دوگانه رفتن و ماندن مصاحبه با

۶۷

سوءمدیریت - حامد بیدی

۶۹

تحریم و چالش‌های قانونی - میثم صدیق

۷۱

تحریم‌ها سقف برنامه‌ریزی‌ها را کوتاه کرد! - هادی کهولی

۷۳

ظرفیت اکوسیستم استارت‌آپی ایران را دست‌کم نگیریم! - هادی فرنود

۷۴

با طرح صیانت با طرح صیانت نخبگان به ماندن دلگرم نخواهند شد! - محسن مکرمی

۷۵

سه‌گانه کرونا، دورکاری و مهاجرت - بهار سیار

۷۶

تحریم و افزایش میل به مهاجرت - مصطفی سعیدنژاد



۷۷

## مهاجرت و کادر بهداشت و درمان

۷۸

۸۱

چرایی مهاجرت پزشکان - مصاحبه با علی اکبر حق دوست  
گزارشی از نشست کلاب‌هاوسی بررسی عوامل کادر درمان از کشور

۸۳

## ورزش و مهاجرت

۸۴

۸۶

تغییر زمین بازی! (نیم‌نگاهی به ریشه‌های مهاجرت ورزشی)  
ورزشکارانی که در سال‌های اخیر از ایران مهاجرت کردند

۸۹

## مهاجرت و پیمایش‌های اجتماعی

۹۰

۱۰۳

نگاهی به شاخص‌های کلیدی مهاجرت در میان برخی از گروه‌های اجتماعی در سال ۱۴۰۰  
تحلیلی بر افزایش میل به مهاجرت در کشور - محمدمبین مولا

۱۰۷

## سیاست گذاری مهاجرت

۱۰۸

۱۱۲

۱۱۴

۱۱۶

۱۱۸

۱۲۲

سندروم اجتماعی مهاجرت و سردرگمی سیاستی کشور - بهرام صلواتی  
مهاجرت سرمایه‌های انسانی ایران؛ واقعیت‌ها و علل - محمدرضا جلائی‌پور  
اجماع حاکمیتی، حلقه مفقوده بازگشت طبقه خلاق به کشور - علی بابایی  
مهاجرت نخبگان: فرصتی که تبدیل به تهدید شد! - مسعود قدرت‌آبادی  
حاکمیت و لزوم مواجهه با واقعیت در حل مسئله مهاجرت نخبگان - مصاحبه با فرشاد مومنی  
مهاجرت‌های اقلیمی و چالش‌های حکمرانی - رقیه صمدی

۱۲۵

## بازتاب مهاجرت در هنر و ادبیات

۱۲۶

۱۳۰

۱۳۵

۱۳۶

نوشتن از دورماندگی؛ خود «اینجا» یا «آنجا» - پوریا پیرانی  
مهاجرت و بازتاب آن در آثار ادبی کودکان و نوجوانان - سارا صدیق  
معرفی فیلم‌های مهاجرتی  
جمعیت مهاجران ایرانی در ایالت‌های مختلف آمریکا

۱۳۷

## دستاوردهای رصدخانه مهاجرت ایران

## پیشگفتار

مهاجرت به‌عنوان یک پدیده اجتماعی-اقتصادی همواره در ایران در دوره‌های مختلف زمانی و به فراخور فراز و فرودهای مهاجرتی در سطح اجتماع و حاکمیت مورد توجه جدی بوده است و مخالفین و موافقین زیادی در این زمینه اظهارنظر کرده‌اند. با این حال نیاز است که توجه جدی به این موضوع با واکاوی نظام‌مند علمی ریشه‌ها و پیامدهای مختلف آن به‌ویژه توسط دانشمندان و متخصصان حوزه علوم اجتماعی همراه گردد.

در واقع فقر مطالعات اجتماعی و شواهد متقن آماری در حوزه مهاجرت موجب گشته است تا کشور همچنان از شناخت عمیق ریشه‌ها و انگیزه‌های خروج و بازگشت مهاجران و همچنین آثار مفید و مخرب کوتاه‌مدت و بلندمدت مهاجرت محروم بماند. لذا شکل‌گیری یک گفتمان سازنده و صریح که بتواند نور کافی بر زوایای پنهان و ناآشکار این پدیده اجتماعی بتابد و جنبه‌های مختلف آن را برای عموم مردم و مسئولین روشن نماید، از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار است. اهمیت این روشنایی آگاهی بخش زمانی دو چندان می‌شود که بتواند تصمیمات فردی و جمعی را متناسب با شناخت تمام مزایا و مضرات این پدیده تحت تاثیر قرار دهد.

صدخانه مهاجرت ایران با توجه به رسالت و مأموریت خود در زمینه نورپراکنی بر پدیده مهاجرت از دریچه مطالعات شواهد محور، سعی در گردآوری مجموعه نظرات و دیدگاه‌های کارشناسان و تحلیلگران اجتماعی پیرامون ریشه‌ها و پیامدهای اجتماعی مهاجرت برآمده است تا بتواند شناخت دقیق‌تر و تحلیلی‌تر را در کنار گزارشات و مستندات آماری خود برای عموم مردم و مسئولین فراهم آورد.

در همین راستا، ویژه نامه پیش‌رو محصول تلاش چند ماهه همکاران این مجموعه برای دریافت مجموعه دیدگاه‌های عمدتاً انتقادی کارشناسان، صاحب‌نظران و گروه‌های مختلف اجتماعی است که به اشکال مختلف با پدیده مهاجرت مواجه و درگیر هستند. همچنین از کلیه نویسندگان مهمانی که با یادداشت‌ها و دیدگاه‌های تحلیلی خود ما را در غنا بخشیدن به این مجموعه یاری رساندند، صمیمانه قدردانی می‌نمائیم. امید است که این ویژه نامه و تلاش جمعی، گشایش‌گر و تسهیل‌گر مسیر گفتگوی‌های سازنده جهت شناخت بیشتر و بهتر پدیده اجتماعی مهاجرت در ایران باشد.

سردبیر



# تحلیلی بر وضعیت مهاجرت در جهان و ایران

مهاجرت های بین المللی در حال حاضر یکی از چالش های جدی در عرصه جهانی و ملی به شمار می رود که توجه جدی جامعه جهانی، دولتمردان و کنشگران اجتماعی و حتی افرادی که به هر دلیل تمایل به مهاجرت دارند، را می طلبد. برای بررسی ابعاد مختلف مهاجرت و آثار و پیامدهای آن می بایست ریشه های آن در سطوح مختلف مورد فعالان و ذی نفعان این حوزه قرار گیرد. بر همین اساس در این یادداشت تحلیلی تلاش می شود تا به اختصار، مهم ترین تحولات مهاجرتی در جهان و ایران مورد بررسی قرار گیرد.



بهرام صلواتی

پژوهشگر ارشد رصدخانه مهاجرت ایران



## مهاجرت در جهان

### ● کنشدن روند فزاینده مهاجرت های بین المللی بر اثر همه گیری ویروس کرونا

آخرین آمار ارائه شده از وضعیت مهاجرت در کشورهای عضو OECD نشان می دهد که بحران شیوع ویروس کرونا، موجب کاهش ۳۰ درصدی مهاجرت به کشورهای این منطقه به عنوان قطب اصلی جذب مهاجران در جهان شده است. اگرچه گونه های مختلف ویروس کرونا و به تازگی سویه جدید آن یعنی «امیکرون» موجب کنشدن

روند مهاجرت در سطح جهانی شده است اما پیش بینی می شود که روند مهاجرت های بین المللی به دلیل پایدار ماندن و یا حتی تقویت پیشران های جهانی مهاجرت همچون فقر و ناامنی های اقتصادی، بی ثباتی سیاسی و اجتماعی، جنگ و عوامل محیط زیستی همچنان با شدت بیشتری ادامه یابد.

### ● تشدید بحران پناجویی و پناهندگی در جهان با محوریت کشورهای منطقه خاورمیانه

بحران سوریه در سال ۲۰۱۵، موجب مهاجرت توده وار مردم از این کشور و دیگر کشورهای منطقه از جمله افغانستان، ایران، عراق و

حاکمیت ملی کشورها دارد، چندان ساده نیست، اما به نظر می‌رسد عدم توافق بر این حقوق و بی‌توجهی به ایجاد سازوکارهای قانونی برای مهاجرت‌های بین‌المللی می‌تواند مسئله مهاجرت را به مسئله‌ای بغرنج‌تر در سال‌های پیش رو تبدیل کند.

### ● تشدید رقابت برای جذب استعدادها با فروختن آتش کرونا

پیری جمعیت مدت‌هاست که در اروپا سرعت گرفته و بازارهای کار در سراسر این قاره را تحت فشار قرار داده است. اگرچه کشورهای عضو این قاره خیلی وقت است که به کمبود نیروی ماهر در بازار کار خود آگاه‌اند اما همه‌گیری کرونا موجب شد که کشورهای عضو این اتحادیه بار دیگر وابستگی خود به نیروی کار خارجی را بهتر درک کنند. کمبودهای فزاینده بازار کار و تحولات فناوری که بر ترکیب نیروی کار و نیازهای بازار کار تأثیر می‌گذارد، اگرچه به‌طور بسیار نابرابر در بین کشورهای عضو گسترش می‌یابد، اما این کمبود منجر به تقاضای بیشتر برای نیروی کار مهاجر ماهر خواهد شد.

### ● افزایش تمایل به تحرک و جابه‌جایی‌های مجازی در جهان در دوره کرونا

نتایج پیمایش انجام‌شده توسط گروه مشاوران بوستون در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که میل به مهاجرت کاری افراد نسبت به سال ۲۰۱۴ کاهش قابل‌توجهی داشته است. در سال ۲۰۱۴، تقریباً دوسوم از پاسخ‌دهندگان این پیمایش جهانی (۶۸ درصد) اظهار داشتند که ایده مهاجرت و کار در کشوری دیگر برای آن‌ها جذاب است. این نسبت از آن زمان تاکنون ۱۳ درصد کاهش یافته است و اکنون در حدود ۵۰ درصد است. اگرچه تأثیر چشمگیر ویروس کرونا بر کم‌شدن تمایل به مهاجرت بر کسی پوشیده نیست اما نمی‌توان تمامی این بی‌میلی را به ویروس کرونا نسبت داد. این کاهش میل به مهاجرت کاری حاکی از ظهور روندهای جدیدی در جذب نیروی کار ماهر است که تا قبل از شیوع ویروس کرونا شاید خیلی جدی گرفته نمی‌شدند. در کنار کم‌شدن میل به مهاجرت کاری در میان افراد، نوع جدیدی از مهاجرت بروز و ظهور یافته است که از آن تحت عنوان "تحرک مجازی" یاد می‌شود. در واقع همه‌گیری ویروس کرونا، افزایش رفتارهای ضد مهاجرتی و ظهور مشاغل «فری لنسینگ» در سطح جهان موجب تغییر دیدگاه افراد به مهاجرت شده است. پنجاه و هفت درصد از پاسخ‌دهندگان پیمایش جهانی اظهار داشته‌اند که میل‌اند از راه دور برای کارفرمایی در یک کشور خارجی کار کنند تا اینکه به‌صورت فیزیکی در آن کشور حضور یابند. بنابراین خواه‌ناخواه بخشی از رویکردهای جذب فیزیکی نیروی کار خارجی بعد از کرونا به سمت رویکردهای اشتغال از راه دور و مجازی تغییر پیدا خواهد کرد.

### ● تلاش برای تغییر و پویاتر کردن نظام‌های ویزایی و مهاجرتی

ویروس کرونا در سطح جهانی و بحران سوخت و کمبود راننده در انگلستان نشان داد که کشورها برای تأمین نیروی انسانی خود در حوزه‌های مختلف نیازمند رصد و پایش مستمر نیازهای حال و آتی بازار کار و پویایی سیستم‌های مهاجرتی و ویزایی برای واکنش سریع در مواقع بحرانی‌اند. در واقع ویروس کرونا و بحران سوخت در انگلستان خط بطلانی بر این تصور سیاستی بودند که کشورها هرزمانی که بخواهند، می‌توانند زمین‌بازی مهاجرت را به نفع خود تغییر دهند. به‌عنوان مثال کشورهای اروپای شرقی که سابقاً به‌عنوان تأمین‌کننده نیروی کار در

پاکستان به سمت کشورهای اروپایی شد. هفت سال بعد یعنی در سال ۲۰۲۱ با سقوط دولت افغانستان و قدرت‌گیری مجدد طالبان در افغانستان، این روند مجدداً تکرار شد. در دو دهه اخیر، خاورمیانه یکی از اصلی‌ترین کشورهای مبدأ آوارگان و پناهجویان در جهان بوده است. کشورهایی همچون سوریه، افغانستان، عراق و ایران به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی پناه‌جو فرستی در جهان بوده‌اند. بررسی وضعیت رفاهی این کشورها نشان می‌دهد که همگی این کشورها از وضعیت مناسب رفاهی برخوردار نیستند و چشم‌انداز امیدوارکننده‌ای نسبت به بهبود شرایط کلی این کشورها حداقل در کوتاه‌مدت وجود ندارد، بنابراین احتمال شدت‌گرفتن بحران پناهندگی و پناهجویی با محوریت کشورهای خاورمیانه و به فاصله زمانی کمتر از دو بحران قبلی با احتمال بالایی همچنان وجود دارد.

### ● مهاجران، قربانی عدم اجماع جهانی بر موضوع مهاجرت

مهم‌ترین آموخته پاندمی کرونا به بشر، شاید فهماندن این واقعیت باشد که "همگی ما در یک کشتی نشسته‌ایم". اگرچه این واقعیت در طول تاریخ به طرق و تجربه‌های مختلف در جهان هستی متجلی شده است اما خاصیت تاریخ این است که خودش را تکرار می‌کند. اگر این واقعیت و نکته را بپذیریم جواب به سؤال "چرا برای حل مسائل جهانی به اجماع و همکاری جهانی نیاز داریم؟" چندان دشوار نخواهد بود. موضوع مهاجرت و بحران‌های حاصل از آن طی دهه‌های گذشته به یک مسئله جهانی بدل شده که حل آن نیازمند راه‌حل‌ها و ابتکارات جهانی است. خواه‌ناخواه و به دلیل این‌که کشورهای توسعه‌یافته، مقصد اول مهاجران از سراسر دنیا هستند، شانه خالی کردن از مسئولیت‌های جهانی در قبال مسئله مهاجرت و ضرر و زیان ناشی از آن گریبان‌گیر همه کشورهای، خصوصاً کشورهای توسعه‌یافته‌تر پذیرای مهاجران خواهد شد. فهم این واقعیت اما چندان در مواجهه کشورهای به مسئله مهاجرت دیده نمی‌شود. افزایش دیوارها و تنش‌های مرزی همگی نویددهنده عصری جدید در روابط بین‌المللی هستند؛ روابطی که به سمت مسئولیت‌ناپذیری و ناسیونالیسم افراطی گراییده است. به‌عبارت‌دیگر مدیریت مرزی و واکنش کشورهای در موضوع مهاجرت طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که موضوع مهاجرت به اهرمی برای باج‌گیری کشورها از یکدیگر بدل شده است. افزایش تنش‌ها بین بلاروس و اتحادیه اروپا و هدایت مهاجران از طریق بلاروس به سمت کشورهای اروپایی، تکرار همان اتفاقی است که ترکیه در سال‌های قبل با مهاجران کرده است. بی‌شک حل بحران مهاجرت نیازمند یک اجماع همه‌جانبه جهانی است و اتخاذ رویکردهای خصمانه و تلافی‌جویانه در موضوع مهاجرت موجب مرگ‌ومیر بیشتر مهاجران در پشت مرزها و یا گذرگاه‌های دریایی می‌شود.

### ● دوگانه محل تولد و حق انتخاب آزادانه محل زندگی

با پیشرفت علم و تکنولوژی اقتضائات زندگی در دنیای مدرن نسبت به گذشته تغییر کرده است. دیگر متولد شدن در کشوری خاص به معنای حق سلب اختیار از افراد برای انتخاب آزادانه محل زندگی نیست. همان‌طور که ظهور مفاهیمی همچون جهان‌وطنی، تابعیت و شهروندی، اهمیت مفاهیمی همچون ملیت، مرز و وطن را به چالش کشیده‌اند، می‌توان انتظار داشت که حق انتخاب آزادانه محل زندگی که همچون بسیاری از قوانین حقوق بشری که از عرصه نظر به عرصه عمل راه نیافته است، طی دهه‌های آتی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. اظهار نظر در مورد حق انتخاب آزادانه محل زندگی به دلیل اشتراك و افتراق‌هایی که با حق



مهاجرتی در قالب کانال‌های مهاجرتی مختلف می‌شود و بدون بهبود کیفیت حکمرانی به ویژه در حوزه مهاجرت نمی‌توان امید چندانی برای حفظ سرمایه‌های انسانی کشور داشت و تشدید شرایط می‌تواند جامعه ایران را وارد مرحله غیرقابل کنترل تری در مهاجرت نماید. اگرچه ریشه‌های مهاجرت ایرانیان در حوزه‌های مختلف و طبقه‌های اجتماعی گوناگون را باید در عوامل مختلفی جست‌وجو کرد اما بلاشک مشکلات و نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی به‌خصوص طی یک دهه گذشته را باید به‌عنوان اصلی‌ترین عامل افزایش میل به مهاجرت ایرانیان در گروه‌های اجتماعی مختلف در نظر گرفت. به‌طور کلی چشم‌انداز و جاذبه سرزمینی در میان ایرانیان که از عوامل مختلفی همچون فراهم بودن شرایط ایفای نقش در فرآیند توسعه و پیشرفت کشور، احساس مفید و مؤثر بودن، احساس تعلق ایرانیان نسبت به تابعیت خود و تصور نسبت به آینده کشور تأثیر می‌پذیرد، نقش بسیار زیادی بر شاخص‌های میل و تصمیم به مهاجرت در میان گروه‌های اجتماعی مختلف دارد. به‌طوری‌که بهبود یا تنزل چشم‌انداز و جاذبه سرزمینی موجب تغییر وضعیت در میل و تصمیم به مهاجرت افراد در گروه‌های مختلف اجتماعی می‌شود. به‌عبارت‌دیگر تشدید میل و تصمیم به مهاجرت در میان اقشار مختلف اعم از کارگران، ورزکاران، پزشکان، اساتید دانشگاه، استارت‌آپ‌ها و دیگران، جملگی بیانگر این واقعیت هستند که کشور در زمینه نگهداشت و بکارگیری سرمایه‌های انسانی خود دچار مشکلات جدی است و تشدید تراز شاخص‌های مهاجرتی در میان این گروه‌ها می‌تواند به‌عنوان زنگ خطری برای کشور تفسیر شود.

کشورهای غربی اروپا شناخته می‌شدند، به دلیل بزرگ شدن اقتصادهای خود، حرکت به سمت اقتصادهای دانش‌بنیان و تغییر رویکردی که نسبت به حفظ سرمایه‌های انسانی متخصص خود داشته‌اند، اکنون بیشتر به دنبال حفظ نیروی کار خود و حتی جذب نیروی کار خارجی ماهر هستند. به‌عبارت‌دیگر هیچ کشوری برای همیشه فرستنده و هیچ کشوری هم برای همیشه پذیرنده مهاجران و نیروی کار مهاجر نیست و متغیرهای بسیاری می‌توانند موجب تغییر استراتژی‌های مهاجرتی و نیروی انسانی در یک کشور شوند. کماکان که این تحولات در دهه‌های گذشته روی داده است.

## مهاجرت در ایران

### ● افزایش میل به مهاجرت در میان اقشار مختلف اجتماعی و کاهش جاذبه سرزمینی

کلان چالش‌هایی همانند فقر، تورم، بیکاری، خشک‌سالی و آلودگی هوا از جمله مواردی هستند که کشور ایران طی یک دهه گذشته بیش از گذشته با آن‌ها دست‌وپنجه نرم کرده است و برآیند این مشکلات موجب تشدید نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی و نهایتاً تقویت میل به مهاجرت در ایران شده است. فراز و فرودهای مهاجرتی در بازه‌های زمانی مختلف به‌نوعی موجب ازدست‌رفتن بخشی از سرمایه‌های انسانی کشور در سطوح مهارتی مختلف شده است. بی‌شک کاهش کیفیت زندگی و ناامیدی از اصلاح امور موجب تشدید موج‌های



## ● خطر حذف تدریجی ایران از تعاملات بین‌المللی گردش سرمایه انسانی

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که رشد و توسعه همه‌جانبه کشورهای به شکل بی‌رحمانه‌ای به تعاملات بین‌المللی و فرامرزی وابسته است. پیش‌شرط رشد اقتصادی در دنیای کنونی تعامل با دنیا و مشارکت در زنجیره تأمین جهانی و ایفای نقش فعال در اقتصاد جهانی است. به عبارت دیگر، هیچ کشوری تنها با اتکا به داشته‌های خود نمی‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی دست یابد. این مزیت رقابتی و تلاش برای ایجاد کردن مزیت رقابتی و تعامل با دنیا است که می‌تواند آغاز تحولات اقتصادی برای یک کشور باشد. درحالی‌که بسیاری از کشورهای دنیا طی سالیان گذشته از طریق سیاست‌های چندجانبه اقتصادی و توافق‌نامه‌های مشترک گردش سرمایه و نیروی انسانی سعی در مشارکت در پروژه‌های بلندپروازانه بین‌المللی برای افزایش درآمد خود داشته‌اند، اما متأسفانه افزایش تحریم‌های بین‌المللی و انفعال داخلی موجب حذف تدریجی کشور از تعاملات هدفمند بین‌المللی گردش سرمایه و نیروی انسانی شده است. درحالی‌که کشور با معضل بیکاری درصد زیادی از فارغ‌التحصیلان دانشگاهی روبروست، فرصت‌ها و ظرفیت‌های کافی برای بهره‌گیری از ظرفیت تمامی نیروهای انسانی در داخل وجود ندارد، بنابراین اتخاذ برنامه‌ای هدفمند برای انتقال بخشی از معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به خارج از کشور و مشارکت در پروژه‌های بین‌المللی یکی از راهکارهای اصلی گریز از وضعیت نابسامان اقتصادی و بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به شمار می‌رود که متأسفانه طی سالیان گذشته به آن توجه جدی نشده است.

## ● حل موضوع تابعیت دوگانه، نیازمند داشتن نگاه ملی

مسئله تابعیت دوگانه در کشور از جمله مسائلی است که بیش‌تر به آن به دیده‌امینیتی نگریسته شده و کمتر از منظر منافع ملی که این مسئله می‌تواند برای کشور در پی داشته باشد، توجه شده است. اگرچه تابعیت مضاعف مفهومی نسبتاً جدید در عصر جهانی شدن است و قدمت چندانی ندارد، اما این مفهوم در بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر دنیا و همچنین کشورهایی که دارای جمعیت بالایی از مهاجران در کشورهای دیگر هستند، به یک موضوع به رسمیت شناخته شده و قانونی بدل شده است. اما با این حال برخی از کشورها همچون ایران موضع مشخصی نسبت به این مسئله نداشته و کماکان آن را به‌عنوان یک تهدید امنیتی جدی تلقی می‌کنند. هیچ شکی نیست که توجه به مسائل امنیتی دو تابعیتی‌ها باید مورد توجه دستگاه‌های امنیتی کشور قرار گیرد اما حل مسئله تابعیت مضاعف بیش از آنکه نیازمند نگاه امنیتی باشد، نیازمند نگاهی ملی است.

## ● مغفول ماندن سیاست‌های مهاجرتی در برنامه‌های توسعه‌ای کشور

درحالی‌که سیاست‌های مهاجرتی در بسیاری از کشورهای دنیا، نقش مهمی در تکمیل سیاست‌های توسعه‌ای دارند اما این مهم به‌کلی در اسناد بالادستی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور مغفول مانده است. نداشتن متولی مشخص و اعمال رویکردهای جزیره‌ای توسط دستگاه‌های حاکمیتی از اهم دلایلی هستند که به این بی‌برنامگی و غفلت دامن زده است. اگرچه طرح همکاری با متخصصان و دانشجویان ایرانی خارج از کشور تقریباً مهم‌ترین برنامه عملیاتی کشور در حوزه مهاجرت است اما

جای تأسف دارد که کشور طی چند دهه گذشته از اهمیت این موضوع غافل مانده و استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور هیچ‌گاه فراتر از شعارهای انتخاباتی نرفته است. بر این اساس تحقق شعار "ایران برای همه ایرانیان" و ظرفیت‌سازی برای بهره‌گیری از ظرفیت تمام ایرانیان در فرایند توسعه و پیشرفت کشور از ملزومات اولیه این سیاست به شمار می‌روند. همچنین کشور فاقد رویکرد منسجم و هدفمندی در زمینه بهره‌گیری از مهاجران غیرایرانی در داخل کشور است. این مساله در آینده نزدیک که کشور با معضلات جدی در زمینه پیری جمعیت و تامین نیروی کار لازم روبرو خواهد شد، پیامدهای وخیم‌تری به دنبال خواهد داشت.

## ● رویکرد چرخش نخبان نیازمند مداخله و سرمایه‌گذاری بیشتر دولت

برای مدیران و افرادی که دغدغه توسعه و پیشرفت کشور را دارند، بی‌شک بهبود تعاملات علمی بین‌المللی و تحصیل دانشجویان ایرانی در خارج از کشور و بازگشت مجدد آن‌ها به کشور یک رویکرد اساسی به شمار می‌رود. متأسفانه طی سال‌های اخیر عواملی همچون بدتر شدن شرایط اقتصادی و افزایش هزینه‌های مهاجرت تحصیلی (خصوصاً برای دانشجویانی که با هزینه‌های شخصی مهاجرت می‌کنند) و تیره شدن روابط بین‌المللی کشور با جهان، مهاجرت تحصیلی برای دانشجویان ایرانی دشوارتر از گذشته شده است. تداوم این روند در کنار کاهش تعداد دانشجویان بین‌المللی ایرانی در سال‌های آتی می‌تواند موجب افت کیفی دانشجویان ایرانی، به دلیل تحصیل در دانشگاه و کشورهایی با سطح کیفی پایین‌تر نسبت به مقاصد اصلی دانشجویان ایرانی شود. بنابراین اگر دغدغه جدی برای بهره‌مندی از ظرفیت دانشجویان و تحصیل‌کردگان ایرانی خارج از کشور در سطح حاکمیت وجود دارد، باید گفت که این مسئله نیازمند مداخله جدی‌تر و سرمایه‌گذاری بیشتر دولت در این زمینه است. بنابراین با توجه به نیاز کشور خصوصاً در زمینه تکنولوژی‌های نوظهور که ما فاصله چندانی به لحاظ علمی با کشورهای پیشرفته دنیا نداریم، تقویت تعاملات بین‌المللی و طراحی برنامه‌های هدفمند و چرخش هدفمند دانشجویان و متخصصان برای رقابت در عرصه‌های جهانی ضروری به نظر می‌رسد.

## ● طرح همکاری با متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی خارج از کشور نیازمند تقویت و بازآفرینی

طرح همکاری با دانشجویان و متخصصان ایرانی خارج از کشور اگرچه گامی مهم و امیدوارکننده در راستای بهره‌گیری از ظرفیت فارغ‌التحصیلان و متخصصان ایرانی خارج از کشور و تقویت گفتمان بازگشت در کشور محسوب می‌شود. اما به نظر می‌رسد که این طرح با گذشت حدود ۶ سال از زمان اجرا و تحولات اقتصادی و اجتماعی نسبت به زمان آغاز آن در سال ۱۳۹۴، نیازمند تزریق خون جدیدی است. برطرف شدن مشکلات این طرح در اجرا و بالابردن سطح همکاری با ارگان‌های همکار و متنوع کردن و بروزرسانی سبد تسهیلاتی برای بازگشتی‌ها، در کنار برطرف شدن مشکلات مالی و غیرمالی از جمله اقداماتی هستند که باید در راستای جذاب سازی طرح و ترغیب افراد برای بازگشت به کشور در دستور کار قرار گیرد. بی‌شک بهبود روابط بین‌المللی کشور و وجود چشم‌انداز روشن از چگونگی تعامل کشور با جهان گامی اساسی در موفقیت این طرح و ترغیب نخبان برای بازگشت به کشور به شمار می‌رود؛ همچنانکه پس از توافق برجام شور و شوق برای بازگشت به کشور با افزایش همراه شد.



# جامعه و مهاجرت

نگاه انتقادی جامعه‌شناسان به ریشه‌های اجتماعی مهاجرت در ایران



# مهاجرت به مثابه واکنشی به محدودیت‌های اجتماعی

در سال‌های اخیر موضوع مهاجرت از کشور خصوصاً در میان اقشار تحصیل‌کرده و نخبه جامعه به موضوعی داغ و پرحاشیه تبدیل شده است که اظهارنظرهای مختلفی پیرامون آن وجود دارد. این امر بهانه‌ای شد تا با دکتر احسان شریعتی به گفت‌وگو بنشینیم و دیدگاه او را در مورد مسائلی همچون چرایی بروز نارضایتی‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در پدیده مهاجرت، دلایل مهاجرت سرمایه‌های انسانی از کشور، تبعات منفی این داستان و در نهایت راه‌های برون‌رفت از این شرایط، جویا شویم.



مصاحبه با دکتر احسان شریعتی

استاد و پژوهش‌گر فلسفه



بیمارگونه‌ای نیز بروز دهد. نسل جوان و به‌طور کلی جامعه ممکن است در گذار از این تحولات ویژگی‌ها و خصوصیات جدیدی پیدا کند که قابل فهم است و قبل از هر قضاوت اخلاقی و فرهنگی باید فهمیده شوند. بنابراین ویژگی‌ها و مختصات نسل جوان و به‌طور کلی جامعه، مختص به وضعیت و شرایط تاریخی است که در آن زیست می‌کند و باید در همان بستر و با ویژگی‌های تاریخی زمان خود تحلیل شوند.

## ● هویت جوان ایرانی نسبت به گذشته چه تغییراتی کرده است؟ درگذشته با چه ویژگی‌هایی تعریف می‌شد و در حال حاضر با چه ویژگی‌هایی تعریف می‌شود؟

برای پاسخ به این سؤال باید تعریف دقیقی از مفهوم هویت داشته باشیم، از این جهت که هویت موضوعی است که در دوره‌های تاریخی مختلف و تحت تأثیر عوامل گوناگونی دچار تغییر و تحول می‌شود. بنابراین ما با هویت‌های ثابت و مشخصی سروکار نداریم ولی اگر منظورمان از هویت، خصوصیات و ویژگی‌هایی است که نسل جوان در هر دوره تاریخی با آن تعریف می‌شود، باید گفت که پیش از انقلاب ما با وضعیت و نظام استبدادگرایانه، غیرمذهبی، عرفی شده و تجددخواه روبرو بودیم که به لحاظ سیاسی به دنبال ارزش‌هایی همچون آزادی و دموکراسی بودند.

از نظر فرهنگی نیز این آزادی‌خواهی با تنوع و حتی تجربه‌های معنوی جدید پیوند می‌خورد و در جامعه، استقبال زیادی از آن می‌شد و از آنجایی که نیروهای سنتی نیز سرکوب می‌شدند و یا در حاشیه بودند، بنابراین گرایش به سنت و هویت از جاذبه بالایی به‌خصوص در میان اقشار جوان جامعه برخوردار بود. پس از انقلاب به دلیل اینکه ما با یک حاکمیت بومی و دینی مواجه هستیم که وجه اقتدارگرایی آن صرفاً جنبه پلیسی، نظامی و امنیتی ندارد بلکه این اقتدارگرایی از طرق دیگری بازتولید شده و ابعاد جدید عقیدتی، فرهنگی و ایدئولوژیک نیز پیدا کرده است. واکنش جامعه به این اقتدارگرایی همانند پیش از انقلاب جست‌وجوی آزادی و دموکراسی بوده است با این تفاوت که ابعاد فرهنگی و اجتماعی آزادی‌خواهی پس از انقلاب و واکنش به فشار نهادهای بیرونی که در پی تهدید آزادی‌های مردم و به‌خصوص جوانان بوده است با شدت بیشتری ادامه یافته است. تنوع کنش و واکنش در برابر این محدودیت‌ها به اشکال مختلفی بروز و ظهور یافته است اما بی‌شک بخشی از واکنش جامعه برای فرار از این محدودیت‌ها در پدیده مهاجرت و خروج از کشور متجلی شده است. به عقیده سارتر «انسان موجودی است محکوم به آزادی»؛ یعنی جبر انسان در این است که از اختیار برخوردار است. بنابراین طبیعی است که انسان با توجه به ماهیت وجودی خود که موجودی آزاد است، در برابر هر نوع استبدادی از خود، واکنش‌های منطقی و یا حتی غیرمنطقی یا

## ● تبعات مهاجرت سرمایه‌های انسانی از کشور چیست؟

مهاجرت از کشور تبعات مختلفی دارد که یکی از اصلی‌ترین تبعات آن خالی شدن ذخیره استعدادی کشور از نیروهایی است که می‌توانند منشأ تغییر باشند. اصلاً نظام آموزشی ما چه در قبل و چه در بعد از انقلاب به گونه‌ای طراحی شده است که بهترین استعدادهای این کشور را کشف و تقدیم به بهترین مراکز علمی جهان می‌نماید. بدون اینکه برای بهره‌گیری از ظرفیت این استعدادها در داخل کشور برنامه‌ای وجود داشته باشد. اتفاقاً بهترین استعدادهای

کشور ما روانه کشور آمریکا می‌شوند که ما بیشترین مشکل را با این کشور داریم. این اتفاق یعنی خروج سرمایه‌های مستعد و بااستعداد از کشور موجب می‌شود که مثلاً در یک دهه زمام امور به دست افراد باکیفیت پایین‌تر و ناشایستی افتد که این امر موجب خسارات عمومی و کاهش کیفیت حکمرانی می‌شود. از نظر فرهنگی نیز فرد مهاجر دچار تغییر و تحولاتی می‌شود که مهم‌ترین آن به گمان من بحث زبان است و ایرانیانی که به کشورهای خارجی مهاجرت می‌کنند به تدریج در زبان و فرهنگ جامعه مقصد حل می‌شوند و خصوصاً فرزندان مهاجران بعد از چندین سال ارتباط خود را با سرزمین مادری خود از دست می‌دهند. به معنای دقیق‌تر زمانی که افراد اشتراکات زبانی، دینی، زیستی و تولیدی خود را با کشور مادری از دست می‌دهند، تعلق آن‌ها نیز رفته‌رفته به سرزمین مادری کاهش می‌یابد و احساس تعلق کمتری به جامعه مبدأ خود خواهند داشت.

## ● برای حفظ سرمایه‌های انسانی چه باید کرد؟

برای حفظ سرمایه‌های انسانی کشور هیچ چاره‌ای جز ایجاد جذابیت برای ماندگاری افراد در کشور نداریم. افراد هرچقدر هم که به سرزمین مادری خود نیز علاقه داشته باشند بعد از گذشت مدت زمانی و با افزایش تنگناها و ناامید شدن از ایفای نقش مؤثر در کشور خودشان دلسرد شده و عطای زندگی در کشور خود را به لقایش بخشیده و به خارج از کشور مهاجرت می‌کنند. به قول سعدی "سعدیا حب وطن گرچه حدیثی است شریف/ نتوان مرد به ذلت چو من اینجا زادم". در واقع ایجاد جذابیت برای ماندگاری در کشور علاوه بر اینکه می‌تواند موجب حفظ سرمایه‌های انسانی کشور شود، می‌تواند ایرانیان خارج از کشور را برای بازگشت به کشور ترغیب نماید و یا حتی کشور را تبدیل به مکانی نماید که افراد از سایر کشورها ایران را برای مزایا و ویژگی‌های مثبتی که دارد برای زندگی و کار انتخاب کنند اما در حال حاضر این گونه نیست و به نظر می‌رسد که دافعه‌های سرزمینی کشور بیشتر از جاذبه‌های آن است و همین امر می‌تواند توضیح‌دهنده دلایل مهاجرت ایرانیان از کشور باشد. ایجاد جذابیت هم مستلزم این امر است که هر فردی فارغ از تعلقات سیاسی، اندیشه‌ای و ایدئولوژیک خود بتواند بدون دغدغه و هراس به فعالیت خود ادامه دهد. بالطبع فقدان چنین شرایطی افراد را شاید برخلاف میل باطنی‌شان مجبور به مهاجرت نماید.

## ● دلایل افزایش میل به مهاجرت در میان اقشار مختلف جامعه چیست؟

افزایش میل به مهاجرت را می‌توانیم در دو سطح جهان‌شمول و ملی مورد بررسی قرار دهیم. در سطح جهان‌شمول ما در دوره‌ای از تاریخ بشر هستیم که جهانی‌سازی و جهانی‌شدن باعث شده که جابه‌جایی و مهاجرت به شکل خیلی ساده‌تر و بی‌سابقه‌ای در تاریخ بشر اتفاق افتد. بنابراین ما در هر جایی که شاهد کاستی‌ها، جنگ، اختناق و مسائلی از این قبیل هستیم مشاهده می‌کنیم که بخشی از جمعیت به مکان و نقاتی مهاجرت می‌کند که به طور کلی بتواند رفاه بیشتری را برای خود

و خانواده خود فراهم نماید. مسئله مهاجرت هم طی سالیان اخیر یک مسئله جهانی بوده است و طی این سال‌ها سعی شده است که چارچوب قانونی و حقوقی مستحکمی برای این موضوع جهانی ایجاد شود اما علی‌رغم این تلاش‌ها ما شاهدیم که خیل مهاجرت افراد از کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌تر به سمت کشورهای توسعه‌یافته و ثروتمند ادامه‌دار باشد. در سطح ملی و به صورت تاریخی اگر بخواهیم موضوع مهاجرت را تبیین کنیم باید گفت که مهاجرت به خارج از کشور و خصوصاً اشتیاق مهاجرت به ایالات متحده آمریکا از قبل از انقلاب در بین مردم وجود داشته است. من به خاطر دارم که دو سال قبل از انقلاب و اولین باری که خودم به دلایل سیاسی قصد خروج از کشور و رفتن به آمریکا را داشتم، زمانی که با پدرم برای گرفتن ویزا به سفارت آمریکا رفتم، از چند شب قبل، صف مسافران برای گرفتن ویزای آمریکا در مقابل سفارت این کشور در تهران ایجاد شده بود. یعنی قبل از اینکه بحران‌هایی همچون انقلاب و جنگ در کشور رخ دهد این مهاجرت‌ها به خارج از کشور وجود داشت و شکل گرفته بودند. بعد از انقلاب نیز موضوع مهاجرت به دلایلی از جمله خروج افراد و خانواده‌های وابسته به نظام قبلی و درگیری‌های داخلی کشور در دهه شصت تشدید شد.

عامل مهم دیگری هم که موضوع مهاجرت افراد از کشور را تشدید کرد، شروع جنگ بود که موجب ایجاد ناامنی و بحران‌های اجتماعی وسیعی شد که بالطبع موجب خروج بخشی از مردم از کشور شد. بعد از جنگ نیز مهاجرت از کشور هیچ‌گاه متوقف نشد اما در دوره‌هایی خاص همچون دوره اصلاحات یعنی از سال ۱۳۷۶ و تا حدودی در همین چند سال گذشته به دلیل گشایش‌های سیاسی و اقتصادی که رخ داد و همچنین امید به اصلاحات ساختاری در حکمرانی کشور، این مهاجرت‌ها با کندی همراه شدند. اما به طور کلی با شکست پروژه اصلاحات در کشورهای زمانی مختلف مثل سال ۱۳۸۸ و قدرت‌گیری جناح راست و سنتی که لاقول در اذهان عمومی بدتر شدن شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را به ذهن متبادر می‌کند، تمایل به مهاجرت از کشور افزایش یابد. اگرچه میل به مهاجرت از کشور ریشه در مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مختلفی دارد که هرکدام از این‌ها باید مورد تجزیه و تحلیل جدی قرار بگیرند اما به نظر من احساس یاس و افسردگی حاکم بر جامعه است که زمینه‌های روانی مهاجرت از کشور خصوصاً در میان قشر جوان را تغذیه می‌کند و این موضوعی است که کمتر به آن توجه شده است.

**مسئله مهاجرت طی سالیان اخیر یک مسئله جهانی بوده است و طی این سال‌ها سعی شده است که چارچوب قانونی و حقوقی مستحکمی برای این موضوع جهانی ایجاد شود اما علی‌رغم این تلاش‌ها ما شاهدیم که خیل مهاجرت افراد از کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌تر به سمت کشورهای توسعه‌یافته و ثروتمند ادامه‌دار باشد.**

**تنوع کنش و واکنش در برابر محدودیت‌های اجتماعی طی سالیان گذشته به اشکال مختلفی بروز و ظهور یافته است اما بی‌شک بخشی از واکنش جامعه برای فرار از این محدودیت‌ها در پدیده مهاجرت و خروج از کشور متجلی شده است.**



# گسترش ناامیدی و بی‌افقی مهم‌ترین عامل مهاجرت بی‌بازگشت

به نظر می‌رسد ابراز غم، دل‌تنگی و در مواقعی اضطراب و خشم در تصویری که افراد در مسیر (میل، اقدام و پس از) مهاجرت از خود در شبکه ارتباطی حساب‌های مجازی‌شان نشان می‌دهند ناشی از احساس ناکامی و ناخشنودی از داشتن زندگی رضایتمندانه در وطن باشد. این پرسش‌های مهم که افراد چگونه در فضای ارتباطی و شبکه‌ای جدید پس از مهاجرت هویت‌یابی می‌کنند، آیا لزوماً خروج فیزیکی از شبکه روابط وطنی را موجب می‌شود؟ و به معنی خروج تام‌وتمام فرد از وطن است؟ متغیر سن افراد در این میان چه نقشی دارد؟ در جامعه‌ای ایدئال که افراد بدون نگرانی می‌توانند با وطنشان ارتباط بگیرند، چه تحلیلی از منظر علم ارتباطات در این باره می‌توان داشت؟ با این پرسش‌ها با دکتر هادی خانیکی، مدرس ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی گفتگو کردیم که در ادامه می‌خوانید:



مصاحبه با دکتر هادی خانیکی

استاد ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

تحلیل پدیده مهاجرت نخبگانی که تمایلی به بازگشت به ایران ندارند، منظومه‌ای از رویکردهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را می‌طلبد که با در نظر گرفتن هر دو سوی این مسئله یعنی «دولت و نهادهای اجرایی» و «منظومه مهاجران و یا حتی مسافران فرهنگی» باید بررسی شود.

در بررسی رفتن به اجبار یا به اختیار افراد، باید به تعریفی نسبت به نخبگی رسید؛ نخبگی را باید فراتر از بررسی صرف موفقیت افراد در زمینه‌های تحصیلی بدانیم. در واقع معیارهایی مانند برخورداری از سرمایه فرهنگی، داشتن تعلق خاطر مؤلفه‌های دقیق‌تری است. دکتر قاسم غنی هم که پزشک برجسته و مسلط به شناخت فرهنگی ایران و ادیب سرآمدی هم هست، در سال ۱۳۱۴، در مقدمه‌ای بر کتاب «طبیبت در جامعه» نوشته دکتر شهرازی می‌نویسد: دانشجویی که با نمره خیلی خوب از دانشگاه فارغ‌التحصیل می‌شود، اما ادبیات شعر و ایران را نمی‌شناسد، نسبت به دانشجویی که نمره قابل قبولی می‌گیرد ولی فرهنگ و ادبیات کشورش را می‌شناسد از درجه نخبگی کمتری برخوردار است. برای ریشه‌یابی این مسئله باید ضعف‌های نظام آموزشی را بررسی کرد. اما نکته مهم‌تر این است که چطور می‌شود در این زمینه تعلق خاطر افراد را تقویت کرد؟ پاسخ ساده‌انگارانه‌ای ست اگر تصور کنیم که این امر با برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی به‌تنهایی رخ خواهد داد. دیوید راس، اصولی اخلاقی را در کتاب «فلسفه اخلاق»، مطرح می‌کند؛ اصولی که در فضای ذهنی و رفتاری افراد ایجاد می‌شود. اصول مهم اخلاق کاربردی مانند وفاداری، سودرسانی، نیازمندی، عدالت، جبران و قدردانی و ارتقا و بهبود خود.

● **به نظر می‌رسد «تعلیق» در زیست انسان مهاجر امروز، پدیده‌ای ثابت و روزمره است! از این حیث که او در رویای تغییری بزرگ، حتی به عناصر تعیین‌کننده روزانه‌اش هم (زبان، روابط، اشیا و حتی موطنش) نگاهی ماندگار ندارد. جهان‌بینی چنین انسانی که همواره «چمدانش را بسته» است چگونه در سرزمینی جدید، به‌عنوان وطن بازتعریف می‌شود؟ جهان‌وطنی در این میان چه نقشی دارد؟**

پیش از پاسخ به این پرسش لازم است که مقدمه‌ای مطرح شود، از وقتی که پدیده مهاجرت نخبگان یا چرخش مغزها برای ایران یا هر جامعه در حال‌گذاری، مسئله شده، چگونگی مواجهه خود افرادی که مشمول این روند می‌شوند، اهمیت پیدا کرده است. همان افرادی که با انگیزه‌های مختلف تحصیل، اشتغال، زندگی به سرزمینی دیگر مهاجرت می‌کنند و برای پاسخ به این پرسش‌ها، رویکردهای مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی مطرح شده است.

به‌عنوان امر پیشینی این بحث، وقتی پدیده‌های جدیدی مانند جهان‌به‌هم‌پیوستگی و یکپارچگی‌های متأثر از رشد فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در شمول و فراگیری مهاجرت مؤثر بوده است، تحول یا انعطاف‌هایی هم در رویکردهای ارتباط با مهاجران مانند استفاده از توان علمی و سرمایه دانشی و حرفه‌ای‌شان هم مطرح شده است.

طبیعتاً اولین مسئله‌ای که در همه رویکردهای تحلیلی مرتبط با این مسئله وجود دارد، با این سؤال همراه است که بدون مغایرت با اصل ارتباطات بین‌المللی چرخش نخبگان چگونه از هدررفت سرمایه می‌توان جلوگیری کرد؟ چرا که بین‌المللی شدن دانش و جهانی‌شدن مهاجرت نخبگان امری جاری و اتفاقاً این نکته منجر به وجود قابلیت علمی برای بهره‌بردن از ظرفیت نخبگان است.

اما چه زمانی ما در این چرخه متضرر می‌شویم؟ در وضعیتی که در مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی انقطاعی یا گسستی رخ می‌دهد، در آن زمان است که ما سرمایه‌های مهمی را از دست می‌دهیم. مانند زمانی که منابع و ذخایر نفتی‌مان را در بازارهای جهانی خام‌فروشی می‌کنیم. در خصوص



آن‌ها کسانی هستند که در ایران مسئولیتی داشتند یا از خانواده‌های شهدا بودند. با همان تجربه می‌توانم بگویم که رویکرد دوم، سیاست‌هایی است که برای بازگشت اتخاذ می‌شود. اینکه چه کار کنیم که آن‌هایی که در جامعه دیگری ماندند و در آن جامعه حل شدند را برگردانیم؟

این رویکرد هم با مشکلات زیادی مواجهه است. چون کسانی که رفتند در مواردی تا حدود زیادی از نظام اجتماعی سیاسی و حتی اقتصادی و وطنشان جدا شدند و فاصله گرفتند. تعلق خاطری اگر در کشور داشتند، رها کردند یا خانه و اموالشان را فروختند.

### ● پس با این تفاسیر با توجه به اینکه مهاجران نیز مایل‌اند در کشورشان مؤثر باشند راه عملی و کارآمد بهره‌مندی از متخصص‌های مهاجر چیست؟

آن‌ها در این سال‌ها به‌خصوص در این سال‌های کرونایی با تلفن‌های هوشمندشان در سوگ عزیزانشان نشستند یا در جشن‌ها حضور داشتند. از این رو می‌توان گفت که در رویکرد شبکه‌ای می‌توان از حضور مجازی افراد بهره‌برد، به این معنی که بدون حضور فیزیکی افراد، با حضور آن‌ها در شبکه علمی، حرفه‌ای و اقتصادی وطنشان از حضورشان کمک گرفت.

چراکه فرد مهاجری که از ایران می‌رود، بعید است در فرصت‌های مختلفی به یاد کشورش نباشد و در پی حل مشکلی از آن نباشد. با این ظرفیت می‌توان با استقبال از حضور ایرانیان خارج از کشور در شبکه‌های اجتماعی، مدنی، علمی و فرهنگی وطن به آن‌ها هم برای کمک کردن به کشورشان و برطرف شدن این حس دل‌تنگی کمک کنیم.

نمونه‌های زیادی از این افراد در تاریخ کشور ما حضور دارند که به شکل فیزیکی از کشور خارج شده‌اند اما در شبکه ادبی و فرهنگی کشور حضور داشتند. مانند محمدعلی جمال‌زاده، پرفسور رضا یا آقای مهدوی دامغانی. در میان متفکران علوم پایه و دیگر رشته‌ها هم کم نیستند. مانند مریم میرزاخانی و احساس تعلق خاطرش به مدیر مدرسه‌اش که همیشه به بزرگی از او یاد می‌کرد. ما می‌توانیم با تقویت تعلق‌های ارتباطی آن‌ها با وطن، در تقویت پیوندها مؤثر باشیم.

### ● در ماه‌های اخیر، با توجه کاربرهای فضای مجازی به نوشتن درباره مهاجرت و روایت فردی‌شان در مسیر مهاجرت، عبارت «خراب‌شده» درباره کشور از سویی و خرده روایت‌هایی درباره دل‌تنگی پس از مهاجرت از سویی دیگر مواجهیم. ارزیابی شما از این مسئله چیست؟

باید به شکلی پیشینی در این باره بیندیشیم که افراد در چه شرایطی وطنشان را ترک می‌کنند. تمایل جوانان ما نسبت به مهاجرت به دلیل تصویر هراسناکی است که آن‌ها نسبت به آینده دارند. یکی از آخرین مطالعاتی که در ایران در زمینه افکار عمومی در سال ۱۳۹۸ صورت گرفته، سه مسئله مهم را در این زمینه نشان می‌دهد:

۱- ترس از آینده به دلیل بی‌افقی، ۲- گسترش و تنوع نارضایتی، ۳- تضعیف ارزش‌ها و هنجارهایی که می‌توانست این همبستگی را تقویت کند. رشد این روندهای گسیتختگی ساز، در برابر روندهای همبستگی ساز، موجب می‌شود که جوانان ما با یاس، خشم، سردرگمی همراه کند. شاید ما در این برهه با رانش (راندن) مغزها مواجهیم. در مقابل هم قطب‌های مهاجری‌پذیر با شکار مغزها بهترین و آسوده‌ترین راه توسعه‌شان را در جذب منابع انسانی متخصص می‌بینند.

مهاجرت به‌طور کلی امر ناپسندی نیست. در تاریخ کشور ما ابوریحان بیرونی، ابن‌سینا مهاجرت کردند اما در شبکه ارتباطی فیلسوفان و ادیبان ایرانی ماندند. اما ما داریم جوانانمان را با انزجار و فرار از کشور خارج می‌کنیم. باید با جوانانمان اطمینان و امید عملی نسبت به آینده بدهیم.

در وضعیت مهاجرت، میان اصول مهم اخلاق از این منظر، تعارضی پیش می‌آید. برای مثال فردی که در وطنش نمی‌تواند به خواسته‌ها و اعتلای موردنیازش برسد، احساس ناکامی در وطن را تجربه می‌کند. این امر با تصور پشت کردن به وطنی که محل رشد و پیشرفت او بوده است در تعارض است. در واقع فرد مهاجر برای ارتقا و اعتلای خود مهاجرت می‌کند و این نکته مغایر با سکونت در سرزمینی است که مانع از این رشد شده است. برای مثال در طرح ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» که در سال‌های ۸۲، ۷۹ و ۹۴، بررسی شده، نشان می‌دهد که ارزش‌های ایرانیان به سمت فردی و مادی شدن است. به این معنا که به نظر می‌رسد، ارزش‌های فردی بر ارزش‌های جمعی چیرگی پیدا کرده است. در چنین وضعیتی است که هرکسی با ناکامی‌هایی که تجربه می‌کند ممکن است استنباط کند که در این کشور و جامعه جایی برایش نیست.

### ● اگر پدیده مهاجرت را به لحاظ ماهوی، به معنی رضایتی فردی برای تغییر عناصر تعیین‌کننده زیست روزانه‌اش در نظر بگیریم، چگونه میان زندگی در سرزمینی جدید و احساس تعلق او نسبت به موطنش را می‌توان منفک از هم دانست؟

اگر فردی به تفکیکی دقیق نسبت به تعارض منافع میان «میل به پیشرفت خود» و «احساس دین به وطن»، رسیده باشد. این تعارض‌ها برطرف خواهد شد. به‌طور دقیق‌تر این پرسش پیش می‌آید که آیا کسی می‌تواند هم‌زمان هم تعلق به جهان بزرگ‌تری داشته باشد و هم درد خانواده و وطن داشته باشد؟

لازمه آن نوعی تلقی همگرایانه نسبت به ملی‌گرایی و جهان‌وطنی است. در واقع نوعی وطن‌دوستی مستدل که مبتنی بر رعایت است. مهاجر در این حالت می‌تواند با جهان‌وطنی سازگار شود. ما نیز برای کمک به او می‌توانیم ساختارهایی ایجاد کنیم که بر اساس نقش‌آفرینی خودمان در منظومه‌ها و مجموعه‌هایی که یکی از عناصر نقش‌آفرین در آن هستیم، مؤثر باشیم؛ آن‌هم تفکر به احیا و تقویت سرزمین، فرهنگ و مردمش است در هر کجا که باشیم.

### ● در ادامه همین نکته ممکن است برخی از کشورها با این فرض که صرف خروج منابع انسانی‌شان به معنی ضرر و زیان است، ممکن است به سخت‌گیری‌های قانونی در خصوص خروج افراد داشته باشند، با توجه به سابقه شما در وزارت علوم، فرآیند اداری پیش از مهاجرت در کشور باروش‌های تسهیل‌کننده‌ای همراه است؟

برای همین مهم است که در کشورهای مقصد چه راهبردهایی در مقابل مهاجرت تعریف شود؟ برای مثال از دوران محمدشاه قاجار-اولین دوره فرستادن نخبگان به خارج از کشور- فکر می‌کنم سیاست‌های دیوان‌سالارانه و سخت‌گیری‌های بوروکراتیک وجود داشته که چه کار کنیم تا با سخت‌گیری‌هایی در مسیر رفتن این افراد، وقفه‌ای ایجاد کنیم؟ برای مثال با بالا بردن تعهدات مالی، دشوار کردن فرآیند آزاد شدن مدرک، تعهدات محضری. من با تجربه‌ای که سال‌ها در وزارت علوم داشتم، اتفاقاً برخلاف تصور افرادی که می‌روند و با تعهداتی نمی‌آیند، الزاماً کسانی نیستند که نسبت به سرزمینشان بی‌تفاوت باشند یا در اینجا تعلق‌های خاطر ضعیف‌تری دارند. اتفاقاً خیلی از





# «خراب شده»؛ واکنشی برای فرار از خویشتن یا وطن؟

گویی با حجم روزانه آمارهایی درباره مهاجرت گروه‌های متخصص از کشور، اظهارنظرهای سیاستگذاران و روایت‌های کوتاه و بلند افراد درباره مهاجرت، در اتمسفری از نگرانی و اشتیاق دائم، زندگی می‌کنیم؛ نگرانی برای آینده وطن از سویی و اشتیاق و نگرانی توامان، برای آن مسافری که قرار است در سرزمینی جدید، زندگی را با کیفیتی دیگر تجربه کند.

چه در این سوی بدرقه‌کنندگان در فرودگاه باشیم، چه در آن سوی مهاجرت‌کرده، زیست بدون حضور فیزیکی در شبکه ارتباطی پیشین، تجربه‌ای جدید است؛ تجربه‌ای که ممکن است با نوعی احساس تعلیق همراه باشد. در مجموع با این سوال که چگونه انسان در این تعلیق هویتی، می‌تواند عناصر حیات‌بخش روابط اجتماعی‌اش را بازتعریف کند، مهم‌ترین سوالی بود که در ضمن گفت‌وگو با عباس عبدی، جامعه‌شناس به آن پرداختیم که در ادامه خواهد آمد:



مصاحبه با عباس عبدی

روزنامه‌نگار و فعال اجتماعی





با واقعیت منطبق است؟ به نظر من در حال حاضر افرادی که از ایران مهاجرت می‌کنند برای توجیه خود تصویری صفر و یکی از دو طرف ارائه می‌دهند اما بعد از مهاجرت و آغاز زندگی در کشور مقصد متوجه می‌شوند که تصویری که از ایران ارائه می‌کردند آن‌طور نبوده و تحلیلی هم که از مقصد داشتند، چندان با واقعیت منطبق نبوده است.

### ● تصور می‌کنید مهاجرت (با هر دلیلی) تا چه حدی توانسته در ذهن ایرانیان مفهوم وطن/خانه جدید را محقق سازد؟

در مورد این سؤال من اطلاع چندانی ندارم که آیا مطالعه‌ای در این زمینه انجام شده است یا نه و اگر باشد من از آن بی‌اطلاعم که بخواهم بر اساس آن صحبت کنم اما برداشت من این است که اگر شرایط کشور مساعد شود، ما شاهد یک بازگشت قابل توجه از سوی ایرانیان به کشور خواهیم بود و این می‌تواند به این معنی باشد که ایرانیان خارج از کشور همچنان منتظر یک پنجره فرصت برای بازگشت به کشور و زندگی در سرزمین مادری خود هستند. حتی اگر بازگشت به صورت فیزیکی اتفاق نیفتد، احساس می‌کنم که یک حس تعلق خاطر یا بازسازی حس میهن‌دوستی اتفاق بیفتد؛ همچنان که ما در دوره اصلاحات شاهد آن بودیم و در آینده هم باید بر این حس میهن‌دوستی و کارکردی که دارد، تأکید کنیم. برداشت من این نیست که اغلب مهاجران به کشور پشت می‌کنند، هرچند که در میان این گروه افرادی هستند که پل‌های پشت سر خود را خراب می‌کنند و دیگر تمایلی برای حفظ رابطه با وطن ندارند و ترجیح می‌دهند که به‌عنوان یک شهروند در یک کشور خارجی شناخته شوند و فعالیت کنند. اما این کار به نظرم خیلی دشوار است چون که شخصیت فرهنگی یک فرد از دوان کودکی، نوجوانی و جوانی و تا ۲۵ سالگی شکل گرفته است و این افراد به راحتی نمی‌توانند در فرهنگ جامعه مقصد جذب شوند و هیچ معلوم هم نیست که واکنش جامعه مقصد در پذیرش یک فرد خارجی چگونه باشد. به خصوص اگر این تمایزات، تمایزاتی قابل‌ترمیم نباشند، مثل رنگ پوست و نوع چهره و ... که می‌تواند تشدیدکننده فاصله‌ها باشد. بنابراین بسیاری از افراد خصوصاً افرادی که بعد از شکل‌گیری عناصر اصلی فرهنگی خود مهاجرت می‌کنند شاید هرگز نتوانند به‌طور کامل در جامعه مقصد ادغام شوند اما این مسئله برای فرزندان آن‌ها یا نسل دوم مهاجران کمتر است و ممکن است که نسل دوم و سوم مهاجران تعلق خاطر کمتری نسبت به سرزمین مادری داشته باشند یا اصلاً نداشته باشند.

### ● شما بر حس میهن‌دوستی ایرانیان خارج از کشور تأکید داشتید و استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور را منوط به مساعد شدن شرایط دانستید. به نظر شما نگرش ایرانیان خارج از کشور نسبت به سال‌های گذشته چه تغییری کرده و در کل روند مساعد شدن شرایط را چگونه می‌دانید؟

اظهار نظر کردن درباره تحولات در نگاه مهاجران نیازمند وجود تحقیق معتبر است لذا اطلاعی ندارم. ولی اگر تغییرات ذهنی آنان را مثل مردم داخل بدانیم طبعاً باید گمان کنیم که در سال‌های اخیر مثبت‌تر نشده است.

**نکته مهم درباره مهاجرت از ایران، آن است که گرچه بیشتر هم مهاجرت در ایران وجود داشت، اما این روزها، افراد از همان ابتدا (پیش از آنکه فکر کنند به کجا می‌خواهند مهاجرت کنند)، می‌دانند که می‌خواهند کشور را ترک کنند؛ یعنی بیش از آنکه جاذبه‌های مقصد تعیین‌کننده رفتار مهاجرتی آن‌ها باشد، این دافعه‌های مبدأ است که مشکل‌آفرین شده است.**

### ● به نظر می‌رسد «تعلیق» در زیست انسان مهاجر امروز، پدیده‌ای ثابت و روزمره است! از این حیث که او در رویای تغییری بزرگ، حتی به عناصر تعیین‌کننده روزانه‌اش هم (زبان، روابط، اشیا و حتی موطنش) نگاهی ماندگار ندارد. جهان‌بینی چنین انسانی که همواره «چمدانش را بسته» است چگونه در سرزمینی جدید، به‌عنوان وطن بازتعریف می‌شود؟

به نظر من دو اتفاق در سطح ملی و جهانی رخ داده که موجب پیچیدگی این مسئله شده است. در سطح جهانی به نظر می‌رسد که پدیده جهانی‌شدن

موجب کاهش گرایش‌های ملی‌گرایانه و ناسیونالیستی شده است اما برخلاف نظر برخی‌ها که تصور می‌کردند، جهانی‌شدن گرایش‌های فراملی‌گرایانه را تقویت می‌کند، به نظر می‌رسد که این اتفاق نیفتاده است و جهانی‌شدن بیش‌ازپیش موجب تقویت گرایش‌های منطقه‌ای شده است. مثلاً در کشور ایران که کشوری متکثر به لحاظ فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌هاست، این روند مشاهده می‌شود. به‌علاوه مفهوم جدید از وطن متأخر است و بعد از انقلاب فرانسه شکل گرفته و بعد از این اتفاق بود که دولت‌ملت و کیفیت جدید در رابطه مردم با حکومت اهمیت بیشتری یافت و مرزهای مفهومی آن حتی به فراتر از سیاست، اقتصاد و فرهنگ گسترش یافت. گرایش‌های ملی‌گرایانه هم در اینجا بود که بروز و ظهور بیشتری پیدا کرد.

مسئله مهم‌تری که در سطح ایران اتفاق افتاده و به نظر من توجه به این امر برای ما مهم‌تر است، آن است که ما در گذشته مهاجرت و رفتن از وطن را داشته‌ایم، اما این مهاجرت به‌هیچ‌عنوان با هدف ترک وطن صورت نمی‌گرفت و دلایلی از جمله جذابیت‌های مقصد، تحصیل یا پیشرفت اقتصادی و حرفه‌ای، ازدواج و ... باعث مهاجرت افراد از کشور می‌شد. اما اتفاقی که در حال حاضر به وقوع پیوسته این است که افراد از همان ابتدا (پیش از آنکه فکر کنند به کجا می‌خواهند مهاجرت کنند)، می‌دانند که می‌خواهند کشور را ترک کنند؛ یعنی بیش از آنکه جاذبه‌های مقصد تعیین‌کننده رفتار مهاجرتی آن‌ها باشد، این دافعه‌های مبدأ است که مشکل‌آفرین شده است. بنابراین این افراد از همین‌جا می‌کوشند که رابطه خود را با وطن قطع کنند که این امر به دلایلی از جمله زبان، فرهنگ، خانواده و همچنین توانایی جذب این افراد از سمت کشور مقصد، امر دشواری است. در واقع ما در گذشته کمتر در معرض این‌گونه مهاجرت بوده‌ایم اما الان این مسئله شدت بیشتری یافته است.

اگر دقت کرده باشید، بعضی از افرادی که قصد مهاجرت و دل‌کندن از این سرزمین را دارند، فارغ از اینکه تفسیر آن‌ها درست است یا نادرست، اینجا را «خراب‌شده» می‌نامند. این یک کارکرد روانی برای افرادی است که قصد مهاجرت و دل‌کندن از کشور را دارند. در واقع این افراد با خراب‌شده‌خواندن ایران به دنبال کاهش بار روانی مهاجرت و بازتعریف مجدد هویت خود و آماده‌شدن برای سرمایه‌گذاری بر رشد و پیشرفت خود، مستقل از هویت قبلی در کشور جدید هستند. ولی مشکلی که این افراد با آن مواجه هستند این است که این مهاجران نمی‌دانند که تا چه اندازه در کشور و جامعه جدید پذیرفته خواهند شد؟ یا تصویری که از مهاجرت و زندگی در یک کشور خارجی دارند، چقدر

# «هتروتوپیا»؛ پس‌زدگی ساختاری و روان‌شناختی مهاجران در جامعه مقصد



ایمان واقفی

پژوهشگر و مدرس جامعه‌شناسی برنامه‌ریزی شهری



می‌گیرد. بافت‌های میزبان چندان پذیرای اعضای «خارجی» نیستند و برای محافظت از «خود» ناگزیر از حمله به آن‌اند.

اجازه دهید برای راه‌یافتن به بنیان‌های آسیب‌شناسانه‌ی مهاجرت، روزن‌نظری را از سطح زیستی-اجتماعی به سطحی هستی‌شناختی جابه‌جا کنیم. می‌خواهم تیشبه به ریشه مسئله‌ی مهاجرت بزمن تا ببینیم در بُن مهاجرت چه کاشته‌ایم.

غالباً مهاجرت را به شکل قرار گرفتن فرد درون جامعه و فرهنگی جدید می‌بینند. گویی تا قبل از مهاجرت ما با نوع خاصی از انسان‌ها (انسانی شبیه به خود) در تماس بودیم و بعد از مهاجرت با انسان‌هایی دیگر (احتمالاً افراد ناهمانند به خود). از این منظر مسئله صرفاً امکان تطبیق مهاجر با فضای کشور میزبان است. آیا مهاجر می‌تواند خود را با قواعد، هنجارها و ارزش‌های جامعه میزبان تطبیق دهد؟ یا پس‌زده می‌شود و به کنج عزلت فرو می‌رود؟ البته حالت میانی‌ای هم وجود دارد که یافتن یا ساختن کامیونیتی موافق درون فرهنگ میهمان است که پشت‌وپناه مهاجران باشد.

چه چیز پشت این رویکرد پنهان شده است؟ در این نگاه «خودی» مستقل و مجزا از دیگران پیش‌فرض گرفته شده است. گویی جامعه تشکیل شده است از افرادی مجزا و خود بنیاد که شروع به ارتباط‌گیری با چیزها و دیگران می‌کنند. این انسان مجزا و گسسته از دیگران، سنگ بنای

درست ۱۰ سال پیش در همین روزها مهاجرت تحصیلی کردم. از شهر و دیار خود کندم و درون شهری جدید قرار گرفتم. به فاصله کمتر از ۶ ماه پوستِ حول‌وحوش آن‌جم شروع کرد به خشک شدن و ترک برداشتن. سال‌ها بعد فهمیدم این درد، نشان بیماری خودایمنی است؛ بیماری حمله دستگاه ایمنی به خود بدن. سلول‌های ایمنی نقاط خارجی‌تر بدن را به عنوان دشمن، نشانه‌گذاری می‌کنند، به آن حمله می‌کنند و آرام‌آرام آن عضو خارجی را نابود می‌کنند. رژیم (خود) ایمنی‌ام وقتی فعال شد دیگر هرگز از لشکرکشی بازناهیستاد آرام‌آرام به دیگر اعضاء و جوارح هجوم آورد، اول ضعیف‌ترین مفاصل را نشانه گرفت. غضروف میان مفاصل انگشتان کوچک را جوید و فضایی تهی میان استخوان‌هایش باقی گذاشت. بعد نوبت زردپی‌های پا بود که زیر بار حملات رژیم ایمنی خُرد و خسته شوند. درد تاندون‌های متورم به قدری بود که دیگر به سختی می‌توانستم روی انگشتان پا بایستم. چرا ذکر این جزئیات دردآور و احتمالاً مشمئزکننده لازم است؟ به گمانم تجربه مهاجرت چیزی شبیه به این بیماری خودایمنی است. آنچه برای ارگان‌بیم‌زیستی‌ام اتفاق افتاد کم‌وبیش بازتاب آن چیزی بود که برای من درون ارگان‌بیم‌ اجتماعی کشور مقصد رخ داد. می‌توان به جای دستگاه ایمنی و اعضای بدن از رژیم اجتماعی و اعضای جامعه گفت؛ آنجا که عضوی از بدن/جامعه «غریبه» تشخیص داده می‌شود و مورد حمله قرار

من را تشکیل می‌دهند، پاره‌ای از وجود من‌اند که باهم رشد و نمو کرده‌ایم. خیابان‌های شهر، میدان، نام‌ها، نشانگان و نمادهای فضایی که در آن زیسته‌ام، همگی تکه‌ای از جان و روح من‌اند. حیات مدنی-سیاسی ما درون این پیکره‌های شهری ساخته و پرداخته شده است. هر فضایی مجموعه‌ای از کنش‌ها، امیال، ارزش‌ها، هنجارها و احساسات را درون ما و به واسطه‌ی ما سروشکل داده است. این فضاها شیوه‌ی خاصی از بودن را راه‌اندازی

می‌کنند. با قرارگیری در هر فضای شهری سبک زندگی خاصی به جریان می‌افتد و مجاری احساسی ویژه‌ای تحریک می‌شود.

وقتی از این فضای زیسته، از این پیکره‌ی اجتماعی-کالبدی کنده می‌شویم و در بافتی سراسر جدید کار گذاشته می‌شویم، فقط این نیست که مهمانی وارد خانه میزبانی جدید شده است؛ گویی که مسئله فقط پذیرا بودن میزبان و قدرت انطباق‌پذیری ما با قواعد و مناسک جدید است. کاملاً برعکس این نگاه غالب ما نه روابط و دوست داشته‌ها و خاطرات بلکه «خود» مان را جا گذاشته‌ایم: «بودن-با-دیگران/چیزها»-ی را واگذاشته‌ایم و از نقطه صفر قرار است هستی‌ای جدید برای خود بسازیم. تمام روابطمان، تمام نسبت‌هایمان، تمام نشانگان و معنایی‌ای که زندگی را برشان سوار کرده بودیم از دست رفته است. مهاجرت از دست دادن خود به سودای ساختن خودی جدید از نقطه صفر است. اما نه... نقطه‌ی صفری در کار نیست. نقطه صفر وقتی بود که همه، همه چیز را از آغاز باهم می‌ساختند. مهاجرت تجربه‌ی ورود و آشنایی با همدیگر و با محیط پیرامون نیست. ما وارد جزیره‌ای بکر و دست‌نخورده نشده‌ایم. ما با مهاجرت به درون بافت شهری‌ای پرتاب شده‌ایم که از پس تاریخ چند صدساله (و بلکه چند هزارساله) نسبت‌ها و روابطش سروشکل گرفته و بعضاً متصلب شده و رسوب کرده است.

### ● شباهت مهاجرت با «هتروتوپیا» در جامعه مقصد!

حالا می‌توانیم به جملات ابتدایی متن بازگردیم. تجربه مهاجرت، دست‌کم برای من، چیزی شبیه به بیماری خود ایمنی بود؛ حمله رژیم ایمنی به بافت‌هایی از بدن که غیرخودی تشخیص داده می‌شدند. ما با مهاجرت خودمان را جا گذاشته‌ایم و به سرزمینی وارد می‌شویم که همه خودها از پیش شکل گرفته‌اند. هستی‌های شکل گرفته ما را با شکل چیزی نا-خودی می‌بینند. ما برای آن‌ها شکل متفاوتی از «بودن» هستیم؛ بودنی با پیوندها، خاطرات، معانی، نشانگان و در یک کلام هستی‌ای سراسر متفاوت؛ عضوی غریبه درون بافت میزبان؛ عضوی که سر از جایی درآورده است که متعلق به او نیست. در علم پزشکی به این عضو «هتروتوپیا» گفته می‌شود؛ عضوی که درجایی غیر از جای معمول رشد کرده باشد؛ عضوی که متعلق به آن مکان نیست. مهاجرت تجربه‌ی وارد شدن یا دقیق‌تر تجربه‌ی ساختن هتروتوپیاست، ساخت دگرمانی که درون فضای مرسوم شکاف ایجاد می‌کند و نظم مستقر و تثبیت‌شده را برهم می‌زند. هتروتوپیا محل نظم حاکم است. یا باید به سرعت خود را به رنگ همان مکان غالب دربرآورد و یا با سنگین‌ترین مجازات‌ها تنبیه شود. مهاجر اما تا ابد یک هتروتوپیا باقی خواهد ماند، حتی اگر تا بیخ و بن شبیه جامعه میزبان شود. مهاجر از آن حیث که هستی خود را جایی در سوراخ سمبه‌های خانه جا گذاشته است، در خانه‌ی میهمان یک هتروتوپیاست. حالا با هتروتوپیا که خود را با رنگ یوتوپیا بزک کرده است و با هتروتوپیا که زیر ضرب و زور رژیم امنیت بافت میزبان له‌لورده شده است.

بحث‌ها و تحلیل‌هایی است که این روزها راجع به فرد مهاجر می‌خوانیم. اجازه دهید نام این «من مجزا و جدا افتاده» را انسان‌گرایی فرد محور بنامیم. انسان‌گرایی فرد محور، هر انسان را هستی‌ای مستقل و مجزا می‌بیند که با دیگر هستی‌ها (انسان‌ها و چیزها) در تماس است. در اینجا با قسمی «سیاست‌هستی» (onto-politics) روبرویم؛ سیاستی که به باور ویلیام کونولی (۱۹۹۵) شکل خاصی از «بودن» را در مقایسه با دیگر اشکال بودن، اصیل‌تر و محق‌تر

می‌خواند. در سیاست‌هستی ما ابتدا با نوعی فردگرایی پیشاجتماعی روبرویم؛ بودن انسانی را بودن منفرد و جدا و مستقل از اجتماع مفروض می‌گیریم. این خود جدا و منفرد است که در مرحله‌ی بعدی با هم‌جواری و دوست‌تازش ارتباط می‌گیرد، با همکارانش کار می‌کند، درون محیط پیرامونش قدم می‌زند و در شهر رفت‌وآمد می‌کند. بدین ترتیب فرد، دوستان، همکاران، خیابان، بناهای شهری و... هرکدام واجد «ماهیتی مستقل و مجزا» اند و به واسطه‌ی روابط اجتماعی-شهری با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند. در این نگاه هستی فرد به شکلی «ذاتی از پیش موجود» دیده می‌شود که درون فضاهایی از پیش ساخته قرار گرفته است؛ فضاهایی که چیزی جز چارچوبی خنثی و بی‌تفاوت نیستند.

وقتی «هستی» انسان‌ها را به شکل فردی مستقل و مجزا از دیگران و دیگر چیزها می‌بینیم، مسئله صرفاً به توانایی «فردی» مهاجر و زیرساخت‌های حمایتی نهادهای عمومی تقلیل داده می‌شود. آیا مهاجر، مهارت تطبیق خود را با فرهنگ جامعه‌ی مقصد دارد؟ آیا آن قدر انعطاف‌پذیر هست که مناسبات جدید را درونی کند؟ آیا جامعه میزبان گشودگی پذیرفتن مهاجران را دارد؟ یا به قدری نژادپرست است که با مهاجران برخورد قهرآمیز می‌کند؟

### ● «انسان‌گرایی اشتراکی»؛ درک توامان هستی انسان و شهر

به گمانم نگرستن مسئله مهاجرت از روزن انسان‌شناسی فرد محور بخش مهمی از درد و زخم مهاجرت را نادیده باقی می‌گذارد. در مقابل این رویکرد می‌خواهم از آنچه «انسان‌گرایی اشتراکی» است حرف بزنم؛ انسان‌شناسی‌ای که درکی متفاوت از انسان دارد و نسبتی متفاوت میان فرد و محیط پیرامون برقرار می‌کند. در این کار وام‌دار مفهوم «بودن-با» هستیم. برعکس «هستی منفرد مجزا»، «بودن-با» شکل خاصی از درجهان-بودن است؛ شکلی که با همان خط‌چین‌های مشخص شده در املاء کلمه‌ی درجهان-بودن خود را از برداشت‌های مرسوم و همیشگی متمایز می‌کند. مفهوم بودن-با نشان می‌دهد هستی انسانی تنها «با» و درون فضای پیرامونی شکل و قوام می‌گیرد. به بیان دیگر هستی ما نه در انزوا از محیط اطرافمان بلکه دقیقاً «با» و درون این محیط شکل و قوام می‌گیرد. خط‌چین میان بودن و با در اینجا حیاتی است. این خط‌چین می‌خواهد نشان دهد که «بودن-با» یک کل یکپارچه است، نه «بودن»-ی مجزا که «با» هستی‌های دیگر در تماس است. این فهم یکپارچه از «بودن-با» از یک طرف نسبتی متفاوتی میان فرد و محیط اطراف و از سوی دیگر رابطه جدیدی میان فرد با افراد دیگر برمی‌سازد. وقتی هستی انسانی را با عینک «بودن-با» بنگریم، آنگاه من-در-خیابان، من-کنار-بناهای شهر، من-با-دوستان، من-با-دلدادگان و هزار و یک رابطه و نسبت دیگر همگی بخشی از «من» اند و نه رابطه من با دیگران/دیگر چیزهای منفصل. نمادها و یادبودهای شهری از این منظر بخشی از هستی

۱- این مفهوم از ژان لوک نانسی با الهام از آثار هایدگر در حوزه مناسبات انسانی و مطالعات کامیونیتی بسط و گسترش می‌دهد.



# هر بار مهاجرت، صد بار دشوارتر!

روایتی از شوک‌های فرهنگی خروج و بازگشت



سیاوش خالدان

مدیرعامل موسسه توسعه دانش فردای ایرانیان (ایران نالچ)



چیزی که یک مهاجر بلافاصله پس از ورود به کشور مقصد با آن مواجه می‌گردد، شوک فرهنگی است. تفاوت‌های ریز و درشت، بین آداب‌ورسوم دو فرهنگ، سبک زندگی قبل و بعد از مهاجرت، آب‌وهوا، قوانین مدنی و قواعد اجتماعی و ... در بعضی از موارد تا چند سال برای فرد مهاجر لاینحل باقی می‌مانند. فرهنگ دائماً در حال تغییر و مستعد دگرگونی کشور ایران، این شوک فرهنگی را حتی برای ایرانیانی هم که چند سال دور از وطن زیسته‌اند، ایجاد می‌نماید. فرآیند هم‌بند شدن<sup>۱</sup> با جامعه باید به‌قدری تسهیل و تسریع گردند تا از مسائلی نظیر سرخوردگی، میل یا اقدام به مهاجرت مجدد، اتلاف منابع کشور و ... پیشگیری گردد. فقط یک

دوست عزیزم، کیوان ارزاقی، نویسنده حوزه مهاجرت، روزی می‌گفت: اگر برای مهاجرت کردنم از ایران، ۱۰ نیوتن نیرو مصرف کردم، برای بازگشتنم به ایران ۱۰۰ نیوتن نیرو لازم داشتم و الآن برای این‌که دوباره بخوادم مهاجرت کنم، ۱۰۰۰ نیوتن نیرو لازم است! همین مطلب ساده و کوتاه، به‌تفصیل توضیح می‌دهد چرا لازم است در تصمیم‌گیری‌های حاکمیتی به پدیده مهاجرت نگاهی کارشناسانه داشت؟ تازه، این مسئله فراتر از موضوع مهاجرت نخبگان است. دوست دیگرم، دکتر محمد مروتی، در سال ۱۳۹۳ در مصاحبه‌ای ریسک مهاجرت نخبگان در مقیاس کلان را برای جامعه‌ی ایران به‌خوبی توضیح داده است.<sup>۱</sup>

را مهیا کرده‌اند که با کم‌ترین بوروکراسی، حجم چشم‌گیری از دانش متخصصان ایرانی جهان‌دیده از بهترین دانشگاه‌های دنیا به ایران منتقل گردیده است؛ (۳) حمایت از متخصصان ایرانی خارج از کشور برای کارآفرینی و اشتغال‌زایی با تکیه بر ایده‌های لبه‌ی دانش و لبه‌ی فناوری، که به‌طور قطع، بهترین و زودبازده‌ترین راه برای توسعه‌ی ایران است، در اولویت نخست توجه خود قرار داده‌اند؛ و نهایتاً (۴) با برگزاری رویدادهای صمیمی، کم‌هزینه و متعدد در شهرهای مختلف دنیا، با تأکید

بر فاکتور چگالی علمی و تخصصی جمعیت متخصصان ایرانی در آن شهرها، بدون واسطه و بدون شعار، بهترین متخصصان ایرانی را در اقصی نقاط جهان به استفاده از این طرح، ترغیب می‌نمایند.

شبکه‌سازی، اما در این طرح، و به‌طریق‌اولی در تمامی طرح‌های حاکمیتی، کمتر از حد نیاز مورد توجه قرار گرفته است. از زاویه‌ای دیگر که به این مسئله بنگریم، مهم‌ترین عامل در استفاده از فرصت ارتباط با متخصصان ایرانی بازگشته به کشور، داشتن رکن اول زیرساخت توسعه (شما بخوانید مثلاً انتقال فناوری به داخل) کشور، یعنی فکر افزار است؛ که خود شامل فرهنگ پذیرش فناوری، دانش و تجربه‌ی استفاده از آن، تسلط بر فلسفه‌ی وجودی آن، تطبیق خوب و دقیق فناوری با مشخصات مقصد (بومی‌سازی)، دستورالعمل‌ها و فرآیندهای استاندارد بین‌المللی، دسترسی داشتن به ارتباط‌های بین‌المللی، ایجاد بانک‌های اطلاعاتی کامل، تحلیل‌های به‌موقع، مستمر، عمیق و دقیق از داده‌ها و روندها و ... است. اگر کمی دقیق شویم درمی‌یابیم که میزبانی خوب از این دسته از نخبگان چه امر ضروری و سودمندی می‌تواند باشد.

به دلایل متعدد، در این مکتوب، تنها تحلیل بخشی از ابعاد مسئله به رشته‌ی تحریر درآمد. امید است تا پایداری و توسعه‌ی فرآیندهای پرتیر و کم‌نظیری نظیر سامانه‌ی کانکت و نهادهایی مانند رصدخانه مهاجرت ایران با حمایت تمامی مسئولان و مدیران عالی‌رتبه‌ی کشور، تضمین گردد.

**یکی از ارکان توسعه‌ی پایدار،  
شبکه‌سازی بین‌المللی و بهره‌گیری از  
سرمایه‌های مادی و معنوی فرا سرزمینی  
است. حضور بیش از یک‌صد هزار ایرانی  
تحصیل‌کرده در کشورهای مختلف دنیا گرچه  
از یک زاویه می‌تواند تهدید به نظر رسد، اما  
از زاویه‌ای هم یک فرصت است.**

فرا سرزمینی است. حضور بیش از یک‌صد هزار ایرانی تحصیل‌کرده در کشورهای اتحادیه‌ی اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا برای تحصیل یا کار در سطوح مهارتی بالا<sup>۱</sup>، گرچه از یک زاویه می‌تواند تهدید به نظر رسد، اما از زاویه‌ای هم یک فرصت است. اگر بتوان شرایطی را مهیا نمود که از دانش و تجربه‌ی این افراد به نحوی بهره برد که اصلاح زیرساخت‌ها و توسعه‌ی ابعاد مختلف علمی و فناوری ایران، با استانداردهای به اثبات رسیده‌ی بین‌المللی میسر گردد، این تهدید به نحو احسن به فرصت بدل گشته است.

مرکز تعاملات بین‌المللی علم و فناوری با حمایت دکتر سورنا ستاری و دوراندیشی و ذکاوت طراحان و مجریان خوش‌فکر سامانه کانکت: همکاری با متخصصان و کارآفرینان ایرانی خارج از کشور، چهار مزیت اساسی هوشمندانه را محور فعالیت‌های خود قرار داده‌اند که به ترتیب اهمیت از این قرارند: پژوهش - آموزش و انتقال دانش و تجربه - تقویت اقتصاد دانش‌بنیان - شبکه‌سازی. این سامانه با (۱) طرح‌های پسادکتری، فرصت مطالعاتی و نظام‌وظیفه‌ی تخصصی، به مقوله‌ی «پژوهش»، که زیربنای لاجرم برای توسعه‌ی یک کشور است، به‌صورت کامل و جامع اندیشیده‌اند؛ (۲) برای انتقال دانش متخصصان ایرانی خارج از کشور به‌صورت «تدریس موقت» (استادان مدعو) یا دائمی (استخدام در آموزش عالی در طرح استادیاران جوان)<sup>۲</sup> و برگزاری «سخنرانی‌ها و کارگاه‌های تخصصی»، شرایطی

۳ - منبع: سال‌نامه‌ی مهاجرتی ایران: صفحات ۴۱ تا ۵۰



# نقدی بر اظهارنظرهای غیر معتبر در حوزه آمار و اخبار مهاجرتی



پرویز کرمی

مشاور معاون علمی و فناوری ریاست جمهوری و دبیر ستاد فناوری‌های نرم و توسعه صنایع خلاق



شفاف‌سازی فضای مه‌آلود مهاجرتی در کشور بوده است، اما به‌طورکلی حوزه مطالعاتی مهاجرت در کشور یک حوزه نوپا و جوان بوده و طی سالیان گذشته اقدام خاصی برای ظرفیت‌سازی و تربیت نیروی انسانی متخصص در این حوزه در کشور صورت نگرفته است و این عامل بی‌شک یکی از عوامل مهم افزایش مغالطه‌های آماری در حوزه مهاجرت در کشور بوده است. درواقع با علم و اذعان به افزایش برخی از شاخص‌های مهم مهاجرتی در کشور، نباید فراموش کرد که برای مواجهه با پدیده‌ای همچون مهاجرت که ابعاد مختلف، اثرات اقتصادی و اجتماعی گوناگونی دارد، نیازمند ظرفیت‌سازی، نهادسازی، توسعه سیستم‌های تخصصی و پایگاه‌های داده‌ای به‌روز در حوزه مهاجرت هستیم.

طی سال‌های گذشته مجموعه عوامل مختلفی موجب افزایش مغالطه‌های آماری و اظهارنظرهای غیرمستدل در حوزه مهاجرت در کشور شده است. در این یادداشت به‌طور اختصار به برخی از ریشه‌های شکل‌گیری این فضای غیرحرفه‌ای و اخلاقی در حوزه مهاجرت در کشور اشاره می‌کنم.

## ۱

اگرچه طی سال‌های گذشته رصدخانه مهاجرت ایران، بارها با ارائه گزارش‌های مستدل آماری سعی در بیان شفاف و متقن واقعیت‌های مهاجرتی داشته است و در همین راستا نیز انتشار سالانه سالنامه مهاجرتی گامی مهم در جهت نور پراکنی در راستای



## ■ ۲ ■

کشور (NSF) است. در واقع در این گزارش بسیار مفصل و جامع، آمار و اطلاعات بسیار متنوعی در زمینه شاخص‌های عملکردی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان خارجی ساکن در کشور آمریکا ارائه شده است. با این حال، تنها نکته‌ی مورد اتکای برخی از افراد با سوگیری خاص، اعلام «بالاترین نرخ ماندگاری فارغ‌التحصیلان دکتری ایرانی» در این کشور بدون اشاره به نرخ ماندگاری اتباع دیگر کشورها، سهم فارغ‌التحصیلان دکتری از کل دانشجویان و یا افراد تحصیل کرده ایرانی مقیم آمریکا، شرایط بازار کار فارغ‌التحصیلان دکتری در ایران و آمریکا و دیگر مسائل از این دست می‌باشد. در واقع نکته مورد نظر این است که در اینجا هیچ اصراری برانکار و یا سرپوش گذاشتن بر واقعیات آماری مربوط به مهاجرت دانشجویان ایرانی و یا عدم بازگشت آن‌ها به داخل کشور نیست، بلکه مراد بیشتر اشاره به تفسیرهای مغرضانه و یا استفاده ابزاری و جهت‌دار از آمار که غالباً با کارشناسی همراه نبوده و بسیار سطحی و عوام‌گرایانه می‌باشد.

## ■ ۴ ■

میل به انتخاب تیتروهای تلخ و گزنده از سوی رسانه‌های کشور و باهدف تحریک حساسیت و افزایش احتمالی مخاطبان یکی دیگر از آفاتی است که موجب فضا سازی و برهم زدن جو روانی جامعه می‌شود. متأسفانه این پدیده در چنین اخبار و انعکاس آمار مربوط به حوزه مهاجرت در کشور بسیار شایع است. به همین خاطر ژورنالیسم غیرتخصصی و تلخ نگاری رایج در حوزه مهاجرت را می‌توان دو آفت اصلی در این عرصه برشمرد که این آفت‌ها و آسیب‌ها می‌بایست توسط خود اصحاب رسانه که مسئولیت خطیری در جهت نمایندگی افکار عمومی بر دوش دارند، به رسمیت شناخته شده و برطرف شوند. اخیراً خبری در رسانه‌ها انعکاس یافته است مبنی بر اینکه "۸۲ نفر از ۸۶ مدال‌آور المپیادی مهاجرت کردند". اصولاً مشخص نیست که آمار و ارقام ارائه شده در این خبر مربوط به چه بازه زمانی و چه جامعه آماری است. این در حالی است که بی‌شک بدیهی‌ترین اصل در هنگام اشاره به آمار، صحبت از جامعه و نمونه آماری، ویژگی و روش جمع‌آوری اطلاعات است. بنابراین بدون اطلاع از ویژگی‌های جامعه آماری و روش ثبت و جمع‌آوری اطلاعات نمی‌توان قضاوت صحیحی در مورد صحت و وسقم آمار ارائه شده داشت. رسانه‌ها باید به این نکته توجه داشته باشند که اصرار در تیترو سازی و اغراق در برخی از شاخص‌های مهاجرتی، خلاف مؤلفه مهم صداقت با مخاطبان است که متأسفانه گویی به اصرار در برخی از خبرگزاری‌ها، دستاویز منفعت جذب حداکثری مخاطب شده است.

واقعیت تلخ این است که متأسفانه در فضای رسانه‌ای و اجتماعی کشور (که در آن میل شدیدی نیز به باورپذیری و باز نشر اخبار منفی وجود دارد)، بیشتر تکذیبیه‌ها و اصلاحیه‌ها دیده نمی‌شوند و یا اینکه به اندازه اخبار و آمار اولیه نادرست باز نشر نمی‌شوند. در واقع تجربه نشان می‌دهد که ضریب نشر و نفوذ تکذیبیه‌ها و اصلاحیه‌ها در برابر آمار و اخبار اولیه بسیار پایین‌تر است و این موضوع اهمیت دقت و حساسیت را در تهیه و انتشار آمار و اخبار اولیه مهاجرتی بیش از پیش نشان می‌دهد.

بی‌توجهی به جمع‌آوری داده‌های مهاجرتی از سوی ارگان‌ها و نهادهایی که توانایی انجام این کار را داشته و عدم انتشار رسمی داده‌های مهاجرتی موجود با هر توجیهی، بر فضای مه‌آلود مهاجرت در کشور دامن زده است. در واقع اهمال در ثبت داده‌های مهاجرتی توسط ارگان‌های ذی‌ربط و بعضاً محافظه‌کاری در انعکاس واقعیات مهاجرتی کشور موجب عدم شفافیت در حوزه مهاجرت در کشور شده است. طبیعی است که چنین شرایطی می‌تواند زمینه بحران‌سازی از موضوع مهاجرت خصوصاً مهاجرت نخبگان و تحصیل‌کردگان در کشور را فراهم نماید. به‌عنوان مثال، یکی از معروف‌ترین و شاخص‌ترین اظهارنظرها در حوزه مهاجرت مربوط به آمار خروج نخبگان از کشور است که بر آن اساس ادعا شده است: «کشور ایران دارای بالاترین نرخ خروج تحصیل‌کردگان (فرار مغزها) در میان سایر کشورهاست». تأکید مکرر بر این مدعا باعث شده است که حتی رسانه‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نیز این آمار را مورداتکا قرار دهند. در این بین منبع آماری که توسط رسانه‌های جمعی و حتی برخی از مسئولان ذی‌ربط مورد استناد و اتکا قرار گرفته است، گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF) است. شایسته این ادعاها بیان می‌دارد: «طبق آمار صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹ ایران به لحاظ مهاجرت نخبگان در میان ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه‌نیافته مقام اول را داشته است. طبق این آمار سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیل‌کرده برای خروج از کشور اقدام می‌کنند». جالب اینجاست که با بررسی‌های صورت گرفته مشخص گردید که گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹ اصلاً وجود خارجی نداشته و آمار مورد نظر نیز خلاف واقع است. متأسفانه نمونه‌های متعددی از این‌گونه اظهارنظرهای غیردقیق و خلاف واقع توسط مراجع مختلف یافت می‌شود که باعث سردرگمی و عدم شفافیت در حوزه آمار مهاجرت شده است. نکته جالب توجه این است که بسیاری از افرادی که در حوزه مهاجرت تاکنون آمار و یا اطلاعاتی ارائه کرده‌اند یا فاقد اطلاعات دقیق در این حوزه بوده‌اند و یا اینکه سمت و مسئولیت مرتبطی با این حوزه نداشته‌اند. به نظر می‌رسد اظهار نظر غیر کارشناسی در حوزه مهاجرت هزینه بالایی در کشور نداشته و به همین خاطر افراد و مراجع غیرمسئول، با اظهارات مسئولانه خود شرایط نامساعدی را در این حوزه به بار آورده‌اند.

## ■ ۳ ■

به نظر می‌رسد یکی از دلایل تمایل وافر افراد و جناح‌های سیاسی به اظهار نظر در حوزه آمار مهاجرت، خصوصاً در حوزه مهاجرت نخبگان، این است که این افراد و گروه‌ها سعی می‌کنند بعضاً با بزرگنمایی و غلو آمار مهاجرت را دستمایه اهداف سیاسی خود نمایند. نکته جالب‌تر آنکه تلاش غالب در ارائه آمار بیشتر سیاه نمایی و روایت تلخ‌ترین (بدبینانه‌ترین) تفسیر ممکن از شرایط مهاجرتی کشور و یا ارائه نامطلوب‌ترین شاخص عملکردی از میان شاخص‌های موجود در جهت تبیین وضعیت موجود است. مثال بارز این روایت و تفسیر خاص از آمار و گزارشات موجود، اشاره به نرخ ماندگاری فارغ‌التحصیلان دکتری ایرانی در کشور آمریکا در گزارش بنیاد ملی علوم این

## چرا مشتریان خبرهای تلخ بیشترند؟



جلال سمیعی

پژوهشگر ارتباطات

تکرار چندین باره انتشار آمار و ارقام نادرست مهاجرتی در رسانه‌های رسمی کشور و بازتاب گسترده آن، در کنار عدم وجود حس مسئولیت پذیری و مستندنگاری گوینده و همچنین وظیفه ذاتی رسانه‌ها مبنی بر صحت سنجی اخبار پیش از انتشار ما را بر آن داشت که ریشه این اتفاق ناگوار را فارغ از فرو افتادن در دوگانه انکار یا اثبات آمارهای مهاجرتی در کشور، از جلال سمیعی، پژوهشگر حوزه ارتباطات جویا شویم.

### یکم:

شبکه‌های اجتماعی نا‌شان را از بین خطوط رسانه‌های رسمی و حوزه‌های عمومی درمی‌آورند! انگیزه‌ی بسیاری از کاربران شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی از گشت‌وگذار در این کانال‌ها، سوای باخبر شدن از رخداد‌های روزمره و در واقع برآوردن نیاز ناشی از الگوی مصرف محتوا و رسانه‌ی خودشان، پیدا کردن همین سفید خوانی و ناگفته‌هایی است که در حوزه‌ی انتشار رسمی آن‌ها را نمی‌یابند. حرف‌هایی که در رسانه‌های غیررسمی و عمدتاً با هویت رسانه‌های فردی و شهروندی یا اجتماعی از افراد و گفتمان‌های منتقد و معترض بازنشر می‌شوند، روی خط حریص بودن مخاطبانی حرکت می‌کنند که نیازشان در دیگر کانال‌های پیام و اطلاعات برطرف نمی‌شود؛ این همان نیاز و اشتیاقی است که مهم‌ترین موتور انتشار انفجاری شایعات و خبرهای نادرست هم می‌شود.

### دوم:

قاعده‌ای قدیمی و تلخ در علوم ارتباطات اجتماعی می‌گوید خبرهای نادرستی که عمدتاً بر حادثه، آمار یا گزاره‌های جعلی یا دستکاری‌شده سوارند، آن‌چنان با عوامل شتاب‌دهنده‌ی بیرونی می‌توانند بازنشر و دیده شوند که تکذیب و تصحیح آن‌ها ذاتاً هرگز به اندازه‌ی آن خبرها دیده نخواهد شد! اشتیاق آدم‌ها به انتشار خبری متفاوت با جریان غالب رسانه‌ای (Main Stream) باعث می‌شود به دنبال چنین محتوای متفاوتی باشند؛ اگر یادمان باشد که یک کارکرد رسانه‌ها برای مردم تأمین حرف‌هایی برای گفتن است، حرف‌های تلخ، نکته، ممنوع و برخلاف جریان غالب همیشه مشتری تضمین‌شده دارند.

### سوم:

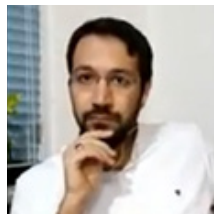
یک دلیل این‌که بسیاری از رسانه‌های رسمی و جدی هم در دروازه‌بانی خبر از خیر انتشار آمارهای تلخ و حوادث سهمگین تا آنجا نمی‌گذرند که حتی گاهی به دام انتشار خبرهای جعلی هم می‌افتند، درک همین نیاز و اشتیاق مخاطبان است؛ رسانه‌ها متاع پرفروش را به‌سادگی از کف نمی‌دهند و در پی دیده شدن بیشتر، گاهی شبیه همان مخاطبان‌شان انتشار را بر تأمل و بررسی بیشتر ترجیح می‌دهند تا از رقابت با دیگر رسانه‌ها عقب نمانند. قاعده‌ای که پیش‌تر درباره‌ی کم‌تر دیده شدن تصحیح خبرهای نادرست نسبت به دیده شدن خود آن خبرها گفتیم، در مشاهدات همگی مان بی‌نیاز از روش‌های پژوهش علمی هم قابل اثبات است.

### چهارم:

رسانه‌های رسمی و غیررسمی نمی‌توانند از این وسوسه بگذرند که گفتمان سازی همراهی با جریان‌های معترض و منتقد را دنبال کنند؛ ماجرا زمانی تلخ‌تر می‌شود که تلاش مراجع رسمی اطلاع‌رسانی برای تصحیح و تکمیل انتشار بخش‌های مثبت از اخباری که بخش‌های منفی‌شان برجسته‌سازی شده‌اند، عموماً ناکام و نادیده باقی می‌ماند؛ در واقع آمارهای رسمی همیشه می‌توانند تحت تأثیر عوامل محیطی مانند خشم و اندوه مخاطبان جامعه‌ی هدف، متزلزل شدن مشروعیت حاکمیت و رسانه‌های رسمی وابسته به نهادهای حاکمیتی، محدودیت در انتشار شفاف اخبار و منفعل بودن رسانه‌های رسمی در مدیریت بحران‌های خبری و... در تله‌ی جذابیت گفتمان خشمگین و بازنمایی تلخی‌ها گرفتار بمانند؛ این گرفتاری را خود رسانه‌های رسمی باید با اعتمادسازی، حرکت به سوی بازگشت به مرجعیت خبری، جایگزینی تصویر پاسخگو به جای تصویر تکذیب‌کننده و حفظ این جریان مستمر اعتماد افزایشی حل کنند. از دیگر سو، مسئولیت اجتماعی رسانه‌های رسمی و غیررسمی و کاربران در انتشار کامل و غیر گزینشی آمارها و خبرها نباید فراموش شود؛ معتقدم تله‌ی انتشار اخبار جعلی یا ناقص مثل یک سرنوشت محتوم می‌تواند دامن‌گیر خود منابع انتشار خبر نادرست هم بشود؛ اگر در راه جذب مخاطب، باد بکاریم، هرگز از درو کردن توفان در امان نخواهیم ماند.



# آیا همه دارند از ایران مهاجرت می کنند؟



سید مهدی فیروزآبادی

پژوهشگر دکتری علوم شناختی در دانشگاه شهید بهشتی



شبکه‌های اجتماعی بر سر جلب اقبال عمومی، میدان را باخته‌اند. بر این اساس، میزان تاثیرگذاری و نفوذ رسانه‌های دیجیتال بر ابعاد مختلف زندگی بشر مرتباً افزایش یافته است و در همین بستر ظهور پدیده‌های نوینی چون بازاریابی دیجیتال، تاثیرگذاران (اینفلوئنسرها)، حساب‌های اطلاعاتی، اخبار جعلی و ... را شاهدیم. نگاهی به نقش فزاینده شبکه‌های اجتماعی بر سبک زندگی، کنش‌های اجتماعی و سیاسی، انتخابات، اعتراض‌ها و سایر حوزه‌ها نشان می‌دهد که تصمیم‌ها و الگوی رفتاری در موضوع مهاجرت هم از رسانه‌های اجتماعی به شدت متأثر خواهد بود. قبل از پرداختن به پرسش اصلی این نوشتار، ابتدا یک تصویر کلی از مهاجرت ایرانیان را با استفاده از داده‌های رصدخانه مهاجرت مرور کنیم:

## ● تصویری خلاصه از مهاجرت ایرانیان

■ درباره نرخ مهاجرت دو شاخص متفاوت داریم. یکی میزان

پرسش اصلی در این نوشتار این است که رسانه‌های اجتماعی خصوصاً شبکه‌های اجتماعی چگونه بر رفتار مهاجرتی ایرانیان تاثیر می‌گذارند. در ادامه پاسخ این پرسش را با کمک چند نکته از علوم شناختی و شناخت اجتماعی جست‌وجو می‌کنم.

بنا به گزارش پایگاه نظرسنجی ایسپا در عرض کمتر از سه سال، از اسفند ۹۷ تا تیر ۱۴۰۰، در میان پرسش‌شوندگان ایرانی تعداد کاربران واتساپ از ۲۵ درصد به ۷۱ درصد و کاربران اینستاگرام از ۲۹ درصد به ۵۳ درصد رسیده است. در سال ۱۴۰۰ شاهدیم که برای اولین بار در طول تاریخ کشور، درصد افرادی که اخبار روز را از تلویزیون پیگیری می‌کنند با درصد افرادی که اخبار را از شبکه‌های اجتماعی دریافت می‌کنند، برابری می‌کند. معنای این داده‌ها چیست؟

این بدان معنا است که در کمتر از دو دهه و با سرعتی شگرف، شبکه‌های اجتماعی به پرمخاطب‌ترین و تاثیرگذارترین رسانه عصر ما بدل شده است. امروزه، رسانه سنتی همچون رادیو، تلویزیون و غیره با وجود پیشینه تاریخی غنی، در رقابت خود با



نتیجه آمار مهاجرت واقعی تغییرات قابل توجهی نداشته است.

### ● شبکه‌های مجازی و خطای ادراکی در وضعیت مهاجرت

شاید این روزها این عبارت را در میان مردم شنیده‌اید که «همه در حال رفتن هستند» ولی آیا واقعاً این چنین است؟ جواب خیر است. پیشتر توضیح داده شد که آمار واقعی مهاجرت در سال‌های اخیر تغییر زیادی نداشته است. پس چه شده است؟ به نظر می‌رسد به واسطه وضعیت جریان اطلاعات و شرایط روانی جامعه، مردم در تشخیص واقعیت مهاجرت دچار خطای ادراکی شده‌اند و ادراک آن‌ها با واقعیت موجود فاصله گرفته است (خطای ادراکی مثل وقتی که از یک فضای سرد وارد اتاقی گرم می‌شوید و دستگاه حسی شما در سنجش دمای محیط به اشتباه می‌افتد).

**سوالی بعدی این است که چه عواملی می‌تواند ادراک ما از موضوع مهاجرت را تحت تاثیر قرار دهد؟**

### ● سرایت هیجانی و مهاجرت

در شناخت اجتماعی پدیده‌ای داریم به نام سرایت اجتماعی (social contagion). فرض کنید در یک جلسه سخنرانی نشسته‌اید. ناگهان در میان سخنرانی یکی از حضار با عجله از اتاق خارج می‌شود. نفر دوم و سوم هم از پی او به سرعت خارج می‌شوند. باقی‌اش را می‌دانید. ممکن است در عرض چند لحظه رفتار هیجانی چنان سرایت گسترده‌ای پیدا کند که کل حضار در حال فرار به سمت درها باشند و کسی هم فرصت نکند عواقب و منطق این تصمیم را بررسی کند. اصلاً ممکن است این رفتار هیجانی آنچنان بالا بگیرد که واکنش جمعی منجر به خسارت و تلفات جبران ناپذیر شود.

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر میزان میل به مهاجرت افزایش داشته و همینطور گسترش کسب‌وکارهای مشوق مهاجرت، اجتماع را به سوی فراگیری هیجانی در زمینه مهاجرت سوق می‌دهد. مهاجرت فی‌نفسه و به‌خودی‌خود پدیده‌ای نامطلوب نیست و نویسنده هیچ قضاوتی درباره آن ندارد. ولی جدایی از عزیزان و ترک وطن یکی از مهم‌ترین، پرهزینه‌ترین و اضطراب‌آورترین تصمیمات زندگی هر فرد است. فراگیری هیجان مهاجرت سبب می‌شود افراد تحت تأثیر هیجان و به صورت نسنجیده و شاید نادرست تصمیم به مهاجرت بگیرند و در اثر این تصمیم نادرست خود، نزدیکان و جامعه را متحمل رنج و خسارات زیادی کنند.

### ● عوامل بنیادی مهاجرت را نباید منکر شد ولی ...

لازم است که ابتدا خواننده محترم را از یک برداشت اشتباه بر حذر دارم. صحبت از اثر سرایت هیجانی در مهاجرت به معنای نفی وجود عوامل متعدد به عنوان پیشران اصلی مهاجرت نیست. یعنی همانطور که در پژوهش‌های منتشر شده توسط رصدخانه مهاجرت هم اشاره شده است، اگر شما از افراد درباره دلایلشان برای مهاجرت بپرسید، مسائلی چون مشکلات معیشتی و نابسامانی اقتصادی، ناامیدی به آینده و... در صدر عوامل پیشران مهاجرت قرار دارد. اساساً بعید به نظر می‌رسد شخصی تصمیم دوستان و آشنایان به مهاجرت یا فضای روانی در شبکه‌های مجازی را به‌عنوان دلیل مهاجرت ذکر کند.

مهاجرت واقعی که صرفاً با بررسی آمار خروجی و ورودی مرزها مشخص می‌شود. دیگری هم ادراک و حس افراد جامعه از میزان مهاجرت است که لزوماً بر واقعیت منطبق نیست و متاثر از جو روانی، رسانه و عوامل دیگر است.

■ در زمینه مهاجرت افراد ۴ وضعیت دارند: اول افرادی که اصلاً میلی به مهاجرت ندارند. دوم افرادی که میل به مهاجرت دارند (desire to migrate). سوم افرادی که برنامه برای مهاجرت دارند (Plan to migrate). چهارم افرادی که برنامه خود را جامه عمل پوشانده‌اند و آماده و مهیای مهاجرتند (Prepared for migration).

■ در همه کشورها نسبت افرادی که میل به مهاجرت دارند بسیار بیشتر از افرادی است که در حال برنامه‌ریزی یا آماده برای مهاجرتند. برخی شواهد نشان می‌دهد که در کشور ما عوامل سیاسی و اقتصادی و تحولات اجتماعی در سال‌های اخیر این نسبت را افزایش داده است. به طور مثال بنا بر نتایج پیمایش‌های رصدخانه ملی مهاجرت ایران، میل به مهاجرت در میان گروه‌های مشاغل حرفه‌ای و استارت‌آپ‌ها در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

■ بر اساس آخرین پیمایش جهانی گالوپ در سال ۲۰۱۸، ایران در میان ۱۵۰ کشور رتبه ۸۷ را از نظر جذابیت برای مهاجرت افراد سایر کشورها به ایران و در زمینه ماندن اتباع ایرانی در داخل کشور است. کشورهای نیوزلند و سنگاپور در صدر این شاخص هستند. ایران در همین شاخص برای جوانان نسبتاً وضع بهتری دارد و در رتبه ۷۷ قرار دارد.

■ وضعیت نخبگان چگونه است؟ ۶۹ درصد رتبه‌های ۱ تا ۱۰۰ و ۷۸ درصد رتبه‌های زیر ۱۰۰۰ در کنکورهای سراسری از سال ۱۳۹۴-۱۳۸۰ در حال حاضر در داخل کشور اقامت دارند. (البته من معتقد نیستم که رتبه‌های برتر کنکور لزوماً نماینده نخبگان هستند) در زمینه شاخص فرار مغزها در سال‌های اخیر، وضعیت ایران به میانگین جهانی نزدیک تر شده است. رتبه ایران در این شاخص همواره از میانگین کشورهای خاورمیانه بالاتر بوده است هر چند که در سال‌های اخیر به شاخص خاورمیانه نزدیک شده است.

■ وضعیت مهاجرت ایرانیان در شاخص‌های بین‌المللی مهاجرت و در مقایسه با دیگر کشورها بحرانی نیست ولی در عین حال مطلوب هم نمی‌باشد. ضمن آنکه این شاخص‌ها در سال‌های اخیر تغییر محسوسی نیز نداشته‌اند. مثلاً در شاخص مهاجرت‌فرستی رتبه ۵۴ از ۲۳۲ و در شاخص مهاجرت‌پذیری رتبه ۲۳ از ۲۳۲ را داریم. در دانشجو فرستی رتبه ۱۹ و در دانشجو‌پذیری رتبه ۲۸ از ۲۴۱ هستیم.

■ جمع بندی از آمار مهاجرت ایرانیان: شاخص‌های مهاجرت در مقایسه با شاخص‌های جهانی بحرانی نیستند و در سال‌های اخیر با وجود افزایش فشارهای اقتصادی و سیاسی خصوصاً ناشی از تحریم، تغییر چشمگیری نداشته‌اند. به نظر می‌رسد علیرغم افزایش میل به مهاجرت در میان ایرانیان، ظهور همه‌گیری کرونا، کاهش توانمندی اقتصادی ایرانیان به واسطه مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها سبب افزایش موانع و هزینه‌های مهاجرت شده و در

افزایش قارچ‌گونه کسب‌وکارهای مرتبط با مهاجرت شاهد خوبی بر افزایش تعداد افرادی است که تمایل یا برنامه‌ای برای مهاجرت دارند. کسب‌وکارهایی که در بیش از ۸۰۰۰ سایت و کانال مهاجرتی به صورت دائم در حال تبلیغ و ارائه تصاویری فانتزی و داستان‌های موفقیت (success story) از مهاجرتند و تجارتي پرسود بهم زده‌اند و بعضاً از قبال هر پرونده مهاجرت چند ده هزار دلار سود می‌برند. گزارش اخیر ماهنامه پیوست از کسب‌وکار تازه تاسیس برخی شرکت‌ها از موضوع ویزای استارت‌آپ نمونه‌ای از این دست است.

حتماً تا به حال متوجه بنرهای پرشمار تبلیغاتی در سایت‌های معتبر و یا پیام‌های تبلیغاتی اینفلوئنسرها با موضوع مهاجرت شده‌اید. با افزایش رونق کسب‌وکارهای مهاجرت، این کسب‌وکارها به کار خود تنوع داده‌اند و با اختصاص بودجه بیشتر حضور خود را در فضای مجازی افزایش داده‌اند و با تولید انبوه محتوای متنوع و تبلیغات گسترده در موضوع مهاجرت، اولاً نقش اصلی را در جهت‌دهی افکار عمومی حول موضوع مهاجرت ایفا می‌کنند و دوماً با استفاده از ظرفیت‌های بازاریابی دیجیتال بر ارائه تصویری آرمان‌شهری از مهاجرت تاکید می‌کنند. این مسئله از آن‌جهت نگران‌کننده است که تاثیرگذاران افکار عمومی در موضوع مهاجرت خود‌ذی‌نفع و سوداگر این بازار شده‌اند و هیچ تعهدی به ارائه تصویری مبتنی بر واقعیت از موضوع مهاجرت ندارند.

### ● مهاجرت ذهنی و تغییر هنجارهای اجتماعی

در طول تاریخ مهاجرت، همواره کشورهای مهاجرپذیر ظرفیت محدودی برای پذیرش متقاضیان داشته‌اند. همواره با افزایش متقاضیان مهاجرت، رقابت برای مهاجرت سخت‌تر شده، هزینه مالی و زمانی و ریسک مهاجرت بیشتر شده است. در نتیجه در جامعه امروز ایرانی، با افزایش میل به مهاجرت و افرادی که برنامه مهاجرت دارند، تعداد بازماندگان از مهاجرت هم رو به افزایش است. بازماندگان از مهاجرت در حالی که در داخل جامعه حضور دارند، در ذهن خود مهاجر هستند و از وطن دل بریده‌اند، برنامه‌ای برای ماندن ندارند و از حضور خود و زندگی فعلی خود رضایت ندارند. بازماندگان از مهاجرت به همراه مهاجران ذهنی و کسانی که در گیر و دار فرآیند طولانی و پر اضطراب مهاجرت هستند، تاثیر زیادی در سرایت هیجان تشدید مهاجرت دارند. درباره تعداد مهاجران ذهنی و بازماندگان مهاجرت و اثرات آن‌ها در اجتماع داده‌ی تجربی در دست نداریم.

با افزایش تعداد مهاجران ذهنی (افراد معلق در دوگانه رفتن یا ماندن) در اجتماع، خطر دیگر تغییر هنجارهای اجتماعی متناسب با موضوع مهاجرت است. به عبارت دیگر افزایش تعداد مهاجران ذهنی در جامعه می‌تواند عزم به مهاجرت را بدل به هنجار و توافق اجتماعی نماید و تصمیم به ماندن در کشور را مذموم و بدل به ضد‌هنجار نماید.

لازم به ذکر است تمامی آمار و ارقام مربوط به مهاجرت که در این نوشتار ذکر شد، برگرفته از سالنامه مهاجرت ایرانیان تهیه شده در رصدخانه مهاجرت دانشگاه شریف به همت دکتر صلواتی و همکارانشان است. ایجاد دسترسی عمومی و رایگان به اطلاعات و آمار علمی و دقیق به‌واسطه این تلاش ارزشمند، نقش مهمی در کنترل عملیات‌های روانی رسانه‌ای و کاهش اثر اخبار جعلی در حوزه مهاجرت خواهد داشت.



39,513 views

شروع به زندگی جدید   خدانگهدارتون

View all 2,587 comments

با آنکه عموم مردم فرآیند تصمیم‌گیری خود را کاملاً مبتنی بر منطق می‌دانند، ولی سوگیری‌های شناختی و تاثیرپذیری‌های اجتماعی جزیی جدایی‌ناپذیر و مهم از دستگاه منطقی انسان برای تصمیم‌گیری است. نظریات اقتصاد رفتاری و نظریات تصمیم‌گیری تلاشی علمی برای یافتن اثرات همین عوامل شناختی و روانی بر فرآیند تصمیم‌های انسان است.

پرسش بعدی این است که اندازه اثر سرایت هیجانی در مقایسه با اثر پیشران‌های مهاجرت چه میزان است؟ پاسخ دقیقی در این باره وجود ندارد. ولی قرآنی وجود دارد که نشان می‌دهد نقش شبکه‌های اجتماعی در فراگیری هیجانی در موضوعات اجتماعی در جامعه امروز ایران کم نیست.

به عنوان مثال رشد سریع تاثیرگذاران و کسب‌وکارهای بازار رمزارز و نقش آن در هجوم گسترده مردم برای خرید رمز ارزها را مشاهده کنید. علیرغم ریسک بالای سرمایه‌گذاری در این بازارها در مدت زمان کوتاهی تعداد زیادی از مردم متأثر از همین فضای سرمایه‌گذاری هنگفتی در این بازارها داشته‌اند و بعضاً متحمل خسارت زیاد شده‌اند. اقبال مردم به خرید املاک در ترکیه هم مثال دیگری از این رفتار است. به نظر می‌رسد نقش شبکه‌های اجتماعی در شکل‌دهی حرکت‌های توده (herding behavior) یا رفتار گله‌ای اصطلاح دیگری است که برای بررسی اینگونه رفتارهای توده‌ای در پژوهش‌ها به کار رفته است) روزبه‌روز زیادتر می‌شود و پژوهش‌ها در سنجش اندازه این اثر در رفتارهای مختلف تلاش می‌کنند.

### ● سوداگران مهاجرت و فضای مجازی

# همه می گویند: مهاجرت کن!



لیلا عراقی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران



باهم از پله‌های سلف پایین می‌رویم، عصبانی است و تند و تند دارد به من غر می‌زند، برای یک درخواست ساده در روال اداری آموزش و دانشگاه گیر افتاده و روزش را ضایع کرده‌اند. مطمئنم که پاسخگویی نیست و هیچ‌کس اهمیتی به مشکلش نمی‌دهد. ناامید است دنبال همه حرف‌ها مثل همیشه تکرار می‌کند: «من باید برم، واقعاً داره از همه چیز اینجا حالم به هم می‌خوره، همش عصبیم». همیشه بعد از تمام ناامیدی‌های کوچک و بزرگ خودش را به سرزمین آرزوها وصل می‌کند، به آنچه هنوز تعیین نیافته و او در قالب بهترین‌ها برای خودش تصویر می‌کند. از اشتیاقش برای رفتن می‌فهمم که فقط می‌خواهد برود به هر جا که اینجا نیست. غذایمان را می‌گیریم. جوجه چینی با آش رشته، از سر تعجب به هم نگاه می‌کنیم و لبخند معنی‌داری می‌زنیم. فکر می‌کنم چطور این ترکیب به ذهنشان رسیده، باینکه اولین بار است در زندگی‌ام این ترکیب غذایی را می‌بینم به نظرم بیشتر از سر بی‌حوصلگی است تا خلاقیت! بی‌حوصلگی نهادینه‌شده اینجا هم تکرار شده

دسترسی‌نداشتن به روایت‌هایی از زندگی واقعی افراد خارج از جنجال رسانه‌ای در ایجاد تصویری واقعی‌تر از مهاجران، مهاجرت و زندگی افرادی که در وطن مانده‌اند تأثیرگذار است. روایت‌های رسمی اصرار بر ارائه تصویری نخبه و شاد از افراد مهاجر و افرادی کم‌سواد و خسته در وطن دارند، این تصویرسازی‌های غیرواقعی سوژه‌ی آرزومند مهاجرت را به وجود می‌آورد. سوژه‌ای که در هر وضعیت‌ی تنها راه‌هایی را در رفتن جستجو می‌کند و در صورت رفتن و دست پیدا نکردن به آن تصویر رؤیایی بازهم لازم است تمنای خود را رو به‌سوی امری دیگر تعریف کند و این ماجرای سوژه آرزومند در «جستجوی خوشبختی» در بازنمایی امری دیگر از سر گرفته می‌شود.

## ● سکانس ۱: سلف دانشکده

۱ - The Pursuit of happiness، برگرفته از فیلمی به همین نام که بر اساس زندگی واقعی و تلاش‌های فردی سیاه‌پوست در جامعه آمریکا برای دستیابی به خوشبختی ساخته شده است.



فکر سلامتی خود نیستند وقتی ماشین بیرون می‌آورند، در اینجا (خارج) مردم اهمیت بیشتری به سلامتی و رعایت حقوق یکدیگر می‌دهند»/ دیگری پاسخ داده «تو هنوز نمی‌فهمی مشکل از ساختار است، فرض که نیاروند حمل‌ونقل عمومی مشکل دارد و درصد کمی از آلودگی مربوط به ماشین‌های شخصی است». یکی دیگر اذعان به بدبختی کرده و دیگری نویسنده را محکوم کرده که وقتی خارج است در مورد مردمان تحت فشار ایران اعلام نظر نکند و آن یکی با حسرت نوشته «خوش به حالتان که اینجا نیستین». «لکان» باور دارد که «آرزومندی انسان، آرزومندی دیگری است». لازم به توجه است که در این آرزومندی عدالت نیز نقش بازی می‌کند. آرزومندی حول امید برای پیوستن یا به دست آوردن دیگری شکل می‌گیرد، اما همان‌طور که «غسان حاج» به خوبی بیان می‌کند توزیع امید مانند هر توزیع دیگری در جامعه توزیعی نابرابر است. برخی در شبکه‌های امید جای دارند و برخی خارج از این شبکه‌ها هستند. نابرابری عیانی در آرزومندی هم وجود دارد. زندگی روزمره بسیاری حول خواستن «دیگری» شکل گرفته است. خواستن قوانین، سیاستمداران، رفتارها و محل زندگی دیگری. اما این خواستن منتج از خود دیگری، بالذات نیست. یعنی در واقع این کیفیت و نحوه بودن دیگری نیست که آرزومندی را حول آن شکل داده است بلکه میان ذهنیتی است که بر اساس شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شکل گرفته و مبنای آن نخواستن لحظه اکنون در این موقعیت جغرافیایی و تاریخی است.

### ● سکانس ۵: رادیو و تلویزیون ملی

در تاکسی نشسته‌ام و رادیو روشن است. گزارشگر در مورد رفتن ورزشکاران با مقامی مسئول مصاحبه می‌کند و او اصرار دارد که این رفتن آن‌ها دلایل سیاسی ندارد، چند نفری بوده‌اند و به دلایل شخصی رفتند و همه چیز مرتب و خوب است. این دیالوگ در ذهنم چرخ می‌زند و کمی عصبیم می‌کند. یاد آن دیگری می‌افتم که در تلویزیون گفته است «هر کس مثل ما نیست و ناراحت است برود!» مدت‌هاست که رادیو گوش نداده‌ام، شاید چون صبح‌ها بیشتر از شادی، آلودگی و خستگی دارد. تلویزیون هم ندیده‌ام. در دلم آرزو می‌کنم که ای کاش می‌توانستم برایش مالیات هم ندهم! البته این رویکرد رسانه‌های رسمی امری تازه نیست و قاعدتاً نباید عجیب باشد اما گویی دعوت پنهانی به رفتن دارد که عصبانیم می‌کند، گویی با رسانه‌های بیگانه در یک جبهه پیمان اتحادی نامیمون و سری بسته‌اند. شبکه‌های ماهواره‌ای دائم به دنبال تمام گزارش‌های خرابی و بی‌توجهی در مملکت، به دنبال تصویر پسر زباله گرد، محله بی‌آب و کشتن حیوانات تبلیغی از آن سوی آب‌ها نمایش می‌دهند. در این نماها خانواده‌های خوشحال در خانه‌ای مدرن و مجلل، کنار دریای نیلگون با لبخندی آسوده بازنمایی می‌شود. تصاویری ساده و اغراق‌شده از خوشبختی، آرامشی

## گفتگوهای رومزه، سیاست‌های اداری و دانشگاهی، رویکردها و تبلیغات رسانه‌های داخلی و خارجی همه و همه در مجموعه‌ای درهم‌تنیده و نامرئی در تبدیل مهاجرت به عنوان یگانه‌روش خوشبختی تأثیرگذارند.

است. گویی بی‌منطقی و شلختگی فکری حاکم بر همه چیز، خودش را به غذا هم رسانده و آنجا هم حکمفرمایی می‌کند. آش رشته سنتی است و جوجه چینی فرنگی. هیچ ربطی به هم ندارند، باهم خوردنشان معده را سنگین می‌کند و دنبال هم نمی‌چسبند، به طرز فاحشی این ترکیب بی‌ذوق است. انگار کسی این دو را کنار هم قرار داده تا ثابت کند همین است که هست دلمان نمی‌خواهد فکر کنیم! شاید هم نوعی احساس پیوستگی یا هویت‌یابی با فرهنگ جهانی در تقابل با فرهنگ محلی است. هویت‌یابی با جوجه چینی برای توجیه آش رشته!

### ● سکانس ۲: کتابخانه دانشکده

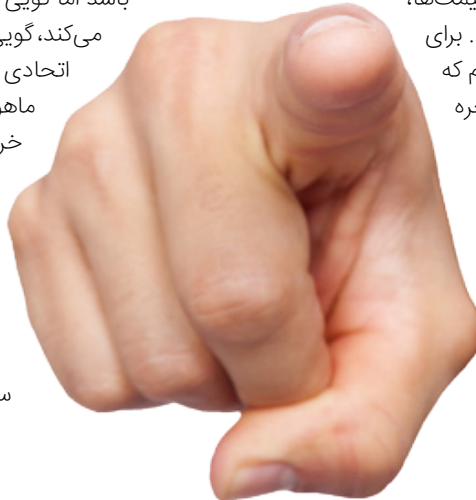
فرجه امتحانات است و کتابخانه شلوغ، بخصوص برای بچه‌های خوابگاهی این محیط بهترین جا برای تمرکز و درس خواندن است. تصمیم گرفتیم درخواست اضافه شدن روزها و ساعات استفاده از قرائت‌خانه را بدهیم. با اکراه برای دو هفته قبول کردند. خیلی مأیوس‌کننده بود که حتی برای استفاده از کتابخانه و درس خواندن هم باید ثابت کنیم که بسیاری از دانشگاه‌های دنیا کتابخانه‌هایشان همواره باز است. این نیاز به ارجاع به بیرون از جزئی‌ترین تا کلی‌ترین امور زندگی‌مان مانند طناب به دست و پایمان می‌پیچد. خارج همچون معیاری نامرئی و سنج عمل درست برای هر امری نقش بازی می‌کند. از آموزش تا بهداشت، از حمل‌ونقل تا ازدواج، از رفتار سیاستمداران تا زندگی مردم عادی. «همواره چیزی در بیرون است که رو به آن زندگی صورت می‌گیرد.»

### ● سکانس ۳: خانه

به خانه می‌آیم، سرم درد می‌کند وقتی هوا آلوده است، عجیب نیست، خبرها را چک می‌کنم بازهم فردا تعطیل است. یک ساعت بی‌هدف در سایت‌ها می‌چرخم، از سایت‌های فروش کالا تا سرچ دکترا! از ترکیه تا کانادا! بدون کوچک‌ترین هدف مشخصی! انگار فقط می‌خواهم مطمئن شوم خارج از این فضا «امکان‌ها» هنوز وجود دارند! انگار بعد از آلودگی هوا به همه چیز شک می‌کنم! وقتی نفس کشیدن را هم در این جهان از من گرفته‌اند، می‌خواهم مطمئن شوم امکان‌های دیگر پرواز نکرده باشند! حس می‌کنم ذهنم نسبت به «دسترس‌ناپذیر شدن ناگهانی» شرطی شده است! سقوط ناگهانی هواپیماها، جهش ناگهانی قیمت‌ها، تغییر ناگهانی قول‌ها، قطع ناگهانی اینترنت، ... برای هر کاری نفس را احتیاج دارم اما امیدی ندارم که حتی برای این ابتدایی‌ترین حق حیات هم پنجره اعتراضی برایم باز باشد!

### ● سکانس ۴: فضای مجازی

در توئیتر بازهم دعوا شده است. اخیراً بر سر هر مسئله‌ای ایرانیان داخل و ایرانیان خارج، موافقان رفتن و حامیان ماندن، طرفداران گریز و هواداران مقاومت به جان هم می‌افتند. کسی گفته «مردم خود به



بودن خارج، درخواست این خاص بودگی و خروج از وطن برای به دست آوردن آن» مشروعیت می‌بخشند و به تعبیر پیتر برگر «ساختارهای موجه ساز» را ایجاد می‌کنند، در نتیجه این دیدگاه‌ها به راحتی پذیرفته می‌شوند.

در اینجا، در این سوی مرزها و آب‌ها، انسان‌ها وجود دارند، فکر می‌کنند، تصمیم می‌گیرند، تلاش می‌کنند و در یک کلام زندگی می‌کنند. برای زندگی بهتر، شادتر، آرام تر، عمیق‌تر تلاش می‌کنند. افرادی که

در تکاپو هستند وضعیت بهتری برای خود و اطرافیان‌شان بسازند. در این مهد رفتن، در این سرزمینی که بازنمایی مرگ و خشونت شده، در زیر پوست این شهر آلوده و در امتداد تمام بی‌تدبیری‌های تصمیم‌گیران نالایق، زندگی در جریان است. و رای تمام رفتن‌ها عده بسیار زیادی مانده‌اند و هستند و بنا به جبر بودن ناچار به زندگی هستند. پس در اینجا هنوز زندگی جریان دارد و این زندگی در حال و اکنون در زیر سایه گفتمان غالب رفتن گم‌شده است. گویی آنچه اینجا در جریان است به هیچ وجه زندگی نیست بلکه «قرار است زندگی در مکانی دور و درجایی از آینده شروع بشود. وقتی چشم‌انداز آینده و امید در حال و در مرزهای ملی نمی‌گنجد، فرافکنی امید به آینده و خارج از این مرزها صورت می‌گیرد.» باوجود تبلیغات گسترده «زندگی در حال» و زیاد استفاده شدن این دست از جملات در کشور، این رویکرد در عمل جایگاه خاصی در زندگی افراد ندارد. «حال» تنها پلی جهت رسیدن به «خوشبختی» در آینده نامعلوم گشته است. تردید در زندگی اکثریت موج می‌زند، به مدد شبکه‌های مجازی و ماهواره‌ای، انبوهی از اطلاعات به سمت افراد سرازیر شده است، کافی است گوگل کنید تا از مدل دکمه لباس مردم عادی تا جزئیات زندگی سیاستمداران هر کشوری را ببینید و بشناسید، بنابراین آنچه مایه رنج است تردید است نه عدم اطمینان<sup>۱</sup>. اطمینان‌نداشتن، ناشی از اطلاعات ناکافی است اما تردید مرزی بین خواستن و نخواستن، بین دوست داشتن و تنفر است. تردید، امری که در پوشش «مهاجرت» نه تنها بر زندگی مهاجران بلکه بر زندگی روزمره، مکالمات، عمل‌ها و عکس‌العمل‌ها در هر فضا و هر طبقه‌ای سایه انداخته است. گفتگوهای رومزه، سیاست‌های اداری و دانشگاهی، رویکردها و تبلیغات رسانه‌های داخلی و خارجی همه و همه در مجموعه‌ای درهم‌تنیده و نامرئی در تبدیل مهاجرت به عنوان یگانه‌روش خوشبختی تأثیرگذارند. عدم دسترسی به روایت‌هایی از زندگی واقعی افراد خارج از جنجال رسانه‌ای در ایجاد تصویری واقعی‌تر از مهاجران، مهاجرت و زندگی افرادی که در وطن مانده‌اند تأثیرگذار است. روایت‌های رسمی اصرار بر ارائه تصویری نخبه و شاد از افراد مهاجر و افرادی کم‌سواد و خسته در وطن دارند، این تصویرسازی‌های غیرواقعی سوژه‌ی آرزومند مهاجرت را به وجود می‌آورد. سوژه‌ای که در هر وضعیتی تنها راه‌هایی را در رفتن جستجو می‌کند و در صورت رفتن و دست پیدا نکردن به آن تصویر رؤیایی بازهم لازم است تمنای خود را رو به سوی امری دیگر تعریف کند و این ماجرای سوژه آرزومند در «جستجوی خوشبختی» در بازنمایی امری دیگر از سر گرفته می‌شود.

### مهاجرت بر تمام رفتارهای روزمره ما سایه انداخته است. در سطوح گفتمانی و غیر گفتمانی دعوتی نهان به رفتن شکل گرفته، دعوتی که هر روز با طنین بیشتر خود را تکرار می‌کند و ماندگان و دنیایشان را حذف و در سایه مهاجرت قرار می‌دهد.

وصف‌ناشدنی که با سپردن دارایی خود به دست فلان وکیل یا فلان موسسه در کوتاه‌ترین زمان ممکن عمل می‌کند و مانند غول چراغ جادو زندگی رؤیایی برای شما در آن سوی آب‌ها ترتیب می‌دهد. از طرف دیگر تلویزیون ایران دعوت به رفتن می‌کند. مستقیم و غیرمستقیم ایران را متعلق به گروهی خاص می‌داند. گروه خاص قدرتمندی که حاضر به پاسخگویی نیست. «دیگری» اینجا مردم هستند، بی‌قدرتانی، که در گفتمان رسمی تبدیل به «دیگری بدون حق» شده‌اند.

هیچ‌کدام از این دو رویکرد تصویری واقعی از مردم واقعی نمایش نمی‌دهند. مردمی که در یک محیط فرهنگی، تاریخی و زبانی شکل‌گرفته و رشد کرده‌اند. روابط و جایگاه تعریف‌شده‌ای دارند و با مهارت‌هایی که امکان کسب آن را در طول زندگی به دست آورده‌اند امرارمعاش می‌کنند. انتخاب‌هایی دارند و به دنبال «تری»‌ها نیستند. نمی‌خواهند بهترین خانه، شیک‌ترین ماشین، خوش‌نام‌ترین دانشگاه یا پردرآمدترین شغل را داشته باشند. این رویکردی است که شبکه‌های ماهواره با نیازسازی کاذب سعی در القای آن دارند، نیازی که اگر پذیرفته شود سود کلانی برای واسطه‌ها و کشور مبدأ ایجاد می‌کند. هم‌زمان شبکه‌های داخلی سعی در ترسیم صبورترین، نجیب‌ترین و انقلابی‌ترین مردم دارند، باز هم ترسیمی که در صورت پذیرش منفعت استفاده از رانت حاکم را به اقلیتی خاص می‌دهد.

### ● سکانس ۶ : سازمان‌های دولتی

برای بیمه خویش‌فرما به شعبه ۲۲ تأمین اجتماعی رفته‌ام. درخواستم را مطرح می‌کنم من را به ساختمان دو کوچه بالاتر می‌فرستند و آن‌ها مجدداً من را به ساختمان اول بازمی‌گردانند. در صف ۴۰ نفر جلوی من هستند و فکر می‌کنم بدون این رفت و برگشت بیهوده شاید حداقل ۲۰ نفری جلو بودم. خانمی به باجه مراجعه می‌کند و می‌گوید به صورت آنلاین برای کارش وقت گرفته است. فکر می‌کنم چه جالب! من اصلاً نمی‌دانستم چنین امکانی در ایران هست، اما مسئول باجه بابت تفاوتی دوست دارد دست به سرش کند، می‌گوید ۴ دقیقه از وقتش گذشته اما دختر اصرار دارد که باجه را پیدا نمی‌کرده! با هم بحث می‌کنند و پیگیری دعوایشان از حوصله‌ام خارج است. تنها این گفته‌ی مسئول باجه مثل سیلی در گوشم می‌خورد، می‌گوید: «مگر اینجا سوئیس است؟» این جمله‌ی تکراری و آزاردهنده! حاوی این بار معنایی که «از آنجایی که همه می‌دانیم اینجا سوئیس نیست لطفاً هیچ‌گونه انتظاری نداشته باشید». به طور دقیق‌تر چون اینجا سوئیس نیست هیچ مسئولیتی پذیرفته نمی‌شود. احتمالاً او احساس مسئولیت می‌کند که مبادا به تنهایی باعث شود ما برای لحظاتی حس زندگی در سوئیس را پیدا کنیم! «خارج»، لازم است جایی آرمانی و دور از دسترس بماند چون امری مقدس! تصویری کامل و بی‌نقص که باید از ما دور باشد. تکرار و حضور همه‌جایی یک تصویر یکسان، جمله و تصویری که تکرار می‌کند: «اینجا سوئیس نیست و قرار هم نیست سوئیس بشود، پس حد انتظارات خود را پایین و پایین‌تر بیاورید، آن‌قدر پایین که اگر چیزی برایتان نماند به راحتی بروید.» این جمله در مجموعه فرآیندهای اجتماعی است که به کردارها و ایده‌ها و باورهای مشخص و معین حول «خاص

۱ - عربستانی، ۱۳۹۷  
۲ - Ambivalence  
۳ - Uncertainty

## «از، به»!

### دوگانه سیاه و سفید از بازنمایی مفهوم مهاجرت در گفتمان مردم و حاکمیت



مرضیه ادهم

دانش‌آموخته دکتری علوم ارتباطات اجتماعی



کسی که با جمله «من از این خراب‌شده، مهاجرت می‌کنم» یا کسی که می‌گوید «من به فلان کشور مهاجرت می‌کنم» متفاوت است. اولی انگار می‌خواهد فرار کند. ریشه را بکند. یک ری‌ست‌فکتوری کامل کند. انگار که وطن لکه ننگی است که باید به کمک تراپیست از ترومای متولدشدن درونش نجات پیدا کند و بعد برگردد به همه دروطن ماندگان سر افسوس تکان دهد. اما کسی که با جمله من به فلان خاک مهاجرت می‌کنم، داستان متفاوتی دارد؛ او وطنش را یک صندوق بنفشه کرده است، انگار یک خانه چندطبقه دارد می‌سازد که جا برای وطنش تنگ نیست و نیازی ندارد همه نشانه‌های قبلی را قربانی حال جدیدش کند. همه ماجرا در همین «از، به» و بازنمایی مفهوم مهاجرت خلاصه شده است، بازنمایی افراد به‌عنوان کسانی که می‌روند و بازنمایی افرادی که در وطن می‌مانند، چیزی که مشخص می‌کند مهاجر یک قهرمان، خائن یا هنوز یک هم‌وطن است.

بازنمایی مهاجرت در کشورهای مختلف چنان متفاوت است که گاهی مهاجر، یک قهرمان ملی و ایثارگر است که برای منافع کشورش رنج دوری از وطن را تحمل کرده است تا سفیر کشورش در جای دیگر باشد اما گاهی بازنمایی متفاوت است مانند فرزندی که نمک‌خورده و نمکدان شکسته است، که جواب محبت وطن را با تلخی ترک کردن وطن داده است.

«بوردیار» بارها در آثارش به بازنمایی حقیقت

اشاره می‌کند، اینکه چطور یک مفهوم به کمک بازنمایی، معانی مختلف می‌تواند داشته باشد. یکی از مهم‌ترین ابزار بازنمایی، رسانه‌ها هستند، رسانه‌ها به‌واسطه نشانه‌ها یک واقعیت بازنمایی شده را در اختیار مخاطبان می‌گذارند و قدرت واقعیت نمایش داده شده به حدی است که معنای یک مفهوم می‌تواند متناقض و متفاوت باشد.

بازنمایی مهاجرت در ایران یکی از مفاهیمی است که عموماً بار معنایی منفی به خود گرفته است. در اکثر تصاویر، فردی که عرق ملی

ندارد و به دنبال یک مدینه فاضله سراب‌گونه است، «اینجا» بودن را کنار می‌گذارد و به وطن پشت می‌کند و با افعالی چون ترک‌کردن، رهاکردن و پشت‌سرگذاشتن از وطن جدا می‌شود. در نتیجه همین بازنمایی رسانه‌ای قاعدتاً جای «دیگر» نمی‌تواند بازنمایی مثبت و خوبی داشته باشد در داستان‌های نمایشی فرد پیشیمان از این رفتن با گردنی خم و شکست‌خورده و اعتراف به این مفهوم که مهاجرت سرابی رویاگونه بیش نبوده، امکان بازگشت به آغوش مادر وطن را پیدا می‌کند. این



را نیز انکار کنند، زبان مشترک، مراسم‌های مشترک و حتی لباس‌های ملی همگی باید حذف شوند و هرچه بیشتر به جای قورمه‌سبزی، بتوانند استیک بهتری طبخ کنند، بیشتر در کشور مقصد جافتاده‌اند و مهاجرت موفق‌تری داشته‌اند. جدا کردن خود از دیگر مهاجران و مثلاً برتری در لهجه انگلیسی، فرانسه و هر زبان دیگری باز از نشانه‌های حذف کردن سرزمین مبدأ است. به نظر می‌رسد این حذف مبدأ در حال گذار است و با بیشتر شدن آمار مهاجرت، مفهوم مهاجرت در حال بازتعریف است.

تعداد بیشتر مهاجران از دو جنبه در تغییر بازنمایی مهاجرت اثرگذار بوده است. تعداد زیاد مهاجران و تغییر در روش ارتباطی که امکان به اشتراک گذاشتن تجربه زیسته‌ی افراد را تسهیل کرده است باعث شده به‌طور هم‌زمان مدینه فاضله بودن مکان «دیگر» و سراب بودن آن دچار خدشه شود و این پذیرش تکثر تجربه‌های مهاجرت در دیدگاه افراد در وطن و خارج وطن موجب یک پذیرش روادارانه از «دیگری» شده است، حالا به کسی که رفته است حق می‌دهیم، به کسی که مانده است هم حق می‌دهیم، کانادانشین می‌تواند عید نوروز را با همه شوک‌هش برگزار کند و اروپا نشین اگر در عزای حسین مجلس بگیرد مورد طعنه قرار نمی‌گیرد، اینکه از گروه‌های مختلف مهاجرت رخ داده است در این بازتعریف بی‌اثر نیست. از طرفی وقتی از هر حلقه خانوادگی و آشنایی دست‌کم یک یا دو نفر مهاجرت کرده‌اند در وطن ماندگان نیز بیشتر در مواجهه مهاجرت قرار گرفته‌اند و می‌پذیرند فردی نه به حالت فرزند ناخلف و قهر، که به حالت حق انتخاب محل زندگی مهاجرت کرده است. اما کلید گمشده این همزیستی، قدرت است، در زمان حاضر حکومت می‌تواند با تغییر زاویه خود به مسئله مهاجرت یک معضل و بحران را تبدیل به یک سرمایه اجتماعی کند و تک‌تک شهروندان خارج از خاک خود را به چشم یک سفیر فرهنگی و پیام‌رسان کشور خود ببیند و هزینه سرخوردگی و بحران تبدیل به فرصت متصل بودن و ارتباط به جهان بکند.

البته پیش‌شرط این نگاه، پذیرش بدون قید و شرط همگان به‌عنوان فرزند یک خانواده است، وطن نباید فرزندان سوگلی داشته باشد چنان‌که دیگران حس شهروندی خود را از دست دهند و تعریفی برای بود و نبود خود در این خاک نداشته باشند، خطری که حتی اگر منجر به مهاجرت فیزیکی نشود، مهاجرت ذهنی را در پیش دارد، این است که فرد از همه مسئولیت‌ها و عناوین در یک وطن بودن دست می‌کشد و عطای همبستگی اجتماعی و ملیت را به لقای آن می‌بخشد. همه جاداشدن‌ها، خشم‌ها و هم‌سرنوشت نبودن افراد در یک جامعه از همین مهاجرت ذهنی آغاز می‌شود. شاید این تغییر در مفهوم مهاجرت در افکار عمومی یکی از آخرین راه‌های نجات از بن‌بست بی‌تفاوتی اجتماعی و تنگ شدن حلقه خودی‌ها باشد. امری که برخلاف شکاف فیزیکی می‌تواند حوزه ارتباطات میان فردی و رواداری را توسعه دهد.

**بازنمایی مهاجرت در ایران یکی از مفاهیمی است که عموماً بار معنایی منفی به خود گرفته است. شکل‌گیری دوگانه سیاه و سفید در مورد مسئله مهاجرت در گفتمان مردم و حاکمیت باعث می‌شود ارتباطات انسانی برای مهاجران و ساکنان ایران دچار اختلال شود.**

دوگانه از مهاجرت، حس شرم، گناه و نیز برای بازماندگان حس خشم، خیانت را تداعی می‌کند. امری که باعث می‌شود ارتباطات انسانی برای مهاجران و ساکنان ایران دچار اختلال شود هرچند در سال‌های اخیر این بازنمایی همیشه‌مطرح در رسانه‌های رسمی، جای خود را به بازنمایی رویافروشی رسانه‌های رقیب داده است اما هنوز تعادلی برای مفهوم مهاجرت وجود ندارد. در بازنمایی سال‌های اخیر، این مسئله مطرح می‌شود که چاره‌ای جز مهاجرت وجود ندارد و تو حتی برای نیازهای اولیه بشری نیز باید از «اینجا» بروی، این بازنمایی هم سر دیگر طیف را نشانه رفته است؛ گویی تنها نگاه موردپذیرش نگاه اغراق‌گونه افراط و تفریط است و هیچ معنای میانه‌ای برای امر مهاجرت وجود ندارد.

نوع فرهنگ یک کشور در تعریف از معنای مهاجرت بسیار تأثیرگذار است. کشوری که دستان وطن را بلندتر از وطنش تعریف می‌کند و خیال را جمع می‌کند که تو هرجای این کره خاکی که باشی، من سرزمین مادری هستم، کشور را «ترک» نمی‌کند، بلکه آن بند ناف تعلق وصل است و او می‌داند قدمش هر لحظه به روی چشم وطن است، اگر یک‌زمانی با تابعیت کشوری دیگر، قصد بازگشت کند، به او به چشم یک جاسوس و یا سواستفاده‌گر نگاه نمی‌شود و می‌تواند تجربه‌های آموخته خود را به وطنش بازگرداند چیزی که در کشورهای چون هند، مالزی و سنگاپور حتی در صنعت سینما و آثار ادبی‌شان نیز به‌خوبی به تصویر کشیده می‌شود. قهرمان داستان می‌تواند پس از یک سدساختن، مدرسه‌ساختن یا هر عمل خیر همگانی دیگری حتی دوباره به کشور دومش برگردد و کسی به او نگاه منفی و جدا افتاده‌ای از وطن ندارد. این نگاه حتی دامنه وطن را به کشور دوم هم می‌برد و محله‌هایی ایجاد می‌شوند مانند محله هندی‌ها، چینی‌ها و عرب‌ها که همه سنت و فرهنگ سرزمین مادری را برای نسل دور شده از سرزمین مبدأ بازتولید می‌کند، حتی اگر شده با یک غذای ملی، رقص محلی و موسیقی، نشانه‌های قدرتمند فرهنگ ناملوس که گاهی در سرزمین اصلی چنان قوت و قدرتی ندارند ولی وقتی نقش گذرگاه فرهنگی و نخ اتصال به وطن اصلی را بر عهده می‌گیرند قدرت نهان خود را نشان می‌دهند.

بازنمایی به نگاه رسانه خلاصه نمی‌شود و در سبک زندگی مهاجران و افراد ساکن در کشور مادری نیز سایه می‌اندازد، اینکه ما رفتن یک نفر را شبیه ترک کردن ببینیم یا نه در تعاملات روزمره مان اثر می‌گذارد، گزاره‌هایی مانند اینکه «اگر راضی بودی چرا رفتی؟» یا «تو حق نداری در مورد کشور نظر بدی چون ایران نیستی» نمونه‌ای از همین نگاه خصمانه است و در ادامه اینکه ایرانیان مهاجرت کرده شدیداً از ایجاد یک انجمن یا محله دوری می‌کنند و یکی از معروف‌ترین نصایح مهاجرت این است که «با ایرانی جماعت دوستی نکن» و حتی اگر بتوانند برای یک هموطن خود کمک‌کننده باشند، عموماً پیش‌قدم نمی‌شوند، همگی از همین نگاه به مهاجرت و ترک کردن نشات می‌گیرد. چراکه چنان وطن را پشت سر گذاشته‌اند که باید همه نشانه‌های متصل بودن به آن

**در زمان حاضر حکومت می‌تواند با تغییر زاویه خود به مسئله مهاجرت، یک معضل و بحران را تبدیل به یک سرمایه اجتماعی کند و تک‌تک شهروندان خارج از خاک خود را به چشم یک سفیر فرهنگی و پیام‌رسان کشور خود ببیند و هزینه سرخوردگی و بحران تبدیل به فرصت متصل بودن و ارتباط به جهان بکند.**

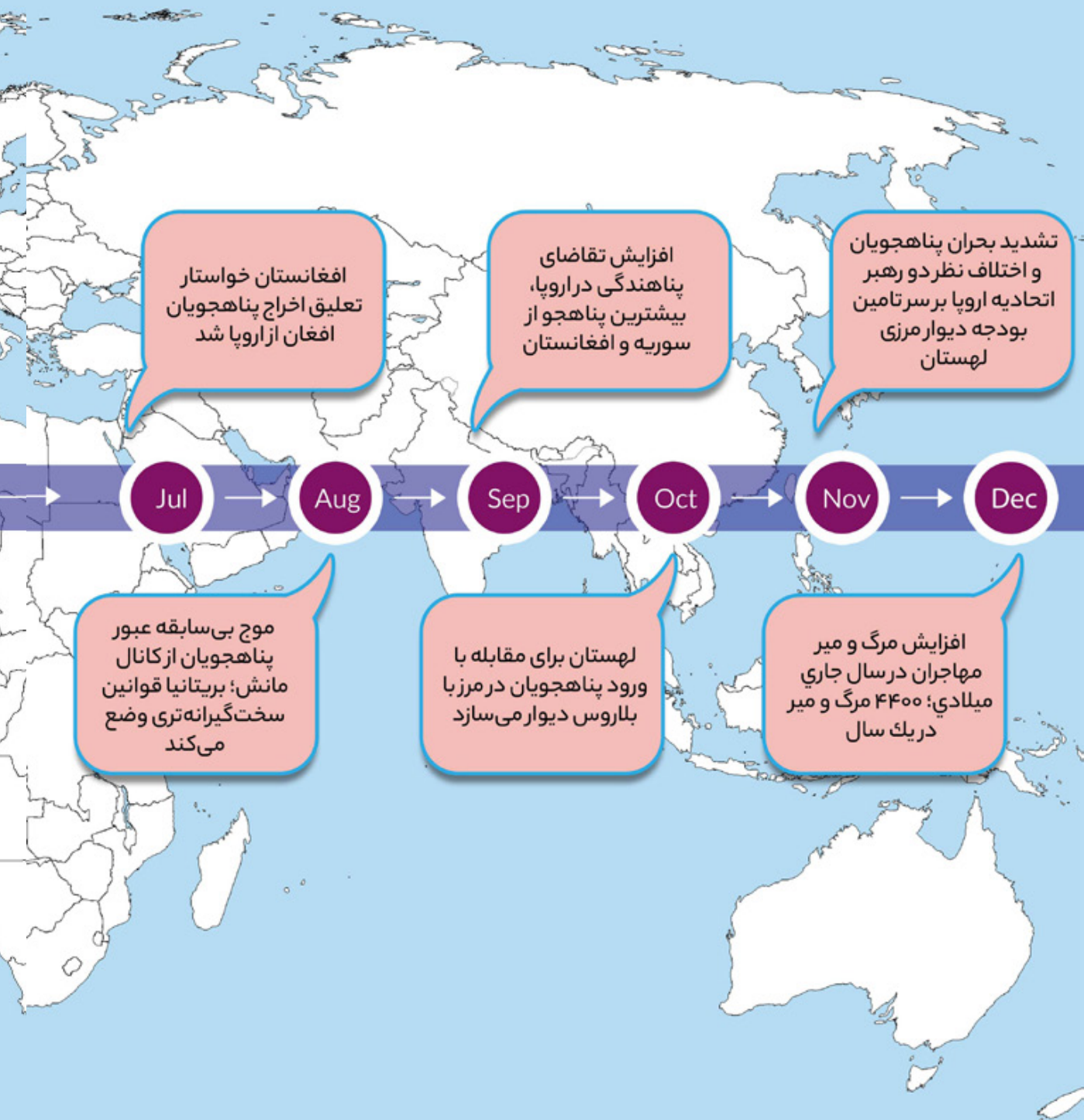


# جهان و مهاجرت



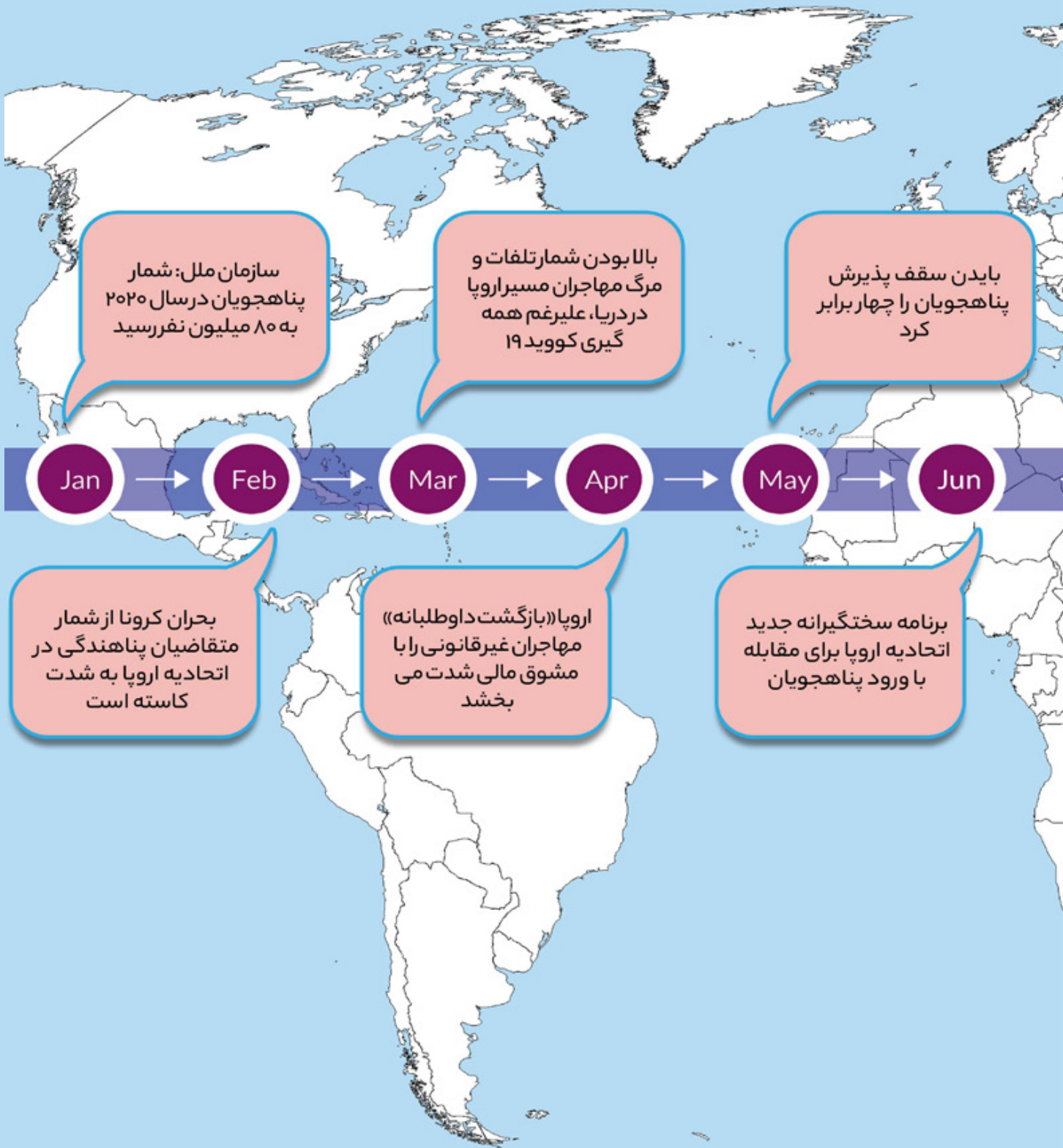
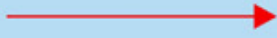


## مهم‌ترین اخبار مهاجرت‌های پناهجویی در سال ۲۰۲۱

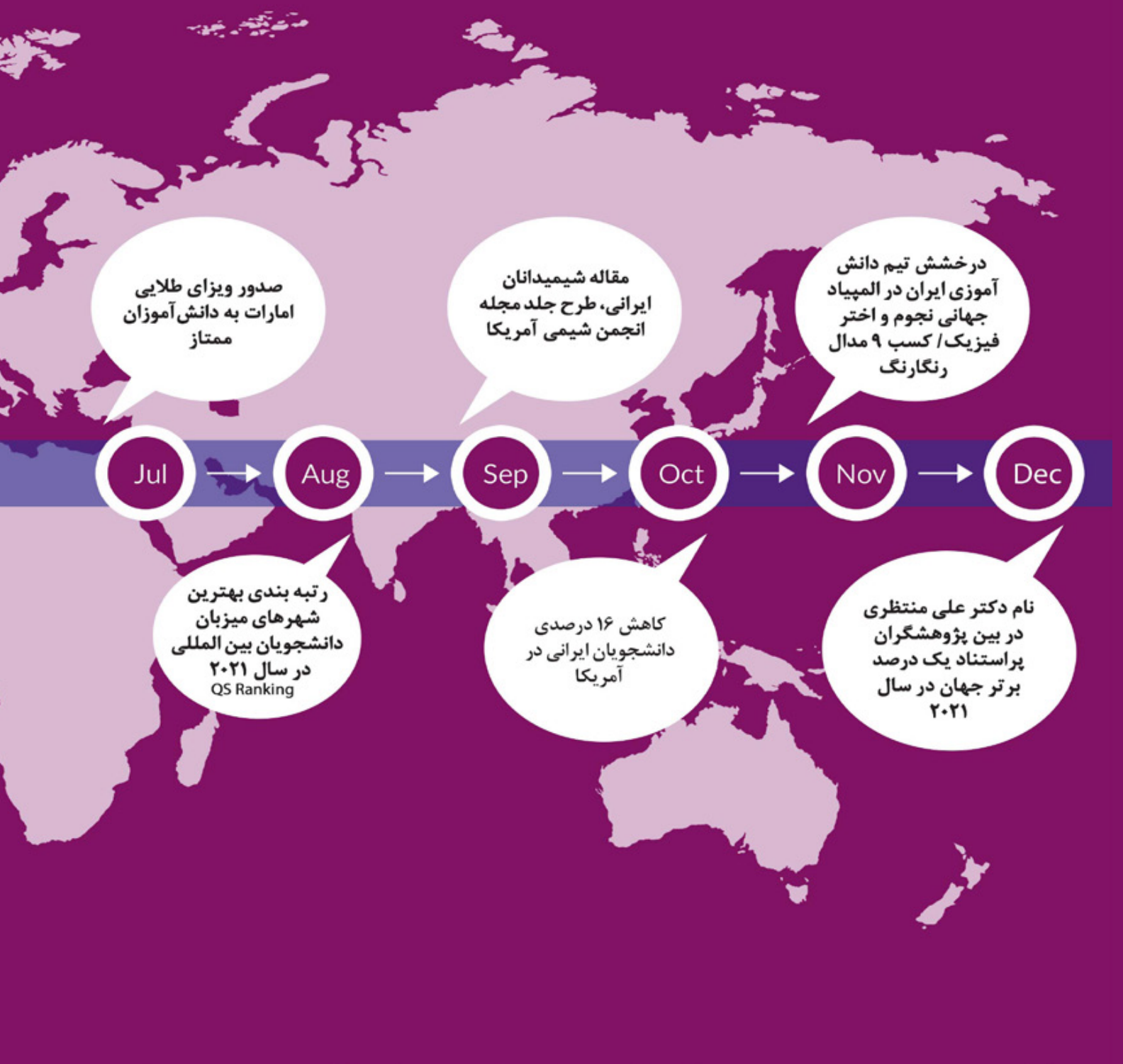




۲۰۲۱



# نگاهی بر مهمترین تحولات مهاجرت های دانشجویی در جهان و ایران در سال ۲۰۲۱



# 2021

ایجاد بورسیه به یاد  
دانشجویان قربانی  
هواپیمای اوکراینی

Jan

Feb

Mar

Apr

May

Jun

همه‌گیری ثبت نام  
دانشجویان بین‌المللی  
جدید در بسیاری از  
کشورهای جهان را  
متوقف کرده است

مدال فلورانس  
نایتینگل ۲۰۲۱ به یک  
پزشک ایرانی رسید!

منفی شدن نرخ ثبت نام  
دانشجویان بین‌المللی  
جدید در آمریکا در  
دوره ترامپ

جایزه تحقیقات کاربردی  
شورای دانشگاهی منابع آب  
به دو استاد ایرانی دانشگاه  
های آمریکا رسید

ضرر روزانه ۵ میلیون  
دلاری استرالیا از  
نیامدن دانشجویان  
بین‌المللی!



# نگاهی بر مهمترین تحولات مهاجرت های کاری و اقتصادی در جهان و ایران در سال ۲۰۲۱

گذرنامه مسافرتی  
کووید ۱۹ در اروپا  
اجرای شد

خروج ۷ میلیارد دلار  
ارز برای خرید خانه در  
ترکیه

رییس سازمان بین  
المللی مهاجرت:  
اقتصاد افغانستان در  
حال سقوط آزاد است

Jul

Aug

Sep

Oct

Nov

Dec

آلمان سالانه به ۴۰۰  
هزار نیروی کار مهاجر  
نیاز دارد

شهروندان اتحادیه اروپا  
برای سفر به بریتانیا نیاز به  
پاسپورت دارند

میل به مهاجرت در  
لبنان به بالاترین حد  
خود رسیده است

# 2021

بایدن فرمان ممنوعیت  
سفر اتباع هشت  
کشور به آمریکا را لغو  
کرد

کانادا در صدر مقاصد  
اصلی مهاجران کاری  
در دنیا

امارات اعطای تابعیت  
به شهروندان خارجی  
را تسهیل می کند

Jan

Feb

Mar

Apr

May

Jun

بررسی دلایل افزایش  
مهاجرت پزشکان و  
پرستاران

عوارض خروج از کشور  
برای مسافر عادی ۴۰۰  
هزار تومان شد

سفر ایرانیان به  
ارمنستان برای واکسن  
کرونا / تقاضا برای تور  
ارمنستان زیاد شد!

# فرصت‌سازی از مهاجرت تحصیل‌کردگان و نیروی کار

نگاهی به تجربه کشور هندوستان



میترا حسین پور

پژوهشگر رصدخانه مهاجرت ایران



مفید باشد. سیاست‌هایی که با هدف تشویق بازگشت نیروی کار ماهر طراحی شده‌اند را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱- سیاست‌های شبکه‌ای مهاجرت، ۲- برنامه‌های بازگشت موقت، ۳- برنامه‌های بازگشت دائم.

## ● سیاست‌های شبکه‌ای مهاجرت:

هدف این سیاست‌ها صرفاً تشویق بازگشت نیروی کار نیست، بلکه با هدف تقویت ارتباط میان نیروی کار ساکن خارج از کشور با داخل کشور طراحی شده است و وسعت آن می‌تواند متفاوت باشد. برخی از این سیاست‌ها کل جمعیت مهاجر را مورد هدف قرار می‌دهد و برخی دیگر کارآفرین‌ها، مهندسان، دانشجویان،

نیروی کار ماهر و افراد با تحصیلات دانشگاهی در میان گروه‌های مختلف در بازار کار بیشترین میزان جابه‌جایی بین‌المللی را دارند. در طی سال‌های اخیر با توسعه شرکت‌های جهانی و فضای کار بین‌المللی در این شرکت‌ها میزان جابه‌جایی این گروه افزایش پیدا کرده است. این افراد عموماً جوان و تحصیل‌کرده هستند بنابراین بازگشت آن‌ها به کشورشان و یا جابه‌جایی میان کشور مبدأ و مقصد می‌تواند در توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور مبدأ بسیار اثرگذار باشد. در کشورهایی مانند هند و چین که با شدت زیادی با این پدیده مواجه بوده‌اند سیاست‌گذاران برنامه‌های بسیاری برای تشویق بازگشت یا حفظ تعامل نیروی کار مهاجر با کشور خود طراحی کرده‌اند. تأمل در این سیاست‌ها، برای ایران که هم‌اکنون در حال تجربه رشد بالایی در مهاجرت نیروی کار ماهر است می‌تواند



شبکه‌های کاری میان نیروی کار ماهر در داخل و خارج کشور نیز کمک می‌کند و امکان بازگشت آن‌ها را برای بلندمدت فراهم می‌کند.

● **برنامه‌های بازگشت دائم:**

سیاست‌هایی که با هدف بازگشت دائم مهاجران طراحی می‌شود را می‌توان به دودسته تقسیم کرد: ۱- سیاست‌هایی که کارآفرین‌ها را هدف قرار می‌دهد. این سیاست‌ها شامل سیستم مالیاتی مطلوب، امکان حفظ تابعیت خارجی و

ایجاد پارک‌های فناوری است که نیروی کار بازگشتی بتواند در آنجا کسب‌وکار خود را شروع کند و از مزایایی نظیر معافیت از مالیات، فضای کاری رایگان، مدرسه برای فرزندان خود و غیره بهره‌بردار. ۲- سیاست‌هایی که پژوهشگران بخش دولتی را مورد هدف قرار می‌دهد. این سیاست‌ها شامل حقوق مناسب، فراهم کردن بودجه برای تحقیقات، فراهم کردن فرصت‌های شغلی و فراهم کردن خانه، مدرسه و اشتغال برای همسران افراد بازگشته است.

از میان کشورهایی که میزان مهاجرت نیروی کار در آن‌ها بالا است و از برنامه‌های ذکرشده برای تشویق بازگشت نیروی کار استفاده کرده است می‌توان به هند اشاره کرد. هند از جمله کشورهایی است که در دهه‌های اخیر مهاجران بسیاری به دیگر کشورها داشته است. عمده مهاجرت نیروی کار ماهر این کشور به کشورهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه و آمریکای شمالی بوده است. اطلاعات افرادی که متولد هند هستند اما در آمریکا زندگی می‌کنند به همراه اطلاعات کل مهاجران ساکن در آمریکا در سال ۲۰۱۹ در جدول ۱ مشخص شده است.

**نیروی کار ماهر و افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشترین میزان جابه‌جایی بین‌المللی را دارند. این افراد عموماً جوان و تحصیلکرده هستند بنابراین بازگشت آن‌ها به کشورشان و یا جابه‌جایی میان کشور مبدا و مقصد می‌تواند در توسعه اقتصادی-اجتماعی کشور مبدا بسیار اثرگذار باشد.**

دانشمندان و پژوهشگران را مورد هدف قرار می‌دهد. در دهه‌های گذشته انجمن‌هایی از متخصصان چینی در چندین کشور اروپایی و آمریکای شمالی تشکیل شده است. نمونه‌ای از چنین شبکه‌ای از دانشمندان چینی در ایالات متحده، انجمن بیوشیمی چینی-آمریکایی است. همچنین در چند سال گذشته، انجمن‌های دانشمندان چینی در چندین کشور اروپای غربی (مانند انگلستان و هلند) و در ایالت‌های ایالات متحده و در دانشگاه‌ها تشکیل شده‌اند. این انجمن‌ها

با برنامه‌های مستمری که با حمایت دولت انجام می‌شود ارتباط بین نیروی کار ماهر مهاجر با داخل چین را فراهم کرده و انجام پروژه‌های مشترک و حل مسائل موردعلاقه دو طرف را امکان‌پذیر کرده‌اند.

● **برنامه‌های بازگشت موقت:**

این سیاست‌ها در کنار سیاست‌های شبکه‌ای مهاجرت برای تشویق بازگشت نیروی کار به کشور طراحی شده است. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به ایجاد سیستم مالیاتی باهدف تسهیل فرستادن پول به داخل کشور و تسهیل راه‌اندازی شرکت‌ها در کشور در حالتی که محل اقامت اصلی افراد خارج از کشور است، اشاره کرد. همچنین برخی کشورها امکان دو تابعیتی بودن را به‌ویژه برای نسل دوم مهاجران فراهم کرده‌اند تا آن‌ها بتوانند به راحتی وارد کشور شوند. یکی از مثال‌های مستقیم این سیاست‌ها تشویق اساتید دانشگاه به برگزاری کلاس و یا انجام تحقیقات مشترک برای دوره‌های کوتاه‌مدت در کشورشان است. این سیاست به تشکیل

جدول ۱- مشخصات مهاجران ساکن در آمریکا در سال ۲۰۱۹

متغیرها	هند	کل مهاجران
جمعیت	۲,۶۸۸,۰۷۵	۴۴,۹۳۲,۹۰۱
افراد دارای تحصیلات تخصصی	٪۴۶٫۸	٪۱۴٫۲
صنعتی که در آن فعال هستند:		
کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، شکار و معدن	٪۰٫۵	٪۲٫۳۰
ساخت‌وساز	٪۱٫۲	٪۰٫۹
تولید	٪۱۱٫۲	٪۱۰٫۸
تجارت عمده‌فروشی	٪۱٫۹	٪۲٫۵
تجارت خرده‌فروشی	٪۹٫۷	٪۸٫۸
حمل‌ونقل، انبارداری و تأسیسات	٪۴٫۳	٪۶٫۱
اطلاعات	٪۳٫۵	٪۱٫۵
امور مالی، بیمه، املاک و مستغلات و اجاره و لیزینگ	٪۱۰٫۱	٪۵٫۵
خدمات تخصصی، علمی و مدیریتی	٪۲۹٫۹۰	٪۱۳٫۷
خدمات آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و کمک‌های اجتماعی	٪۱۹٫۸	٪۲۰٫۰
هنر، سرگرمی و تفریح و خدمات اقامتی و غذایی	٪۴٫۱	٪۱۰٫۸
سایر خدمات (به‌جز مدیریت دولتی)	٪۱٫۷	٪۵٫۸
مدیریت دولتی	٪۲٫۱	٪۲٫۴

توضیحات: متغیر تحصیلات تخصصی به‌صورت درصدی از جمعیت بالای ۲۵ سال که دارای تحصیلات تخصصی هستند تعریف شده است. متغیرهای مشاغل به‌صورت درصدی از افراد بالای ۱۶ سال شاغل در هر بخش تعریف شده است.

**سیاست‌های شبکه‌ای مهاجرت، برنامه‌های بازگشت موقت و برنامه‌های بازگشت دائم از جمله سیاست‌هایی هستند که با هدف تشویق بازگشت نیروی کار طراحی شده است. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به تشکیل انجمن‌های دانشمندان چینی در کشورهای اروپایی و آمریکا (سیاست‌های شبکه‌ای مهاجرت)، تسهیل فرستادن پول به داخل کشور، تسهیل راه اندازی شرکت‌ها و امکان دو تابعیتی بودن (برنامه‌های بازگشت موقت) و ایجاد پارک‌های فناوری، فراهم کردن حقوق مناسب و بودجه برای تحقیقات (برنامه‌های بازگشت دائم) اشاره کرد.**

باشند و وظیفه پشتیبانی علمی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی و دیگر محققان را بر عهده بگیرند که در ازای آن برای ماه اول ۱۵ هزار دلار و پس از آن هر ماه ۱۰ هزار دلار دریافت می‌کردند. همچنین برای جذب کارآفرینان و فعالین در صنعت مناطق ویژه اقتصادی و پارک‌های فناوری نرم‌افزار با قوانین تسهیل شده برای هندیان خارج از کشور و بازگشته ایجاد شد و معافیت‌های مالیات بر درآمد و معافیت‌های صادراتی برای آنان در نظر گرفته شد.

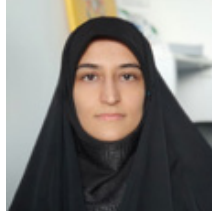
از نتایج این اقدامات و بازگشت نیروی کار ماهر می‌توان به صنعت فناوری اطلاعات در هند اشاره کرد. این صنعت ۷/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد و بیش از ۲/۸ میلیون نفر را به‌طور مستقیم استخدام کرده است. همچنین نظرسنجی‌ای که در سال ۲۰۰۲ از نیروی کار هندی در بخش فناوری اطلاعات سیلیکون ولی انجام شد نشان داد که تعاملاتی قوی میان آن‌ها و هند وجود دارد به‌طوری‌که ۵۲٪ از آن‌ها روابط تجاری با هند دارند و ۴۵٪ اظهار داشتند که ممکن است به‌طور دائم به هند بازگردند. ارتباطات فرامرزی یکی از اجزای موفقیت این صنعت بوده است، به‌طوری‌که مهاجران و کسانی که به هند بازگشتند از شهرت و ارتباطات تجاری خود برای ایجاد شرکت‌های تابعه و سرمایه‌گذاری مشترک استفاده کردند و به‌عنوان "مفسر فرهنگی" بین شرکت‌های آمریکایی و نیروی کار هندی عمل کردند. درواقع آن‌ها با شفاف‌سازی شرایط و فرهنگ هند برای شرکت‌های خارجی امکان همکاری میان آن‌ها را تسهیل کردند. این شرکت‌ها همچنین با انتقال دانش ضمنی نوآوری و انتقال اکوسیستم آن به داخل در توسعه و تغییر فضای کسب‌وکار به سمت توسعه و نوآوری اثرات زیادی گذاشتند و موجب رشد چشمی این صنعت در هندوستان شدند. به‌طوری‌که می‌توان گفت هندوستان توانست با استفاده بهینه از مخزن استعدادها خارج از کشور خود بزرگ‌ترین منبع ایجاد ارزش‌افزوده را در کشور خود بنیان نهد و یک سرمایه‌ازدست‌رفته را به فرصتی برای توسعه و خلق ارزش فناورانه تبدیل نماید.

با توجه به این جدول، هندیان حدود ۶ درصد از کل مهاجران آمریکا را تشکیل می‌دهند اما درصد بالایی از آن‌ها (به‌ویژه در مقایسه با کل مهاجران در آمریکا) دارای تحصیلات تخصصی هستند. به‌طوری‌که نزدیک به ۴۷ درصد هندیان بالای ۲۵ سال، دارای تحصیلات تخصصی هستند اما این عدد برای کل مهاجران در این کشور ۱۴ درصد است. با بررسی صنایع مختلف نیز درمی‌یابیم نزدیک به ۳۰ درصد از هندیان بالای ۱۶ سال، در خدمات تخصصی، علمی و مدیریتی مشغول به کار هستند که درواقع بیش از دو برابر کل مهاجرانی است که در این صنعت مشغول به کار هستند. بنابراین هند نیروی کار باسواد و متخصص قابل‌توجهی در آمریکا دارد و به همین دلیل دولت هند به‌منظور تشویق بازگشت و چرخش استعدادهایی هندی خارج از کشور سیاست‌هایی را در پیش گرفته است. در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ عمده ارتباط هندیان خارج از کشور با داخل در قالب ارسال وجوه به کشورشان بود که در قبال آن حمایتی از دولت دریافت نکردند. پس از سال ۲۰۰۱، دولت هند وزارتخانه‌ای را برای رسیدگی به امور مهاجران تأسیس کرد تا سرمایه‌گذاری مهاجرانی که وجوه نقد به کشور ارسال می‌کردند را تسهیل نماید. همچنین دولت تغییراتی در سیستم مالیاتی به وجود آورد تا مشوقی برای سرمایه‌گذاری این افراد در کشور باشد. علاوه بر این، به دلیل اینکه تابعیت دوگانه در هند قانونی نیست، با اعطای کارت شهروندان هندی خارج از کشور به‌نوعی امکان تابعیت دوگانه برای افراد فراهم شد. در سال ۲۰۰۵ نیز وزارت خانه علوم و فناوری در هند باهدف جذب دانشمندان و مهندسان برنامه‌ای تحت عنوان کمک‌هزینه رامنوجان شروع کرد. در این برنامه دانشمندان و مهندسان هرماه مبلغ ۵۰/۰۰۰ روپیه برای یک دوره‌ی ۵ ساله دریافت می‌کردند. همچنین، این افراد سالانه مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ روپیه برای پوشش هزینه‌های احتمالی، هزینه سفر، شرکت در کنفرانس دریافت می‌کردند. علاوه بر این، این وزارت خانه در سال ۲۰۱۷ برنامه دیگری برای جذب دانشمندان خارجی اجرا کرد. در این برنامه افراد جذب‌شده باید حداقل ۳ ماه در هند حضورداشته

**هند یکی از کشورهایی است که از برنامه‌های تشویق بازگشت نیروی کار استفاده کرده است و صنعت فناوری اطلاعات هند از نتایج این اقدامات است. به طوری که می‌توان گفت هندوستان با استفاده بهینه از مخزن استعدادهای خارج از کشور خود بزرگ‌ترین منبع ایجاد ارزش افزوده را در کشور خود بنیان نهاد و یک سرمایه از دست‌رفته را به فرصتی برای توسعه و خلق ارزش فناورانه تبدیل کرد.**

# پروژه‌های چشم‌انداز ساز کشورهای حوزه خلیج فارس

اثر کلان پروژه‌ها و رهبری آینده در جذب سرمایه‌های انسانی



فهیمة بهزادی

پژوهشگر رصدخانه مهاجرت ایران



چرخه کامل توسعه و حفظ نیروی انسانی را ایجاد نماید. همان‌طور که می‌دانیم توسعه‌ی بخشی نه‌تنها به سود اقتصاد و نیروی انسانی کشور نیست بلکه بیشتر به ضرر کشور است. مثال آن را می‌توان در توسعه نامتوازن دانشگاه‌ها و فارغ‌التحصیلان بیکاری که با قفل بودن اقتصاد و توسعه کارآفرینی نرخ مهاجرت را افزایش می‌دهند یا توسعه اکوسیستم استارت‌آپی که حلقه‌های بعدی آن در اتصال به اکوسیستم جهانی و توسعه استارت‌آپ‌ها فراهم نیست و بسیاری از فعالان آن پس از مدتی فعالیت در ایران برای استفاده از اکوسیستم استارت‌آپی سایر کشورها به مهاجرت یا ثبت شرکت در سایر کشورها سوق می‌یابند، جستجو نمود. به همین جهت است که توسعه نامتوازن همان‌طور که در توسعه فیزیکی مخاطرات بیشتری برای سرزمین و زیست انسانی نسبت به عدم توسعه ایجاد می‌کند در توسعه‌ی انسانی و بازار هم با ایجاد عوامل سرریز شدید نیروی انسانی به خارج یا انتقال سرمایه از داخل به خارج، مخاطرات زیادی ایجاد می‌نماید. کشورهای همسایه می‌توانند به‌صورت خودکار یا با برنامه‌ریزی یکی از بازارهای مهم جذب نیروی انسانی از کشور تبدیل شوند. با

ایران در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا با توجه به زیرساخت‌هایی که در توسعه منابع انسانی و افزایش سرمایه انسانی فراهم نموده است و با توجه به وضعیت هرم جمعیتی که هم‌اکنون در آن قرار دارد، در حال حاضر یکی از منابع مهم نیروی انسانی منطقه است. با توجه به شرایط اقتصادی اجتماعی ویژه‌ای که کشور در آن قرار دارد از جمله نرخ بیکاری بالا و رشد اقتصادی پایین که در سال‌های آتی نیز چشم‌انداز روشنی برای آن وجود ندارد، هدایت جریان نیروی انسانی کشور اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. در این میان تلاش کشورهای همسایه و برنامه‌های توسعه‌ای و اثر آن‌ها بر جذب نیروی انسانی جهانی و منطقه‌ای را نباید از نظر دور داشت؛ با وجود رقابت سیاسی اجتماعی میان این کشورها و ایران در یک نگاه بلندمدت شاید به‌عنوان فرصتی برای حفظ سرمایه‌های انسانی ایرانی در منطقه و در نزدیکی مرزهای ایران به آن نگاه کرد، به‌نحوی که در شرایط بهبود وضعیت اقتصادی کشور پس از خروج از بحران در تبادلات تجاری و انتقال فناوری از سرمایه مالی و انسانی آن‌ها در برنامه توسعه کشور بهره بیشتری برد. البته این به شرطی است که اقتصاد ایران بتواند با سرعت مناسبی با درک روندهای جهانی زیرساخت



## در کشورهای منطقه برای جذب سرمایه انسانی منطقه‌ای و جهانی

در این بخش راهبردها و برنامه‌های دو کشور اصلی رقیب و همکار در این حوزه یعنی عربستان سعودی و امارات متحده عربی با تمرکز برنامه‌های جاری و استراتژی بلندمدت و کوتاهمدت اقتصادی آن‌ها مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در پایان به پیروی سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس از این دو کشور در برنامه‌های توسعه اشاره خواهد شد. در بخش بعدی به اثرات بالفعل و بالقوه این برنامه‌ها در جریان‌های مهاجرتی نیروی کار و سرمایه از ایران به این کشورها و فرصت‌ها و تهدیدهای آن برای ایران اشاره خواهد شد. کشورهای حاشیه خلیج فارس با توجه به رقابت‌ها و همکاری‌هایی که در سطح منطقه‌ای و جهانی دارند در استراتژی‌های توسعه و سرمایه‌انسانی نیز با یکدیگر رقابت و همکاری دارند. در ادامه نمایی از راهبردهای و برنامه‌های این کشورها مؤثر در جذب سرمایه‌های انسانی منطقه‌ای تحلیل شده است.

### ● امارات متحده عربی: برادر کوچک‌تر حرکت هوشمندانه و عکس‌العمل سریع

امارات متحده عربی کشوری با قدمت ۵۰ سال از تاسیس متشکل از ۷ امیرنشین است که به‌صورت فدرال اداره می‌شود. رهبران جدید اماراتی تنوع اقتصادی و کاهش وابستگی اقتصادی به نفت را سرلوحه خود قرار دادند و توسعه مبتنی بر گسترش تجارت و فناوری‌های جدید را پیش گرفته‌اند. دو طرح چشم‌انداز ۲۰۲۰ و چشم‌انداز ۲۰۳۰ امارات در این راستا بوده است. کلان پروژه‌های توسعه‌ای برنامه ۲۰۲۱ امارات نیز در همین راستا طراحی شده است. امارات توانسته است با دستیابی به اهداف برنامه‌های استراتژیک توسعه خود در دهه‌های گذشته هم‌اکنون با همراهی و در برخی موارد پیش‌تازاری در روندهای فناوری و توسعه جهانی برنامه بلند پروازانه بلندمدت ۵۰ ساله خود را به‌گونه‌ای تنظیم نماید که با ایجاد اعتماد، سرمایه‌های انسانی و مالی را با ریسک پایینی در راستای برنامه‌های توسعه‌ای خود جذب نماید. باوجود اینکه این کشور برنامه‌های خود را کاملاً مداخله‌گرایانه و توسعه‌ای برنامه‌ریزی نموده و پیش می‌برد ولی این برنامه‌ها عمدتاً در راستای حفظ و صیانت از سرمایه‌های مالی و انسانی است و از این رو سرمایه‌گذاری مثبت و رو به جلویی را تجربه می‌نماید. در ادامه برنامه‌های آینده و فعالیت‌های کنونی امارات را در این راستا و اکوسیستمی که منجر به جذب سرمایه‌های انسانی و مالی نه تنها از کشورهای همسایه بلکه از همه جهان می‌شود بررسی می‌کنیم. امارات که فاقد مؤلفه‌های قدرت منطقه‌ای است، و اقتصاد تجاری او به‌شدت به امنیت وابسته است با برنامه متنوع سازی اقتصادی خود امنیت اقتصادی خود را به‌سرعت به امنیت اقتصادی جهانی پیوند می‌بزند و از این ارتباط دو سویه بهره می‌برد.

#### ■ برنامه استراتژیک توسعه امارات

باوجود اینکه طی برنامه‌های قبلی امارات، وابستگی این کشور به نفت شدت کاهش یافته است و تنها ۱۵ درصد تولید ناخالص

**کشورهای حاشیه خلیج فارس که در گذشته به عنوان مقصد نیروی کار کم مهارت و نیمه ماهر شناخته می‌شدند با اتخاذ راهبردهای توسعه ارتباطات و تبادلات انسانی و فنی و نقش آفرینی به موقع در روندهای جهانی فناوری و نوآوری و ایجاد چشم انداز پیش‌تازاری و رهبری آینده، تصویر جذابی از خود برای متخصصان، کارآفرینان و شرکتهای استراتژی ایجاد کرده اند.**

توجه به سابقه تاریخی که میان ایرانیان و این کشورها در تبادلات نیروی انسانی و تجاری وجود دارد و نزدیکی و همسایگی این کشورها یکی از گزینه‌های نزدیک به شمار می‌آید. از این رو بررسی برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی و به‌تبع آن بررسی برنامه‌های جذب نیروی انسانی در کشورهای همسایه از این منظر مهم خواهد بود.

این کشورها با چشم‌انداز سازی و ارائه چشم‌اندازهای بلند پروازانه خود با استفاده از رسانه‌های جهانی و درگیر گردن بخش بزرگی از اذهان با برنامه‌ها و چشم‌اندازهای خود تلاش در کم کردن فاصله خود با کشورهای پیشرفته در جذب نیروی انسانی و سرمایه دارند.

### ● به‌طور خلاصه برنامه کشورهای همسایه که منجر به جذب سرمایه مالی و انسانی از سایر کشورها می‌شود را می‌توان شامل محورهای زیر دانست:

- ۱- نقش آفرینی به‌موقع در روندهای منطقه‌ای و جهانی و ایجاد چشم‌انداز پیش‌تازاری و رهبری آینده
  - توجه ویژه به متنوع سازی اقتصادی و تغییر اقتصاد نفتی
  - توسعه شهرهای هوشمند و فناوری‌های آینده
  - سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدید پذیر و پایدار ( میزبانی از اجلاس جهانی...، طراحی شهر کربن صفر، تأمین مالی ابتکار...)
  - ایجاد اکوسیستم استقرار شرکت‌های جهانی رهبر آینده
  - توسعه اکوسیستم استراتژی و سرمایه‌گذاری خطرپذیر
- ۲- درک اهمیت ارتباطات و تبادلات انسانی و فنی و تبدیل شدن به مرکز توسعه تبادلات
  - اکسپو دبی
  - نمایشگاه دهکده جهانی
- ۳- برند سازی کشوری با استفاده از ارائه گسترده فعالیت‌ها و ابتکارات در رسانه‌های جهانی
- ۴- پویایی و ایجاد تغییر در قوانین و مقررات متناسب با نیازهای توسعه‌ای
  - مشوق‌های اقامتی برای متخصصان و برنامه نویسان
  - تغییر قانون ثبت شرکت و دریافت اقامت
- ۵- تأمین نیروی انسانی جهانی و منطقه‌ای با ایجاد جاذبه‌های جهانی: جذب سرمایه‌های انسانی در سطوح مختلف مهارتی با استفاده از ابتکارات و برنامه‌های پیشرو
  - به‌این‌ترتیب این کشورها با حرکت در روندهای جذاب جهانی تلاش خود را برای جذب بیش از پیش سرمایه‌های مالی و انسانی نموده‌اند و اثرات آن در کشور ما با خروج سرمایه جهت سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی این کشورها و نیز با خروج نیروی انسانی و نیروی کار متخصص برای فعالیت در اکوسیستم اقتصادی رو به رشد و با تعاملات بین‌المللی این کشورها مواجه است.

### ● چشم‌انداز سازی و ایجاد جاذبه‌های اقتصادی، فرهنگی



ایجاد مکانیسم هایی برای پایش متغیرهای بلندمدت در بخش های مختلف از اهداف این دولت است.

#### ■ آموزش عالی:

توجه به آموزش و تضمین بالاترین کیفیت برای آن از محورهای برنامه ی ۲۰۷۱ است. برخی از زمینه های تمرکز در آموزش شامل علوم و فناوری پیشرفته، علوم فضایی، مهندسی، نوآوری و علوم بهداشتی است. برنامه های سطح دانش آموزی اقدامات مربوط به مکانیسم های کشف زود هنگام استعداد های فردی دانش آموزان و در سطح نهادی، تشویق مؤسسات آموزشی برای تبدیل شدن به انکوباتورهای کارآفرینی و نوآوری و مراکز تحقیقاتی بین المللی میباشد.

#### ■ اقتصاد متنوع دانشی:

هدف اقتصادی امارات متحده عربی رقابتی بودن و تبدیل شدن به یکی از بهترین اقتصادها در سراسر جهان است. این امر با افزایش بهره وری اقتصاد ملی، حمایت از شرکت های ملی، سرمایه گذاری در تحقیقات علمی و بخش های اقتصادی نوید بخش برای آینده، تمرکز بر نوآوری، کارآفرینی و صنایع پیشرفته، توسعه استراتژی ملی برای شکل دهی به آینده اقتصاد و صنعت امارات محقق می شود و امارات متحده عربی را در میان اقتصادهای مهم بین المللی قرار می دهد. اقتصاد دانشی توسط نسلی از مخترعان و دانشمندان امارات متحده عربی و حمایت از آنها در علوم فنی قابل دستیابی است.

#### ■ جامعه ای شاد و منسجم:

توسعه جامعه بخشی جدایی ناپذیر از برنامه صدمین سالگرد ۲۰۷۱ امارات متحده عربی است. برخی از اهداف در این زمینه شامل ایجاد جامعه ای امن، بردبار، منسجم و اخلاقی است که شادی و

داخلی این کشور به نفت وابسته است برنامه امارات گسترش تجارت، گردشگری، اوقات فراغت، برنامه ریزی شهری و خصوصاً توسعه صنعتی و کسب فناوری های جدید همراه خواهد بود و سیاست های توسعه ای امارات متحده عربی بر مبنای آن پایه ریزی شده است.

#### ● چشم انداز ۲۰۷۱ و صدسالگی امارات

برای قطع کامل وابستگی به درآمدهای نفتی، استراتژی تدوین شده در این کشور مبتنی بر دو رویکرد است: نخست، ادامه روند توسعه در بخش های اقتصادی کنونی، که بر تجارت، بانکداری و امور مالی، گردشگری، خدمات بندری- دریایی و فرودگاهی و هوایی متمرکز است. دوم، بر رویکرد توسعه صنایع محلی با تولیدات ساخت امارات متحده عربی و گسترش فناوری های جدید در زمینه هوش مصنوعی، هوا - فضا، تکنولوژی های زیست-حیاتی، انرژی های پایدار و توسعه در دیگر بخش ها از جمله انرژی اتمی و ساخت تسلیحات متمرکز است.

#### ● برنامه ۲۰۷۱ امارات

محورهای برنامه صدمین سالگرد امارات دارای چهار محور به شرح زیر است:

#### ■ دولت متمرکز بر آینده:

اهداف دولت امارات متحده عربی تا سال ۲۰۷۱ ایجاد دولتی به عنوان بهترین دولت در جهان، با چشم انداز بلندمدت و رهبری الهام بخش است که آینده را پیش بینی و برای آن آماده می شود. توسعه شادی در جامعه و انتشار پیام های مثبت در داخل و جهان و

کرد. این شهر تا سال ۲۰۳۰، محل سکونت ۵۰،۰۰۰ ساکن و پایگاه ۴۰،۰۰۰ نیروی کار حرفه‌ای و دانشجو خواهد بود.

امارات متحده عربی همچنین مناطق نوآرانه‌ای مانند Sustainability City و Dubai Silicon Oasis را نیز توسعه داده است که از ارتباط و پایداری به‌عنوان یک شیوه زندگی حمایت می‌کند. امارات همچنین به‌زودی محل استقرار شهر هوشمند رز صحرا<sup>۳</sup>، با ۱۶۰ هزار نفر جمعیت خواهد بود. نمایشگاه دبی، که از اکتبر ۲۰۲۱ تا مارس ۲۰۲۲ برگزار می‌شود، قصد دارد از نظر انرژی خودکفا بوده و تمام زباله‌های خود را در منطقه شهر هوشمند دبی جنوبی بازیافت کند.

به‌طور کلی، دولت‌های حوزه خلیج فارس فناوری‌های نسل بعدی را که از شهرهای هوشمند تغذیه می‌کنند-مانند هوش مصنوعی، بلاک چین و اینترنت اشیا (IoT)-در قلب چشم‌اندازهای استراتژیک ملی خود قرار داده‌اند. در سال ۲۰۱۹، امارات متحده عربی در راه اندازی و استقرار شبکه‌های ۵G در بین کشورهای عربی مقام اول و در سطح جهانی چهارم را کسب کرد. ابوظبی و دبی، در فهرست شهرهای هوشمند IMD<sup>۱</sup>، که رتبه ۱۰۲ شهر در سراسر جهان رتبه‌بندی می‌کند با رتبه‌ی ۴۲ و ۴۳ در سال ۲۰۲۰ در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا بهترین رتبه را داشته‌اند و از ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ نیز پیشرفت کرده‌اند.

ابتکارات منطقه‌ای زیادی برای توسعه شهرهای هوشمند توسط کشورهای حاشیه خلیج فارس دنبال می‌شود. این نوع از هزینه کرد زیرساختی سنگین در این حوزه تبدیل به ایجاد ارزش در تولید ناخالص داخلی و ایجاد شغل می‌شود و اثر آن در بیشتر بخش‌های دولت، حمل‌ونقل و انرژی قابل مشاهده است. تبدیل زیرساخت‌های موجود به زیرساخت‌های هوشمند برای ارتقای شهرها کلیدی است. در دهه گذشته در حوزه خلیج فارس و همچنین در کل جهان، کشورها از نگاه به شهرهای هوشمند از منظر شناخت و ماجراجویی به مرحله پیاده‌سازی و گسترش رسیده‌اند. کشورهای حوزه خلیج فارس می‌خواهند به اقتصادهایی کاملاً دانش‌بنیان تبدیل شوند که تنها مبتنی بر استعدادها و داده ساخته شده باشد. داده به‌عنوان منبع ثروت، مورد توجه سیاست‌مداران این کشورها در استراتژی‌های توسعه‌ای آن‌ها قرار گرفته است.

#### ■ ورود به برنامه‌های توسعه علمی فناوری برند ساز و پیشرو ◆ برنامه توسعه فضایی امارات متحده عربی

برنامه فضایی امارات متحده عربی سال ۲۰۱۰ با پرتاب اولین ماهواره دیده‌بانی که در کره جنوبی با بودجه امارات ساخته شده بود، آغاز شد. پنج سال بعد، ایجاد یک آژانس ملی فضایی در امارات متحده عربی انگیزه جدیدی در جهت توسعه علمی و فضایی در کشور ایجاد کرد. سپس امارات متحده عربی برای توسعه برنامه فضایی خود توافق‌نامه‌هایی با آژانس‌های بزرگ فضایی جهان؛ آمریکایی، روسی و فرانسوی منعقد کرد. راهبردی که امارات متحده عربی در این زمینه دنبال می‌کند، شامل توسعه قابلیت‌های

۳ - شهر هوشمند رز صحرا، با ۱۶۰ هزار نفر جمعیت سالانه ۴۰ هزار گالن آب آشامیدنی و ۴۰ درصد برق خود را از منابع پایدار تولید می‌کند.

### کشورهای حاشیه خلیج فارس در کنار ایجاد چشم انداز و اکوسیستم جذاب، مشوق های متنوع اقامتی برای تامین نیروی انسانی جهانی و منطقه‌ای ایجاد کرده و سرمایه‌های انسانی را در سطوح مختلف مهارتی با استفاده از ابتکارات و برنامه‌های پیشروی مهاجرتی جذب می‌کنند.

سبک زندگی مثبت و کیفیت زندگی را در بر می‌گیرد. این محور همچنین بر توسعه برنامه‌هایی برای آماده‌سازی نسل‌های آینده برای خدمت به عنوان سفیران حسن نیت امارات متحده عربی و همچنین ترویج مشارکت زنان در همه بخش‌ها تمرکز دارد و امارات متحده عربی را به یکی از بهترین مکان‌ها برای زندگی تبدیل می‌کند. برنامه آن شامل:

- ◆ تقویت اعتبار و برند کشور
- ◆ تنوع بخشیدن به واردات و صادرات با اتکالی کمتر به نفت
- ◆ سرمایه‌گذاری در آموزش با تمرکز بر فناوری پیشرفته

- ◆ ایجاد ارزش‌ها و اخلاق اماراتی برای نسل‌های آینده
- ◆ افزایش بهره‌وری اقتصاد ملی
- ◆ افزایش انسجام جامعه

#### ■ توسعه شهرهای هوشمند

توسعه شهرهای هوشمند، یکی از روندهای کنونی و ابر روندهای آینده شهرنشینی است. هم‌اکنون توسعه شهرها و بهبود فناوری و ساختارهای شهری به سمت شهرهای قابل زندگی که کیفیت زندگی افراد را تضمین نماید از مهم‌ترین مأموریت شهرهای جهانی به شمار می‌رود. امارات متحده عربی با درک این روند و تلاش برای پیشتازی در این حوزه سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی برای هوشمند سازی شهرهای خود و توسعه مناطق هوشمند را در راستای توسعه پایدار و آینده‌سودآور در دستور کار خود قرار داده است. برخی دیگر از کشورهای حاشیه خلیج نیز در همین جهت در حال حرکت هستند. این کشورها در راستای تنوع‌بخشی به اقتصادهای اغلب نفتی خود توسعه شهرهای هوشمند را در دستور کار قرار داده‌اند. سرمایه‌گذاری در توسعه شهرهای هوشمند در این کشورها برای دستیابی به اقتصاد تریلیون دلاری در ۲۰۲۵ برنامه‌ریزی شده است. رویکرد شهر هوشمند با توجه به مزایای اقتصادی و پایداری که ایجاد می‌نماید، از سال ۲۰۰۸ توسط کشورهای حاشیه خلیج فارس برای پاسخگویی سریع به چالش‌های رشد جمعیت و افزایش مصرف منطقه، مورد توجه قرار گرفته است.

درحالی‌که شورای همکاری خلیج فارس به تنوع اقتصادی برای آینده پایدار نظر دارد، دولت‌های کشورهای این حوزه برنامه‌هایی برای جابه‌جایی، زیرساخت و ساختمان‌های هوشمند راه‌اندازی کرده‌اند و سرمایه‌گذاری بر شهرهای هوشمند در خاورمیانه حال افزایش است. به گزارش IDC<sup>۱</sup> سرمایه‌گذاری سالانه بر شهرهای هوشمند در خاورمیانه تا پایان سال ۲۰۲۱ به ۲/۳ میلیارد دلار در سال خواهد رسید.

شهر مصدر<sup>۲</sup> ابوظبی که در سال ۲۰۰۸ در اولین منطقه هوشمند پایدار جهان راه‌اندازی شد، راه را برای بسیاری از پروژه‌های شهر هوشمند در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس هموار

1 - International Data Corporation (IDC): the premier global provider of market intelligence

۲ - شهر مصدر که خود را به‌عنوان "طرح سبز" برای شهرهای آینده معرفی می‌کند، الگویی برای توسعه پایدار شهری ارائه می‌دهد. ساختمان‌های آن ۴۰ درصد انرژی و آب کمتری نسبت به مشابه معمولی خود مصرف می‌کنند، درحالی‌که برق موردنیاز توسط نیروگاه خورشیدی ۱۰ مگاواتی در محل و پنل‌های خورشیدی ۱ مگاوات روی پشت‌بام تولید می‌شود.





۴۲» یا «جی ۴۲» را در سال ۲۰۱۸ در ابوظبی ایجاد کرد. یکی از تخصص‌های این بنیاد «رایانش ابری» یا «محاسبات ابری» است. هدف این است که بخشی از استراتژی توسعه امارات متحده عربی در درآمدت به‌عنوان بخشی از یک مشارکت دولتی و خصوصی، باهدف قرار دادن بخش‌های کلیدی و استراتژیک باشد. این گزینه‌ها همچنین بخشی از برنامه گذار از انرژی‌های فسیلی در امارات متحده عربی را در برمی‌گیرد.

#### ■ توسعه اکوسیستم تعاملات فناوریانه و تجاری ◆ توسعه اکوسیستم استارت‌آپی

بر اساس پیش‌بینی‌های صندوق‌های خطرپذیر جهانی مانند گوگل و شرکت سرمایه‌گذاری خطرپذیر سیلیکون ولی، خاورمیانه یک اکوسیستم استارت‌آپی مهم در حال ظهور است. به گفته بنیان‌گذاران این صندوق‌ها خاورمیانه به‌سرعت در حال حرکت به سمت اکوسیستم استارت‌آپی است چندین مورد خرید اخیر از جمله خرید ۳ میلیارد دلاری برنامه Careem توسط Uber در سال ۲۰۱۹ و سایت تجارت الکترونیکی Souq توسط آمازون در سال ۲۰۱۷ از منطقه خاورمیانه نشان از این نکته دارد. بر اساس داده‌های منطقه‌ای MAGNITT سرمایه‌گذاری بر استارت‌آپ‌ها در دوران کرونا در این منطقه نه تنها کاهش نیافته بلکه در سال ۲۰۲۱ نسبت به ۲۰۲۰ رشد چشمگیری داشته است (نمودار ۵ پیوست). این رشد سرمایه‌گذاری در استارت‌آپ‌ها در منطقه محصول تغییر رویکرد کشورهای این حوزه به فناوری و تعریف ابر پروژه‌های زیرساختی است که در سایر حوزه‌های سیاستی نیز توسعه‌یافته است. برنامه‌های زیر نمونه‌هایی از برنامه‌ریزی‌های کشورهای منطقه در حوزه زیرساخت و تسهیل قوانین و مقررات در این برای جذب نیروی انسانی و سرمایه است

امارات متحده عربی نیز درصدد است تا سه سال آینده، ۱۰۰ هزار شرکت را جذب و سالانه ۴۰۰ رویداد اقتصادی جهانی برگزار کند، و شرکت‌های بخش خصوصی و کسب‌وکارهای خانوادگی را ترغیب کند وارد بازارهای مالی و بازار بورس دبی شوند.

فضایی آن کشور، هم‌زمان با جست‌وجوی شرکای بین‌المللی و تجاری برای مأموریت‌های فضایی مختلف است و در ضمن، از پروژه‌های بومی فضایی در بخش خصوصی و تجاری حمایت می‌کند. از آن زمان تاکنون سه‌گام اساسی برداشته شده است؛ نخست، ساخت ماهواره در امارات؛ دوم، پرتاب یک فضاورد اماراتی در سال ۲۰۱۹ به ایستگاه فضایی بین‌المللی و بالاخره یک کاوشگر اماراتی در ماه فوریه سال ۲۰۲۱ به‌سوی مدار کره مریخ پرتاب شده است. امارات متحده عربی همچنین یکی از نخستین کشورهای امضاکننده توافقنامه فضایی «آرتمیس» بود که در چارچوب آن، متعهد به همکاری در کنار ایالات متحده، استرالیا، کانادا، ایتالیا، ژاپن، لوکزامبورگ و بریتانیا، برای اکتشاف‌های فضایی بیشتر در ماه، مریخ و فراتر از آن شده است. به این ترتیب، این کشور عربی حوزه خلیج فارس، یکی از نیروهای عمده در اکتشاف‌های فضایی آینده خواهد بود.

#### ◆ نخستین نیروگاه هسته‌ای جهان عرب در ابوظبی

نخستین نیروگاه هسته‌ای امارات با ظرفیت ۵۶۰۰ مگاوات در «باراکه» ابوظبی در سال ۲۰۲۱ به بهره‌برداری رسید این نیروگاه که مراحل ساخت آن از سال ۲۰۱۲ با همکاری شرکت کره‌ای KEPCO آغاز شد در وضعیت به‌کارگیری کامل تا یک‌چهارم الکتریسیته این کشور را تأمین خواهد کرد و تولید ۱۲ میلیون تن گاز گلخانه‌ای را در سال کاهش می‌دهد.

#### ◆ توسعه فناوری دیجیتال و هوش مصنوعی

پس از ایجاد آژانس فضایی در سال ۲۰۱۴، این کشور طرح «چشم‌انداز امارات متحده عربی در مورد هوش مصنوعی» را در اکتبر ۲۰۱۷ آغاز کرد. همان روند تجزیه و تحلیل و اهداف استراتژیک در زمینه برنامه توسعه فناوری‌های پیشرفته و جدید اطلاعات دنبال می‌شود.

اهداف این برنامه، اراده قاطع رهبران امارات را برای دادن فرصت بیشتر به کشورشان برای حضور در گروه برجسته کشورهای توسعه یافته جهان در دهه های آینده تبیین می کند.

ارتباط با استراتژی توسعه هوش مصنوعی، این کشور بنیاد «گروه

## ◆ جایزه ۱۰ میلیون دلاری شیخ حمدان برای راه‌حل‌های نوآورانه

طرح جدیدی که سال جاری در دب‌راه‌اندازی شد، تا ۱۰ میلیون دلار جایزه برای راه‌حل‌های نوآورانه برای آینده می‌دهد. ابتکار جهانی «راه‌حل‌های آینده دبی»، دارای مجموعه‌ای از چالش‌ها است که دانشمندان، طراحان، مخترعان، دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، شرکت‌ها و استارت‌آپ‌های سراسر جهان را گرد هم می‌آورد تا راه‌حل‌های خلاقانه‌ای را برای بهبود زندگی مردم ایجاد کند. شیخ حمدان بن محمد بن راشد آل مکتوم، ولیعهد دبی گفت: "هدف این طرح تسریع پیاده‌سازی فناوری‌های نوظهور در طراحی آینده است. دبی همیشه مکانی بوده است که نوآوری را پرورش می‌دهد و ما همچنان به دنبال راه‌هایی برای ارتقای بیشتر موقعیت امارات در نقشه نوآوری جهانی هستیم."

وجود تنها شتاب‌دهنده نوآوری اجتماعی خاورمیانه در این کشور و نیز زیاد صندوق‌های خطرپذیر و شتاب‌دهنده‌ها در حوزه‌های مختلف و سرمایه‌های جذب‌شده جهانی در آن‌ها توسعه اکوسیستم استارت‌آپی این کشور را نشان می‌دهد.

### ■ برگزاری نمایشگاه‌های جهانی: اکسیو ۲۰۲۰ دبی

نمایشگاه‌های جهانی تحت نظارت دفتر بین‌المللی نمایشگاه‌ها (BIE)، سازمان بین‌دولتی مسئول نظارت و تنظیم نمایشگاه‌های بین‌المللی ("EXPOS") و برای تقویت ارزش‌های اصلی آموزش، نوآوری و همکاری جهانی برگزار می‌شود. شرکت‌کنندگان در نمایشگاه‌های جهانی، از جمله دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و شرکت‌ها، گرد هم می‌آیند تا راه‌حل‌هایی برای چالش‌های جهانی بیابند و دستاوردها، محصولات، ایده‌ها، نوآوری‌ها، برند ملی خود و کشورهای خود را به‌عنوان مقصد گردشگری تجارت و سرمایه‌گذاری معرفی کنند.

نمایشگاه جهانی دبی ۲۰۲۰ با شعار «ارتباط ذهن‌ها، ایجاد آینده» که به دلیل همه‌گیری کرونا حدوداً با یک سال تأخیر در اکتبر ۲۰۲۱ شروع به فعالیت نمود، امارات متحده عربی از اولین کشورهایی بود که توانست کل جمعیت خود را واکسینه کند و مهم اکنون به‌عنوان یکی از مکان‌های امن برای توریستی در جهان به شمار می‌آید.

در این نمایشگاه جهانی که هر ۵ سال یک‌بار برگزار می‌شود، صدها کشور در پاولیون‌های خود آخرین وضعیت معماری و تکنولوژی خود را به نمایش می‌گذارند. برنامه‌های نمایشگاه جهانی دبی در اکتبر ۲۰۲۱ با شرکت ۱۹۸ کشور جهان تشکیل شد، و کشورها با ارائه بهترین دستاوردهای فناورانه خود در راستای حل مسائل جهانی در این رویداد شرکت داشته‌اند. برآوردهای انجام‌شده در خصوص اثر اقتصادی این نمایشگاه جهانی بر اقتصاد امارات در سه مرحله‌ی قبل از نمایشگاه، زمان برگزاری نمایشگاه و اثرات بعدی آن در حدود ۳۳ میلیارد دلار برآورد شده است. که در دوره برگزاری نمایشگاه معادل ۱/۵ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور است و جهش بزرگی برای این کشور در راستای برنامه تنوع‌بخشی به اقتصاد این کشور محسوب می‌شود. طبق برآورد انجام‌شده از در دوره برگزاری این نمایشگاه ۲۵ میلیون نفر از آن بازدید خواهند کرد. همچنین تعداد شغل ایجادشده معادل ۴۹۷۰۰ شغل در سال خواهد بود. برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری گسترده برای برگزاری این نمایشگاه توسط کشورهای شرکت‌کننده و حضور برنامه‌ریزی‌شده برای نمایش پیشرفت‌ها توسط بخش خصوصی کشورها و ایجاد

ارتباطات بین شرکت‌ها برای نقش‌آفرینی امارات در برنامه‌ریزی آینده بسیار مهم به نظر می‌رسد.

نمایشگاه اکسیو ۲۰۲۰ دبی با این باور هدایت می‌شود که نوآوری و پیشرفت نتیجه ترکیب افراد و ایده‌ها به‌روش‌های جدید است. به مدت شش ماه از اکتبر ۲۰۲۱، ۱۹۰ کشور و میلیون‌ها نفر را گرد هم می‌آورد تا نبوغ انسانی را با شعار "ارتباط ذهن‌ها، ایجاد آینده" جشن بگیرند. پیش‌بینی‌شده است حدود ۷۰ درصد از کل بازدیدکنندگان از خارج از امارات متحده عربی بیایند و بیشترین نسبت بازدیدکنندگان بین‌المللی در تاریخ برگزاری نمایشگاه‌های جهانی باشد

سایت اکسیو در مجموع ۴/۳۸ کیلومتر مربع را پوشش می‌دهد که شامل ۲ کیلومتر مربع منطقه ورودی و هتل‌ها در مجاورت فرودگاه بین‌المللی آل مکتوم در جنوب دبی است.

اکسیو ۲۰۲۰ دبی اولین نمایشگاه جهانی است که در منطقه MEASA (خاورمیانه، آفریقا و آسیای جنوبی) برگزار می‌شود.

### ■ شناسایی جهانی ظرفیت‌ها با ایجاد جاذبه‌ها و برگزاری جشنواره‌های جهانی

اقتصاد کشور امارات چنان با بخش گردشگری پیوند خورده است که این کشور در سال جاری تصمیم به ادغام وزارت اقتصاد و وزارت گردشگری گرفت با این برنامه که در سال ۲۰۲۵، بتواند ۲۵ میلیون گردشگر جذب کند. اهداف اصلی وزارت جدید افزایش ۱۵۰ درصدی ارزش‌افزوده بخش صنعت در پنج سال آینده، گسترش ۵۰ درصدی بازار صادرات محصولات داخلی و رشد ۴۰ درصدی شمار اعلام شد. بخش مهمی از درآمد امارات با ایجاد جاذبه‌های شهری سطح جهانی مانند ایجاد مراکز تفریحی، گردشگری هتل‌ها و جشنواره‌های و مسابقات جهانی تولید می‌شود.

رویداد فرهنگی گردشگری سالانه به نام «دهکده جهانی» سالانه گردشگران و علاقه‌مندان زیادی را برای بازدید از تنوع فرهنگی کشورهای شرکت‌کننده جذب می‌نماید. این جاذبه توریستی پارکی موضوعی از بناهای مختلف و مشهور از کشورهای مختلف جهان است؛ افراد می‌توانند از امکانات بی‌شمار موجود این مجموعه مانند مراکز خرید، شهرسازی، کنسرت‌ها و پارک‌های موضوعی و غیره استفاده کرده و ساعات سرگرم‌گشت‌وگذار در این مجموعه شوند.

باغ معجزه، به‌عنوان بزرگ‌ترین باغ گل طبیعی جهان اخیراً در دبی افتتاح‌شده است، این جاذبه امسال خوشبوترین و رنگارنگ‌ترین شکوفه‌ها با بیش از ۱۵۰ میلیون گل از بیش از ۱۲۰ گونه را به نمایش گذاشت که برخی از آن‌ها هرگز پیش از این در منطقه خلیج فارس کشت نشده‌اند.

امسال همچنین عین دبی یا همان چشم دبی الهام گرفته از چرخ فلک معروف چشم لندن، با ارتفاع بیش از ۲۰۳ متر (۶۶۸ فوت)، افتتاح شد و چرخ فلک لندن و همچنین، چرخ فلک لاس‌وگاس نوادا با ارتفاع ۱۶۷ متر (۵۴۸ فوت) را پشت سر گذاشت.

### ■ جذب سرمایه‌های انسانی و مالی

برنامه‌های توسعه‌ای امارات در جهت توسعه اکوسیستم استارت‌آپی و متناسب با آن ایجاد اصلاحات در قوانین و مقررات این کشور به ویژه در حوزه اقامت و تابعیت و ثبت شرکت نشان از توجه این کشور به جذب نیروی انسانی متخصص و کارآفرین دارد. طی اصلاحاتی که اخیراً در ویزای امارات انجام شد سیستم ورود و اقامت در این کشور بروز رسانی شد تا امارات به مقصدی جذاب برای کار، سرمایه‌گذاری، کارآفرینی، تحصیل و زندگی تبدیل





#### ■ برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی

در برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی که در سال ۲۰۱۶ آغاز شده است و در سپتامبر ۲۰۲۱ بازبینی شد، توسعه قابلیت‌های انسانی، به‌عنوان استراتژی ملی برای تقویت رقابت در کسب قابلیت‌های انسانی در سطح منطقه‌ای و جهانی، و باهدف رقابت با توانایی‌ها و بلندپروازی‌های جهانی در بازار کار فعلی و آینده است. که این هدف از طریق «تقویت و ارتقاء ارزش‌ها، توسعه مهارت‌های بنیادین و آینده‌نگرانه، و توسعه علم» محقق خواهد شد. این برنامه برای پاسخ به نیازهای تمامی بخش‌های جامعه تدوین شده، و با هدف آماده کردن شهروندان برای آینده، از کودکی تا دانشگاه‌ها، کالج‌ها، مؤسسات فنی و حرفه‌ای، و نیز بازار کار است. «این برنامه شامل ۸۹ طرح ابتکاری برای رسیدن به ۱۶ هدف استراتژیک در برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی است. این استراتژی سه رکن دارد: ایجاد مبنای قوی آموزشی، آمادگی برای بازار کار آینده در سطح محلی و جهانی، و ارائه فرصت‌های آموزشی این برنامه توسعه، از جمله شامل تقویت و گسترش مهدکودک‌ها برای تقویت بنیادین آموزش کودکان است. راهنمایی و مشاوره حرفه‌ای نیز به مردم کمک می‌کند تا با شناخت مهارت‌های مورد نیاز بازار، حرفه و اهداف شخصی خود را تعیین کنند. این برنامه همچنین دربرگیرنده ابتکارهایی برای آموزش‌های تکمیلی به نیروی کار برای افزایش بهره‌وری و توانمند ساختن کارآفرینان برای فعالیت بیشتر در آینده است

چشم‌انداز عربستان نیز شامل ابر پروژه‌هایی مانند شهر بدون کربن NEOM است. همچنین عربستان تلاش می‌کند در رقابت با امارات متحده عربی از نظر تجاری و گردشگری و متنوع سازی اقتصادی عقب نماند، که البته تا حد زیادی ناموفق بوده است. نمونه‌هایی از آن را می‌توان به سرمایه‌گذاری‌های نافرجامی مانند

شود. معرفی ویزاهای طلایی و سبز در این کشور از آن جمله است. ویزای طلایی به افراد اجازه می‌دهد بدون نیاز به اسپانسر محلی در امارات زندگی، کار و تحصیل کنند و برای مدت ۱۰ سال صادر شده و پس از آن به صورت خودکار تمدید می‌شود. طی قانونی جدید، صلاحیت برای دریافت اقامت طلایی این کشور توسعه یافت و شامل مدیران، مدیرعاملان، متخصصین در حوزه علوم، مهندسی، سلامت، تحصیلات، مدیریت کسب‌وکار و تکنولوژی می‌شود. به‌علاوه، روند دریافت اقامت بلندمدت نیز برای افراد مقیم و متخصصان ماهر، سرمایه‌گذاران، کارآفرینان، محققین، افراد پیشرو، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان برتر تسهیل شده است.

همچنین با معرفی منطقه خلاق القوز در شهر دبی، کارآفرینان خلاق، افراد مستعد و صنعتگران در القوز اکنون می‌توانند به‌عنوان بخشی از پروژه منطقه خلاق القوز برای ویزای فرهنگی بلندمدت دبی اقدام کنند. ویزای بلندمدت به کسانی که در زمینه‌های ادبیات و فرهنگ، هنر، میراث، تاریخ و مطالعات شناختی و صنایع خلاق هستند اعطا می‌شود.

#### ● عربستان سعودی: برادر بزرگ‌تر رهبر سیاسی محافظه‌کار با برنامه‌های بزرگ

باوجود اینکه عربستان سعودی رهبر سیاسی سنتی کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس است ولی از نظر اقتصادی در رقابت شدید با برادر کوچک‌تر خود امارات قرار دارد، به‌طوری‌که برنامه‌های چشم‌انداز این دو کشور به شدت مشابه و در رقابت با یکدیگر طراحی شده است.

#### ● رهبری کشورهای عرب با طراحی برنامه‌های بزرگ



فوق ستاره‌ی آرژانتینی، نیمار برزیلی و کیلیان امپابه ستاره تیم ملی فرانسه.

برای برگزاری برنامه آسپیزی ۲۰۰ رستوران و ۷۰ کافه قرار است در جشنواره شرکت نمودند، همچنین ۷۰ هنرمند منطقه‌ای و شش گروه بین‌المللی در این جشنواره حضور خواهند داشت.

فعالیت‌ها و رویدادهای موسم ریاض در ۱۴ منطقه تفریحی در نقاط مختلف ریاض توزیع شده است. که شامل فعالیت‌های تفریحی، چالش‌ها، کافی‌شاپ‌ها و رستوران‌ها و فروشگاه‌ها می‌شود که تنوع منطقه‌ای، و آداب‌ورسوم بین‌المللی را به نمایش بگذارد. برگزاری جشنواره‌ای برای بازی‌های ویدئویی هم از دیگر برنامه‌های این جشنواره است.

همچنین در ماه دسامبر منطقه العلا در عربستان جشنواره‌ی «زمستان در طنطورا» را در پیش خواهد داشت؛ برنامه‌ای از رویدادهای چهارماهه که از سه‌شنبه ۲۱ دسامبر تا یکشنبه ۲۷ مارس برگزار خواهد شد. این رویدادها شامل موسیقی، هنر، مد، غذا و رفاه و تندرستی می‌شوند و همچنین کنسرت، بالن‌سواری، پیاده‌روی و جشنواره مرکبات خواهند بود.

رئیس جشنواره «موسم ریاض» گفت که این رویداد با یک برنامه‌ی گسترده که همه‌چیز از موسیقی، هنر و تئاتر گرفته تا غذا و رویدادهای ورزشی را پوشش می‌دهد، «جهان را خیره خواهد کرد.»

#### ■ ایجاد مقر منطقه‌ای شرکت‌های بین‌المللی در ریاض

در اوایل فوریه سال میلادی کنونی، پادشاهی سعودی گروهی متشکل از ۲۴ شرکت چندملیتی را برای ایجاد یک دفتر مرکزی منطقه‌ای در ریاض جذب کرد. عربستان سعودی به دنبال تبدیل پایتخت خود به مرکز تجاری جهانی است. با توجه به نیاز به سرمایه‌گذاری شرکت‌های نفتی و بازارهای مالی بزرگ در گذار به انرژی پاک و همچنین سرمایه‌گذاری در سوخت‌های فسیلی برای دستیابی به سید متوازن‌تری از انرژی عربستان سعودی از که آرامکوی عربستان سعودی، ADNOC امارات، شرکت نفت کویت و سایر شرکت‌های بزرگ نفتی دعوت کرد در این برنامه متنوع سازی سید انرژی سرمایه‌گذاری کنند.

#### ■ مشارکت در همکاری‌های زیست‌محیطی منطقه‌ای و جهانی

نخستین اجلاس «خاورمیانه سبز»، در آبان سال جاری به دعوت عربستان سعودی و با حضور تعدادی از رهبران کشورهای خاورمیانه و آفریقا و همچنین مقام‌های بین‌المللی در حوزه محیط‌زیست و تغییرات اقلیمی، در شهر ریاض، پایتخت عربستان سعودی، برگزار شد. عربستان سعودی در این اجلاس اعلام کرد که به‌منظور دستیابی به اهداف طرح «خاورمیانه سبز»، پادشاهی عربستان سعودی طی این اجلاس اعلام کرد که بستری برای همکاری‌های بین‌المللی به‌منظور اجرایی کردن مفهوم «اقتصاد چرخشی کربنی» (circular carbon economy) ایجاد خواهد کرد. برنامه این کشور برای کاهش دو برابر انتشار کربن تا سال ۲۰۳۰، و طراحی ابر پروژه توسعه این کشور (نئوم) مبتنی بر شهر کربن صفر، تأسیس «مرکز منطقه‌ای برای تغییرات اقلیمی»، «مجتمع منطقه‌ای برای استخراج، استفاده و ذخیره‌سازی کربن»، «مرکز منطقه‌ای برای هشدار زود هنگام طوفان‌ها» به‌منظور کاهش خطرهای ناشی از امواج گرد و غبار بر سلامت افراد، «مرکز منطقه‌ای برای توسعه پایدار ماهیگیری» به‌منظور کمک به افزایش تنوع زیستی دریایی و کاهش سطح انتشار گازهای گلخانه‌ای در این حوزه تا حدود ۱۵ درصد و همچنین راه‌اندازی یک «برنامه منطقه‌ای برای بارورسازی

برج جده برای رقابت با بلندترین برج جهان (برج خلیفه) یا تلاش برای ایجاد مراکز مالی فعال در رقابت با مراکز فعال مالی دوبی دانست که ناکام مانده است. همچنین برنامه این کشور برای ایجاد شهرهای اقتصادی ویژه و جای دادن حداقل ۴/۵ میلیون نفر در آن‌ها به شکست انجامیده و تنها ۴۰۰۰ نفر در فعال‌ترین آن‌ها شهر اقتصادی ملک عبدالله زندگی می‌کنند. این نگرانی وجود دارد که برنامه‌های بلند پروازانه این کشور برای ابر پروژه‌های آینده نیز با همین مشکل مواجه شود. اکوسیستم محافظه‌کار و عدم توسعه نهادی در این کشور از عوامل اصلی عدم موفقیت آن پیشبرد برنامه‌های اقتصادی بوده است. گرچه تلاش‌هایی برای عبور از این موانع مانند ایجاد مناطق گردشگری جدا از مردم شهر یا فرودگاه‌های ویژه برای گردشگران شده ولی توسعه این موارد به شکاف‌های اجتماعی و حاکمیت دوگانه در این کشور خواهد انجامید.

عربستان سعودی از طرح جدیدی برای جذب سالانه ۸۹.۵ میلیارد یورو سرمایه خارجی از طریق اعطای مشوق‌های مختلف به بخش خصوصی خبر داد.

«استراتژی سرمایه‌گذاری ملی» عربستان را در چارچوب تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور اعلام کرد که بر مبنای آن مقرر شده تا سال ۲۰۳۰ میلادی، جریان سالانه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به ۸۹.۵ میلیارد یورو و میزان سرمایه‌گذاری داخلی نیز به ۳۹۲ میلیارد یورو در سال افزایش یابد.

یکی از سه محور اصلی چشم‌انداز این کشور برای رونق اقتصادی جذب استعدادهای خارجی مرتبط با بخش‌های مختلف اقتصاد است.

#### ■ دور خیر عربستان برای رونق گردشگری

عربستان سعودی قصد دارد تا برگزاری دو برنامه گسترده در ریاض و طنطورا، رونق را به بازار گردشگری این کشور برگرداند. جشنواره «موسم ریاض» که باهدف افزایش گردشگری در عربستان برگزار می‌شود. در اکتبر ۲۰۲۱ آغاز شد و تا ماه مارس سال ۲۰۲۲ ادامه خواهد داشت. رویداد «موسم ریاض» در منطقه‌ای به وسعت ۵/۴ میلیون مترمربع و در ۱۴ منطقه نمادین برگزار خواهد شد. در این مراسم ۲۷۰۰ پهباد، تصاویر ملک سلمان، پادشاه عربستان و ولیعهدش محمد بن سلمان را در آسمان به نمایش گذاشتند. این جشنواره پنج‌ماهه بیش از ۷۰۰۰ رویداد شامل موسیقی، هنر و تئاتر گرفته تا غذا و رویدادهای ورزشی برگزار می‌شود. رویدادهای سرگرم‌کننده‌ای از ۲۰ اکتبر در عربستان به میزبانی شهر ریاض آغاز و تا مارس ۲۰۲۲ ادامه خواهد داشت. در افتتاحیه این جشنواره بیش از ۷۵۰ هزار نفر شرکت داشته‌اند. شعار این جشنواره در سال ۲۰۱۹ «تصور کن» و امسال در اکتبر ۲۰۲۱ «بیشتر تصور کن» بوده است که به بازدیدکنندگان وعده‌ی رویدادهای تفریحی بهتر، و بزرگ‌تری را می‌دهد.

رویداد گشتی Crown Jewel بخشی از فصل ریاض خواهد بود. ، رویداد دیدنی گشتی WWE روز یکشنبه ۳۱ اکتبر در ورزشگاه بین‌المللی ملک فهد ریاض برگزار شد. همچنین برگزاری چندین مسابقه فوتبال نیز در این جشنواره در نظر گرفته شده است. یک تورنمنت فوتبال هم جزئی از برنامه است که در آن تیم پرستاره پاری سن ژرمن در کنار باشگاه‌های محلی الهلال و النصر حضور خواهد داشت. تعدادی از بازیکنان مشهور پاری سن ژرمن در کمپین تبلیغاتی موسم ریاض حضور داشتند، از جمله لیونل مسی



حتی در مقایسه با کشورهای نفت‌خیز کوچک‌تر، چندان خوشایند نیست. اما سیاستمداران این کشور نیز چند سالی است که متوجه شده‌اند الگوی حاکم بر اقتصاد دنیا در حال گذار به مرحله‌ای نوین است. در این الگو، انرژی‌های فسیلی ارزش کمتری دارند و در مقابل، بیشترین ارزش افزایش بهره‌وری و نوآوری حاصل می‌شود. با وجود اینکه دل‌کندن از درآمد کم در دسر نفتی کار ساده‌ای نبود، عمانی‌ها چند سالی است دست‌به‌کار شده‌اند تا بیش از این، از دنیای نوین عقب نمانند.

عمان از نظر شاخص سهولت انجام کسب‌وکار بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ با ۱۰ پله جهش به جایگاه ۵۸ در دنیا رسید که البته به مراتب بهتر از وضعیت ایران است (!) گفتنی است ایران در این رتبه‌بندی جایگاه ۱۲۷ جدول را در اختیار دارد. در گزارش بانک جهانی آمده که بهبود پیوسته مقررات مربوط به فعالیت‌های اقتصادی، اصلی‌ترین دلیل این جهش بوده است. عمان چشم‌اندازی برای توسعه اقتصادی مبتنی بر نوآوری تا سال ۲۰۴۰ تدوین کرده است. بر اساس این چشم‌انداز، این کشور جایگاه خوبی در بازارهای رقابتی دنیا می‌یابد. کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و نیز بخش انرژی غیر وابسته به نفت از جمله نیروهای پیشران برای دستیابی به این چشم‌انداز تعریف شده‌اند. بر اساس این طرح، عمان قرار است نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی را به ۷ درصد کاهش دهد.

دولت عمان تلاش زیادی را طی کمتر از یک دهه اخیر برای ترویج فرهنگ نوآوری و کارآفرینی به انجام رسانده است. به همین دلیل،

اברה» به منظور کمک به افزایش میزان بارش تا حدود ۲۰ درصد در همین راستا به شمار می‌آیند.

#### ■ تلاش برای جذب سرمایه‌های انسانی و مالی جهانی

کشور عربستان نیز اخیراً برای جذب شرکت‌های بزرگ و شرکت‌های نوپا دست به تغییراتی در سیستم ثبت شرکت افراد خارجی و تسهیل در سیستم کفاله این کشور زده است. به این ترتیب به ضرورت وجود اسپانسر داخلی از عربستان را برای ثبت شرکت و همچنین در سطوحی برای اشتغال در برخی مشاغل سطح بالا حذف کرده است. به نظر می‌رسد این تسهیل به تدریج در بسیاری دیگر از کشورهای حوزه خلیج فارس برای جذب نیروی انسانی متخصص و کارآفرینان و صاحبان شرکت‌ها بکار گرفته شود.

#### ● عمان: پیوستن و پیروی از سیاست‌های منطقه‌ای

نگاهی به فعالیت‌های عمان در چند سال اخیر نشان می‌دهد دولت‌مردان این کشور قصد دارند با حضور در دو جبهه مختلف از دنیای نوآوری یعنی سرمایه‌گذاری و تقویت اکوسیستم استارت‌آپی، از اقتصاد نفتی فاصله بگیرند.

عمان با حدود ۵ میلیون نفر جمعیت، سومین کشور پرجمعیت حاشیه جنوبی خلیج فارس (پس از عربستان سعودی و امارات) به شمار می‌رود. عمان در طول چند دهه اخیر به دلیل سیاست‌های خاص حاکمانش، چندان از نوآوری و باز شدن درهای کشور به دنیای مدرن استقبال نمی‌کرد. به همین دلیل، نگاهی گذرا به آمار استارت‌آپ‌های کشور عمان نشان می‌دهد که وضعیت این کشور

موانعی نیز در مسیر فعالیت استارت‌آپ‌ها در این کشور وجود دارد. شاید مهم‌ترین مانع موجود در راه استارت‌آپ‌های کشور عمان را بتوان نظام سنتی اداری این کشور دانست. همچنان قوانین و مقررات دست‌وپا گیر زیادی در این کشور وجود دارد که مانع حرکت سریع شرکت‌های فناوری و سرمایه‌گذاران می‌شود.

در واقع، بوروکراسی اداری که میراث چند دهه ثروت بادآورده نفتی است، همچنان در این کشور به حیات خود ادامه می‌دهد. البته مدیران ارشد دولتی از این موضوع آگاه‌اند و در چند سال اخیر اقدامات خوبی را برای مقررات زدایی و تدوین قوانین شفاف‌تر به‌منظور جذب استعدادها و سرمایه‌ خارجی

به انجام رسانده‌اند. اما به نظر می‌رسد برای دستیابی عمان به جایگاهی بهتر در اکوسیستم نوآوری منطقه، این اقدامات باید با شتاب بیشتری صورت گیرد. از سوی دیگر، برای سوق دهی استعدادهای موجود در این کشور به سمت اقتصادی مبتنی بر نوآوری به زیرساخت‌ها و نیز سرمایه‌ بیشتری نیاز است. در چند سال اخیر شاهد شکل‌گیری مراکز رشد، شتاب‌دهنده‌ها و فضاهای کار اشتراکی متعددی در عمان بودیم. اما با توجه به درصد بالای جمعیت جوان عمان، همچنان به امکانات زیرساختی بیشتری در این زمینه نیاز است.

یکی از اقدامات کلیدی دولت عمان، راه‌اندازی یکی از بزرگ‌ترین پارک‌های فناوری منطقه بود. این پارک «واحه دانش مسقط» (Knowledge Oasis Muscat) نام دارد و در زمینی یک‌میلیون مترمربعی احداث شده است. این پارک فناوری علاوه بر میزبانی چند مرکز پیشرو آموزش عالی، میزبان صدها شرکت فناوری داخلی و خارجی است.

### ● جمع‌بندی

سرعت تغییرات در کشورهای حاشیه خلیج به سمت اقتصاد غیرنفتی و فاصله گرفتن از اقتصاد رانتی و ورود به بازارهای رقابتی جهانی شتاب بالایی گرفته است به‌ویژه اینکه نمونه موفق امارات میان این کشورها به‌سرعت تبدیل به الگو شده است و روش‌ها و برنامه‌های این کشور توسط سایر کشورهای این منطقه پیگیری می‌شود.

این کشورها با تلاش برای تغییر آموزش‌ها و تقویت اکوسیستم نوآوری در کشور خود تلاش برای جذب استارت‌آپ‌ها و کارآفرینان از سایر کشورها و ورود به دنیای نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان دارند. این کشورها همچنین با تعریف ابر پروژه‌های توسعه‌ای در حالتی که طراحی درست داشته و موفق باشند هم در محله اجرا و هم پس از آن بسته به نوع پروژه سرمایه و نیروی انسانی را متنوعی را در سطوح مختلف به خود جذب می‌کنند، هم‌زمان برای اینکه این تعاملات مالی و انسانی امکان‌پذیر شده و تسهیل گردد ظرفیت نهادی و مقرراتی این کشورها هم در حال بهبود و تعدیل است. به‌طوری‌که در شاخص‌های جهانی سهولت کسب‌وکار، و شهر هوشمند بهبود زیادی داشته‌اند.

**با توجه به سابقه تاریخی تبادلات نیروی انسانی میان ایران و این کشورها با وجود اینکه ممکن است در کوتاه مدت اثر این برنامه‌ها در جذب متخصصان ایرانی برای کشور منفی به نظر برسد، ولی در میان مدت و بلند مدت و با تغییر شرایط زمینه‌ای ایران، می‌تواند به عنوان فرصتی برای چرخش، بازگشت یا سرمایه‌گذاری مجدد این بخش از نیروی انسانی در کشور باشد.**

هیچ تعجیبی ندارد روی آوردن به راه‌اندازی استارت‌آپ، کار روی ایده‌های خلاق و تلاش برای تولید، اکنون به گزینه‌ای جذاب برای جوانان عمانی تبدیل شده است.

ایجاد اشتغال از طریق نوآوری، در کنار بسترسازی‌های قانونی و اقتصادی، نیازمند تجهیز جوانان به مهارت‌های روز است. دولت عمان در همین راستا، طی کمتر از یک دهه اخیر، زمینه فعالیت چندین مرکز رشد، شتاب‌دهنده و فضای کار اشتراکی را در شهرهای مختلف خود فراهم کرده است.

عمان سال‌هاست از نظر پیشرفت اقتصادی از برخی دیگر از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس (مثل عربستان سعودی یا امارات) بسیار عقب‌تر

است. این موضوع نیز یکی دیگر از دلایلی است که مسئولان عمانی را به فکر چاره‌اندیشی برای بهبود فضای کسب‌وکار و به‌ویژه سرمایه‌گذاری روی اکوسیستم نوآوری انداخته است.

عمان ۲ رویکرد اساسی را برای حضور هرچه بیشتر در اکوسیستم نوآوری جهانی دنبال می‌کند. جبهه اول، تقویت زیرساخت‌های سخت و نرم فعالیت استارت‌آپ‌هاست. راه‌اندازی مراکز مختلف حمایتی و نیز تدوین مقررات متناسب ازجمله این اقدامات به شمار می‌رود. جبهه دوم نیز به سرمایه‌گذاری در بازارهای بین‌المللی نوآوری مربوط می‌شود. ثروت زیادی که این کشور از درآمدهای نفتی به دست آورده، این امکان را به دولت‌مدانش داده تا بتواند از طریق سرمایه‌گذاری در صندوق‌های بزرگ بین‌المللی حوزه نوآوری، جایگاه و نقش خود در این اکوسیستم را تقویت کند.

### ■ سرمایه‌گذاری روی استارت‌آپ‌های کشور عمان

شاید مهم‌ترین گامی که عمان در این میان برداشته، تأسیس صندوق ملی فناوری باشد. عمان در آن سال تصمیم گرفت صندوقی با بودجه چشمگیر ۲۰۰ میلیون دلاری را برای حمایت از اکوسیستم نوآوری در این کشور راه‌اندازی کند.

این صندوق طی چند سال اخیر به سرمایه‌گذاری گسترده در استارت‌آپ‌های کشور عمان پرداخته است. برخلاف بسیاری از صندوق‌های دولتی که بیشتر به فعالیت‌های کم‌ریسک می‌پردازند، این صندوق روی استارت‌آپ‌ها در مراحل مختلف رشد (از پیش‌بذری گرفته تا رشد) سرمایه‌گذاری می‌کند. همچنین محدوده جغرافیایی فعالیت صندوق ملی فناوری عمان به مرزهای این کشور محدود نمی‌شود و برخی از استارت‌آپ‌های سایر کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس نیز توانسته‌اند از تأمین مالی آن بهره‌مند شوند.

از سوی دیگر، عمان تمایل دارد به قطب منطقه‌ای سرمایه‌گذاری در زمینه نوآوری هم تبدیل شود. به همین دلیل، این صندوق به خریداری سهام شرکت‌های پیشروی سرمایه‌گذاری خطرپذیر نیز می‌پردازد. البته در این میان، عمان توجه خاصی به قاره آسیا دارد. شاید اشباع نبودن این بازار (برخلاف بازارهای آمریکای شمالی) و نیز حضور کمتر رقبای غربی، دلیلی باشد که عمان را به حضور بیشتر به‌عنوان یک شریک مالی ثروتمند در کنار شرکت‌های نوآور آسیایی سوق می‌دهد.

باوجود مزیت‌های نسبی عمان (نظیر جمعیت جوان و بازار بکر)،



# خریداران خانه در ترکیه

از اشتیاق کشورهای بحران‌زده تا خروج برخی از کشورهای منطقه



داود عیوضلو

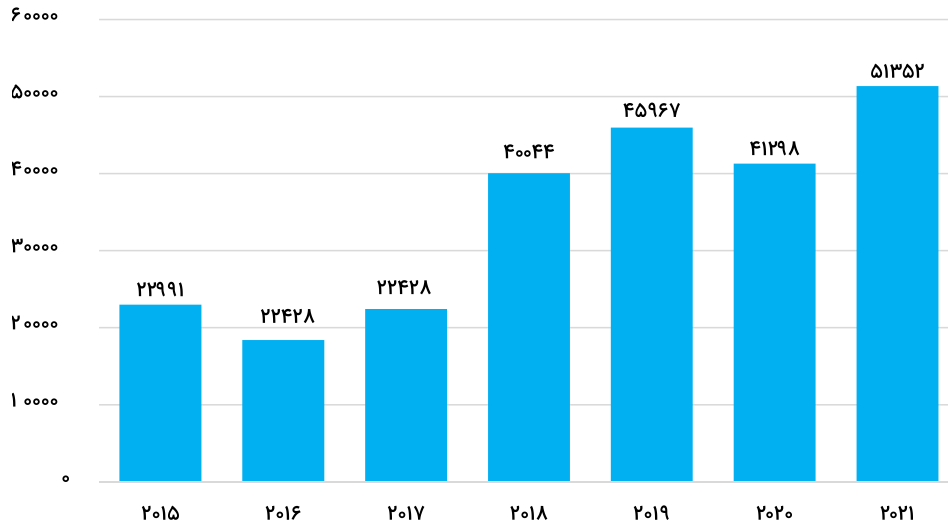
پژوهشگر رصدخانه مهاجرت ایران



سیاست‌گذاران را از تبعات خروج سرمایه از کشور به مقصد بازار مسکن ترکیه آگاه کنند. گروهی دیگر با اهداف سیاسی با بازتاب گسترده این موضوع در تلاش هستند تا تعداد خریداران مسکن در ترکیه را نشانه‌ای از یک وضعیت بحرانی در کشور معرفی نمایند. گروه دیگری نیز هستند که بیشترین نفع را از موضوع می‌برند: شرکت‌های رابط و کارگزاران مسکن در ایران و ترکیه که با انعکاس گسترده اخبار مربوط به تعداد خانه‌های خریداری‌شده، در تلاش هستند تا مشتریان بیشتری را جذب و آن‌ها را برای سرمایه‌گذاری در بازار مسکن ترکیه متقاعد نمایند. این نوشتار به دنبال بررسی آمارهای مربوط به خرید مسکن توسط اتباع خارجی در ترکیه و دسته‌بندی کشورهای از نظر روند خرید مسکن در ترکیه است. کدام کشورها مشتریان اصلی بازار مسکن ترکیه بوده و یا حضور اتباع کدام کشورها در این بازار کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است؟ از سوی دیگر بررسی کشورهای حاضر در بازار مسکن ترکیه تا حدی زیادی سیاست ترکیه را برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی آشکار می‌سازد.

خرید خانه در ترکیه و اخذ پاسپورت این کشور به یکی از اخبار مهم رسانه‌ای و چالش اقتصادی برای سیاست‌گذاران تبدیل شده است. سیاست ترکیه در اعطای پاسپورت به خریداران خانه و دیگر جاذبه‌های اقتصادی و اجتماعی باعث ورود تعداد زیادی از سرمایه‌گذاران خارجی به بخش مسکن ترکیه شده است. بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ (تا ماه نوامبر) جمعاً ۲۴۲ هزار و ۴۷۱ خانه به اتباع خارجی فروخته شده است؛ به عبارتی دیگر به‌طور میانگین سالانه حدود ۳۵ هزار خانه توسط اتباع خارجی در این کشور خریداری شده است.

با افزایش تعداد خریداران خانه در ترکیه، آمارها به‌صورت ماهانه توسط رسانه‌ها و پژوهشگران منعکس می‌گردد. از ماه سپتامبر ۲۰۲۱ تعداد خانه‌های خریداری‌شده توسط اتباع ایرانی به بالای ۱۰۰۰ مورد در ماه رسیده و به ۱/۴۰۶ مورد در ماه نوامبر افزایش یافت. بازتاب اخبار خرید خانه توسط اتباع ایرانی همواره بیشتر از اتباع سایر کشورها مورد توجه قرار گرفته است. گروهی با هدف گوشزد کردن وضعیت نامناسب اقتصاد کشور در تلاش هستند تا



نمودار ۱- تعداد کل خانه‌های خریداری‌شده در ترکیه توسط اتباع خارجی  
منبع: موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است

### ۱. کشورهای مواجه با بحران‌های امنیتی یا جنگ

این دسته شامل کشورهایی است که شاهد جنگ و خشونت هستند و یا به دلایلی همچون کودتا بخشی از سرمایه‌گذاران آن از کشور خارج شده‌اند. البته درگیری و جنگ خود تأثیر مستقیمی بر فروپاشی اقتصاد این کشورها و در نتیجه خروج سرمایه‌ها دارد. در این دسته ۸ کشور قرار دارند: عراق، افغانستان، اوکراین، یمن، فلسطین، مصر، سودان و لیبی. جدول زیر تعداد خانه‌های خریداری‌شده توسط اتباع این ۸ کشور را بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ (تا ماه نوامبر) نشان می‌دهد.

اتباع خارجی خریدار خانه در ترکیه را می‌توان به هفت دسته کلی از نظر وضعیت اقتصادی یا اجتماعی آن‌ها تقسیم کرد. ۱) دسته کشورهای مواجه با بحران امنیتی یا جنگ، ۲) دسته کشورهای مواجه با چالش‌های اقتصادی، ۳) کشورهای ترک‌زبان، ۴) کشورهای میزبان دیاسپورای ترک، ۵) کشورهای در حال خروج، ۶) کشورهای باثبات در خرید خانه، ۷) کشورهای نوظهور. در ادامه به بررسی هرکدام از این دسته‌ها پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است که آمارهای ارائه‌شده توسط موسسه آمار ترکیه تنها ۲۰ کشور اول را شامل می‌شود. از این رو در صورت خروج یک کشور از جمع ۲۰ کشور اصلی در یک سال، آمار آن در دسترس نخواهد بود.

جدول ۱- خرید خانه توسط اتباع خارجی در ترکیه توسط اتباع کشورهای مواجه با بحران‌های امنیتی یا جنگ

نام کشور	تعداد/رتبه	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	جمع هفت سال
عراق	تعداد	۴.۲۲۸	۳.۰۳۶	۳.۸۰۵	۸.۲۰۵	۷.۵۹۶	۶.۶۷۴	۷.۶۲۲	۴۱.۱۶۶
	رتبه	۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	۲
افغانستان	تعداد	۶۵۶	۱.۲۰۵	۱.۰۷۸	۲.۰۸۴	۲.۱۹۱	۱.۹۲۹	۲.۵۰۸	۱۱.۶۵۱
	رتبه	۹	۵	۵	۶	۵	۴	۴	۴
اوکراین	تعداد	۶۰۸	۴۸۴	۵۰۵	۶۲۴	۷۱۹	۷۷۱	۱.۰۷۵	۴.۷۸۶
	رتبه	۱۰	۱۰	۱۱	۱۶	۱۸	۱۵	۱۲	۱۲
یمن	تعداد	۲۳۱	-	۳۹۰	۸۵۱	۱.۵۶۴	۱.۱۸۱	۱.۱۶۹	۵.۳۸۶
	رتبه	۲۰	-	۱۵	۱۱	۹	۸	۱۰	۱۰
فلسطین	تعداد	-	-	۳۳۷	۶۵۵	۱.۱۵۲	۹۲۶	۱.۱۴۶	۴.۲۱۶
	رتبه	-	-	۱۶	۱۵	۱۲	۱۲	۱۱	۱۱
مصر	تعداد	۳۱۸	۳۴۸	۵۸۷	۷۲۵	۹۹۱	۷۸۴	۱.۰۰۳	۴.۷۵۶
	رتبه	۱۶	۱۳	۱۰	۱۳	۱۴	۱۴	۱۴	۱۴
سودان	تعداد	-	-	-	-	-	-	۶۲۴	۶۲۴
	رتبه	-	-	-	-	-	-	۲۰	۲۰
لیبی	تعداد	۴۲۷	-	-	-	۱.۱۰۳	۶۲۹	-	۲.۱۵۹
	رتبه	۱۴	-	-	-	۱۳	۱۸	-	-

منبع: موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است

موضوع مشابه روشی است که اتباع افغانستانی برای تملک در ایران استفاده می‌نمایند. به نظر می‌رسد دولت ترکیه در نظر دارد تا محدودیت اعمال شده برای اتباع سوری را در زمینه تملک در ماه‌های آتی کاهش و یا حذف نماید. در صورت کاهش محدودیت‌ها شاهد افزایش تعداد خانه‌های خریداری شده توسط اتباع سوری در ترکیه خواهیم بود.

## ۲. کشورهای مواجه با چالش اقتصادی

در این گروه، سه کشور ایران، روسیه و لبنان قرار دارند که در چند سال اخیر شاهد مشکلات اقتصادی بوده‌اند. اتباع ایرانی به‌عنوان اصلی‌ترین خریداران خانه در ترکیه مطرح هستند و اتباع روس نیز همواره در این سال‌ها بین چهار کشور اصلی خریداران خانه در ترکیه قرار داشته‌اند. اتباع کشور لبنان نیز در چهار سال گذشته به جمع ۲۰ کشور اول خریداران خانه در ترکیه اضافه شده‌اند که یکی از دلایل آن بحران مالی این کشور بوده است.

نکته مهم در خصوص کشورهای دچار بحران جنگ و ناامنی، عدم حضور اتباع کشور سوریه در بازار مسکن ترکیه است. علی‌رغم حضور نزدیک به ۴ میلیون سوری در ترکیه به دلیل محدودیت‌های قانونی اعمال شده توسط دولت ترکیه، اتباع سوری امکان خرید زمین یا خانه در ترکیه را ندارند. عدم دسترسی بخش عمده پناهندگان سوری در ترکیه به مدارک هویتی و همچنین نگرانی دولت ترکیه از خرید و تملک گسترده زمین و خانه بخصوص در مناطق مرزی این کشور توسط اتباع سوری باعث اعمال این محدودیت علیه اتباع سوری شده است. نگرانی در خصوص تملک زمین در مناطق مرزی ترکیه با سوریه ریشه در اختلافات مرزی و سیاسی در مناطقی همچون استان هاتای پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی نیز دارد. البته برای آن دسته از اتباع سوری که دارای شرکت تجاری یا بازرگانی در ترکیه هستند امکان تملک وجود دارد. در صورت ثبت شرکت تجاری حضور شریک ترک برای خرید خانه ضرورت دارد. محدودیت برای خرید خانه برای اتباع سوری باعث شده است تا آن‌ها املاک مدنظر خود را به نام یک فرد دیگر از جمله اتباع ترک خریداری نمایند. این

جدول ۲- خرید خانه توسط اتباع خارجی در ترکیه توسط اتباع کشورهای مواجه با چالش اقتصادی

کشورهای مواجه با چالش اقتصادی	نام کشور	تعداد/رتبه	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	جمع هفت سال
ایران	تعداد	۷۴۴	۶۶۴	۷۹۲	۳,۶۵۲	۵,۴۲۳	۷,۱۸۹	۸,۵۹۴	۲۷,۰۵۸	
	رتبه	۸	۸	۸	۲	۲	۲	۱	۱	
روسیه	تعداد	۲,۰۳۶	۱,۲۲۴	۱,۳۳۱	۲,۲۹۷	۲,۸۹۳	۳,۰۷۸	۴,۴۹۴	۱۷,۳۵۳	
	رتبه	۴	۴	۴	۴	۳	۳	۳	۳	
لبنان	تعداد	-	-	-	۴۵۶	۶۵۰	۷۰۷	۸۹۴	۲,۷۰۷	
	رتبه	-	-	-	۲۰	۲۰	۱۶	۱۶	۱۶	

منبع: موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است

گذشته جایگاه خود را در زمینه خرید خانه در ترکیه بهبود بخشیده و از رتبه ۱۲ به رتبه ۶ رسیده است. این موضوع نشان می‌دهد که اتباع این دو کشور ترک‌زبان به دلیل اشتراکات زبانی و فرهنگی از نظر تعداد خانه خریداری شده کمتر دچار نوسان شده و سهم خود را در بازار حفظ کرده یا بهبود بخشیده‌اند.



نکته مهم در خصوص کشورهای مواجه با مشکلات اقتصادی تفاوت در رشد خرید خانه در میان آن‌ها است. در حالی که تعداد خانه‌های خریداری شده توسط اتباع روس بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ حدود دو برابر افزایش یافته، در این مدت میزان رشد خرید خانه توسط اتباع ایرانی بیش از ۱۰ برابر رشد یافته است. جهش اصلی در خرید خانه در این کشور سال ۲۰۱۸ است که هم به دلیل تغییر قوانین تابعیت در ترکیه و هم به دلیل تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده آمریکا شاهد خروج سرمایه اتباع ایرانی به سمت بازار ترکیه بوده‌ایم. از سوی دیگر بخشی از خریداران ایرانی خانه در ترکیه را سرمایه‌گذاران ایرانی در دیگر کشورها بخصوص امارات متحده عربی تشکیل می‌دهند که در سال‌های اخیر به دلیل قوانین سخت‌گیرانه علیه اتباع ایرانی سرمایه خود را از این کشورها به بازار ترکیه منتقل کردند.

## ۳. کشورهای ترک‌زبان

دو کشور آذربایجان و ترکیه از بین کشورهای ترک‌زبان در لیست ۲۰ کشور اصلی خریدار خانه در ترکیه قرار داشته‌اند. از این رو تنها آمار مربوط به این دو کشور در دسترس قرار دارد. کشور آذربایجان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین متحدان ترکیه بوده است و اتباع این کشور از اصلی‌ترین مشتریان بازار مسکن ترکیه در هفت سال گذشته بوده‌اند. از سوی دیگر قزاقستان نیز در طول هفت سال



جدول ۳- خرید خانه توسط اتباع خارجی در ترکیه توسط اتباع کشورهای ترک‌زبان

نام کشور	تعداد/رتبه	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	جمع هفت سال
آذربایجان	تعداد	۸۱۵	۶۱۰	۹۴۲	۱,۲۵۰	۱,۱۹۱	۱,۲۷۹	۱,۳۲۵	۷,۴۱۲
	رتبه	۷	۹	۶	۹	۱۱	۵	۸	
قزاقستان	تعداد	۵۴۰	۳۸۰	۳۳۴	۵۴۲	۷۷۶	۱,۱۷۱	۱,۸۰۸	۵,۵۵۱
	رتبه	۱۲	۱۲	۱۷	۱۷	۱۵	۹	۶	

منبع: موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است

#### ۴. کشورهای میزبان دیاسپورای ترکیه

اگرچه همواره در بین ۲۰ کشور اصلی خریداران خانه در ترکیه بوده‌اند اما جایگاه آن‌ها در سال ۲۰۲۱ در مقایسه با سال ۲۰۱۵ تنزل یافته است. اتباع ایالات متحده که به نظر بخش عمده آن‌ها را اتباع ترک‌تبار تشکیل می‌دهند از سال ۲۰۱۸ به جمع خریداران اصلی ترکیه اضافه شده و در سال ۲۰۲۱ در جایگاه نهم قرار گرفتند. در سوی دیگر اتباع کشورهای نروژ، هلند و بلژیک در سال‌های اخیر از جمع ۲۰ کشور اصلی خریدار خانه در ترکیه خارج شده‌اند.

تعداد زیادی از اتباع ترکیه مقیم دیگر کشورهای از جمله آلمان، بریتانیا و ایالات متحده هستند. در سال‌های اخیر بخشی از خریداران خانه را این گروه از اتباع ترک تشکیل می‌دهند. اتباع ترک‌تبار آلمانی از جمله مهم‌ترین خریداران خانه در ترکیه بوده‌اند و در هفت سال گذشته جایگاه خود را حفظ کرده یا ارتقاء داده‌اند. اما از سوی دیگر اتباع کشور سوئد و بریتانیا

جدول ۴- خرید خانه توسط اتباع خارجی در ترکیه توسط اتباع کشورهای میزبان دیاسپورای ترکیه

نام کشور	تعداد/رتبه	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	جمع هفت سال
آلمان	تعداد	۸۶۹	۷۱۴	۷۷۲	۱,۸۶۶	۱,۷۲۳	۱,۲۶۵	۲,۰۶۲	۹,۲۷۱
	رتبه	۶	۷	۹	۷	۷	۶	۵	
ایالات متحده آمریکا	تعداد	-	-	-	۴۶۸	۶۵۸	۶۲۳	۱,۲۶۵	۳,۰۱۴
	رتبه	-	-	-	۱۸	۱۹	۱۹	۹	
بریتانیا	تعداد	۱,۰۵۴	۸۲۷	۷۹۴	۱,۲۳۷	۱,۳۵۳	۱,۱۲۶	۹۳۹	۷,۳۳۰
	رتبه	۵	۶	۷	۱۰	۱۰	۱۰	۱۵	
سوئد	تعداد	۵۴۱	۴۱۷	۴۰۶	۷۲۳	۷۵۴	۵۴۳	۷۵۲	۴,۱۳۶
	رتبه	۱۱	۱۱	۱۳	۱۴	۱۶	۲۰	۱۹	
نروژ	تعداد	۴۵۳	۲۹۶	۲۷۳	-	-	-	-	۱,۰۲۲
	رتبه	۱۳	۱۵	۱۹	-	-	-	-	
هلند	تعداد	-	۲۱۷	-	۴۶۷	-	-	-	۶۸۴
	رتبه	-	۱۸	-	۱۹	-	-	-	
بلژیک	تعداد	-	۱۹۸	۲۱۹	-	-	-	-	۴۱۷
	رتبه	-	۱۹	۲۰	-	-	-	-	

منبع: موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است

#### ۵. کشورهای در حال خروج

در سال‌های گذشته تعداد زیادی خانه را در ترکیه خریداری کردند اما در چند سال اخیر سهم آن‌ها در خرید خانه در ترکیه کاهش یافته و جایگاه خود را از دست دادند.

گروه دیگر از کشورهای خریدار خانه را کشورهای عرب‌زبان حاشیه خلیج فارس تشکیل می‌دهند. این گروه از کشورها اگرچه

جدول ۵- خرید خانه توسط اتباع خارجی در ترکیه توسط اتباع کشورهای در حال خروج

نام کشور	تعداد/رتبه	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	جمع هفت سال
عربستان سعودی	تعداد	۲,۷۰۴	۱,۸۸۶	۳,۳۴۵	۲,۷۱۸	۲,۲۰۸	۶۷۹	-	۱۳,۵۴۰
	رتبه	۲	۲	۲	۳	۴	۱۷	-	
امارات متحده عربی	تعداد	۳۳۲	۱۹۲	۴۰۱	-	-	-	-	۹۲۵
	رتبه	۱۵	۲۰	۱۴	-	-	-	-	
قطر	تعداد	۲۷۷	۲۵۶	۳۰۵	۷۶۴	۷۲۱	-	-	۲,۳۲۳
	رتبه	۱۷	۱۷	۱۸	۱۲	۱۷	-	-	

منبع: موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است

### ۶. کشورهای باثبات در خرید خانه

اتباع کشورهای اردن و کویت از جمله اتباع خارجی هستند که همواره در هفت سال گذشته در جمع ۲۰ کشور اصلی خریدار خانه قرار داشته‌اند.

تعداد خانه‌های خریداری شده توسط اتباع کویت بین ۱۵۰۰ تا ۲۱۰۰ خانه در نوسان بوده و جایگاه آن‌ها به دلیل افزایش سهم دیگر کشورها، از سوم به هفتم تنزل یافته است. اتباع کشور اردن نیز با افزایش حدود چهار برابری خرید خانه در ترکیه، جایگاه خود را از نوزدهم به سیزدهم ارتقاء داده‌اند.

اتباع کشور عربستان سعودی که تا سال ۲۰۱۹ همواره جزو چهار کشور اصلی خریداران خانه در ترکیه بوده‌اند در دو سال اخیر سهم خود را در این بازار کاهش داده و در سال ۲۰۲۰ به جایگاه ۱۷ تنزل یافتند و در سال ۲۰۲۱ نیز از جمع ۲۰ کشور اول خریداران خانه خارج شدند. امارات متحده عربی سه سال زودتر از متحد خود یعنی عربستان سعودی از جمع خریداران اصلی خانه در ترکیه خارج شد. اتباع کشور قطر نیز در دو سال اخیر سهم خود را در بازار مسکن ترکیه در مقایسه با دیگر کشورها کاهش داده‌اند. ثبات اقتصادی در این کشورها از سویی و چالش‌های سیاسی ترکیه با برخی از این کشورها باعث شده است تا حضور اتباع آن‌ها در بازار مسکن ترکیه کم‌رنگ‌تر شود.

جدول ۶- خرید خانه توسط اتباع خارجی در ترکیه توسط اتباع کشورهای باثبات در خرید خانه

کشورهای باثبات در حضور	نام کشور	تعداد/رتبه	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	جمع هفت سال
کویت	تعداد	۲،۱۳۰	۱،۷۴۴	۱،۶۹۱	۲،۱۹۹	۱،۹۰۳	۱،۲۳۱	۱،۵۲۸	۱۲،۴۲۶	
	رتبه	۳	۳	۳	۵	۶	۷	۷	۷	
اردن	تعداد	۲۴۳	۳۴۵	۴۸۳	۱،۳۶۲	۱،۵۹۶	۱،۰۸۰	۱،۰۷۴	۶،۱۸۳	
	رتبه	۱۹	۱۴	۱۲	۸	۸	۱۱	۱۳	۱۳	

منبع: موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است

کشورها در خرید خانه توسط اتباع پاکستانی و چینی در ترکیه تأثیرگذار بوده است. در سال‌های اخیر اتحاد بین ترکیه، پاکستان و آذربایجان و در مسائل سیاسی و اعلام این سه کشور به عنوان "سه برادر" و به تبع آن توسعه روابط اقتصادی بین آن‌ها در جذب سرمایه‌گذاران پاکستانی به ترکیه تأثیر زیادی داشته است. از سوی دیگر اتباع کشور چین قرار دارند که در سال‌های اخیر اقدام به خرید خانه در ترکیه کرده‌اند. البته باید در نظر داشت که سهم اتباع کشور چین در مقایسه با تعداد جمعیت این کشور بسیار پایین است.

### ۷. کشورهای نوظهور در بازار مسکن ترکیه

اتباع دو کشور پاکستان و چین در سال‌های اخیر سهم خود را در بازار مسکن ترکیه ارتقاء داده‌اند. اتباع چینی پس از حضور در جمع بیست کشور اصلی در سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ برای سه سال از لیست کشورهای اصلی خریدار خانه در ترکیه خارج شدند اما در سال ۲۰۲۰ مجدداً به جمع این کشورها اضافه شدند. اتباع پاکستان برای اولین بار در سال ۲۰۲۱ و با افزایش سهم خود در خرید خانه به لیست ۲۰ کشور اصلی خریدار خانه در ترکیه اضافه شدند. افزایش مراودات سیاسی و اقتصادی ترکیه با این

جدول ۷- خرید خانه توسط اتباع خارجی در ترکیه توسط اتباع کشورهای نوظهور در بازار مسکن ترکیه

کشورهای نوظهور	نام کشور	تعداد/رتبه	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹	۲۰۲۰	۲۰۲۱	جمع هفت سال
چین	تعداد	۲۷۱	۲۸۱	-	-	-	-	۸۹۱	۸۱۷	۲،۲۶۰
	رتبه	۱۸	۱۶	-	-	-	-	۱۳	۱۸	
پاکستان	تعداد	-	-	-	-	-	-	-	۸۵۳	۸۵۳
	رتبه	-	-	-	-	-	-	-	۱۷	

منبع: موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است



جدول ۸- جمع خانه‌های خریداری شده توسط اتباع هشت دسته از کشورها در ترکیه از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱

درصد	تعداد خانه	
۳۰.۸	۷۴,۷۴۴	کشورهای مواجه با بحران امنیتی یا جنگ
۱۹.۴	۴۷,۱۱۸	کشورهای مواجه با چالش اقتصادی
۵.۳	۱۲,۹۶۳	کشورهای ترک‌زبان
۱۰.۷	۲۵,۸۷۴	کشورهای میزبان دایاسپورای ترک
۶.۹	۱۶,۷۸۸	کشورهای در حال خروج
۷.۷	۱۸,۶۰۹	کشورهای باثبات در حضور
۱.۳	۳,۱۱۳	کشورهای نوظهور

منبع: داده‌های موسسه آمار ترکیه/ داده‌های سال ۲۰۲۱ تا ماه نوامبر لحاظ شده است

### جمع‌بندی

کشورهای مورد بررسی در هشت گروه بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۱ جمعاً ۱۹۹ هزار و ۲۰۹ خانه از مجموع ۲۴۲ هزار و ۴۷۱ خانه فروخته شده به اتباع خارجی در ترکیه را خریداری کرده‌اند. اتباع کشورهای دچار جنگ و ناآرامی در این مدت جمعاً ۷۴ هزار و ۷۴۴ خانه در ترکیه خریداری کردند. به عبارتی دیگر ۳۰٪ درصد کل خانه‌های فروخته شده به اتباع خارجی در این سال‌ها را اتباع هشت کشور دچار جنگ و ناامنی خریداری کرده‌اند. پس از این گروه، کشورهای دچار مشکلات اقتصادی شامل ایران، روسیه و لبنان با خرید ۴۷ هزار و ۱۱۸ خانه در ترکیه حدود ۱۹ درصد از خانه‌های فروخته شده به اتباع خارجی را خریداری کردند.

کشورهای درگیر جنگ و ناآرامی سیاسی اصلی‌ترین گروه خریداران خانه در ترکیه هستند. با افزایش ناآرامی‌های سیاسی و خشونت در کشورهای منطقه، ترکیه توانسته است خود را به عنوان اصلی‌ترین کشور میزبان سرمایه‌های اتباع این کشورها مطرح نماید. به عبارتی دیگر اتباع کشورهای مواجه با جنگ و ناآرامی سیاسی در جستجوی خارج کردن سرمایه‌های خود، ترکیه را به دلیل برخی از جذابیت‌های آن انتخاب می‌کنند. در ارتباط با کشورهای همچون ایران و روسیه که دچار مشکلات اقتصادی هستند نیز ترکیه توانسته سرمایه‌های بخشی از اتباع این کشورها را به سمت بازار مسکن خود هدایت نماید.

در کنار عوامل سیاسی و اقتصادی در کشورهای مبدأ خریداران خانه در ترکیه، عوامل فرهنگی و اجتماعی نیز در جذب سرمایه‌گذاران به بخش مسکن ترکیه بی‌تأثیر نبوده است. اتباع کشورهای ترک‌زبان بخصوص آذربایجان و قزاقستان به دلیل اشتراکات زبانی و فرهنگی ترکیه را به عنوان مقصد جذاب قلمداد می‌کنند. البته آمار مربوط به خرید خانه برای اتباع دیگر کشورهای ترک‌زبان در دسترس نیست و در صورت احتساب دیگر کشورها سهم کشورهای ترک‌زبان در خرید خانه در ترکیه بیشتر از ۵ درصد خواهد بود. از دیگر گروه‌های اصلی خریداران خانه در ترکیه، ترک‌های مقیم خارج از این کشور هستند. بطوریکه کشورهای مربوط به این گروه حدود ۱۰ درصد از خانه‌های فروخته شده را خریداری کرده‌اند. اتباع ترک‌تبار در دیگر کشورها به دو گروه

قابل تقسیم هستند. گروه اول همچون اتباع ترک‌تبار در آلمان و ایالات متحده سهم خود را حفظ کرده یا ارتقاء بخشیده‌اند و گروه دیگر با کاهش خرید خانه در ترکیه از جمع ۲۰ کشور اصلی خارج شده‌اند.

جریان ورودی سرمایه‌گذار خارجی به ترکیه تحت تأثیر روابط سیاسی این کشور با دیگر کشورها نیز قرار دارد. در سال‌های اخیر و با توسعه روابط بین این کشور و پاکستان، اتباع این کشور برای اولین مرتبه در سال ۲۰۲۱ بین ۲۰ کشور اول خریداران خانه در ترکیه قرار گرفتند. از سوی دیگر به دلیل تیره شدن روابط بین ترکیه و برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس و دیگر عوامل اقتصادی، به نظر می‌رسد این گروه از کشورها در حال خروج و یا کاهش سهم خود در بازار مسکن ترکیه هستند.

مرور سیاست کشور در سال‌های اخیر حاکی از تمرکز این کشور بر جذب سرمایه‌های سرگردان کشورهای بحران‌زده شامل کشورهای دچار بحران جنگ و بی‌ثباتی سیاسی و همچنین کشورهای دچار بحران اقتصادی است. از سوی دیگر سیاست‌گذاران این کشور توجه ویژه‌ای بر اشتراکات زبانی و فرهنگی کشورهای ترک‌زبان دارند. بعلاوه ترکیه از ظرفیت اتباع ترک خارج از کشور برای سرمایه‌گذاری در بخش مسکن خود نهایت استفاده را می‌نماید.

علی‌رغم شرایط بی‌ثبات اقتصادی ترکیه در یک سال گذشته، این کشور توانسته است با ارائه برخی مشوق‌ها زمینه ورود سرمایه‌گذاران خارجی را فراهم نماید. تجارب کشور ترکیه و درس آموخته‌های آن از نظر برنامه‌های جذب سرمایه‌گذار در بخش مسکن می‌تواند برای ایران و دیگر کشورها آموزنده باشد. در این راستا با توجه به افزایش تعداد سرمایه‌گذاران ایرانی در بخش مسکن ترکیه اولین گام در این خصوص بهبود شرایط کسب‌وکار و هدایت سرمایه‌ها به بخش تولید است. در شرایط بی‌ثباتی اقتصادی برخی از سرمایه‌گذاران به منظور حفظ ارزش دارایی‌ها خود اقدام به خارج کردن آن از کشور خواهند کرد. البته باید در نظر داشت که تمام سرمایه‌گذاران ایرانی در بخش مسکن ترکیه به دلایل اقتصادی اقدام به خرید خانه در این کشور نمی‌کنند بلکه عواملی همچون مسائل اجتماعی، دریافت تابعیت کشور ترکیه و دیگر عوامل در این تصمیم اثرگذار هستند. به طور مثال برای برخی از ایرانیان، خرید خانه در ترکیه به معنای تحقق رویای زندگی در خارج از کشور است. این افراد اغلب در تلاش برای نمایش جنبه‌های مثبت زندگی در ترکیه و بازتاب زندگی لاکچری خود در شبکه‌های اجتماعی هستند که این امر نقش شبکه‌های اجتماعی را در تشویق سایر ایرانیان برای خرید خانه در ترکیه برجسته می‌نماید.

از سوی دیگر به دلیل اشتراکات فرهنگی با کشور افغانستان ظرفیت بالایی برای جذب سرمایه‌های اتباع این کشور وجود دارد. اگرچه در سال‌های اخیر طرح اعطای اقامت ۵ ساله به اتباع خارجی به تصویب رسید اما به دلیل عدم واقع‌بینانه بودن شرایط آن و ارائه مشوق‌های بیشتر در کشورهای همسایه از جمله ترکیه در عمل شاهد شکست این طرح بودیم. در این راستا ضروری است تا طرح مذکور اصلاح و مشوق‌های بیشتری به منظور جذب سرمایه‌گذاران خارجی ارائه گردد. در نهایت حضور تعداد زیادی از اتباع ایرانی در خارج از ایران ظرفیت دیگری برای کشور در زمینه جذب سرمایه‌های آن‌ها به بازار مسکن و سایر عرصه‌های اقتصادی کشور است.



## نگاهی به مسئلهٔ تابعیت مضاعف در ایران و جهان



فاطمه سوری

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه شهید بهشتی



با این حال برخی از کشورها همچون ایران موضع مشخصی نسبت به این مسئله نداشته و کماکان آن را به‌عنوان یک تهدید امنیتی جدی تلقی می‌کنند. جنجال بر سر دو تابعیتی‌ها در ایران از اواخر سال ۱۳۹۳ شروع شد؛ زمانی که چند تن از نمایندگان مجلس پیشنهاد کردند که مشاغل و مناصب دولتی نباید در اختیار افرادی قرار گیرد که دارای تابعیت مضاعف بوده و سوگند وفاداری خود را نسبت به کشوری دیگر اظهار داشته‌اند. بنابراین با توجه به حساسیت‌برانگیز شدن این موضوع بد نیست که نگاهی به تجربه کشورهای مختلف در راستای رسمیت بخشیدن به این مفهوم جدید باشیم.

تابعیت دوگانه یا مضاعف پدیده جدیدی است که مناقشات بسیاری بر مرزهای مفهومی آن وجود دارد. در واقع افزایش جمعیت مهاجران در کشورهای دنیا و قرار گرفتن مهاجران در منصب‌های سیاسی، علمی و فرهنگی موجب شده است که مفهوم تابعیت مضاعف با شدت بیشتری در دستور کار سیاست‌گذاران در کشورهای مبدأ مهاجران قرار گیرد. اگرچه تابعیت مضاعف مفهومی نسبتاً جدید است و قدمت چندانی ندارد، اما این مفهوم در بسیاری از کشورهای مهاجرپذیر دنیا و همچنین کشورهایی که دارای جمعیت بالایی از مهاجران در کشورهای دیگر هستند، به یک موضوع به رسمیت شناخته‌شده و قانونی بدل شده است اما

همان‌طور که ذکر شد مباحث حقوقی و فلسفه سیاسی و علوم سیاسی درباره اهمیت افزایش "تابعیت دوگانه" یا "تابعیت مضاعف" در کشورهای مهاجران به آمریکای شمالی و اروپای غربی توجهات بسیاری را به خود جلب کرده است؛ به طوری که تابعیت مضاعف نیز هم‌زمان به یک موضوع سیاسی و بحث روزنامه‌نگاری در ایالات متحده تبدیل شد، به‌ویژه هنگامی که مکزیک، به‌عنوان مبدأ بیشترین تعداد مهاجران (قانونی و

غیرقانونی) به ایالات متحده، قانون اساسی و قوانین خود را تغییر داد تا به مکزیکی‌هایی که به‌عنوان شهروند آمریکایی به تبعیت ایالات متحده درآمد بودند، اجازه دهد نوعی از تابعیت مکزیکی را پس بگیرند. این اقدام از طریق اعطای کارت شهروندی ماتریکولا<sup>۱</sup> به شهروندان مکزیکی که در خارج از مکزیک اقامت دارند صورت می‌گیرد.

در برخی کشورهای دیگر به‌ویژه آلمان مسئله دو تابعیتی بودن افراد به یک بحث عمده در سیاست و قانون تبدیل شده است. آلمان با مشکل تعدد کارگران مهاجر، به‌ویژه مهاجران ترک، که وضعیت مبهمی به‌عنوان اقامت دائم و نه شهروند داشتند، روبرو شد. سیاست اعطای شهروندی به آن‌ها این حقیقت را نشان داد که آلمان اجازه تابعیت مضاعف را به مهاجران نمی‌دهد - به‌عبارت‌دیگر مهاجرانی که تابعیت آلمان را اخذ نمایند، نمی‌توانند تابعیت قبلی خود را حفظ کنند - در حالیکه مهاجران ترک و فرزندان آن‌ها به دلایل مختلف از ترک ملیت ترکی خود اکراه داشتند و آرزو داشتند حقوق شهروندی خود را در ترکیه حفظ کنند. تابعیت مضاعف برای کارگران مهاجر و فرزندان آن‌ها نیز در هلند مطرح شد. در کشورهای دیگر - به‌عنوان مثال کشورهای انگلستان و کانادا - با مسئله تابعیت دوگانه مخالفتی ندارند، چراکه شمار زیادی از جمعیت مهاجر و فرزندان آن‌ها دو تابعیتی هستند. نتایج سرشماری در مورد تابعیت مضاعف در کشور کانادا نشان می‌دهد که در سال ۱۹۸۱ میلادی، ۴ درصد و در سال ۱۹۹۶ میلادی، ۱۲ درصد از مهاجران اظهار داشتند که دو تابعیتی یا چند تابعیتی بوده‌اند. همچنین بسیاری از افراد دو تابعیتی بودند اما از آن آگاهی نداشتند.

تابعیت مضاعف یا پاسپورت دوم به افرادی اشاره دارد که به‌طور هم‌زمان تابعیت دو یا چند کشور را دارند و به این ترتیب می‌توانند از پاسپورت دو یا چند کشور استفاده کنند. به‌طورکلی بر مبنای اصل لزوم تابعیت، هر شخص؛ حق داشتن تابعیت را دارد و نمی‌توان اشخاص را از تابعیتی که دارند محروم نمود. اشخاصی که فاقد تابعیت هستند از حقوق سیاسی و اجتماعی محروم هستند. بر مبنای اصل وحدت تابعیت نیز، تابعیت باید واحد باشد، نه متعدد؛ اما عملاً به دلیل اختلاف عملکرد دولت‌ها در انتخاب سیستم خاک یا خون در خصوص تابعیت اتباع خود، مشکلاتی ایجاد گردیده است؛ به این صورت که موجب بی‌تابعیتی یا چند تابعیتی برخی از افراد گردیده است. بنابراین گاهی ممکن است به دلایل ارادی یا غیرارادی، دو یا چند تابعیت در یک شخص جمع گردد؛ در این حالت، شخص درحالی‌که تابعیت

## افزایش جمعیت مهاجران در کشورهای دنیا و قرار گرفتن مهاجران در منصب‌های سیاسی، علمی و فرهنگی موجب شده است که مفهوم تابعیت مضاعف با شدت بیشتری در دستور کار سیاست‌گذاران در کشورهای مبدأ مهاجران قرار گیرد.

یک دولت را دارد؛ دولت دیگری هم آن را از اتباع خود می‌شناسد. این افراد دارای تابعیت مضاعف (دوگانه) هستند؛ بنابراین تابعیت مضاعف عبارت است از وضعیت شخصی که هم‌زمان تابعیت بیش از یک دولت را به‌موجب قانون آن کشورها دارد.

تابعیت مضاعف ممکن است مشکلاتی را برای شخص چند تابعیتی پدید آورد؛ همچون پرداخت مضاعف مالیات و خدمت نظام وظیفه چندباره.

دولت‌ها نیز در مورد حمایت سیاسی از این افراد گاه دچار اختلافاتی می‌شوند. همچنین ممکن است اختلاف قوانین کشورها شخص و مجریان قانون را دچار ابهام کند؛ مثلاً اختلاف در قوانین مربوط به ارث و وصیت موجب بروز مشکلاتی در تقسیم ارث و اجرای وصایای اشخاص می‌گردد که از تابعیت مضاعف برخوردارند. همچنین در زمینه برخورد کشورهای ثالث یا نهادهای بین‌المللی با افراد چند تابعیتی نیز اختلافات و ابهاماتی وجود دارد. عرف بین‌المللی تشخیص تابعیت مؤثر و رعایت قوانین کشور دارای «تابعیت مؤثر» در مورد چنین اشخاصی است. برای مثال شخصی که به آمریکا سفر کرده است و تابعیت کشورهای فرانسه و انگلستان را دارد، در صورت بروز مسئله‌ای حقوقی برای او که بایستی با قوانین کشور متبوع وی حل گردد، شهروند کشوری محسوب می‌شود که تابعیت مؤثرتری بر وی داشته است، هرچند قواعد دقیقی برای تشخیص تابعیت مؤثر وجود ندارد.

### ● تابعیت مضاعف در کشورهای مختلف جهان

#### ■ آلمان

آلمان در مورد تابعیت مضاعف سیاست‌های محدودکننده‌ای دارد. دولت آلمان از اصولی پیروی می‌کند که به "اجتناب از چندملیتی بودن" معروف است و به‌طور کلی، آلمانی‌ها در صورت تمایل به اخذ تابعیت خارجی، باید تابعیت خود را ترک کنند. موارد استثنا فقط در مورد شهروندان اتحادیه اروپا، شهروندان سوئیس و فرزندان یا نوه‌های مهاجر آن‌ها اعمال می‌شود. در حال حاضر، حدود ۴/۳ میلیون نفر در آلمان دارای دو یا چند تابعیت هستند. تقریباً از هر پنج مهاجر ترک‌تبار در این کشور یک نفر پاسپورت آلمان و ترکیه را دارد.

#### ■ فرانسه

بیشتر کشورهای اتحادیه اروپا از جمله فرانسه در حال حاضر اجازه تابعیت مضاعف را دارند. اتباع فرانسه از سال ۱۹۷۳ حق تابعیت دو یا چندملیتی را داشتند. در سال ۲۰۰۹، فرانسه در برابر اولین ماده "کنوانسیون کاهش پرونده‌های چندملیتی و نظامی" شورای اروپا ایستاد. هدف این توافق‌نامه "کاهش هرچه بیشتر تعداد پرونده‌های چندملیتی در بین کشورهای عضو بود." در فرانسه، "Jus Soli"، به معنای تابعیت ابتدایی، به‌کار برده می‌شود. هرکسی که در فرانسه متولد شود و به مدت پنج سال در این کشور زندگی کند، تقاضای تابعیت فرانسوی وی پس از سن ۱۳ سالگی بدون توجه به ملیت والدین، مورد پذیرش قرار می‌گیرد. کودکان متولد فرانسه از والدینی که در فرانسه نیز متولد شده‌اند، صرف‌نظر از ملیت خود، می‌توانند از بدو تولد نیز تابعیت

عین حال سختگیری‌هایی در این مورد نشان داده است. که طبق ماده قانون ۹۸۸ قانون مدنی ایران، شرایط ترک تابعیت شامل موارد زیر است: داشتن حداقل ۲۵ سال سن، اجازه هیئت وزرا جهت خروج از تابعیت، انجام خدمت نظام وظیفه، انتقال اموال غیرمنقول ظرف مدت یک سال، خروج از ایران ظرف مدت سه ماه.

ولی این ماده به صورت ضمنی تشریح می‌کند که با درخواست ترک تابعیت ایرانی زمانی موافقت می‌شود که فرد تابعیت خارجی را بگیرد.

با بررسی قوانین تابعیت در کشورهای مختلف جهان، می‌توان دریافت که موضوع تابعیت مضاعف در اکثر کشورها به عنوان یک چالش حقوقی مطرح است و فعالین مدنی و حقوقدان‌ها به دنبال یافتن یک راهکار حقوقی برای حل این مسئله هستند ولو این روند وقت‌گیر و زمان‌بر باشد. در این میان کشورهای مانند مکزیک برای شهروندان مکزیکی که در خارج از کشور اقامت دارند کارت شهروندی ماتریکولا صادر می‌کند که به دولت کمک می‌کند تا اتباع خود را در مواقع اضطراری مانند حوادث، بلایای ملی یا مفقود شدن افراد پیدا کند. درحالی‌که در ایران، به دلیل عدم به رسمیت شناختن افراد دو تابعیتی از سوی دولت، داشتن تابعیت مضاعف را جرم تلقی می‌کنند و برای این پدیده راهکار کیفری اتخاذ می‌کنند (این در حالی است که در هیچ‌کدام از قوانین جزایی ایران داشتن تابعیت مضاعف جرم تلقی نشده است). درواقع پس از گذشت دهه‌ها و سال‌های متمادی و آشکار شدن مشکلات تابعیت مضاعف در نظام حقوقی ایران، دستگاه‌ها و نهادهای ذی‌ربط کماکان برای رفع این مشکلات اقدامات مؤثری انجام نداده‌اند و خلأهای قانونی در این زمینه را برطرف نکرده‌اند. در نهایت ذکر این نکته خالی از لطف نیست که اگرچه توجه به مسائل امنیتی دو تابعیتی‌ها باید موردتوجه دستگاه‌های امنیتی کشور قرار گیرد اما حل مسئله تابعیت مضاعف بیش از آنکه نیازمند نگاه امنیتی باشد، نیازمند نگاه ملی است.

فرانسه را دریافت کنند.

#### ■ سوئد

برای مدت طولانی، سوئد مانند آلمان، به اصل "جولوگیری از تابعیت مضاعف" پایبند بود. قانونی که در سال ۲۰۰۱ تصویب شد، به اتباع سوئدی اجازه می‌دهد بدون از دست دادن گذرنامه سوئدی خود، تابعیت دیگری را

درخواست کنند، البته به شرطی که قوانین کشور اجازه این کار را بدهد. به نوبه خود، مهاجران در سوئد لزوماً مجبور نیستند تابعیت خارجی خود را هنگامی که تابعیت کسب کرده‌اند، ترک کنند. توماس فیست، جامعه‌شناس، سوئد را الگوی بالقوه سایر کشورها می‌داند. و داشتن دو گذرنامه را نه به عنوان مشکل بلکه به عنوان یک ابزار کمکی در ادغام مهاجران می‌بیند.

#### ■ اسپانیا

اصولاً اسپانیا برای مهاجرانی که از کشورهای پرتغال، آندورا، فیلیپین، گینه استوایی و کشورهای آمریکای لاتین هستند، تابعیت مضاعف را مجاز می‌داند. بر اساس قانون اساسی اسپانیا، مهاجران سایر کشورها در صورت تمایل به داشتن تابعیت اسپانیا باید از تابعیت خارجی خود صرف‌نظر کنند. شهروندان اسپانیایی اگر ظرف مدت سه سال به مقامات اطلاع دهند که مایل به نگه داشتن گذرنامه اسپانیایی خود هستند، حق داشتن دو تابعیت را دارند.

#### ■ آمریکا

ایالات متحده تابعیت مضاعف را به رسمیت نمی‌شناسد. با این حال، از نظر قانونی یا سیاسی، هیچ موضعی در برابر آن اتخاذ نکرده است. به طور معمول، هیچ آمریکایی با به عهده گرفتن مسئولیت‌های تابعیت در کشور دیگر تابعیت خود را سلب نمی‌کند. حتی اگر این مسئولیت‌ها شامل مسافرت با گذرنامه خارجی، رأی دادن در انتخابات کشور دیگری، یا کاندیدا شدن و یا خدمت در مناصب عمومی کشور دیگری باشد. در اکثر موارد، ادعای شهروندی در کشور دیگر، برای مقامات ایالات متحده فاقد اهمیت است. ده کشور با بالاترین جمعیت دارنده کارت سبز که واجد شرایط تابعیت در ایالات متحده هستند از قبیل کانادا، جمهوری دومینیکن، السالوادور، مکزیک، فیلیپین، انگلیس و ویتنام تابعیت مضاعف در ایالات متحده را به رسمیت می‌شناسند در حالیکه سه کشور چین، کوبا و هند به رسمیت نمی‌شناسند.

#### ● تابعیت مضاعف در ایران

اصل ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی و اصول ۹۷۶ تا ۹۹۱ قانون مدنی ایران، به تابعیت و یا عدم تابعیت اختصاص دارد. اصل ۴۱ قانون اساسی به صراحت می‌گوید که تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند به جز در مواردی که خود شخص درخواست دهد یا به تابعیت کشور دیگری درآید. درواقع قانون مدنی ایران، اصولاً تابعیت دوم ایرانیان را به رسمیت نمی‌شناسد و قوانین ایران راهکاری در جهت حل پدیده دو تابعیتی ارائه نکرده‌اند. ترک تابعیت به اقدامی اطلاق می‌شود که در طی آن فرد با قبول تابعیت کشوری دیگر، قطع روابط بین خود و دولت متبوعش را موجب گردد. قانون ایران نیز ترک تابعیت را با توجه به اصل آزادی افراد، جایز دانسته ولی در





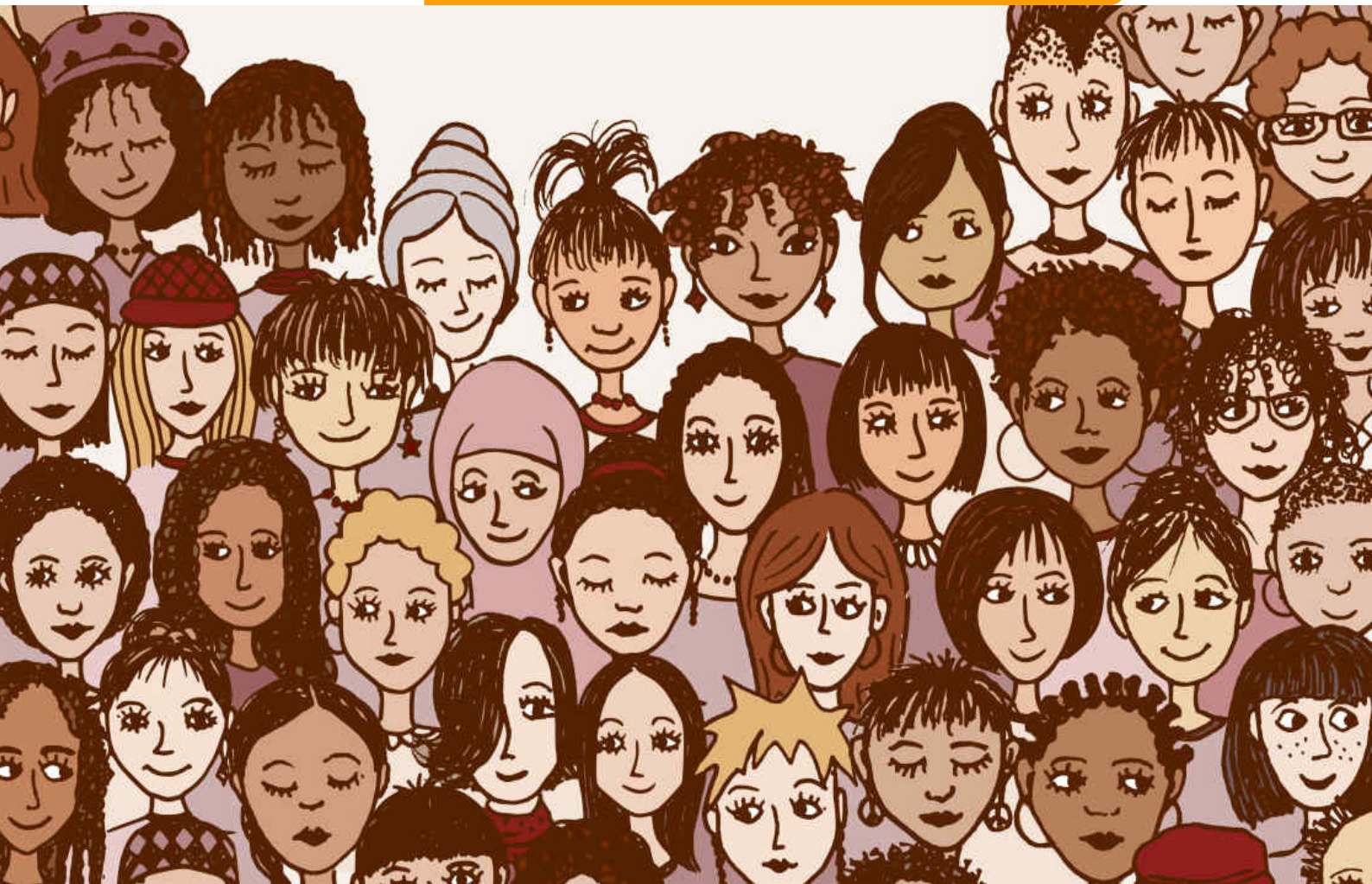
# از کدام زن مهاجر خاورمیانه‌ای صحبت می‌شود؟

نگاهی بر پدیدهٔ زنانه‌شدن مهاجرت



فرشته طوسی

فعال حقوق زنان و دانش‌آموخته جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی



از حمایت خانواده هم به صورت معمول بهره‌مند نیست و ممکن است به صورت غیرقانونی حتی از مرزها بگذرد؟ منظور ما زنی است که همراه با خانواده به نیت زندگی خوب، از آب‌ها می‌گذرد و پناهنده می‌شود و یا زنی که با پذیرش تحصیلی و امتیازات مشخص شغلی، تصمیم به مهاجرت می‌گیرد؟ طیف‌های گسترده‌ای از زنان حضور دارند که هرکدام می‌توانند جنبه‌ای از چرایی مهاجرت زنان را برای ما باز کنند. در این بین،

مهاجرت زنان بیش از پیش به مسئله‌ی امروز پژوهشگران تبدیل شده است. اما پیش از هر تحلیلی باید پرسید که کدام زنان موضوع مطالعه هستند؟ منظور از زن مهاجر موردنظر، زن تحصیل‌کرده‌ی شهری است که در یک خانواده‌ی غیرمذهبی و غیر سنتی به دنیا آمده است و به خاطر طبقه‌ی بالای اقتصادی می‌تواند مقصد مشخص و بهتری را برای مهاجرت انتخاب کند یا یک زن حاشیه‌نشین، متعلق به شهری با امکانات محدود که

به صورت رسمی نمی‌تواند کار کند، چرا حضور در جامعه‌ای دیگر را انتخاب نکند؟ جامعه‌ای که در نهایت و در حداقلی‌ترین شکل ممکن، بازهم می‌خواهد او را در میان آمارهای اشتغال زیرزمینی و غیررسمی دسته‌بندی کند. در واقع، اگر یک زن نتواند «خود» را در منطقه‌ای که متولد شده است، محقق کند، چرا نباید برای احتمال دسترسی به امکاناتی دیگر، دست به انتخاب تجربه‌ای دگرگون‌بند و مخاطرات این تغییر را به عهده نگیرد؟ مخاطراتی که ساختارها از پیش بر او سوار کرده‌اند.

مهاجرت به کشورهای غربی از خاورمیانه در این بستر صورت می‌گیرد، زانی که خودآگاهی نسبت به وضعیت و موقعیت خود پیدا کرده‌اند در یک سو قرار می‌گیرند و در سمتی دیگر، ساختارهایی که متناسب با این خودآگاهی، نه تنها تغییر نکرده‌اند که قوانین عریان و مشخصی هم در اکثر کشورهای منطقه بر علیه حقوق زنان وجود دارد. بسیاری از کشورهای که به عنوان مقصد زنان انتخاب می‌شوند از این وضعیت زنان خاورمیانه به صورت پیشینی آگاه‌اند و موج‌های مهاجرت، زانی را که از موقعیت‌های تحصیلی، طبقاتی خوبی برخوردار نیستند، وارد مشاغل با عنوان کارگر نیمه ماهر و بازار کار سیاه می‌کند. (اگر از آن‌ها به صورت مشخص سو استفاده نشود).

انواع سو استفاده‌های جنسی توسط کارفرما، آزار جسمی و روانی، شرایط کار استثمارگرانه، غیرانسانی، بردگی زنان، به تعداد روزافزون، در طی جریان مهاجرت از کشورهای کمتر توسعه‌یافته به کشورهای پیشرفته، در بسیاری از گزارشات و پژوهش‌ها، بیان شده است<sup>۳</sup>

زانی با امکانات اقتصادی مناسب و حمایت‌های خانوادگی احتمال بیشتری دارد که بتواند جایگاه مناسب‌تری از نظر شغلی برای خود فراهم کند. جایگاهی که به صورت ساختاری، در کشور مقصد تبعیض‌های کمتری نسبت به آن وجود دارد، اما همچنان هم ممکن است اکثریت این مشاغل بر نقش‌های کلیشه‌ای زنانه مبتنی باشند، همان‌طور که در کشور مبدأ می‌توان این تقسیم‌بندی‌ها را مشاهده کرد.

در نهایت باید گفت جابه‌جایی می‌تواند منجر به زندگی خوب و تغییر در نقش‌های جنسیتی هم بشود، اما می‌تواند نقش‌های سنتی، نابرابری، انزوا و از خودبیگانگی را هم در زن مهاجر، پدید بیاورد. فرودستی زنان، با تغییر و مهاجرت، از بین نمی‌رود. اما این فرودستی برای زنی که با آگاهی و انتخاب خود مهاجرت کرده است با زنی که به ناچار، به خاطر شرایط نابرابر اقتصادی، خشونت‌های خانگی، ازدواج اجباری، تن به مهاجرت داده‌اند، بدون شک متفاوت است. به همین خاطر باید همیشه مشخص کرد که از کدام تجربه‌ی زنانه صحبت می‌شود.

3 - Piper Nicola. (2003). "Feminization of Labor Migration as Violence Against Women, International, Regional and Local Nongovernmental organization Responses in Asia", Australian National University, Violence Against Women, Vol.9. No.6, June 2003

خاورمیانه هم منطقه‌ی وسیعی است که به مثابه‌ی یک کل واحد از زنان حاضر در این جغرافیا نمی‌توان صحبت کرد. به همین خاطر باید مهاجرت زنان را با توجه به تلاقی مذهب، طبقه، زبان و قومیت، سن و... تحلیل کرد و تحت تأثیر تحلیل‌های تقلیل‌گرایانه از مهاجرت زنان قرار نگرفت.

پژوهش‌های متعدد و آمارها نشان می‌دهند که مهاجرت دیگر امری مردانه نیست و زنان لزوماً به‌عنوان همراه مردان، مهاجرت نمی‌کنند. یک زن تجربه‌ی زیستی متفاوتی نسبت به یک مرد دارد، همین تجربه‌ی زیسته‌ی

مبتنی بر نابرابری، نقطه‌ی عزیمت پژوهشگر برای شناخت بیشتر درباره‌ی چرایی مهاجرت زنان می‌تواند باشد. تجربه‌ی زیسته‌ی متفاوت، ناشی از مردسالاری حاکم بر تاریخی است که به صورت عام و به مثابه‌ی یک کل، جهان با آن درگیر بوده است و به صورت خاص، در خاورمیانه هم به شکل متفاوت و مضاعفی، خودش را نشان داده است. این نابرابری تاریخی، ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی را در برمی‌گیرد. مردسالاری، می‌تواند در تمامی این حوزه‌ها، یک زن را دچار چالش کند و او را با پدیده‌هایی مواجه کند که برای یک مرد هیچ‌گاه به عینیت در نیامده است.

از ابتدایی‌ترین نهادهایی که زنان را با تبعیض مواجه می‌کند، خانواده است، خانواده، اولین جایگاهی است که نقش‌های جنسیتی را در زن نهادینه می‌کند و کار خانگی بدون مزد را مبدل به مهم‌ترین نقش یک زن می‌کند. در مصر، بیش از ۹۰ درصد زنان در طول زندگی خود، ختنه می‌شوند، بررسی خشونت خانگی در اکثر کشورهای خاورمیانه، هنوز به صورت رسمی در آمارها، نقش مهمی را بازی نمی‌کند و نهادهای نظارتی گسترده هم در قریب به اتفاق این کشورها وجود ندارند. بافت سنتی و مذهبی خانواده در خاورمیانه که اکثریت آن را مسلمانان چه سنی و چه شیعه تشکیل می‌دهند، زنان را با مسائلی مواجه می‌کند که ناشی از فرهنگ متفاوت حاکم بر این خانواده‌هاست.

سازوبرگ‌های ایدئولوژیک در هرکدام از این نهادهایی مثل رسانه، دانشگاه، مدرسه... زن را تبدیل به سوژه‌ای می‌کند که به انقیاد درآمده است و توانایی تحقق خود واقعی‌اش را ندارد. سوژه‌ی «زن» در یک هزارتویی از نقش‌های پیشینی، باید تلاشی چند برابر نسبت به مردان هم قشر و طبقه‌ی خود بکند، تا بتواند در مسیری که می‌خواهد حرکت کند.

محیط‌های کاری هم در این میان با توجه به همین نقش‌ها، برای زنان، جایگاه‌هایی از پیش تعیین‌شده و کلیشه‌ای مشخص می‌کنند. در ایران، آمار اشتغال رسمی زنان در ۳۰ سال اخیر، تقریباً تغییر محسوسی نداشته است<sup>۴</sup> و روزه‌روز به آمار اشتغال غیررسمی زنان افزوده می‌شود. این در حالی است که مشارکت و حضور زنان در دانشگاه، رشد چشم‌گیری داشته است و این پیامدهای مشخصی در بازار کار دارد. زنی که در جامعه‌ی خود

۱ - <https://egypt.unfpa.org>

۲ - مرکز آمار ایران. <https://www.amar.org.ir>



## مهم ترین دستاوردها و جوایز بین المللی برای ایرانیان در سال ۲۰۲۱

### احسان مسعود قره خانی

ریاست پارلمان نروژ  
رادیولوژیست و سیاستمدار



### کامران وفا

برنده جایزه مصطفی ۲۰۲۱  
استاد دانشگاه هاروارد



### شیده دشتی

برنده جایزه پژوهشی «والتر هوبر» انجمن مهندسان عمران آمریکا  
استادیار دانشگاه کلرادو



### علی میرچی

برنده جایزه تحقیقات کاربردی شورای دانشگاهی منابع آب  
استادیار دانشگاه ایالتی اوکلاهما



### اردلان شکرآبی

وزیر امور بيمه‌های اجتماعی سوئد - سیاستمدار



### امیر حق وردی

برنده جایزه تحقیقات کاربردی شورای دانشگاهی منابع آب  
استادیار دانشگاه کالیفرنیا



### امید نوری پور

عضو پارلمان آلمان - سیاستمدار



### خشایار فرهانبر

وزیر انرژی سوئد - سیاستمدار



### بیژن جیر سرابی

عضو پارلمان آلمان - سیاستمدار



### صحرا واگن کشت

عضو پارلمان آلمان - سیاستمدار



### کاوه منصوری

عضو پارلمان آلمان - سیاستمدار



### یاسمین فهیمی

عضو پارلمان آلمان - سیاستمدار



### چیا ربیعی

دریافت نشان شجاعت آلمان - پناهنجوی کرد



### پارسا حروی

عضو پارلمان آلمان - سیاستمدار



### سمیرا ایمانی فولادی

مربی والیبال زنان پورتو - ورزشکار



### سعید مولایی

برنده نقره المپیک - ورزشکار



### علیرضا فیروزجا

قهرمان جام ملت‌های اروپا - ورزشکار



### کیعیا علیزاده

کسب رتبه چهارم در المپیک - ورزشکار





## اکوسیستم استارت‌آپی و مهاجرت



**START  
UP**



# روایت‌های فعالین استارت‌آپی از دوگانه رفتن و ماندن



زهرا علی‌پور

کارشناس روابط عمومی رصدخانه مهاجرت ایران



از این رو در این بخش، با توجه به گسترده تأثیرگذاری استارت‌آپ‌ها در چرخه اقتصادی کشور، فارغ از تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی مرتبط، روایت‌ها و راهکارهای زیسته فعالین استارت‌آپی ایران را مدنظر قرار دادیم و با تعدادی از فعالین جدی این اکوسیستم گفت‌وگوهایی تنظیم کردیم. گفت‌وگوهایی که بر پایه چالش‌های اصلی فعالیت کسب‌وکارشان شکل گرفت؛ سوال‌هایی چون پیش‌شران‌های اصلی مهاجرت میان فعالین اکوسیستم استارت‌آپی ایران چگونه ارزیابی می‌شود؟ در مرحله تاسیس تا توسعه استارت‌آپ در ایران چه آسیب‌هایی وجود دارد؟ نقش سیاست‌گذار در این میان چیست و آیا جامعه استارت‌آپی کشور می‌تواند عاملیت مطالبه‌گری نیز داشته باشد؟ و...

در این مجموعه مصاحبه تلاش شده است تا با انتخاب حوزه‌های گوناگون فعالیتی افراد، جامعیت بیشتری از انواع فعالیت و خدمات این اکوسیستم را با توجه محدودیت‌های چنین مصاحبه‌هایی نشان دهیم.

در ادامه متن کامل مصاحبه‌های حامد بیدی، میثم صدیق، هادی فرزند، محسن مکرمی، بهار سیار، هادی کهولی و مصطفی سعیدنژاد خواهد آمد:

ادعای کم‌مصدیقی نیست اگر بگوییم که این روزها شبکه خدماتی استارت‌آپ‌ها بخشی از زندگی‌مان شده است. آن‌ها چه از حیث خلق کلیدواژه‌های جدید در گفتگوهای روزمره و چه از نظر نیازسنجی و تسهیل در خدمت‌رسانی، بخشی از زیست روزمره شهروندی‌مان شده‌اند. اکوسیستمی که از سوی صاحبان ایده‌های کوچک و بزرگ، با اتکا به خلاقیت مبتنی بر نیازسنجی دقیق مخاطب و دانش فنی حوزه دیجیتال شکل و توسعه یافت.

فارغ از دایره کیفیت خدمات متنوع و گسترده استارت‌آپ‌ها، خلق اتمسفر کاری مبتنی بر سرعت، پاسخگویی به مشتری و تعامل درون‌سازمانی متفاوت از بازار سنتی یا ساختار اداری دولتی، موجب شده است که در مجموع تصویری پویا، پاسخگو به مشتری و با ریسک‌پذیری قابل‌توجه را در ذهن مخاطب‌های این جامعه شکل دهند.

نوید گشایش‌های بین‌المللی تصویب برجام، کرونا و محدودیت‌های پس از آن به‌عنوان نقطه‌عطف مهمی در توجه به نیازهای جدید شهروندان محسوب می‌شد که در مجموع از جمله مهمترین عوامل رشد صعودی ثبت و توسعه شرکت‌های استارت‌آپی در سال‌های اخیر ایران است. رشدی که متأسفانه پس از نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و با بازگشت قابل‌توجه تحریم‌ها روندی نزولی پیدا کرد: ایران در شاخص سهولت راه‌اندازی کسب‌وکارها به جایگاه ۱۲۷ تنزل یافت و تهران نیز در رتبه‌بندی شهرهای اکوسیستم استارت‌آپی جهان در میان ۱۰۰۰ شهر، با ۱۷۴ پله سقوط، رتبه ۵۱۲ام را دریافت کرد!

# سوء مدیریت

مهمترین پیشران مهاجرتی فعالین استارتاپی!



مصاحبه با حامد بیدی



نظر می‌رسد که به جز برخی حوزه‌ها نظیر گردشگری، کرونا موجب شد مردم نیز به دنبال رفع نیازهایشان مطابق با شرایط جدید باشند و خیلی از استارتاپی‌ها از این فرصت به خوبی استفاده کردند. البته یکی از چالش‌های دیگر که باز هم استارتاپی‌ها اغلب به خوبی بر آن فائق آمدند بحث دورکاری و جذب نیروهای غیرحضوری بود. من در این مدت دو تجربه متفاوت داشتم. مرکز طراحی اسپیرال بعد از هشت سال فعالیت حضوری از اسفند ۹۸ به صورت ریموت فعالیت خود را ادامه داد و البته کاهش تعداد سفارشات منجر به کوچک‌سازی تیم و حذف برخی از سرویس‌های پرهزینه و کم‌تقاضا شد. همزمان، این موضوع منجر به آن شد که انگیزه بیشتری برای توسعه ایده پلتفرم کارزار در دوران قرنطینه پیدا کنیم و در اسفند ۹۸ با آزمایش یک مدل درآمدی جدید برای این وبسایت و نتیجه موفقیت‌آمیز آن، این پلتفرم که پیش از آن یک مسئولیت اجتماعی جانبی بود تبدیل به یک استارتاپی جدی شود. به طوری که در ماه‌های ابتدایی ۱۳۹۹ که هنوز در قرنطینه به سر می‌بردیم موفق شدیم چند میلیون کاربر جذب کنیم و به تدریج تیم جدیدی برای آن ایجاد کنیم. جالب آنکه تا این لحظه که تیم کارزار ۲۲ نفره شده است، هنوز تمام اعضای تیم به صورت دورکار و حتی از شهرهای مختلف مشغول به کار هستند.

او پاسخ به پرسش‌های مرتبط با پیشران‌های اصلی مهاجرت میان فعالین استارتاپی در طول سال‌های گذشته بیان کرده است:

## ● حوزه فعالیت استارتاپی و کسب‌وکار:

من در حال حاضر دو کسب‌وکار فعالیت دارم. یکی مرکز طراحی اسپیرال است که در حوزه خدمات دیزاین شامل وب، گرافیک و انیمیشن از سال ۱۳۹۱ دایر شده و یکی استارتاپی اجتماعی کارزار است که پلتفرمی برای جمع‌آوری امضای آنلاین برای مطالبات مدنی است. ایده اولیه این استارتاپی از سال ۱۳۹۶ اجرا شد و از سال ۱۳۹۹ تبدیل به یک شرکت استارتاپی جدید و مستقل شد.

## ● کرونا؛ دوگانه شتاب‌دهنده و متوقف‌کننده کسب‌وکارها

کرونا به بسیاری از کسب‌وکارها ضربه‌های جدی زد، برای بسیاری زمین بازی را تغییر داد و برای بسیاری هم موجب جهش شد. من فکر می‌کنم با توجه به اینکه اکوسیستم استارتاپی ماهیتاً خصلت‌های چابکی و انعطاف‌پذیری را در خود دارد، نسبت به سایر حوزه‌های کسب‌وکار سریعتر توانست خود را با شرایط جدید تطبیق دهد و به طور میانگین برای اغلب آنها رشد قابل توجهی اتفاق افتاد. اینطور به



ارتباط پیوسته زیر یک سقف، انسجام تیم را کمتر می‌کند و می‌تواند به هم‌افزایی و هماهنگی بین اعضای تیم ضربه‌های جدی وارد سازد. اما خوشبختانه با مشاوره‌هایی که در این زمینه به صورت حرفه‌ای و مستمر دریافت می‌کنیم تاکنون توانسته‌ایم بهره‌وری بسیار قابل قبولی را در تیم داشته باشیم. جلسات ویدیویی استند‌آپ روزانه، ایجاد حلقه‌ها و گروه‌های تخصصی در تیم (مشابه مفهوم اسکوادها) و اعطای استقلال عمل به آنها، تعریف شرح وظایف مشخص و معیارهای دقیق سنجش، ایجاد سیستم گزارش روزانه و امکان اعطای بیج (عنوان)‌هایی حول محور ارزش‌های تیم توسط خود اعضا به یکدیگر و... برخی از ایده‌هایی بود که توانست خلاء فعالیت حضوری را به شکلی متفاوت پر کند.

### ● سه موج مهم مهاجرتی را در این سال‌ها مشاهده کردیم؛ سال ۹۸، ۹۹ و پس از زمزمه‌های طرح صیانت!

در پاسخ به چالش‌های جذب نیروی کار باید بگویم که چه در شرکت اسپیرال و چه در استارت‌آپ کارزار همواره هنگام جذب نیروی متخصص بیشترین چالش‌ها را داشته‌ایم. زیرا نیروهای متخصص و با تجربه بسیار کمیاب بوده‌اند و این منجر به آن شده که میزان تقاضای نیروهای تازه‌کار یا کم‌تجربه با توقعات مالی بالا بسیار بیشتر از حد توقع باشد. ما گاهی برای جذب یک نیروی جدید متخصص ماه‌ها به دنبال فرد مورد نظر بودیم اما یا پیدا نمی‌شد و یا اگر هم معدود مواردی بودند، به خاطر عدم تعادل نظام عرضه و تقاضا توقعات مالی‌ای بسیار بیشتر از عرف درآمد شرکت‌ها داشتند. بدیهی است اصلی‌ترین علت این موضوع در کنار دلایلی همچون عدم نظام آموزشی مناسب برای پرورش نیروی انسانی متخصص، بحث مهاجرت است. در حال حاضر اغلب کارمندان سابق تیم اسپیرال خارج از کشور زندگی می‌کنند و در حال حاضر نیز چند نفر از اعضای تیم کارزار یا مشغول مهاجرت هستند یا تصمیم جدی به مهاجرت دارند.

شخصاً در طول دوره فعالیتیم سه دوره مهم را به خاطر می‌آورم که موج عظیم مهاجرت نخبگان کاملاً ملموس بود: موج اول پس از وقایع سال ۸۸ بود که بسیاری از دوستانم مهاجرت کردند و حتی من هم به دعوت یک شرکت در سال ۹۰ تصمیم به مهاجرت گرفته بودم، که البته بعدتر به خاطر قبولی در دوره دکترا و دلایل شخصی دیگر منصرف شدم. موج دوم نیمه دوم سال ۹۸ بود که با وقایع آبان‌ماه و سقوط هواپیما و خطر جنگ اوج گرفت و با شروع کرونا به خاطر محدودیت در تردد متوقف شد، و موج سوم ماه‌های اخیر شروع شده که واردات دیرهنگام واکسن، عدم احیای برجام، مطرح شدن قوانین عجیبی نظیر طرح صیانت، و چشم‌انداز نه چندان روشن وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور را از اصلی‌ترین دلایل تقویب انگیزه مهاجرت می‌دانم.

### ● کارمندان جوان در کسب‌وکارها چگونه امیدوار و موثرند؟

نیروهای جوان‌تر با مشاهده کوچکترین بارقه‌های امید بسیار امیدوارتر و پرنرژی‌تر می‌شوند و با دیدن چالش‌ها، انگیزه رشد و پیشرفتشان کاهش می‌یابد. بنابراین در بازه‌های زمانی که رشد کسب‌وکار ملموس بود یا چشم‌انداز روشن‌تری قابل مشاهده بود همراهی بسیار پرنرژی‌تری از آنها دیده می‌شد. این روزها به واسطه چشم‌انداز نه چندان روشنی که اغلب مردم می‌بینند، نیروهای جوان نگاهی درازمدت به همکاری با مجموعه‌ها ندارند و این ضربه جدی به میزان وفاداری سازمانی آنها وارد می‌کند. البته به طور کلی همراهی و همدلی کارمندان را تابع متغییرهای بسیار زیادی می‌دانم که بخش عمده‌ای از آنها در حوزه مدیریت منابع انسانی و اعتقاد قلبی به مأموریت تعریف شده در کسب و کار قابل مدیریت هستند.

تجربه قابل توجه دیگر نیز دوره‌های آموزشی آکادمی اسپیرال بود که در دوران پیش از کرونا ۸ دوره به صورت حضوری و با ظرفیت بسیار محدود برگزار شده بود، اما کرونا باعث شد از شهریور ۱۳۹۹ این دوره‌ها نیز به صورت آنلاین و وبیناری برگزار شود و این منجر به جهش بزرگی از نظر تعداد ثبت‌نام‌کنندگان فارغ از محدودیت‌های جغرافیایی، از داخل و خارج از کشور شد و تعداد مشارکت‌کنندگان و میزان درآمد آن بدون افت کیفیت دوره تا شش برابر بیشتر شد.

### ● تاثیر وقایع اجتماعی و سیاسی در میل یا اقدام به مهاجرت در جامعه استارت‌آپی کشور

تأثیر وقایع سیاسی و اجتماعی، چه مثبت و چه منفی (و اغلب منفی) از چند جنبه در اسپیرال موثر بوده است. روحیه تیم و انگیزه رشد و پیشرفت، مسئله مهاجرت اعضای تیم، کم شدن سفارش‌های بخش خصوصی، درگیری ذهنی مخاطبان و عدم تأثیرپذیری در تبلیغات و... برخی از این جوانب آسیب‌زا هستند. برای مثال در اعتراضات آبان ۹۸، قطع ده روزه اینترنت منجر به توقف فعالیت‌های تیم شد و ما که همان زمان مشغول تبلیغات و فروش بلیط‌های رویداد هفته دی‌زاین تهران بودیم، عملاً فروش مان متوقف شد و پس از وصل شدن اینترنت نیز با سرعت بسیار کمتری نسبت به قبل ادامه پیدا کرد. از طرفی انصراف اسپانسرهای رویداد در کنار کاهش فروش، این رویداد را تا مرز عدم برگزاری برد و ما صرفاً به واسطه تعهدی که به مخاطبان داده بودیم و با همراهی تیم داوطلبان کمپین «من طراحم»، این رویداد را با هزینه‌های شخصی برگزار کردیم. این تنها یک نمونه از تبعات تصمیمات یکباره‌ای است که در این کشور گرفته می‌شود.

من بارها شاهد اتفاقاتی نظیر این و بدتر از آن بودم که بارها به دلیل وقایع سیاسی و اجتماعی در کسب و کارهای مختلف تأثیرگذار بود. بدون شک اتفاقات سیاسی اخیر نظیر رد صلاحیت‌ها و یکپارچگی حاکمیت و اتفاقات ریز و درشتی ماند سلیلی زدن نماینده مجلس تا مطرح شدن طرح صیانت از کاربران، در کنار شرایط فاجعه‌بار اقتصادی در بدنه جامعه و ادامه یافتن تحریم‌ها منجر به ایجاد موج جدیدی از مهاجرت نیروهای نخبه اکوسیستم استارت‌آپی شده است. به نظر من در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین چالش‌های کسب‌وکارهای متوسط و بزرگ بحث مهاجرت نیروی انسانی است که در کنار موانع روزافزون حاکمیتی، چشم‌انداز توسعه را دچار تردید کرده است.

من شخصاً جزء استثنااتی هستم که قصد جدی برای مهاجرت ندارم. از آنجایی که برای من تأثیرگذاری روی انسان‌ها بسیار لذت‌بخش‌تر از رشد مالی است و معتقدم کمتر جایی مثل ایران می‌توانم تأثیرگذار باشم، عطای حقوق‌های وسوسه‌انگیز شرکت‌های بین‌المللی معتبر را به لقایشان (فعلاً) بخشیده‌ام. البته که این تا زمانی است که بتوانم به فعالیت‌هایم تا حد ممکن ادامه دهم. چه بسا در صورت توقف فعالیت‌های استارت‌آپ کارزار و برخورد امنیتی با آن یا فیلترینگ آن دیگر چنین انگیزه‌ای باقی نماند.

از آنجایی که استارت‌آپ کارزار به نوعی در حوزه خدمات پلتفرمی آنلاین جای می‌گیرد، بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اعضای تیم ضرورتاً وابسته به یک مکان خاص و یا حتی زمان خاص نیست. بنابراین ما به راحتی توانسته‌ایم اعضای تیم را به صورت انعطاف‌پذیر و حتی از شهرهای مختلف جذب کنیم. البته در این زمینه با چالش‌ها و پیچیدگی‌های فراوانی در حوزه مدیریت منابع انسانی نیز برخورد داشتیم. به هر حال گسترش یک تیم به صورت غیرحضوری در حالتی که کمتر افراد به صورت حضوری همدیگر را دیده‌اند، و همینطور عدم

# تحریم و چالش‌های قانونی

مهمترین مانع رشد فراملی استارت‌آپ‌های ایرانی



مصاحبه با میثم صدیق



تا زمانی که شرایط مطلوب آن فراهم شود. بعد از درمانه حدود یک و نیم سال در استارت‌آپ «از کتاب» فعالیت داشتیم و در حال حاضر هم در «رادیو گوشه» مشغول به فعالیت هستیم. به‌طور کلی من حدود پنج سال گذشته را به‌طور مستمر در اکوسیستم استارت‌آپی حضور داشتیم.

## ● چالش‌های بین‌المللی: تحریم‌ها نگذاشتند با «کشمون» به صادرات زعفران برسیم.

کشمون یکی از استارت‌آپ‌هایی بود که به امید گشایش‌های برجام، شکل گرفت. چون هدف اصلی آن فروش زعفران به دیگر کشورها بود. یعنی از همان ابتدا در کشمون اهدافی بین‌المللی را دنبال می‌کردیم؛ ما قصد داشتیم که بر بازارهای جهانی خصوصاً اروپا و آمریکا متمرکز شویم. البته فروش زعفران را در برخی از کشورهای اروپایی هم آغاز کردیم اما متأسفانه به دلیل اتفاقاتی که بعد از برجام افتاد، عملاً این هدف محقق نشد چون انتقال پول، تعاملات تجاری و به‌طور کلی فعالیت در بازارهای بین‌المللی برای کشوری که در شرایط تحریم، بسیار دشوار است. بنابراین ما مجبور شدیم به جای رشد عمودی، رشد افقی داشته باشیم؛ در واقع با متنوع کردن سبد

میثم صدیق در استارت‌آپ «کشمون»، «درمانه» و «از کتاب» توسعه‌دهنده و یا مدیرعامل بوده است. او در پاسخ به پرسش‌های مرتبط با آسیب‌های توسعه استارت‌آپ در ایران به برخی از مهمترین عوامل آن اشاره کرده است:

## ● از چهار سال گذشته تاکنون در اکوسیستم استارت‌آپی کشور:

شروع کارم در اکوسیستم استارت‌آپی ایران با مجموعه «کشمون» بود. در آنجا به‌عنوان سرمایه‌گذار بذری وارد شدم. البته من تنها نبودم و مجموعه‌ای از دوستان در این پروژه به‌عنوان سرمایه‌گذار مشارکت داشتند. در واقع انگیزه من برای ورود به اکوسیستم استارت‌آپی ایران در سال ۱۳۹۶ با کشمون بود، به‌واسطه داستان خیلی جالب و ظرفیتی که برای توسعه کسب‌وکارهای بخش کشاورزی و توسعه روستایی و از همه مهمتر مسأله آب داشت. با مجموعه کشمون به توسعه‌ای که مدنظرمان بود نرسیدیم (در ادامه به آن برخواهم گشت). در سال‌های بعدتر به «درمانه» پیوستم. در آنجا به‌عنوان مدیرعامل و نایب رئیس هیئت‌مدیره شروع به کار کردم، البته پیش از من این استارت‌آپ فعالیت داشت، پس از فعالیت در این مجموعه مجبور به توقف فعالیت آن شدیم، دست‌کم

رفته‌رفته از بازارهای جهانی در حال حذف شدن هستیم. از بازار فرش حذف شدیم، از بازار پسته و زعفران در حال حذف شدن هستیم و این روند ادامه دارد و کشورهای دیگری همچون چین و اسپانیا و افغانستان جای ما را می‌گیرند.

### ● ظرفیت بین‌المللی «ازکتاب» هم با محدودیت‌ها، به طرحی ملی محدود ماند.

ایده اولیه استارت‌آپ «ازکتاب»، از سال ۱۳۹۷ شروع شد. این استارت‌آپ در تلاش است که معنای دسترسی خوانندگان به اطلاعات و کالای کتاب را با استانداردهای کتابخانه ملی و تجاری‌سازی جدیدتری از فرایند سنتی بازار نشر متناسب با فضای آنلاین، تغییر دهد. و به نوعی عدالت دسترسی به کتاب ایجاد کند. شاید بتوان گفت که استارت‌آپ «ازکتاب» به دلیل اینکه تعامل خیلی زیادی با دولت نداشت، مسیر فعالیت ساده‌تری برای ما بود. از این جهت که فروشندگان خصوصی از سویی و در طرف دیگر خریداران نهایی بودند. پلتفرمی هم بود که قوانین آن از قبل وجود داشت.

گرچه این استارت‌آپ به لحاظ فعالیت با آسودگی بیشتری همراه بود اما ما در «ازکتاب» به‌واسطه همان محدودیت‌های بین‌المللی مجبور شدیم از بخشی از خواسته‌ها و رؤیاهایمان دست بکشیم. ما از ابتدا قصد داشتیم که بازار خود را به کشورهای همسایه یا کشورهای که کتاب‌های فارسی در آن طرفدار دارد، گسترش دهیم که این امر هم به دلایلی که گفتم، محقق نشد. بازار بزرگی در کشورهایی که کتاب‌های فارسی در آنها طرفدار دارد؛ در بخش بزرگی از هند، پاکستان، افغانستان و تاجیکستان، اما ما عملاً مجبور شدیم که از بازار بین‌المللی چشم‌پوشی کنیم.

با تمام این توضیحات اگر شما امروز برای یک تجارت صادراتی برنامه‌ریزی کنید، در دو سال دیگر از شما بپرسم که آیا کسب‌وکار شما به نتیجه‌ای رسید؟ با اطمینان خیلی بالایی جواب شما منفی خواهد بود!

### ● علت اصلی مهاجرت فعالین استارت‌آپی، ناامیدی و ناروشنی آینده است!

مسئله میل به مهاجرت به نظر من در هر دو سطح (مدیران و همکاران) قابل‌مشاهده و لمس است. تصور می‌کنم که در سال‌های اخیر این موضوع با بدتر شدن شرایط، بیشتر هم شده باشد. از ابتدای امسال تا امروز پنج همکار خیلی خوبم را به دلیل مهاجرت از دست داده‌ام؛ همکاران خوبی که به توانایی و مهارت‌هایشان اعتماد داشتم و بالطبع جایگزین کردن آن‌ها بسیار دشوار است. بنابراین تجربه و حس من می‌گوید که میل به مهاجرت و به‌طور کلی مهاجرت در سال‌های اخیر با افزایش بسیار زیادی همراه بوده است و دلیل عمده آن هم شاید نه شرایط سخت، نه تحریم و نه قوانین دست‌وپا گیر بوده باشد، بلکه به نظر من مهم‌ترین دلیل آن ناامیدی و در واقع روشن‌نبودن آینده است. من به‌طور کلی فردی امیدوارم، هنوز هم هستم اما واقعاً در حال حاضر ۱۰ درصد از آن چیزی هستم که پنج سال پیش بودم. یعنی همیشه فکر می‌کردم اگر یک نفر پنج یا ده سال پیش به من می‌گفت که قصد رفتن از کشور را دارد، حتماً مخالفت می‌کردم و می‌گفتم اگر ما برویم چه کسی باید اینجا بماند و بسازد؟ نه اینکه منی بر کشور داشته باشیم، وظیفه ما این است که اینجا بمانیم، ایستادگی کنیم و بسازیم چون اینجا بزرگ شدیم، اینجا درس خواندیم و از منابع این کشور مصرف کردیم.

محصولات‌مان و تعیین بازار هدف داخلی، ناچار شدیم به سمت رشد افقی روی آوریم. با این تفاسیر می‌توان گفت که در حال حاضر «کشمون»، سبد محصولات خود را به محصولاتی افزایش داده است که اصلاً در ایده اولیه این تجارت نبود.

### ● چالش‌های داخلی: قوانین کهنه، روند بروکراتیک فرسایشی نهادهای دولتی

مسئله تحریم و برهم‌خوردن برجام از جنبه بین‌المللی چالش‌ها بود. اما در داخل کشور هم ما مشکلاتی داشتیم؛ برای مثال می‌توان به تجربه دردناک‌مان در استارت‌آپ «درمانه» اشاره کرد: مهم‌ترین نقد در این باره، آن است که بخش دولتی بسیار کند و عقب‌تر از فعالین استارت‌آپی‌اند. به نظر می‌رسد آنها برای یک تصمیم ساده، ماه‌ها وقت تلف می‌کنند.

به عنوان نمونه زمانی که من در حال توسعه درمانه بودم، سازمان گردشگری کشور ادعا می‌کرد که حوزه گردشگری سلامت مرتبط به بخش ماست و از طرف دیگر هم وزارت بهداشت ادعا می‌کرد که این نوع کسب‌وکارها مربوط به وزارتخانه ی آنهاست. تقریباً یک سال به‌همین‌منوال، بر سر دعوی سازمان گردشگری و وزارت بهداشت تلف شد و نهایتاً هم هیچ تصمیم درستی برای آن گرفته نشد و هنوز هم این بخش متولی خاصی ندارد!

مشکل دیگر این است که کلاً بخش دولتی ما قوانین مشخص و روشنی برای شروع فعالیت‌های استارت‌آپی ندارد و اگر هم این قوانین موجود باشند، به دلیل قدیمی‌بودن، کارایی لازم را ندارند؛ برای مثال درباره درمانه، وزارت بهداشت قانونی در رابطه با فعالیت چنین کسب‌وکاری نداشت و در آن زمان به قانونی مربوط به سال ۱۳۴۶ استناد می‌کرد که به‌هیچ‌عنوان راهگشا نبود.

این چالش‌ها خسته و عصبی‌کننده‌اند. چون شما از دولت انتظار دارید که درست عمل کند و به‌خوبی حمایت کند ولی تقریباً تمام کاری که نمی‌کند، همین است! من به یاد دارم در یکی از جلسه‌هایی که با یکی از وزرا داشتم این بحث مطرح را مطرح کرد که ما چه کاری می‌توانیم برای تسهیل فعالیت استارت‌آپی شما انجام دهیم و من گفتم بهترین کاری که شما می‌توانید انجام دهید، کاری نکردن است! چون شما در سمت ما نیستید و با مشکلات فعالین استارت‌آپی ناآشناییید. فقط می‌خواهید جیب من را مدیریت کنید اما وظیفه شما مدیریت کردن جیب من نیست شما باید مسائل کلان را حل کنید. برای فعالین استارت‌آپی که پر از ایده و انرژی هستند بزرگ‌ترین خدمت، حذف همین موانع قانونی دست‌وپاگیر است.

تمام استارت‌آپ‌ها بعد از طی مراحل اولیه رشدشان، برای رشد به بازارهای بین‌المللی نیاز دارند. در کشور ما همین مسئله مهم به دلیل احمقانه‌بودن قوانین صادراتی، یک گلوگاه محسوب می‌شود. برای نمونه ما در کشمون، زعفران را در ایران - در نظر بگیرید که سال خوبی برای زعفران نبوده و آن را گران می‌خریم و می‌فروشیم - مثقالی ۱۸۰ هزار تومان به مصرف‌کننده نهایی تحویل می‌دهیم؛ یعنی هر مثقال، چهار یورو. اگر من زعفران ایران را در اروپا به‌ازای هر گرم، ۱۵ یورو بفروشم؛ یعنی برای من در ایران گرمی یک یورو هزینه دارد و می‌توانم آن را در اروپا به‌ازای هر گرم، ۱۵ یورو بفروشم. ببینید که همین کسب‌وکار اگر سریع و بی‌دردسر انجام شود، چه سود و ارزآوری برای کشور دارد. اما متأسفانه قوانین صادراتی ما آن قدر دست‌وپاگیر هستند که این فرصت را از کشور و فعالین استارت‌آپی سلب کرده است. همین قوانین دست‌وپاگیر موجب شده که ما



حدود ۴۰۰ دلار به حدود ۱۰۰ دلار کاهش یافته است یعنی واقعاً فاصله چندانی با کشورهای توسعه‌نیافته و عقب‌مانده نداریم. بنابراین نیروی کار ایرانی به فاصله این بیست سال بسیار ارزان شده است و در چنین شرایطی شما به فردی که به‌طور مثال ۱۰۰ دلار درآمد دارد، پیشنهاد کار ۲۰۰ دلاری در کشوری حتی با شرایط برابر یا بدتر از ایران را هم بدهید، حتماً این پیشنهاد برای او جذاب خواهد بود. یعنی در چنین وضعیتی، طبیعی است که افراد مهاجرت کنند. حتی اگر این فرد مهاجرت هم نکنند، کیفیت منابع انسانی طی این سال‌ها، به دلیل اینکه از رضایت فردی از کارشان ندارند، همواره افت کرده است. بنابراین این رضایت نداشتن به‌وضوح در شرکت‌ها مشاهده می‌شود و من به‌عنوان کارفرما، نمی‌توانم راه‌حل جامعی برای آن داشته باشم. چون در نهایت من هم وضعیتی بهتر از همکارانم ندارم، خیلی اگر هوشمندانه برخورد کنم، بتوانم همین نیروها را حفظ کنم و حقوقشان را به‌موقع پرداخت کنم؛ درواقع و همین‌که بتوانم شرکت‌ها را سرپا نگه‌دارم، کار بزرگی کرده‌ام.

### ● به تعادل خواهیم رسید اما تا آن زمان سرمایه‌های انسانی زیادی از دست خواهد رفت!

خیلی از فعالین استارت‌آپی در سال ۱۳۹۶ به ایران آمدند، چون اعتقاد داشتند که بازار ایران رقابتی نیست و نیاز به خلافتی بالایی ندارد. انگار همه‌چیز برای بار اول اتفاق می‌افتد و این اتفاق یعنی نداشتن رقیب و ایده جدی برای شروع و پیشبرد کسب‌وکار که یک مزیت محسوب می‌شود اما الان خیلی از این افراد دوباره مهاجرت کرده‌اند و این اتفاق خوبی نیست چراکه هم به ضرر کشور است و هم اینکه کسی که اینجا اداره یک کسب‌وکار را بر عهده داشته احتمالاً با مهاجرت به‌عنوان یک کارمند یا متخصص به یک تیم استارت‌آپی اضافه شده است. چون خیلی از افراد در بدو مهاجرت و در سال‌های اولیه مهاجرت خود نمی‌توانند کسب‌وکارشان را در کشور جدید شروع کنند. و این موضوع خیلی تلخ است که فردی با چنین ویژگی‌هایی بعد از مهاجرت خیلی سخت می‌تواند به جایگاه قبلی خود برسد.

سال ۱۳۹۵ که برجام امضا شد و آن شور اشتیاق در جامعه ایجاد شد، در همین مدت سه کنفرانس آی بریج در بارسلونا، برلین و سانفرانسیسکو برگزار شد و فعالین استارت‌آپی شبکه‌های ارتباطی خوبی را ایجاد کردند، حتی برخی از چهره‌های سرشناس برای مشاوره، هدایت و انتقال تجربه به ایران آمدند. این امید خیلی خوبی بود اما این نگرانی همیشه وجود داشت که اگر این امید از دست برود تا چند سال ما دوباره باید منتظر برگشت این امید باشیم و وقتی امید برجام از دست رفت، انگار ما وارد نوعی تاریکی شدیم، سیاهی که به نظر من هنوز هم به قعر آن هم نرسیده‌ایم و من فکر می‌کنم شرایط بدتر از این هم برای فعالین استارت‌آپی در ایران وجود دارد. انتقادی که ما همیشه به آقای روحانی داشتیم این بود که پس از برجام، نقشه شماره دویم و جایگزینی نداشت؛ متأسفانه تمام تخم‌مرغ‌ها را در سبد برجام گذاشته بودند.

به نظرم این پایان ماجرا نیست و شرایط بهتر خواهد بود، چون ما مجبوریم به نوعی تعادلی برسیم. ما مجبوریم که با دنیا تعامل داشته باشیم. ما مطلقاً نمی‌توانیم کره شمالی شویم، چون اصلاً مختصات آن را نداریم. کره شمالی هم اگر در منطقه خاورمیانه بود مجبور می‌شد که با دنیا تعامل کند. بنابراین ما به این تعادل خواهیم رسید اما نکته این است که مشخص نیست تا زمانی که ما به این تعادل برسیم، چقدر انرژی، منابع انسانی و سرمایه از دست خواهیم داد.

### ● بی‌ثباتی: سازمان را با سقف پیش‌بینی روزانه پیش ببریم!

من نیز تا حدود شش ماه دیگر احتمالاً از ایران خواهم رفت. البته من هیچ‌گاه قصد مهاجرت دائمی را ندارم و نداشتنم و نمی‌خواهم تمام تلاش‌ها و سرمایه‌هایی که در داخل کشور کسب کردم را نابود کنم. اما همیشه فکر می‌کنم من که حالا یک پسر شش‌ماهه دارم، آیا او در آینده همین فرصت‌ها را خواهد داشت؟ در ایران برای او آینده‌ای با رقابت عادلانه برایش متصور هستم؟

این برای من بسیار دشوار است، چون همواره می‌خواستم در ایران بمانم و الان به دلیل اینکه نمی‌توانم آینده روشنی را متصور باشم، مهاجرت خواهم کرد. البته آینده تاریکی هم نمی‌توانم متصور باشم، درواقع هیچ آینده‌ای نمی‌توانم متصور باشم و این آن نکته‌ای است که خیلی از فعالین را اذیت می‌کند. من نمی‌دانم که شش ماه آینده باید یک نقشه تجارت بین‌المللی تعریف کنم یا برنامه تجارتي داخلی؟ روی چه قیمت ارزی باید حساب کنم؟ روی چه قیمت نیروی انسانی باید حساب کنم؟ اصلاً نمی‌دانم شرایط بهتر یا بدتر می‌شود و این همه‌چیز را در حاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. و این موضوع برای کسی که می‌خواهد فعالیت تجاری داشته باشد، خیلی دشوار است. یعنی شما باید برای شرکت و فعالیت اقتصادی خود برنامه روزانه داشته باشید و این اشتباه محض است. مگر کسی می‌تواند بدون چشم‌انداز پنج یا ده‌ساله، آینده‌ای برای کسب‌وکار خود متصور باشد و برنامه‌ریزی کند. ما اگر چشم‌انداز پنج‌ساله یا ده‌ساله هم نداشته باشیم، همین‌که من بتوانم برای یک سال آینده‌ام برنامه‌ریزی کنم و مطمئن باشم که در یک سال آتی شرایط ثابت و پایدار خواهد بود، کفایت می‌کند. همین‌که همکاران من، آرامشی نسبی داشته باشند و بدانند که در یک سال آینده، مبلغ مشخصی درآمد دارند، کافی است. متأسفانه تمام این نکته‌ها موجب مهاجرت فعالین استارت‌آپی می‌شود.

### ● در سطوح پایین‌تر از سطح مدیریتی وضعیت میل به مهاجرت و به‌طورکلی مهاجرت چگونه بوده است؟

وقتی ناامیدی در جامعه‌ای غالب می‌شود و بر همه افراد اثر می‌گذارد، همه افراد جامعه با توجه به مرتبه‌های شغلی، تحصیلی و توانایی‌شان، به‌نوعی با این ناامیدی درگیرند. این ناامیدی به‌قدری تأثیرگذار بوده که برای مثال یکی از همکارانم که پیشتر به پیشنهادی از شرکت «اپل» داشت، موافقت نکرد، سال گذشته به دلیل همین ناامیدی به کشوری با سطح پایین‌تر و شرکتی سطح پایین‌تری نسبت به پیشنهادهای گذشته‌اش مهاجرت کرد. حتی در وضعیتی بدتر می‌توانم به دوستانی اشاره کنم که تمایل شدیدی به زندگی در کشور ترکیه دارند، صرفاً به این دلیل که اینجا نباشند؛ یعنی بخواهید در کشوری که نه توسعه‌یافته است، نه دموکراتیک و حتی نه شرایط اقتصادی خوبی دارد، گویی این افراد فقط می‌خواهند که مهاجرت کنند؛ افرادی که حاضرند در ترکیه کارگری کنند و فقط اینجا نباشند. من قضایای اخلاقی به این موضوع ندارم و حتی اگر کسی قصدش را از مهاجرت به ترکیه به من بگوید، حتماً با او موفق نخواهم بود ولی مسئله مهم، دلیل این فرد برای مهاجرت نیست و کاری هم به درستی یا غلط بودن این تصمیم ندارم، نکته مهم این است که شما این فرد را از دست داده‌اید.

بنابراین اینکه ما می‌بینیم دامنه موضوع ناامیدی و مهاجرت به اقشار مختلف جامعه، فارغ از طبقه اجتماعی‌شان رسیده است، نشان از یک خشم اجتماعی ترسناک است؛ یعنی وقتی درآمد افراد را نسبت به بیست سال گذشته مقایسه می‌کنید، حقوق پایه از

## تحریم‌ها سقف برنامه‌ریزی‌ها را کوتاه کرد!



مصاحبه با هادی کهولی



### ● در وضعیت شبه‌مهاجرتی‌ام و بعد از ۸ سال کار موفق، شرکت را متوقف کردم!

اخیراً در مقاله‌ای می‌خواندم که ناامیدی نسبت به آینده، مهمترین عامل میل به مهاجرت است. وقایع و اخبارهای سیاسی و اجتماعی در این میان مهم بوده‌اند. فارغ از افزایش مهاجرت در معیارهای کمی، ناامیدی میان فعالین کسب‌وکارهای آنلاین نیز موجب می‌شود که نتوانند برنامه‌ریزی بلندمدتی تعریف کنند. می‌توانم بگویم در همین مدت سه نفر از دوستانم از ایران رفتند. خودم هم در وضعیتی شبه‌مهاجرت هستم؛ یعنی کسب‌وکاری در ایران دارم اما خانواده و زندگی‌ام در انگلستان است، چون تصور می‌کنم افق کار برای سال‌های آینده وجود ندارد و دقیقاً به همین دلیل است که بعد از ۸\_۷ سال کار موفق، توسعه شرکت را متوقف کردم.

### ● گروه‌های مرجع علمی در پی معنابخشی جدیدی به جامعه نامید باشند!

فارغ از اینکه ناامیدی از بهبود وضعیت، موجب مهاجرت فعالین استارت‌آپی می‌شود، به نظرم در جامعه ایران با ناراحتی‌های اجتماعی درباره افرادی که می‌مانند در مقابل کسانی که می‌روند، مواجهیم. در واقع با نوعی پمپاژ ناامیدی این روزها درگیریم که حاکمیت و دولت به آن بی‌توجهند. بنظرم باید نوعی افزایش درباره افرادی که در ایران ماندند ایجاد شود که از این سیطره ناامیدی در بیایند؛ مثلاً گروه‌های مرجع باید کمی موثرتر باشند، هرچند اعتبار گروه‌های مرجع سیاسی تا حدود زیادی از دست رفته است. خوب است که گروه‌های مرجع علمی، مانند اساتید دانشگاه‌ها، انجمن‌های فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها و مانند این‌ها، در پی نوعی معنابخشی جدید در زندگی جمعی باشند تا هم کسانی که مهاجرت کردند و هم کسانی که در هوای مهاجرت از ایران مانده‌اند را دریابیم.

### ● سال تاسیس و حوزه فعالیت استارت‌آپ:

شرکت توسعه انرژی آب مانا، شرکت استارت‌آپی در حوزه محیط‌زیست است و در ۲۸ بهمن ۱۳۹۳ تاسیس شد. به نظر من کرونا بر اکوسیستم استارت‌آپی ایران، در مجموع تاثیر مثبتی داشت. چراکه اصطلاحاً بوم خیلی سنگینی را در بازار آنلاین ایران ایجاد کرد. به صوت عمومی می‌توان گفت که شرکت‌های استارت‌آپی در این سال‌ها افزایشی جدی در نرخ سهم بازار داشتند. بدیهی‌ست که استارت‌آپ‌ها در این حوزه نسبت به هم متفاوت‌اند؛ برای مثال همان‌طور که استارت‌آپ‌های بخش گردشگری آسیب دیدند، در حوزه استارت‌آپ‌های تصفیه آب و محیط زیست هم شاهد تاثیری منفی بودیم.

### ● تغییر مثبت الگوی کاری پس از کرونا

با این حال به طور کلی تاثیر کرونا در تغییر الگوی همکاری‌ها، سبک کار و... خیلی جدی بوده است. برای مثال من در سفرها و همکاری‌هایم با کشورهای دیگر مشاهده می‌کردم که سهم قابل‌توجهی از روابط میان کارمندان در این شرکت‌ها، از راه دور بوده است. در آن سال‌ها تصور می‌کردم که در ایران نتوانیم چنین شبکه همکاری‌هایی ایجاد شود و پس از کرونا دیدیم که الگوها تغییر کرد و تجربه‌های خوبی ایجاد شد.

پس از افزایش تعداد استارت‌آپ‌ها، آنها با فرهنگ‌سازی در رویه‌های مدیریتی، سبک جدیدی از فرهنگ کاری را گسترش دادند. از استخدام، آموزش و همراهی با کارمندان در پیشرفت سازمانی. این مسئله تاثیرگذاری گسترده‌ای داشته که می‌توان گفت که در تغییر الگوهای بازار سنتی هم تاثیر گذاشته است.

# ظرفیت اکوسیستم استارت‌آپی ایران را دست کم نگیریم!



مصاحبه با هادی فرنود



کسب‌وکارشان را راه بیاندازند. من مخالف این حرفم که ایران قابلیت ایجاد زیست‌بوم آنلاین و اکوسیستم استارت‌آپی به‌شکلی فراگیر را ندارد، وضعیت خدمات استارت‌آپ‌های ایرانی را با سال‌های گذشته مقایسه کنید؛ استارت‌آپ‌ها با رفع نیازهای کوچک و بزرگ، زندگی را برای ما آسوده‌تر کرده‌اند. اما سیاست‌گذاران با تصمیم‌گیری‌های عجیبی که سیاست‌گذارهای حوزه مرتبط با استارت‌آپ‌ها می‌گیرند، وضعیت عمومی این بخش را با ناامیدی بیشتری همراه می‌کنند؛ سنگ‌اندازی‌های عجیبی مانند طرح صیانت و ای‌نماد که امیدهای حداقلی را هم از بین خواهد برد.

هادی فرنود، در استارت‌آپ‌های «پاکت»، «کاموا» و «هماهنگ» ایده‌پرداز و توسعه‌دهنده بوده است. او درباره ظرفیت و چالش‌های توسعه استارت‌آپی ایران گفت:

اگر سنگ‌اندازی نکنند، ظرفیت اکوسیستم در ایران وجود دارد. در بخشی از سوال‌تان گفتید که تعداد سرمایه‌گذاری خطرپذیر در نیمه اول امسال طبق گزارش اتاق بازرگانی به ۳۰ سرمایه‌گذاری خطرپذیر رسیده است و به نظر من از این تعداد هم کمتر است. در سال‌های ۹۶ و امید به برجام و گشایش‌های پس از آن، فعالین استارت‌آپی مهاجرت کرده به بازار استارت‌آپی کشور بازگشتند، بازاری که امکان خلاقیت داشت و افراد با رقابت‌های حداقلی می‌توانستند



## با طرح صیانت نخبگان به ماندن دلگرم نخواهند شد!



مصاحبه با محسن مکرمی



از ایران خارج می‌شود. افرادی که در دیجی‌کالا برای چند سال می‌مانند، به واسطه کار متنوع و شبکه درهم‌پیوسته مشتری، فروشنده و... افرادی با توانمندی بالا محسوب می‌شوند. اما از آنجایی که دیجی‌کالا نیز از جامعه ایران جدا نیست، کارمندان اینجا هم با همان مشکلات اجتماعی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. با این تفاسیر، میل به مهاجرت کارمندان دیجی‌کالا را باید با همان متغیرهایی سنجید که کل جامعه با آن بررسی می‌شوند؛ اینکه افراد به چه میزان از زندگی در اینجا شادند؟ و وضعیت اجتماعی تا چه میزان بر احساس ناخشنودی‌شان تاثیر می‌گذارد؟

طرح صیانت: یک نخبه در مصاحبه‌ای کاری با دیجی‌کالا می‌گفت: «اگر اینترنت را از من بگیرند، شما هم مرا نخواهید خواست!» رویکرد دیجی‌کالا با طرح صیانت مثبت نیست. چراکه این طرح منجر به تضعیف کسب‌وکارهای کوچک و نوپا می‌شود. گرچه این امر به ظاهر به نفع دیجی‌کالا است، اما ما خواستار عدالت در فضای رقابتی هستیم.

به طور کلی همه‌چیز درباره طرح صیانت در ابهام است. اینکه قرار است چه کاری انجام شود؟ این طرح چه مشکلی از ایران حل می‌کند؟ کشورهای که چنین طرحی ندارند، چه مشکلاتی دارند؟ تمام این‌ها سوالاتی است که در این باره مطرح می‌شود. در مصاحبه‌ای با یک متخصص آتی - که برای کار در دیجی‌کالا آمده بود و گفته بود تا شش آینده در ایران هستم - پیشنهاد دادم که اگر در اینجا بمانی، آینده شغلی و امکان پیشرفت و درآمد قابل‌توجهی خواهی داشت و او در جواب گفت: «من فقط بدم با اینترنت کار کنم، اگر با طرح صیانت، آن هم نباشد، شما هم مرا نخواهید خواست!»

محسن مکرمی، عضو گروه مرکزی منابع انسانی دیجی‌کالا است. از او درباره وضعیت میل یا اقدام به مهاجرت در میان کارمندان دیجی‌کالا پرسیدیم:

در این ایام از تیم مرکزی هشتاد نفره منابع انسانی دیجی‌کالا، ۵ نفر مهاجرت کرده‌اند.

به زودی گزارش سالانه منابع انسانی دیجی‌کالا نهایی و اطلاعاتی دقیق در این باره منتشر خواهد شد. اما اکنون می‌توانم بگویم که فقط از گروه مرکزی منابع انسانی دیجی‌کالا - که تیمی ۸۰ نفره‌اند - ۵ نفر مهاجرت کرده‌اند. این درحالی‌ست که اغلب کشورها باور دارند که بهتر است متخصص منابع انسانی، بومی و اهل همان کشور باشد.

درخصوص میل به مهاجرت میان کارمندان دیجی‌کالا هم می‌توان گفت که اینجا هم بخشی از جامعه است و تمایل کارکنان اینجا هم مانند افراد جامعه است، از متخصص‌های حوزه تکنولوژی تا رشته‌های دیگر. بسیاری از همکارهایم در فکر مهاجرتند یا برای آن اقدام جدی داشته‌اند، عده‌ای هم که فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های خوبی‌اند، اصطلاحاً ویزایشان در جیب‌شان است و راه دشواری برای رسیدن به ویزا ندارند.

بخش دیگری از افراد باتخصص، اگر لزوماً آمادگی فوری برای خروج از کشور را نداشته باشند، با موقعیت‌های دورکاری و حقوق‌های دلاری در ایران مشغول به کارند که اتفاقاً با نرخ حقوق بسیار پایین نسبت به حقوق در کشورهای اروپایی و نرخ حقوق خیلی خوب با توجه به میانگین دریافتی در ایران، با صرف زمانی معقول، دستمزد قابل‌توجهی (سالی ۱۷۰۰ یورو یا دلار) دارند. گرچه فرد در این مدل از دورکاری، لزوماً به‌طور فیزیکی مهاجرت نکرده است، اما به‌هرحال با این نوع فعالیت، می‌توان گفت که تکنولوژی

# سه گانه کرونا، دورکاری و مهاجرت

## در میان استارت‌آپی‌ها



مصاحبه با بهار سیار



علاوه بر این مواردی که گفته شد، در خیلی از این تجربه‌ها، شاهد بی‌مسئولیتی نیروهای دورکار بودیم و همزمان سرمایه‌گذاران و کارفرماها نیز در پرداخت حقوق به مشکل خورده بودند. رفته‌رفته این مشکلات منجر به مهاجرت نیروهای متخصص از ایران شده است. درنهایت به نظرم فقدان همکاری منسجم و سازنده میان دولت و بازار علت اصلی این عوامل است.

همه این موارد را با طرح صیانت در نظر بگیریم که با ناامیدی نیروی کار ایرانی همراه بوده است. میل به مهاجرت میان همکاران من متأسفانه زیاد است، در نظر بگیرید استخدام نیروی متخصص از نیروی متخصص آتی تا تولیدمحتوا کار آسانی نیست. در بعدی دیگر به‌خصوص که ما در اکوسیستم رمزآزی کشور که یک اکوسیستم نوپا محسوب می‌شویم، تاثیر وقایع سیاسی و اجتماعی این‌چنینی و آسیب‌های ناشی از ضعف‌های قانونی از نهادهای دولتی بر چنین استارت‌آپ‌هایی بیشتر است.

البته که ما نیز مانند تمام مجموعه‌هایی که دلگرم به همدلی همکاران مجموعه‌شان با مشکلات روبرو می‌شوند، همراهی و همدلی همکارانم را در دوره‌های دشوار کاری دیدم و سپاسگزارم.

عمده‌فعالیت استارت‌آپی بهار سیار در دو مجموعه رسانه «زیمانیوز» تاسیس شده در سال ۱۳۹۴ (رسانه خبری در حوزه آی تی) و هلدینگ «نیک‌اندیش»، تاسیس شده در سال ۱۳۹۷ (زمینه رمزآزی و پرداخت های بین المللی) است.

او درباره فرازونشیب اکوسیستم ایران در این سال‌ها گفت:

### ● ناامیدی و افزایش مهاجرت در میان استارت‌آپی‌ها

به نظرم به‌طور کلی اکوسیستم استارت‌آپی ایران چه قبل از کرونا و چه بعد از آن با مشکلات زیادی از جمله مشکلات قوانین دسته و پنجه نرم می‌کرد و هم‌اکنون نیز با آن درگیر است. قبل از کرونا، نوعی ثبات کاری و قوانینی بین سرمایه‌گذاران و نیروی کار به وجود آمده بود.

علاوه بر این نکته‌ها، دوره کرونا با روزهای آخر دولت و آخر مجلس قبل مواجه شد و به نوعی آشفتگی همزمان با مشکلات جهانی کرونا در این اکوسیستم به وجود آمد. تغییر دیگر در این زمینه، گسترش دورکاری و افزایش کارهای فریلنسری بود. این نکته آخر، پیش‌زمینه آغاز مهاجرت نیروی های کاری از ایران شد.

# تحریم و افزایش میل به مهاجرت

مانع و محرک توسعه کسب و کار در دوره کرونا



مصاحبه با مصطفی سعیدنژاد

نسبت به سال ۲۰۱۸\_ سال تصویب برجام\_ حدود نود درصد فروش ارزی مان را از دست دادیم و در واقع امروز فقط ده درصد آن مبلغ را داریم. روی هم رفته، این نکات و برنامه‌های توسعه‌ای ما در این زمینه دچار اختلال شده و باید بگوییم که نمی‌توانیم به گسترش مطلوب برسیم.

## ● کسب‌وکاری که با کوشش در ایران توسعه یافته؛ مانع اصلی مهاجرت از ایران

با اینکه پس از کوشش‌هایمان توانستیم اعتمادسازی مناسب و جذب گسترده مشتری داشته باشیم، اما با وجود تحریم‌ها آن رقم مناسب سود را نتوانستیم به دست آوریم. اما با زیاد شدن استقبال مردم نسبت به مهاجرت و نیازشان به ترجمه، ما هم رشد خوبی داشتیم. البته همین رشد کسب‌وکارمان موجب دلگرمی ماندن در ایران شده است. در واقع در مجموع وضعیت کسب‌وکارهایی که من در این سال‌ها تجربه کردم، خوب است، اما پیش‌بینی‌هایی که برای توسعه در بازار بین‌المللی داشتیم به سرانجام نرسید و از این نظر ناراحت‌کننده است.

در میل یا تصمیم به مهاجرت خودم هم باید بگوییم که نوعی دودولی در ذهنم وجود دارد، کسب‌وکارهایی است که به سختی ایجاد کردیم یکی از مهمترین موانع خروج از ایران است. درباره مهاجرت، آنچه مطلوبم است، توسعه کسب‌وکارم در خارج از ایران است، نه مهاجرت. مانند پلتفرم‌های مشابه در کشورهای مطرح جهان که کسب‌وکارشان در جهان اینگونه توسعه پیدا می‌کنند.

علاوه بر این‌ها مهاجرت منابع انسانی برای استارت‌آپ ما مشکل‌ساز است: در واقع چون ما با مترجم‌ها و کسانی که دانش زبانی خوبی دارند، سروکار داریم و این افراد راحت‌تر از دیگران مهاجرت می‌کنند.

## ● لزوم منطقی و قابل‌پیش‌بینی بودن قوانین حوزه استارت‌آپ‌ها

علاوه بر تحریم‌ها، آنچه برای رشد یک استارت‌آپ لازم است، ثبات قدم شرکا و تیم حمایت‌کننده مالی است. از سویی دیگر مسئله شهرداری، تامین اجتماعی و اداره دارایی است؛ نه به این معنا که وجود نداشته باشند، بلکه باید قوانین این حوزه‌ها منطقی و قابل‌پیش‌بینی باشد تا نیروهای جوانی که به تازگی استارت‌آپی را راه می‌اندازند، نگران این فرایندها نشود.



مصطفی سعیدنژاد، موسس استارت‌آپ «شبکه مترجمین ایران»، «ترنسلیت» و «ساترا» است. در واقع وب‌سایت ترنسلیت پلتفرم ارائه خدمات زبانی در حوزه غیررسمی و ساترا هم در زمینه ارائه خدمات رسمی و دارالترجمه فعال است. او درباره پیش‌بینی‌های عمده مهاجرت و چالش‌های اکوسیستم استارت‌آپی ایران گفت:

## ● کرونا، موجب بقا و توسعه اغلب استارت‌آپ‌ها:

به نظرم جز کسب‌وکارهایی که با سفر در ارتباط بودند، عموم کسب‌وکارها فضای بهتر و رشد بیشتری را تجربه کردند. ما هم در ترنسلیت، رشد خوبی در این دوران داشتیم اما در ساترا که تاحدودی به سفرهای خارجی مرتبط بود، افت قابل‌توجهی را تجربه کردیم. البته پلتفرم‌های آنلاین درکل نسبت به مشابه‌های غیراینترنتی و کسب‌وکار سنتی بهتر دوام آوردند. ما نیز در ساترا نسبت به بسیاری از دارالترجمه‌های سنتی که تعطیل شدند، گرچه با افت، اما دوام آوردیم و مخاطب‌هایمان را در بازار داشتیم.

## ● از دست رفتن حدود ۹۰ درصد فروش ارزی مان نسبت به دوران تصویب برجام!

وقایع سیاسی و اجتماعی در کار ما تاثیر بسیاری داشته است، به خصوص برای ما که فروش ارزی هم داریم و در بازار بین‌المللی ما را به عنوان تقریباً بزرگترین سرویس‌دهنده خدمات ترجمه زبان فارسی می‌شناسند. جالب است بدانید که به دلیل تحریم‌ها،



# مهاجرت و کادر بهداشت و درمان



## چرایی مهاجرت پزشکان



مصاحبه با دکتر علی اکبر حق دست

معاون سابق آموزشی وزارت بهداشت و درمان



اقدام عملی انجام داده‌اند. با این مقدمه به سراغ دکتر حق دوست رفتیم و نظر ایشان را در مورد دلایل افزایش مهاجرت در میان جامعه پزشکان و پرستاران به خصوص در دوران همه‌گیری ویروس کرونا جویا شدیم:

● **همان طور که می‌دانید با شروع پاندمی کرونا مهاجرت در میان پزشکان و پرستاران افزایش یافته است. به نظر شما دلیل اصلی این مهاجرت‌ها چیست؟**

در مورد مهاجرت قاعده‌تاً ما باید علاوه بر ارزیابی خوبی به لحاظ کمی و کیفی از وضعیت، دلایل این پدیده را نیز واکاوی کنیم و در نهایت در مورد راه‌حل‌ها بیندیشیم. به نظر می‌رسد که هر سه بعد شناخت دقیق مسئله، بررسی علل بروز و راه‌حل‌ها باید دنبال شوند. اگر به مسئله مهاجرت نخبگان فقط به صورت کمی و در سطح عدد و رقم نگاه کنیم، اشتباه

پایین بودن سرانه پزشکان و پرستاران نسبت به استانداردهای جهانی و کمبود نیروی انسانی در بخش بهداشت و درمان کشور و همچنین شکل‌گیری موج مهاجرت در میان پزشکان و پرستاران به خصوص در دوران بعد از همه‌گیری ویروس کرونا موجب افزایش نگرانی‌ها در مورد این مسئله شده است. اگرچه آمار و اطلاعات دقیقی از میزان مهاجرت در میان پزشکان و پرستاران ایرانی وجود ندارد اما آمار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نشان می‌دهد که تعداد افرادی که برای آزادسازی مدرک تحصیلی خود اقدام نموده‌اند از سال ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۳۹۹ با افزایش همراه بوده است. همچنین تأیید مدرک دانش‌آموختگان از سوی وزارت بهداشت جهت پاسخگویی به مراکز آموزشی خارج از کشور نیز طی بازه زمانی مشابه با افزایش همراه بوده است که این امر به نوعی نشان‌دهنده تعداد پزشکان و پرستارانی است که برای مهاجرت از کشور

مهاجرت برای رشته‌های غیرپزشکی هم وجود دارد، مثلاً در سطح دنیا کمبود پرستار به وضوح وجود دارد و خیلی از کشورهای توسعه یافته حتی پرستاران را راحت‌تر از پزشکان جذب می‌کنند. مجموعه این عوامل منجر شده که دانشجویان و فارغ‌التحصیلان کادر درمانی ما بیشتر از حد معمول به فکر رفتن باشند.

عمدتاً هم این افراد از تحصیلکردگان نخبه محسوب می‌شوند که معمولاً دو یا سه زبان خارجی را بلدند. معمولاً با استفاده از

فرصت‌هایی که دارند هم‌زمان با رشته اصلی خود در رشته‌های جانبی هم تحصیل کرده‌اند، «ان بی اچ» و مدارک حاشیه‌ای می‌گیرند و به سادگی تحقیقاتی انجام می‌دهند و با چاپ ۲-۳ مقاله می‌توانند پذیرش آسان‌تری داشته باشند. همچنین اساتید ما که خب زمینه تحقیق هم برایشان فراهم بوده است، اگر کمی رزومه خود را تقویت کنند به راحتی پوزیشن می‌گیرند و می‌توانند در خارج از کشور کار کنند.

### ● به نظر شما تا چه اندازه از افزایش میل به مهاجرت پزشکان و پرستاران مربوط به وضعیت حاکم بر کشور و جاذبه‌های موجود در کشور مقصد و چه اندازه مربوط به ساختارها و مشکلات درونی وزارت بهداشت است؟

از یک طرف در واقع جاذبه‌هایی که آن طرف وجود دارد؛ مانند درآمد، موقعیت شغلی قابل قبول و شأن بالای اجتماعی. از این طرف هم متأسفانه دلزدگی‌ها بسیار زیاد شده است، حاشیه‌هایی از بعد اجتماعی که متأسفانه یک ناامیدی خاص ایجاد کرده و فضای سنگینی که در دانشگاه‌ها حاکم شده است.

### ● وضعیت نیروی انسانی در بخش بهداشت و درمان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ این مهاجرت‌ها چه تاثیری بر کمبود پزشک و پرستار در آینده خواهد داشت؟

به نظر می‌رسد که چند سال گذشته روی بحث شایسته‌سالاری در دانشگاه‌ها خیلی کم کار کرده‌ایم و این گروه‌های نخبه خیلی ساده تحت تأثیر قرار می‌گیرند. از طرفی هم وقتی می‌بینند که گاهی فردی با شایستگی‌های حداقلی به ریاست دانشگاه، دانشکده یا گروه گمارده می‌شود و بعد از آن با رویه‌هایی که در سیستم به وجود آمده و حاکم است، درآمد و رفاه اجتماعی‌شان آسیب جدی دیده. این موارد در کنار آینده شغلی که برای خودشان و به خصوص برای فرزندانشان می‌بینند، منجر به این می‌شود که عزم به مهاجرت کنند.

تقریباً ریشه اصلی یا اولین عامل مهاجرت اغلب کسانی که در ۶ ماه یا یک سال اخیر با آن‌ها مواجه شدم، بحث آینده شغلی فرزندانشان برای اعضای هیئت علمی و آینده شغلی برای خودشان به عنوان دانشجویان یا تازه فارغ‌التحصیلان است. این مسئله برای حل شدن واقعاً نیاز به تدبیری جدی دارد. واقعاً جذب هیئت علمی در دانشگاه‌های ما محدود شده است، خیلی از فارغ‌التحصیلان حتی فارغ‌التحصیلان ممتاز، برای ورود به دانشگاه‌ها به عنوان هیئت علمی با معذوریت‌ها و محدودیت‌های جدی مواجه هستند. میزان سرمایه جذبی که به دانشگاه‌ها داده می‌شود، اندک است. حقوق و مزایای اساتید دانشگاه هم با توجه به محدودکننده‌هایی که گذاشته‌ایم، روزبه‌روز کاهش پیدا می‌کند.

علاوه بر آنچه گفته شد، می‌توان گفت که اعضای جامعه نسبت

است. باید به این نکات توجه کنیم که چه گروه‌هایی دارند می‌روند؟ و رفتن این گروه‌ها چه اثراتی در جامعه دارد؟ چون ممکن است تعداد این گروه‌ها محدود باشد، اما اثر خیلی زیادی در اجتماع داشته باشند. در کنار کمیّت، باید به کیفیت و توزیع مهاجران هم توجه کنیم؛ مثلاً مشاهده پایین آمدن سن مهاجرت، مهاجرت دانشجویان پزشکی حتی قبل از فارغ‌التحصیلی و افزایش مهاجرت در بین خانم‌ها، هشدارهایی هستند که در کنار شمارش تعداد باید مدنظر قرار گیرند.

مهاجرت همه گروه‌های نخبه و تحصیل کرده اثرات خیلی سنگینی بر جامعه دارد و نبود و فقدان همه آن‌ها خطرناک است، اما در گروه علوم پزشکی داستان به شکل دیگری است. در گروه علوم پزشکی، تربیت دانشجویان طولانی و گران‌قیمت است. مستحضرید که افراد با چه فشاری دانشجوی پزشکی می‌شوند و ۷-۸ سال درس می‌خوانند. ضمن اینکه هزینه‌های تحصیلشان قابل مقایسه با خیلی از رشته‌های دیگر نیست. هزینه آموزش این دانشجویان سنگین است، قسمت عمده‌ای از این هزینه پولی است، اما هزینه‌های دیگری هم دارد؛ مثلاً همین‌که در یک بیمارستان آموزشی باید به شکلی به این افراد آموزش داده شود که خدایی نکرده به دلیل علم کم یک دانشجوی پزشکی، بیماری آسیب ببیند و خطرآفرینی برای مردم کم باشد. اینکه چگونه این تضمین ایجاد شود تا دانشجویان پزشکی با کمترین خطا آموزش داده شوند، از مسائلی است که آموزش پزشکی را از سایر گروه‌ها متفاوت و متمایز می‌کند. حالا دانشجوی پزشکی که از اول دبستان تا زمان فارغ‌التحصیلی برایش هزینه‌های سنگینی شده است، وقتی کشور را ترک می‌کند، به خصوص با توجه به اینکه جایگزینی اش خیلی راحت نیست، خسارت‌های سنگینی را به بار می‌آورد.

از آن خسارت‌بارتر مهاجرت اساتید ما هستند. متأسفانه در همه رشته‌ها و احتمالاً در رشته‌های علوم پزشکی مهاجرت اساتید ما بسیار چشم‌گیر شده است و در بعضی از دپارتمان‌ها تعداد افرادی که مهاجرت کرده‌اند بیشتر از تعداد افرادی است که باقی مانده‌اند. حجم سنگین کارهای درمانی به همراه امور آموزشی و تحقیقاتی باعث شده است که کم شدن چند نفر محدود هم سیستم را به مرحله خطرناکی بکشاند. قدرت مانور ما هم خیلی زیاد نیست که فکر کنیم اگر در یک گروه از ۱۰ عضو هیئت علمی، ۵ نفر مهاجرت کردند، آسیب جدی نمی‌بینیم و می‌توانیم آن ۵ نفر را جبران کنیم. چراکه واقعاً در اکثر گروه‌های ما اساتیدمان به صورت تمام‌وقت کار بهداشتی، درمانی، مدیریتی، آموزشی و پژوهشی می‌کنند. حتی کاهش ۲ نفر از آن‌ها، به ناگاه شاکله‌ی ارائه خدمت و درمان و آموزش را به هم می‌ریزد و این پدیده متأسفانه در حوزه‌های علوم پزشکی به وضوح دیده می‌شود.

در عین حال جاذبه کار در کشورهای خارج هم برای این گروه خیلی زیاد است. باینکه شاید این‌گونه تصور شود که یک پزشک متخصص وقتی می‌خواهد وارد کشورهای خارجی شود، باید امتحانات سنگینی بدهد که واقعاً هم این‌جوری است، اما گروه‌های پزشکی به سادگی در کشورهای حاشیه خلیج فارس یا سایر کشورها جذب می‌شوند و مدارک تحصیلی ایران برای خیلی از کشورها معتبر است. حتی در کشورهای اروپایی، آمریکای شمالی و استرالیا که پزشک‌ها نیاز به امتحان دارند، با عزمی یکی دو ساله به سادگی می‌توانند در آن قبول شوند و در آینده تضمین شغلی خیلی بالا و درآمدهای قابل قبول داشته باشند. همچنین انگیزه



بچه‌هایشان را سامان دهند و شرایط ادامه تحصیل و زندگی مستقلشان فراهم شود و بعد برگردند. با توجه به قوانین و مقررات موجود و البته شاید کم‌سلیقگی برخی از مدیران، متأسفانه این افراد بعد از مدتی وارد سیستم بررسی تخلفات شده و نهایتاً حتی اخراج شدند. اگر واقعاً این مسیر طی نمی‌شد هم شاید برنمی‌گشتند، شاید کمتر از بیست یا سی درصدشان برمی‌گشتند! ولی با توجه به این رفتاری که ما انجام می‌دهیم و امید ادامه کار در کشور را از آن‌ها می‌گیریم، شانس برگشتشان به حداقل می‌رسد.

جالب اینجاست اگر فرض کنید کسی را که از

دانشگاه اخراج می‌کردیم و جایش خالی می‌شد، می‌توانستیم به سرعت جایگزینی برایش در داخل جذب کنیم و نیاز دانشگاه را برآورده کنیم، مقداری توجه داشت؛ ولی وقتی کسی را از سیستم خارج می‌کنیم و این فرد جایگزین نمی‌شود، مجوز استخدام نداریم، جایش برای سال‌ها خالی می‌ماند، نمی‌دانم چرا با این تفاسیر این فرد را به نوعی حتی از راه دور نگه داریم، شاید شانس برگشت این افراد افزایش پیدا کند. گاهی گفته می‌شود که اگر برخورد تندی با افرادی که خارج رفته‌اند نکنیم، درسی برای بقیه می‌شود که فکر کنند می‌توانند با سیستم بازی کنند و یاد می‌گیرند خارج شوند. خب البته از نظر من این استدلال کاملاً غلطی است.

در حال حاضر شرایط آن قدر سنگین و وخیم است که کسانی که فکر رفتن از ایران را دارند، فکرشان را به سادگی عملیاتی می‌کنند. فاصله فکر کردن و اقدام کردن اندک شده است و این گونه نیست که نگاه کنند ببینند سیستم با افراد رفته چه می‌کند، درس بگیرند و اگر سیستم خشن برخورد کرد، بقیه جا بزنند و اقدام نکنند و تحمل کنند. تضاد قوانینمان هم خیلی زیاد است. ما برای خرید تعهدات دانشجویان، اعداد و ارقام نمی‌کننده و محدودکننده‌ای نگذاشته‌ایم. افراد در قیاس با خرجی که برای تربیتشان شده است، با پرداخت‌های مختصر می‌توانند مدارکشان را آزاد کنند، درحالی که حداقل باید این گونه تصور کنیم که هزینه تحصیل تمام شده خود را بپردازند. در خیلی از موقعیت‌ها اگر دقت کنید هزینه تمام شده تحصیل افراد خیلی بیشتر از آن مبلغی است که برای آزاد کردن مدارکشان برایشان داده می‌شود. اگرچه متأسفانه در حال حاضر من با مواردی برخورد کرده‌ام که دانشگاه‌های خارج از ایران، اصلاً از آن‌ها مدرک نخواستند و همین که پایان نامه خود را با یک نامه ساده که نشان می‌دهد این فرد دفاع کرده است- در واقع بدون مدرک رسمی، از طریق مصاحبه مورد تأیید قرار می‌گیرند.

درواقع به نوعی فرش قرمز جلوی‌شان پهن می‌شود. اوضاع و احوال فرار و خروج نخبگان از دانشگاه‌های ما و رفتن به خارج بسیار سنگین است، برای تبادل مغزها و استفاده از توان افراد مقیم در خارج از کشور محدودیت‌های جدی داریم و نمی‌توانیم این اتفاق را رقم بزنیم، جو داخل دانشگاه‌ها و کشور سنگین است و عواملی که باعث دل‌زدگی و کاهش امید می‌شوند و بی‌اطمینانی در شغل، اقتصاد و دانشگاه، عواملی ترغیب‌کننده مهاجرت این قشر از جامعه است.

**کنار کمیت، باید به کیفیت و توزیع مهاجران هم توجه کنیم؛ مثلاً مشاهده پایین آمدن سن مهاجرت، مهاجرت دانشجویهای پزشکی حتی قبل از فارغ التحصیلی و افزایش مهاجرت در بین خانم‌ها، هشدارهایی هستند که در کنار شمارش تعداد باید مدنظر قرار گیرند.**

به سال گذشته قدرت خریدشان کمتر است اما گزینه خروج از کشور، برای عموم جامعه مطرح و ممکن نیست، لذا علی‌رغم ناراحتی که عموم جامعه تجربه می‌کنند، شاید خیلی بیشتر از عذایی باشد که گروه‌های تحصیل کرده و هیئت علمی ما می‌کنند، اما مردم عزیز جامعه متأسفانه و متأسفانه جز تحمل راه دیگری ندارند ولی برای اساتید و دانشجویان و فارغ التحصیلان نخبه ما راه خروج وجود دارد و در نتیجه اثر خودش را در سطح جامعه می‌گذارد.

### ● برای حفظ و نگهداشت کادر بهداشت و درمان چه باید کرد؟

متأسفانه گفتمان حاکم در سطح سیاست‌گذاری کشور واقعاً گفتمان مطلوبی نیست. من فقط عرض می‌کنم که برای این سقف‌گذاری حقوق پزشکان، توجه کافی نبود. گاهی صحبت‌های درستی که از دهان بعضی از مسئولین بیرون می‌آید، به عبارتی بی‌توجه و بدون اقتناعی، گفتمان درستی را راه نمی‌اندازد. مسئولین هیچ وقت به شکل خاصی در مورد کمبود منابع یا تبعیض حقوق‌های خیلی بالا و خیلی پایین صحبت نکردند، اساتید هم نتنها اقتناع نشدند، حتی در خیلی موارد متهم به حقوق‌های نجومی شدند. بحث حقوق‌های نجومی مربوط به مسئله دیگری است، چون به سادگی قابل رصد نیست، یکی از اولین گروه‌هایی که مدنظر قرار گرفتند، اعضای هیئت علمی و کارانه‌های آن‌ها بودند. حقوق و درآمد اعضای هیئت علمی به راحتی دیده می‌شود، مالیاتشان را می‌پردازند، کسورات مربوطه و سقف‌گذاری و کاهش پلکانی از دریافتی‌هایشان مشهود است؛ ولی پزشکانی که در بخش خصوصی کار می‌کنند، حتی غیر از پزشکان، افرادی که در حرفه‌های دیگر کار می‌کنند، به سادگی از زیر پرداخت مالیات در می‌روند، چه برسد به کسورات غیررسمی.

این گونه تبعیض‌ها، اقتناع نکردن پزشکان، اینکه هیچ آینده مثبتی را برایشان ترسیم نمی‌کنیم و اینکه به سادگی با معیارهایی که خیلی برای اعضای هیئت علمی و دانشجویان نخبه ما قابل قبول نیست، مفاهیم شایسته‌سالاری را کم‌رنگ و کم‌رنگ کرده‌ایم، همگی دست به دست هم می‌دهند تا این گونه افراد به یک بن‌بست فکری برسند. از آن طرف هم روزبه‌روز جاذبه کشورهای خارجی بیشتر شود.

شما ملاحظه بفرمایید مثلاً چقدر از نخبگان ما در یک سال گذشته

با همین بحث ویزای استعدادهایی (Talent Visa) که استرالیا راه انداخته است، خارج شده‌اند، چه بسیار هم پذیرش گرفته‌اند اما هنوز خبردار نشده‌ایم. هرروز دریکی دو تا از سفارت‌خانه‌هایمان چند نفری غایب می‌شوند و بعد از چند روز و چند هفته مشخص می‌شود که مهاجرت کرده‌اند. ارتباط ما هم با ایرانیان مقیم خارج اصلاً تعریف شده نیست، گاهی اوقات قوانین و مقرراتمان هم به گونه‌ای است که کورسوی امید هم که برای بازگشت آن‌ها داریم، از دست می‌دهیم. برای مثال چند نفر از اعضای هیئت علمی ما رفتند، تقاضای مرخصی بدون حکم کردند که بعد از دو سه سال شاید

**ارتباط ما با ایرانیان مقیم خارج اصلاً تعریف شده نیست، گاهی اوقات قوانین و مقرراتمان هم به گونه‌ای است که کورسوی امیدی هم که برای بازگشت آن‌ها داریم، از دست می‌دهیم. با توجه به قوانین و مقررات موجود و البته شاید کم‌سلیقگی برخی از مدیران، متأسفانه این افراد بعد از مدتی وارد سیستم بررسی تخلفات شده و نهایتاً حتی اخراج شدند.**



## گزارشی از نشست کلاب هاوسی

بررسی عوامل مهاجرت  
کادر درمان از کشور

در پایان افزودند که از سال ۹۲ مجلس قانونی مطرح کرد که مربوط به سهمیه متقاضیان تحصیل در دانشگاه‌هاست. آنان با تغییر تعریف اینترگر، یک پدیده مخرب و آسیب‌زننده را در دانشگاه‌ها رقم زدند و آن‌هم مربوط به اختصاص حدود ۲۵ درصد از ظرفیت دانشگاه به دانشجویان خانواده‌های اینترگر است که با رتبه‌های نجومی در بهترین دانشگاه‌های کشور می‌نشینند. ایشان افزودند که این طرح در ابتدا با یک اندیشه درست ایجاد شد اما با تغییراتی که از سال ۹۲ در آن ایجاد شد، منجر به ایجاد احساس تنفر در میان بسیاری از دانشجویان غیر اینترگر شد که حس می‌کنند دانشجویان سهمیه دار جای آنان را در دانشگاه‌های برتر گرفته‌اند.

■ آقای دکتر ظفر قندی (رئیس سابق سازمان نظام پزشکی ایران) اشاره کردند ما در حال حاضر به ازای هر ۱۰ هزار نفر جمعیت، ۱۶ نفر جمعیت پزشک داریم و این آمار در مقایسه با کشورهای همسایه ما بالاتر از استاندارد است و عدد قابل قبولی است. ضمن اینکه رشته پزشکی به زیرساخت‌های بیمارستانی وابسته است و با هزینه‌های درمان سروکار دارد. بنابراین اگر افزایش ظرفیت بدون توجه به این موارد بخواهد ایجاد شود، کیفیت تربیت و آموزش به‌ویژه در حوزه بالینی کاهش پیدا می‌کند و صدمه آن به مردم می‌خورد. البته اینکه چرا در مناطق محروم که نیاز به پزشک دارند، نیروی پزشک به اندازه کافی وجود ندارد، یک بحث اقتصادی-اجتماعی دارد؛ اما افزایش ظرفیت یک‌سویه و بدون بررسی علت‌های مهاجرت هیچ کمکی به شرایط درمانی کشور و مناطق محروم ما نخواهد کرد. ایشان در ادامه افزودند که گواهی گوداستندینگ گواهی است که کسانی که می‌خواهند به خارج بروند، این

نشست مهاجرت و کادر درمان سومین نشست از سلسه نشست‌هایی است که رصدخانه مهاجرت ایران با هدف بررسی علل مهاجرت در میان اقشار مختلف اجتماعی، برگزار کرده است. در این نشست دکتر محمدرضا ظفرقندی، دکتر امیرعلی سهراب‌پور، دکتر محمود صادقی، دکتر بهرام صلواتی و محمدرضا جلائی‌پور، نظرات خود را در مورد مهاجرت کادر درمان از کشور بیان داشتند.

### ● در زیر گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در این نشست آمده است:

■ آقای دکتر سهراب پور (معاون آموزشی دانشگاه علوم پزشکی دانشگاه تهران) اشاره کردند که افزایش ظرفیت پزشکی با روالی که در جلسات مطرح می‌شود، یک آسیب خطرناک برای سلامت جامعه است. چراکه منابع موجود در بهترین دانشگاه‌های کشور هم برای آموزش علوم پزشکی کافی نیستند و افزایش ظرفیت کنکور بدون توجه به منابع لازم، کیفیت آموزش را کاهش خواهد داد. در خصوص بحث مهاجرت هم دافعه‌ها در داخل بسیار زیاد شده و جاذبه‌ها در خارج بسیار زیاد شده است. دافعه‌های داخلی عمدتاً ریشه در مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارند و از آن موارد می‌توان به قوانینی همچون قوانین مالیاتی و درآمد اساتید و... اشاره کرد. از طرف دیگر، کشورهای توسعه‌یافته و حاشیه خلیج فارس برنامه‌هایی برای جذب کادر درمان طراحی کرده‌اند که اثرات سوئی بر نظام سلامت کشور خواهد داشت و افراد بسیار زیادی را جذب خواهند کرد. ایشان

### محمد رضا ظفرقندی: در فصل

تابستان امسال ما هزار و ۱۸۰ و سال قبل حدود سه هزار درخواست گوداستندینگ داشتیم، که این مساوی با مهاجرت نیست ولی تمایل به مهاجرت را نشان می‌دهد و در کنارش ما با افرادی مواجهیم که اصلاً درخواست گوداستندینگ هم نمی‌کنند ولی مهاجرت می‌کنند.

کشور می‌انجامد باید اصلاح شوند. اما بازهم راه‌حل اصلی این مسائل در بهبود شاخص‌های کلان است که می‌تواند منجر به افزایش نرخ بازگشت مهاجران و حتی جذب متخصصان از سایر جوامع به ایران شود.

■ **آقای دکتر صادقی (دانشیار حقوق دانشگاه تربیت مدرس)** اشاره کردند که از طرفی از سال ۹۶ تعداد کادر درمان در برخی از رشته‌های تخصصی کشور کاهش یافته است و از طرف دیگر میل به مهاجرت در میان آنان افزایش یافته است. مهاجرت کادر درمان قطعاً دلایل عمومی دارد که مربوط به وضعیت کشور از لحاظ اجتماعی، اقتصادی فرهنگی و سیاسی است و زمینه‌سازی برای مهاجرت کرده است. ایشان افزودند که مهاجرت افراد را به سمت مهاجرت سوق می‌دهد و احساس به حاشیه رانده‌شدگی آنان را به سمت مهاجرت سوق می‌دهد.

■ **آقای دکتر صلواتی (مدیر رصدخانه مهاجرت ایران)** اشاره کردند که ما با موضوع شیوع مهاجرت به ویژه در کشورهای در حال توسعه به ویژه در دوران پاندمی مواجه شدیم. کرونا میل به مهاجرت را افزایش داده است و ما دچار پدیده‌ای به عنوان مهاجرت عام شده‌ایم که دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. از طرفی هم نیروی متخصص ایرانی یکی از ارزان‌ترین نیروهای متخصص در دنیا شده است. ایشان افزودند که رصدخانه مهاجرت ایران در بهار ۱۴۰۰ به رصد و پایش چهار دسته از متخصصان پرداخته است: کادر درمان، فعالین استارت‌آپ‌ها، اساتید و محققان و دانشجویان و فارغ‌التحصیلان. میل به مهاجرت و تصمیم به مهاجرت در هر چهار دسته بالاست. علت اصلی مهاجرت هم عدم تناسب درآمد و هزینه‌ها بوده، عواملی همچون چشم‌انداز و جاذبه سرزمینی، شیوه حکمرانی و کیفیت زندگی در خارج از کشور در رده‌های بعدی قرار داشتند. ضمناً اغلب افراد نمونه تصور می‌کردند که در خارج از کشور می‌توانند مفیدتر باشند. ایشان افزودند که در مجموع ۱۸ درصد نیروهای انسانی ما متخصص هستند، سیستم آموزشی ما کیفیت لازم را نداشته و در تبادلات بین‌المللی سازگار با سایر جوامع عمل نکرده‌ایم. ضمناً در بحث سیاست‌گذاری سلامت خیلی هوشمند عمل نکرده‌ایم و آمار دقیقی در خصوص میل، اقدام و برنامه‌ریزی برای مهاجرت در میان این قشر نداریم. سهم ۱۶ پزشک از هر ۱۰ هزار نفر جمعیت نیز شاید نسبت به کشورهای همسایه بهتر باشد، اما تصویر دقیق و روشنی از نیازهای کشور نمی‌دهد. از آنجایی که سیاست‌گذاری داده محور نداریم، نمی‌دانیم با نیروی متخصص خود چه کار کنیم. بر اساس گزارشی که در فروردین ۱۳۹۹ انجام دادیم، اشاره کردیم که کادر درمان در دوران پاندمی نیروی بسیار گرانی است و علیرغم اینکه محدودیت برای مهاجرت وجود داشت، مهاجرت و جابه‌جایی کادر درمان آزاد بود. این مسئله را دیر بررسی کردند. به نظر می‌رسد رویکرد انفعالی پیش گرفته‌ایم در حالی که باید روی ظرفیت کادر درمان موجود برنامه‌ریزی کنیم، ظرفیت بازگشت آنان را تقویت کنیم، بررسی کنیم که آیا باید آنان را از خارج از کشور جذب کنیم؟ تا به این سوالات پاسخ ندهیم، سیاست‌گذاری در این حوزه به درستی انجام نخواهد شد و چشم‌انداز کشورهای دیگر برای این قشر جذاب‌تر خواهد بود.

**دکتر صلواتی: ما دچار پدیده‌ای به‌عنوان مهاجرت عام شده‌ایم که دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دارد. از طرفی هم نیروی متخصص ایرانی یکی از ارزان‌ترین نیروهای متخصص در دنیا شده است.**

مدرک را از سازمان نظام پزشکی می‌گیرند. در فصل تابستان امسال ما هزار و ۱۸۰ و سال قبل حدود سه هزار درخواست گوداستندینگ داشتیم، که این مساوی با مهاجرت نیست ولی تمایل به مهاجرت را نشان می‌دهد و در کنارش ما مواجهیم با افرادی که اصلاً درخواست گوداستندینگ هم نمی‌کنند ولی مهاجرت می‌کنند، که این یعنی آن چیزی که آلان باعث نگرانی ما هست. ارزیابی ما از میزان مهاجرت پزشکان چیزی در حدود سه هزار پزشک در سال است.

حدود ۳۰ هزار نفر پزشک داریم که حدود ۱۵ هزار نفرشان کار طبابت نمی‌کنند، بنابراین شرایط به گونه‌ای است که تا ساختار را ساماندهی نکنیم نمی‌توانیم امیدوی به بهبود این اوضاع داشته باشیم. ایشان در تکمیل گفته‌هایشان فرمودند که باید به اقتصاد سلامت، ساختار سلامت و نیروی انسانی توجه شود. بخشی از بحث نیروی انسانی مربوط به حوزه مهاجرت است. یکی از عوامل اصلی مهاجرت کادر درمان مربوط به بحث شرایط نامناسب زیستی، حکمرانی و بی‌ثباتی سیاسی - اجتماعی و حتی بی‌ثباتی روانی جامعه است. علاوه بر این، فشار مربوط به اجبار به خدمت در مناطق محروم و... هم مزید بر علت می‌شوند.

■ **آقای جلائی پور (جامعه‌شناس)** اشاره کردند که افزایش مهاجرت از جمله در میان نیروهای تحصیل کرده و توانا تر اقتصادی، فرآیندی جهانی است و خیلی از جوامع توسعه یافته به خدمات درمانی نیروهای تحصیل کرده در کشورهای در حال توسعه متکی هستند و امکانات جذابی در اختیارشان قرار می‌دهند. آن جاذبه‌ها بخش زیادی از کادر درمان را مشتاق مهاجرت می‌کند. اما آنچه در حال حاضر نگران کننده شده است، این است که بر اساس شواهد موجود نرخ مهاجرت در میان این قشر اخیراً افزایش معناداری پیدا کرده است و از آنجایی که آموزش آنان هزینه‌بر و زمان‌بر است، طبق یک برآورد حداقل سه میلیارد دلار از ده میلیارد دلار هزینه‌ای که از مهاجرت افراد متخصص به کشور وارد می‌شود، مختص رشته‌های پزشکی است. برای حل این مسئله باید به عوامل کلان‌تر توجه کنیم. چراکه به نظر می‌رسد علل افزایش تمایل پزشکان برای مهاجرت خیلی متفاوت از علل افزایش تمایل به مهاجرت در میان سایر تحصیل‌کردگان نیست و اگر بخواهیم مسئله را به صورت ریشه‌ای حل کنیم، باید شاخص چشم‌انداز جاذبه سرزمینی و رقابت‌پذیری برای استعدادها از جمله میان پزشکان را بهبود ببخشیم. با این وجود برخی از طرح‌هایی که اخیراً مطرح شده‌اند، از جمله طرح صیانت، طرح حمایت از خانواده و... احتمالاً این مسئله را تشدید خواهند کرد. ایشان افزودند که سهم سلامت و آموزش از تولید ناخالص داخلی و بودجه سالانه باید افزایش پیدا کند و از آنجایی که تقاضا برای رشته‌های پزشکی بیشتر از عرضه است، ظرفیت آموزش با کیفیت باید افزایش یابد. همچنین برای رفع شکاف رو به افزایشی که بین پزشکان بسیار موفق و سایر پزشکان در حال شکل‌گیری است، می‌توانیم از تجارب کشورهای موفق استفاده کنیم. ایشان افزودند که مشکل اصلی در حال حاضر مربوط به توزیع پزشکان است و فرآیندهایی که به توزیع پزشکان متخصص در سطح

**محمدرضا جلائی‌پور: آنچه در حال حاضر نگران کننده شده است، این است که بر اساس شواهد موجود نرخ مهاجرت در میان این قشر اخیراً افزایش معناداری پیدا کرده است و از آنجایی که آموزش آنان هزینه‌بر و زمان‌بر است، طبق یک برآورد حداقل سه میلیارد دلار از ده میلیارد دلار هزینه‌ای که از مهاجرت افراد متخصص به کشور وارد می‌شود، مختص رشته‌های پزشکی است.**



# ورزش و مهاجرت



# تغییر زمین بازی!

نیم‌نگاهی به ریشه‌های مهاجرت ورزشی



## ۲

با توجه به بازه نسبتاً کوتاه دوران حرفه‌ای ورزشکاران و همچنین سرمایه‌گذاری و تلاش فیزیکی قابل‌توجه ورزشکاران برای رسیدن به سطح توانمندی بالا، گاهی ورزشکاران مجبور به اخذ تصمیمات سختی هستند. به این معنا که چنانچه ورزشکاران به هر دلیلی در سرزمین مادری خود امکان ظهور به‌موقع استعداد و یا دستیابی به دستاوردهای ورزشی که منجر به ایجاد یک حاشیه امن اقتصادی برای آن‌ها شود را نداشته باشند، ممکن است به فرصت‌ها و گزینه‌های فرا سرزمینی جدی‌تر فکر کنند. لذا این فرصت‌های فرا سرزمینی تبدیل به سکوی پرتابی به آینده امن و مطمئن بخصوص در زمینه اقتصادی می‌شود. این موضوع برای ورزشکاران جوامعی از جمله ایران که با وفور سرمایه‌های انسانی اما با ظرفیت‌های به‌کارگیری محدود و یا مشکلات اقتصادی فراوانی روبرو هستند، بیشتر شایع است.

## ۳

داشتن تابعیت مضاعف در برخی از کشورها این امکان را برای ورزشکاران فراهم آورده تا در دوران فعالیت ورزشی خود بتوانند به تغییر محل اقامت یا اخذ تابعیت سایر کشورها اقدام کنند. اما علی‌رغم اینکه ممکن است با پرچم سایر کشورها در رقابت‌های ورزشی شرکت نمایند، به‌رحال ارتباط و پیوند خود را با سرزمین موطن خود حفظ می‌کنند. اما چنانچه این امکان مهیا نباشد، ممکن است این تغییر محل اقامت یا اخذ تابعیت، منجر به قطع ارتباط همیشگی با سرزمین مادری بشود. موضوع تابعیت مضاعف همچنان از مسائلی است که در ایران در مورد آن به شکل جدی فکری نشده است و لذا برخی از ورزشکاران بعد از تغییر تابعیت، عمل ارتباط حرفه‌ای و کاری خود را با کشور از دست می‌دهند. این

مهاجرت ورزشکاران در ایران اگرچه همانند سایر دسته‌ها و گروه‌های مهاجران اخیراً بیشتر مورد توجه قرار گرفته است، اما با این حال کمتر در مورد آن تحقیق یا بررسی جدی صورت گرفته است. لذا شناخت و آگاهی ما از دلایل و ریشه‌های مهاجرت و یا تغییر تابعیت ورزشکاران بسیار اندک و محدود به معدود خبرها و گزارش‌هایی است که در ایام خاصی همچون برگزاری بازی‌های المپیک منتشر می‌شوند. بنابراین پیش از هر کلامی، مطالعات دقیق و عمیق در این زمینه بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در این یادداشت کوتاه به مجموعه نکاتی در زمینه مهاجرت ورزشی و ورزشکاران اشاره می‌شود.

## ۱

با در نظر گرفتن این واقعیت که رقابت جهانی برای استعدادها و سرمایه‌های انسانی روزبه‌روز شدیدتر می‌شود، در مورد ورزشکاران که معمولاً از توانمندی‌های فکری و فیزیکی به‌صورت توأمان بهره‌مند هستند، بی‌شک رقابت سخت‌تر و حساس‌تر می‌شود. شدت این رقابت زمانی بیشتر روشن می‌شود که در نظر داشته باشیم که برخی از مسابقات جهانی به‌ویژه میدان المپیک، دیگر صرفاً محلی برای جدال ورزشی کشورها نیست، بلکه به‌عنوان آوردگاهی که تبدیل به صحنه نمایش قدرت اقتصادی و اجتماعی کشورها شده و جدول رتبه‌بندی مدال‌ها از اهمیت قابل‌توجهی برخوردار است. بنابراین کشورها برای بهبود وضعیت خود و نمایش بهتر در این رتبه‌بندی، ممکن است به جذب سرمایه‌های ورزشی سایر کشورها از طریق پیشنهادهای جذاب مالی و کاری روی بیاورند. این پیشنهادهای مالی برای برخی ورزشکاران ایرانی که بعضاً از شرایط و حمایت‌های مالی خوبی نسبت به همگان بین‌المللی خود برخوردار نیستند، می‌تواند جذاب باشد.



حالیکه این موضوع هم در بعدی فردی و هم در بعد ملی می‌تواند نتایج سازنده و مفیدی را به دنبال داشته باشد. برای مثال، کشور برزیل که انبوهی از ورزشکاران حوزه فوتبال را داراست و بالطبع امکان حضور و فعالیت همه آن‌ها در تیم‌های ملی یا بهره‌مندی از آن‌ها در داخل کشور مهیا نیست، ما شاهد آن هستیم که بسیاری از فوتبالیست‌های این کشور در لیگ‌های سایر کشورها و یا حتی با اخذ تابعیت و پیوستن به تیم‌های ملی سایر کشورها، به فعالیت می‌پردازند. این موضوع عواید مالی و معنوی سرشاری را نصیب خود افراد و این کشور کرده است. لذا با داشتن برنامه و سیاست مدون در زمینه چرخش و تبادل ورزشکاران، ممکن است بتوان از عوارض مخرب مهاجرت ورزشی کاست و از عواید مفید آن بهره برد. موارد فوق در کنار سایر عوامل و دلایل از جمله مشکلات مدیریتی و ضعف برخی از مدیران حوزه ورزش و همچنین فقدان زیرساخت‌ها و امکانات ورزشی در کشور به همراه سایر عوامل کلان اقتصادی و اجتماعی و انگیزه‌های گوناگون فردی، باعث شده است در چند سال اخیر ما شاهد بروز مهاجرت‌های ورزشی در کشور باشیم. نکته کلیدی اینکه که مهاجرت در حوزه ورزش همانند دیگر حوزه‌ها در ایران و سایر نقاط جهان رو به گسترش است. شرایط جذب، نگهداشت و بهره‌مندی از سرمایه‌ها و ظرفیت‌های ورزشی بیش از هر زمان دیگر پیچیده و نیازمند فکر و برنامه تحولی است. تا زمانی که در این زمینه در کشور تغییر و تحولی در نوع نگاه و نحوه مدیریت امور ورزشی صورت نپذیرد، ما باید منتظر تغییر و جابجایی زمین بازی از سوی ورزشکاران خود باشیم.

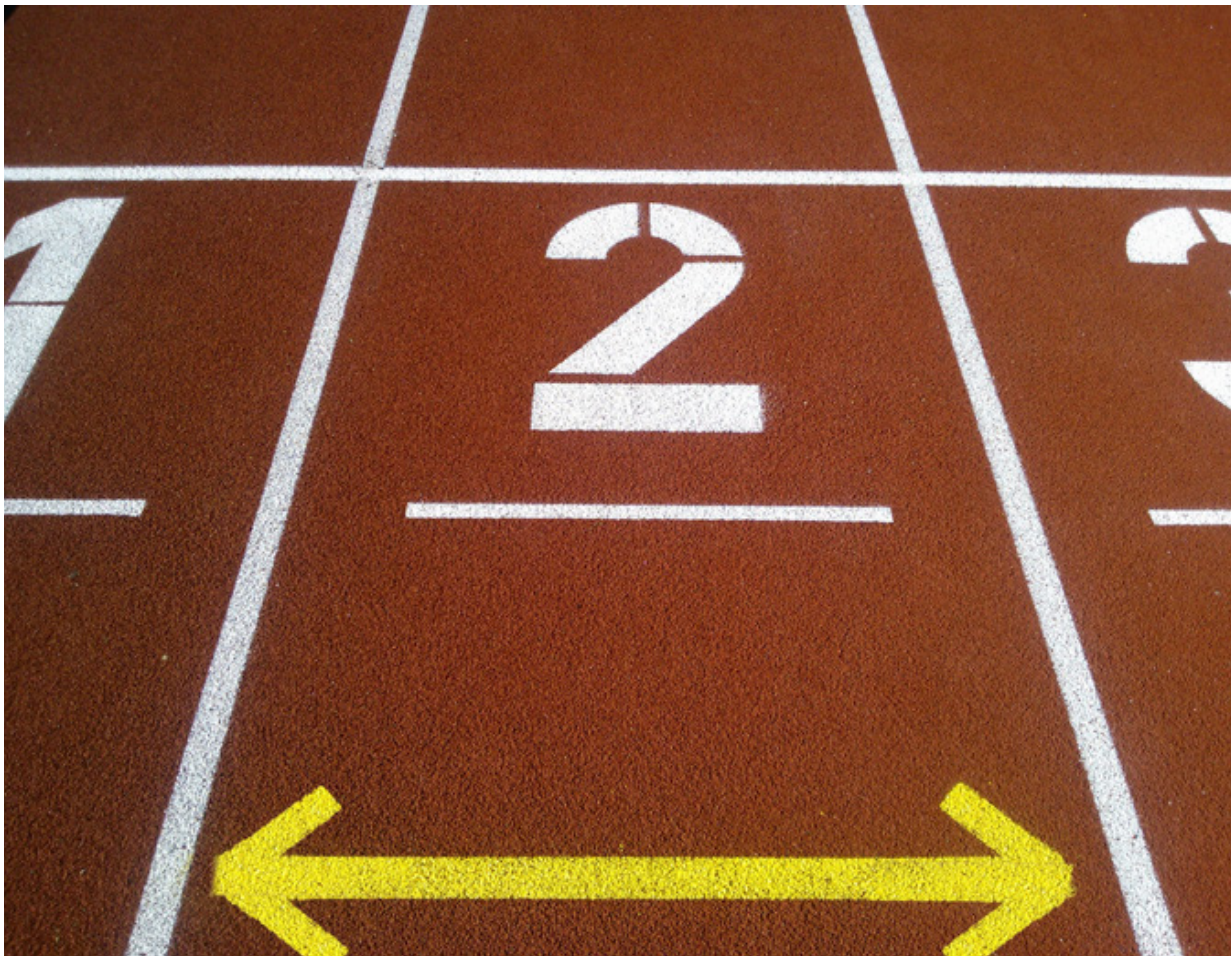
موضوع خسارات به مراتب بیشتری از مهاجرت فیزیکی ورزشکاران را برای کشور به دنبال خواهد داشت.

#### ■ ۴ ■

وجود بعضی از ملاحظات سیاسی در زمینه مواجهه نشدن ورزشکاران ایرانی با برخی از کشورها در رقابت‌های ورزشی بین‌المللی، اگرچه قابل‌درک است، اما هم‌زمان ممکن است تبعات و پیامدهایی برای آینده حرفه‌ای ورزشکار و حتی تیم ورزشی و کشور را دنبال داشته باشد. در بعد فردی، برخی از ورزشکاران تصمیم به مهاجرت را به قصد عضویت در تیم ملی سایر کشورها و تغییر تابعیت به منظور اجتناب از این عواقب و یا به دیگر دلایل مالی و حرفه‌ای، می‌گیرند. بر همین اساس، ممکن است در برخی از مسابقات، تعدادی از ورزشکاران ایرانی با پرچم سایر کشورها یا حتی در قالب تیم پناهندگان ظاهر شوند. به نظر می‌رسد این موضوع از نظر وجه و اعتبار برای کشور ایران پرهزینه و پرحاشیه است. لذا ارزیابی دقیق این هزینه‌ها و حاشیه‌ها با آن ملاحظات سیاسی لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

#### ■ ۵ ■

صادرات خدمات ورزشی و ورزشکاران بخصوص در دوره‌ای که کشورها با تعدد و صف طولانی ورزشکاران منتظر عضویت در تیم‌های ملی هستند، از جمله گزینه‌هایی است که در کشور ایران تاکنون کمتر برای آن برنامه‌ریزی و اقدام جدی انجام شده است. در





## ورزشکارانی که در سال‌های اخیر از ایران مهاجرت کردند



کشور	نام ورزشکار	رشته	ردیف
مهاجرت به آذربایجان	میلاد بیگی	تکواندو	۱
مهاجرت به آلمان	کیمیا علیزاده		۲
مهاجرت به بلغارستان	فرزاد ذوالقدری		۳
مهاجرت به آذربایجان	سینا بهرامی		۴
مهاجرت به آلمان	پریسا فرشیدی		۵
مهاجرت به صربستان	مهدی خدابخشی		۶
مهاجرت به هلند	دینا پور یونس لنگرودی		۷
مهاجرت به بلژیک	راحله آسمانی		۸
مهاجرت به آذربایجان	رضا مهمان دوست	سرمربی پیشین تیم ملی تکواندو	۹
مهاجرت به آمریکا	آتوسا پورکاشیان	شطرنج	۱۰
مهاجرت به فرانسه	میترا حجازی پور		۱۱
مهاجرت به فرانسه	علیرضا فیروزجا		۱۲
مهاجرت به آمریکا	الشن مرادی		۱۳
مهاجرت به سوئیس	غزل حکیمی فرد	۱۴	
مهاجرت به انگلستان	شهره بیات	داور بین‌المللی شطرنج	۱۵
مهاجرت به انگلستان	برنا درخشانی	شطرنج	۱۶
مهاجرت به آمریکا	درسا درخشانی		۱۷
مهاجرت به نروژ	کیمیا مرادی		۱۸
مهاجرت به آذربایجان	آرش آقایی	جودو	۱۹
مهاجرت به آلمان	محسن غفار		۲۰
مهاجرت به کانادا	جواد محبوب		۲۱
مهاجرت به هلند	محمد رشنو نژاد		۲۲
مهاجرت به آمریکا	احسان رجبی		۲۳
مهاجرت به آلمان	وحید سرلک		۲۴

ردیف	رشته	نام ورزشکار	کشور
۲۵	سرمربی سابق تیم ملی جودو	محمد منصوری	مهاجرت به آلمان
۲۶	جودو	سعید مولایی	مهاجرت به مغولستان
۲۷	کشتی	نوید زنگنه	مهاجرت به کانادا
۲۸		محمدرضا آذر شکیب	مهاجرت به آذربایجان
۲۹		محمد مهدی بی‌نیاز	مهاجرت به ایتالیا
۳۰		مجید داداشی	مهاجرت به آلمان
۳۱		سامان طهماسبی	مهاجرت به آذربایجان
۳۲		صبح شریعتی	مهاجرت به آذربایجان
۳۳		مربی تیم ملی ژیمناستیک	سارا خسروی
۳۴	ژیمناستیک	محمد رمضان پور	مهاجرت به دانمارک
۳۵		مهتاب یادگاری	مهاجرت به آمریکا
۳۶		مزگان تاجیک	مهاجرت به سوئد
۳۷		امین ارباب	مهاجرت به آمریکا
۳۸		احسان خدادادی	مهاجرت به ترکیه
۳۹		داور فوتبال	علیرضا فغانی
۴۰	فوتبال	حجت حقوردی	مهاجرت به آذربایجان
۴۱	فوتبال	علی قربانی	مهاجرت به آذربایجان
۴۲	بسکتبال با ویلچر	سامان بلاغی	مهاجرت به آلمان
۴۳	تیر و کمان با ویلچر	پوریا جلالی پور	مهاجرت به هلند
۴۴	قایقرانی	سعید فضل اولی	مهاجرت به آلمان
۴۵		آرزو معتمدی	مهاجرت به آمریکا
۴۶		مینا علیزاده	مهاجرت به آلمان
۴۷		فرشته حسینی	مهاجرت به آلمان
۴۸		شروین پاکدل	مهاجرت به پرتغال
۴۹		کاراته	کسری مهدی پور نژاد
۵۰	هامون درفشی پور		مهاجرت به کانادا
۵۱	نجات غریق	محمود زاویه	مهاجرت به فرانسه
۵۲		پوریا پور ابراهیم	مهاجرت به فرانسه
۵۳	پرتاب دیسک	شهراد نساج پور	مهاجرت به آمریکا
۵۴	بوکس	احسان سپهوندی	مهاجرت به آلمان
۵۵		صدف خادمی	مهاجرت به فرانسه
۵۶		مبین کهرازه	مهاجرت به اتریش
۵۷	شمشیر بازی	محمد حسین ابراهیمی	مهاجرت به فرانسه
۵۸	هندبال	ایمان جمالی	مهاجرت به مجارستان





# مهاجرت و پیمایش‌های اجتماعی



# نگاهی به شاخص‌های کلیدی مهاجرت

## در میان برخی از گروه‌های اجتماعی در سال ۱۴۰۰

که برای پاسخ به چالش‌ها و مدیریت آن در نظر گرفته شده است، به صورت موقتی و در پاسخ به اتفاقات مقطعی و زودگذر بوده است. در همین راستا موضوع مهاجرت دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی، نیروی کار حرفه‌ای و متخصص همچون پزشکان و اساتید دانشگاهی همواره یکی از موضوعات داغ و پر حاشیه جامعه ایران بوده است که به دلیل عدم وجود داده‌های معتبر و قابل اتکا به طور فزاینده‌ای در معرض گمانه‌زنی‌ها و اظهارنظرهای غیر مستند قرار داشته است.

در راستای رفع این دغدغه و پوشش خلأهای داده‌ای و همچنین به منظور ارائه تصویری دقیق‌تر از آمارها و تحلیل‌های مهاجرتی و حرکت به سمت حکمرانی داده محور در حوزه مهاجرت در کشور، رصدخانه مهاجرت ایران در تلاش بوده است تا با اتکا بر اندک امکانات در اختیار بتواند گامی مؤثر در این مسیر بردارد. بر همین اساس این رصدخانه اقدام به انجام پیمایش‌های مهاجرتی سالیانه در میان اقشار مختلف اجتماعی نموده است تا بدین وسیله اطلاعات میدانی از وضعیت مهاجرت در میان این اقشار برای کشور به دست آید. بر همین اساس پرسشنامه‌های "سنجش میل و تصمیم به مهاجرت" در میان چهار گروه اجتماعی شامل: (۱) دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، (۲) اساتید، محققان و پژوهشگران، (۳) پزشکان و پرستاران و (۴) فعالین حوزه کسب و کارهای نوپا (استارت‌آپ‌ها) طراحی، توزیع و جمع‌آوری شده است. خوشبختانه پیمایش در میان دسته اول و چهارم (دانشجویان و استارت‌آپ‌ها) برای دومین سال پیاپی تکرار می‌شود که می‌تواند اطلاعات خوبی را در زمینه تغییر وضعیت شاخص‌های مهاجرتی در این دو گروه نسبت به دوره پیشین (سال گذشته) را نیز فراهم آورد. با توجه به دغدغه‌های پیش آمده در کشور پیرامون وضعیت مهاجرتی در میان اساتید دانشگاه و همچنین کادر بهداشت و درمان، این دو گروه نیز امسال برای اولین بار در زمره گروه‌های هدف مورد پیمایش مهاجرتی رصدخانه مهاجرت ایران قرار گرفتند. امید است با تداوم، تکرار و توسعه کمی و کیفی این پیمایش‌ها، ضمن دست‌یابی به آمار و اطلاعات سالیانه از وضعیت مهاجرتی در میان اقشار مختلف اجتماعی، زمینه‌پایش و مقایسه روند تغییرات وضعیت هر یک از شاخص‌های کلیدی مهاجرت در میان اقشار برای کشور حاصل گردد. توجه به این نکته بسیار مهم و ضروری است که نتایج پیمایش‌های صورت گرفته تا حدی می‌توانند نشان‌دهنده‌ی وضعیت کلی "میل و تصمیم به مهاجرت" و همچنین "پیش‌ران‌ها و موانع مهاجرت" در میان گروه‌های مختلف در کشور باشند. چراکه با توجه به محدودیت امکانات در اختیار رصدخانه مهاجرت ایران و همچنین شرایط خاص کشور در دوران شیوع کرونا، همه پیمایش‌ها به ناچار از طریق پرسشنامه و به صورت آنلاین انجام شده‌اند. هرچند که در مجموع قریب به ۳ هزار نفر در کشور از میان دسته‌های مختلف در این پیمایش‌ها شرکت کرده‌اند که حجم این نمونه می‌تواند به نوعی تبیین‌کننده وضعیت مهاجرتی کشور باشد، اما به دلیل توزیع آنلاین پرسشنامه‌ها، حجم نمونه نسبتاً محدود و همچنین محدودیت‌هایی



### ● مقدمه

از تبدیل شدن موضوع مهاجرت به مسئله‌ای عمومی و حساسیت‌برانگیز در کشور ما سال‌های زیادی می‌گذرد اما طی این سال‌ها کمتر به پدیده مهاجرت به عنوان پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی به صورت علمی و مستدل پرداخته شده است و عموماً راه‌حلی‌هایی

و متوسط و استارت‌آپ‌ها انجام شد که چکیده‌ای از نتایج آن‌ها در سالنامه مهاجرتی ایران-۱۳۹۹ منتشر گردید. دور دوم این پیمایش‌ها در میان چهار گروه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، فعالین استارت‌آپ‌ها، اساتید، پژوهشگران و محققان، و پزشکان و پرستاران در اسفند ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰ انجام شده است. این پرسشنامه‌ها با هدف سنجش "میل به مهاجرت" و "تصمیم به مهاجرت" در میان اقشار مختلف و بررسی آثار عوامل مختلف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و به‌طور خاص تأثیر تحولات کشور و همه‌گیری ویروس کرونا بر میل و تصمیم به مهاجرت از کشور طراحی و انجام شده است.

در گروه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان، پیمایش در میان دانشجویان فعلی و همچنین فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۹۲ به بعد انجام شد. لازم به ذکر است که داده‌های این پرسشنامه از اوایل بهمن تا اواخر اسفند ۱۳۹۹ و به‌صورت آنلاین جمع‌آوری شده است و ۲۰۶۵ نفر از دانشجویان و فارغ‌التحصیلان سراسر کشور که عمده آن‌ها از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی بودند به آن پاسخ داده‌اند. جدول زیر اطلاعات کلی پیمایش را نمایش می‌دهد:

که در انجام پیمایش‌های آنلاین وجود دارد (اعم از مشکلات مربوط به تصادفی بودن نمونه)، تصمیم نتایج این پیمایش‌ها به کل جامعه ایران یا از نظر آماری امکان‌پذیر نیست و یا اینکه حداقل ملاحظات فوق‌الذکر باید در نظر گرفته شود. در نهایت لازم به ذکر است که رصدخانه مهاجرت ایران با توجه به ظرفیت‌های اندک و محدودیت‌های بسیاری که در پیش داشته است، اقدام به اجرای این پیمایش‌ها نموده است و بدیهی است که انجام پیمایش‌های دقیق‌تر با قابلیت تصمیم‌پذیری به کل جامعه ایران نیازمند حمایت بیشتر و بهره‌گیری از ظرفیت نهادهای مربوطه در سطح ملی است.

**اطلاعات کلی و ویژگی پیمایش‌های سنجش میل و تصمیم به مهاجرت**

پیمایش‌های سنجش «میل و تصمیم به مهاجرت» از سال ۱۳۹۷ در میان دو گروه از اقشار اجتماعی ایران انجام شده است. دور اول این پیمایش‌ها در سال ۱۳۹۷ در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و در سال ۱۳۹۸ در میان فعالین کسب‌وکارهای کوچک

**جدول ۱- اطلاعات کلی پیمایش سنجش میل و تصمیم به مهاجرت در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان**

پیمایش سنجش «میل و تصمیم به مهاجرت» در میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان	
زمان و روش انجام پیمایش	بهمن و اسفند ۱۳۹۹- پرسشنامه آنلاین
حجم نمونه آماری	۲۰۶۵ نفر
توزیع جنسیت در نمونه	مرد (۵۷ درصد) و زن (۴۳ درصد)
بازه سنی افراد	بازه سنی ۲۰-۳۰ سال (۸۱ درصد)
وضعیت تأهل/تجرد	مجرد (۸۱ درصد) و متأهل (۱۹ درصد)
وضعیت تحصیلی افراد	دانشجو (۶۹ درصد) و فارغ‌التحصیل (۳۱ درصد)
مقطع تحصیلی افراد	کارشناسی (۴۱ درصد)، کارشناسی ارشد (۴۲ درصد)، دکتری (۱۰ درصد)، دکتری تخصصی (۶ درصد) و کاردانی (۱ درصد)
گروه تحصیلی افراد	فنی و مهندسی (۴۵ درصد)، علوم انسانی (۲۷ درصد)، پزشکی (۱۰ درصد)، علوم پایه (۱/۵ درصد) و هنر (۴/۴ درصد)
دانشگاه محل تحصیل افراد (۵ دانشگاه با بیشترین فراوانی)	دانشگاه علم و صنعت (۱۱ درصد)، دانشگاه تهران (۹ درصد)، دانشگاه امیرکبیر (۹ درصد)، دانشگاه صنعتی شریف (۶ درصد) و دانشگاه شهید بهشتی (۶ درصد)

منبع: (رصدخانه مهاجرت ایران، اسفند ۱۳۹۹)

پیمایش دوم مربوط به اساتید و محققان نیز در خرداد ۱۴۰۰ و به‌صورت آنلاین توزیع شده است که ۲۴۶ نفر در آن مشارکت داشته‌اند. ۷۴ درصد پاسخ‌دهندگان اساتید دانشگاه‌ها و ۲۶ درصد پژوهشگر مؤسسات پژوهشی و غیر آن بوده‌اند. اطلاعات تکمیلی این پیمایش را در جدول زیر نشان داده شده است.

**جدول ۲- اطلاعات کلی پیمایش سنجش میل و تصمیم به مهاجرت در اساتید، محققان و پژوهشگران**

پیمایش سنجش «میل و تصمیم به مهاجرت» در اساتید، محققان و پژوهشگران	
زمان و روش انجام پیمایش	اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰- پرسشنامه آنلاین
حجم نمونه آماری	۲۴۶ نفر
توزیع جنسیت در نمونه	مرد (۷۹ درصد) و زن (۲۱ درصد)
بازه سنی افراد	بازه سنی ۲۵ تا ۵۰ سال (۶۶ درصد)
وضعیت تأهل/تجرد افراد	متأهل (۸۴ درصد) و مجرد (۱۵ درصد) و سایر (۱ درصد)
مقطع تحصیلی افراد	دکترای تخصصی (۷۵ درصد)، دکترای حرفه‌ای (۱۰ درصد)، کارشناسی ارشد (۱۵ درصد)
گروه رشته فعالیت افراد	علوم مهندسی (۳۶ درصد)، علوم پایه (۲۵ درصد)، علوم پزشکی و پیراپزشکی (۱۶ درصد)، علوم انسانی و اجتماعی (۱۶ درصد)، کشاورزی و منابع طبیعی (۶ درصد)، هنر (۲ درصد)
سابقه شغلی افراد	۵ سال و کمتر (۱۰ درصد)، ۶ تا ۱۱ سال (۲۹ درصد)، ۱۲ تا ۱۶ سال (۱۹ درصد)، ۱۷ تا ۲۲ سال (۱۷ درصد)، ۲۳ تا ۲۷ سال (۱۲ درصد)، بیش از ۲۷ سال (۱۳ درصد)
رتبه علمی افراد	استاد تمام (۲۳ درصد)، استادیار (۳۴ درصد)، دانشیار (۴۲ درصد)، مربی (۱ درصد)

منبع: (رصدخانه مهاجرت ایران، بهار ۱۴۰۰)



پیمایش میل و تصمیم به مهاجرت در میان پزشکان و پرستاران در سال ۱۴۰۰ برای اولین بار اجرا شده است. در این پیمایش که از اردیبهشت تا خرداد ۱۴۰۰ و به صورت آنلاین به اجرا درآمده است، کلی پیمایش را نمایش می‌دهد:

### جدول ۳- اطلاعات کلی پیمایش سنجش میل و تصمیم به مهاجرت در میان پزشکان و پرستاران

پیمایش سنجش «میل و تصمیم به مهاجرت» در میان پزشکان و پرستاران	
زمان و روش انجام پیمایش	اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰- پرسشنامه آنلاین
حجم نمونه آماری	۳۳۰ نفر
جنسیت	مرد (۵۵ درصد) و زن (۴۵ درصد)
وضعیت تأهل	متاهل (۵۴ درصد) و مجرد (۴۶ درصد)
گروه شغلی	پزشک عمومی (۴۷ درصد)، پزشک متخصص (۳۰ درصد)، پرستار (۱۲ درصد)، پیراپزشک و دندان‌پزشک (۳ درصد)، پزشک فوق تخصص و داروساز (۲ درصد) و علوم آزمایشگاهی (۱ درصد)
پنج استان برتر محل سکونت پاسخ‌دهندگان	استان تهران ۳۵ درصد، استان مازندران ۱۳ درصد، استان فارس ۱۱ درصد، استان اصفهان ۶ درصد، استان خراسان رضوی و سمنان ۴ درصد
میزان سابقه پاسخ‌دهندگان	۵- سال ۵۴ درصد
	۵-۱۰ سال ۱۴ درصد
	۱۰-۱۵ سال ۹ درصد
	۱۵-۲۰ سال ۱۰ درصد
	۲۰-۲۵ سال ۸ درصد
	۲۵-۳۰ سال ۴ درصد
	بیشتر از ۳۰ سال ۱ درصد

منبع: (رصدخانه مهاجرت ایران، اردیبهشت ۱۴۰۰)

پیمایش چهارم در میان صاحبان کسب‌وکارهای نوپا و فعالان استارت‌آپی برای دومین سال پیاپی انجام شده است. داده‌های این پرسشنامه اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰ و به صورت آنلاین جمع‌آوری شده است و ۱۳۵ نفر از فعالین استارت‌آپی‌ها به آن پاسخ داده‌اند.

### جدول ۴- اطلاعات کلی پیمایش سنجش میل و تصمیم به مهاجرت در میان فعالین استارت‌آپی‌ها

پیمایش سنجش «میل و تصمیم به مهاجرت» در میان فعالین استارت‌آپی‌ها	
زمان و روش انجام پیمایش	اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۰- پرسشنامه آنلاین
حجم نمونه آماری	۱۳۵ نفر
توزیع جنسیت در نمونه	مرد (۸۴ درصد) و زن (۱۶ درصد)
بازه سنی افراد	بازه سنی ۲۰-۴۰ سال (۸۴ درصد)
وضعیت تأهل / مجرد افراد	مجرد (۵۲ درصد)، متاهل (۴۶ درصد) و سایر (۲ درصد)
وضعیت تحصیلی افراد	دانشجو (۶۹ درصد) و فارغ‌التحصیل (۳۱ درصد)
مقطع تحصیلی افراد	کارشناسی ارشد (۵۹ درصد)، کارشناسی (۲۴ درصد)، دکترا تخصصی (۷ درصد)، دکترا حرفه‌ای (۴ درصد) و کاردانی (۳ درصد)، دیپلم و پایین‌تر (۳ درصد)
مرحله بلوغ کسب‌وکار (استارت‌آپی)	پردازش ایده و شناخت نیاز بازار و مشتری (۱۶ درصد)، پروتوتایپ و تست محصول در بازار (۲۸ درصد)، درآمدزایی (۲۱ درصد)، سودآوری با سهم بازار کم/ عبور از نقطه سر به سر (۱۸ درصد)، مرحله رشد / بازار و تیم کاری توسعه یافته (۱۷ درصد)

منبع: (رصدخانه مهاجرت ایران، بهار ۱۴۰۰)

بر اساس تعریف موسسه گالوپ<sup>۲</sup> «شاخص میل به مهاجرت<sup>۳</sup>»، گرایش افراد به مهاجرت را می‌سنجد بطوریکه مایل هستند در صورت وجود فرصت و به شکل دائم به کشور موردعلاقه خود مهاجرت کنند. لازم به ذکر

The world's potential. (۲۰۱۱). Esipova, N., Ray, J., & Srinivasan, R. - ۲ migrants: Who they are, where they want to go, and why it matters. Gallup White Paper

Desire to Migrate - ۳

### ● خلاصه نتایج پیمایش میل و تصمیم به مهاجرت در میان اقشار مختلف جامعه ایران

#### ■ وضعیت شاخص کلیدی میل به مهاجرت در داخل ایران

۱- سوال مربوط به میل به مهاجرت به صورت یک سوال طیفی ۵ گزینه ای: "خیلی کم"، "کم"، "متوسط"، "زیاد" و "بسیار زیاد" پرسیده شده است و عدد (درصد) این شاخص از تجمیع فراوانی گزینه "بسیار زیاد" در میان پرسش‌شوندگان به دست آمده است.

میان گروه‌های مختلف اجتماعی، شاخص «میل به مهاجرت»، از درصد فراوانی پاسخ «خیلی زیاد» به سؤال «هم‌اکنون چه میزان تمایل به مهاجرت از ایران دارید؟» به دست آمده است. جدول زیر نتایج سنجش شاخص «میل به مهاجرت» در کلیه پیمایش‌ها در میان گروه‌های مختلف اجتماعی را نشان می‌دهد.

است که این شاخص تنها «میل» را اندازه‌گیری می‌کند و با مفهوم «تصمیم به مهاجرت» و یا «اقدام به مهاجرت و یا ترک کشور» تفاوت و اختلاف اساسی دارد. در پیمایش‌های انجام شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران در

Decision to Migrate - ۴

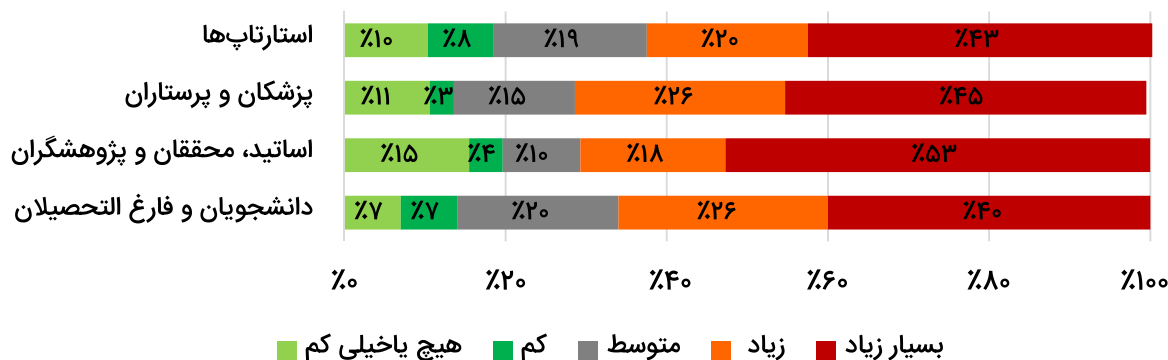
جدول ۵- مقایسه شاخص میل به مهاجرت در میان گروه‌های مختلف در سال ۱۴۰۰

میل به مهاجرت (درصد)					اندازه نمونه (تعداد مشارکت‌کنندگان)	گروه‌های اجتماعی
بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	هیچ یا خیلی کم		
۴۰٪	۲۶٪	۲۰٪	۷٪	۷٪	۲۰۶۵	دانشجویان و فارغ‌التحصیلان
۴۵٪	۲۶٪	۱۵٪	۳٪	۱۱٪	۳۳۰	پزشکان و پرستاران
۵۳٪	۱۸٪	۱۰٪	۴٪	۱۵٪	۲۴۶	اساتید، محققان و پژوهشگران
۴۳٪	۲۰٪	۱۹٪	۸٪	۱۰٪	۱۳۵	فعالان کسب‌وکارهای نو پا (استارت‌آپ‌ها)

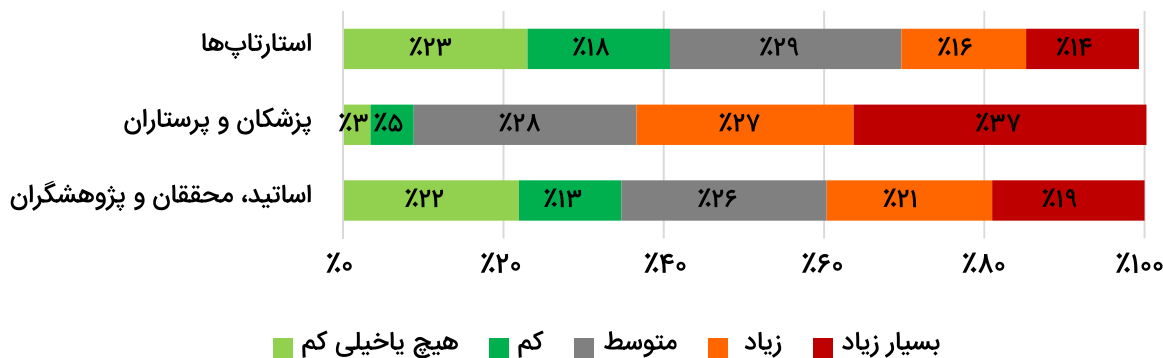
منبع: (رصدخانه مهاجرت ایران، بهار ۱۴۰۰)

- در همه گروه‌های مورد مطالعه تراز شاخص بیش از ۴۰ درصد بوده است
- تمایل به مهاجرت (به صورت بسیار زیاد) در میان گروه «پزشکان و پرستاران» و همچنین «اساتید و محققان» از سایر گروه‌ها بالاتر است و در تراز ۵۰ درصد است. این شاخص برای گروه‌های «دانشجویان و فعالان کسب‌وکارهای نو پا» و «استارت‌آپی‌ها» در تراز ۴۰ درصد است.
- تنها ۷ تا ۱۱ درصد افراد در همه گروه‌ها تمایل به مهاجرت خیلی کم دارند.
- در حدود ۴۰ تا ۵۳ درصد افراد در همه گروه‌ها تمایل بسیار زیادی به مهاجرت دارند.

● در حال حاضر میزان تمایل شما برای مهاجرت از ایران چقدر است؟



● قبل از دوره کرونا تمایل شما به مهاجرت از ایران چقدر بود؟



نمودار ۱- مقایسه میزان تمایل به مهاجرت در میان گروه‌های مختلف در دوران پیش و پس از شیوع کرونا

شرایط کلی کشور) بر «میل به مهاجرت» در دو دسته سؤال از گروه‌های هدف پرسش شده است. در گروه «دانشجویان» و همچنین گروه «پزشکان و پرستاران» تأثیر عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر میل به مهاجرت در قالب دو سؤال جداگانه موردسنجش قرار گرفته است. در گروه «اساتید، محققان و پژوهشگران» و همچنین گروه «فعالین استارت‌آپ‌ها» تأثیر عوامل درونی و بیرونی بر میل به مهاجرت در قالب یک سؤال طیفی (یک سر طیف «تحت تأثیر کامل عوامل درونی» و سر دیگر طیف «تحت تأثیر کامل عوامل بیرونی») مورد سنجش قرار گرفته است.

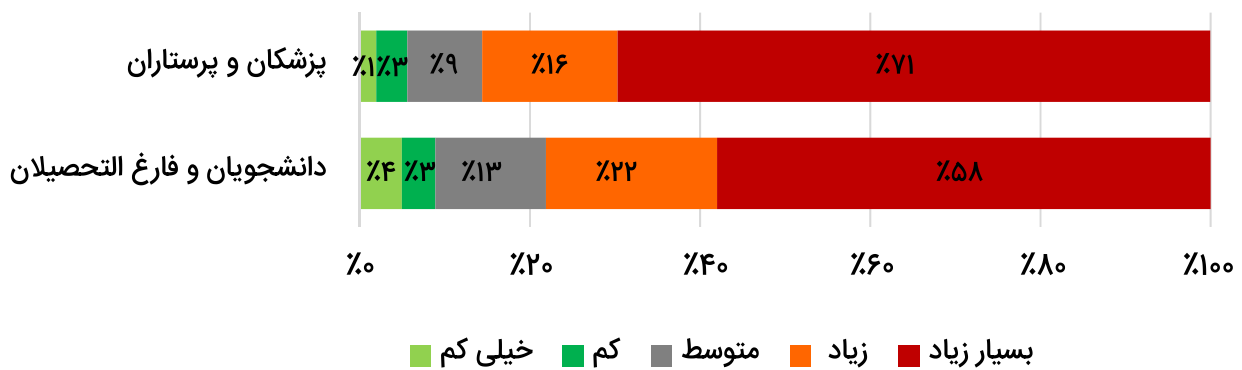
- ◆ بیش از ۷۰ درصد پزشکان و پرستاران و حدود ۶۰ درصد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان تأثیر عوامل بیرونی را تمایل به مهاجرت خود بسیار زیاد دانسته‌اند.
- ◆ این در حالی است که در حدود ۱۶ درصد از افراد این دو گروه اثر عوامل درونی را در تمایل به مهاجرت خود بسیار زیاد دانسته‌اند (نمودار ۳).

از آنجائی که شاخص «میل به مهاجرت» می‌تواند تحت تأثیر عوامل کلان و وضعیت کلی کشور بخصوص در دوران شیوع کرونا قرار گرفته باشد بر همین اساس در پیمایش‌های رصدخانه مهاجرت ایران میزان «میل به مهاجرت افراد» به صورت تفکیکی از سه گروه «فعالین استارت‌آپ‌ها»، «اساتید و محققان» و «پزشکان و پرستاران» قبل از شروع کرونا و پس‌از آن (در حال حاضر) از آن‌ها سؤال شده است. نتایج حاکی از آن است که:

- ◆ در هر سه گروه سؤال شونده، در دوران پیش و بعد از کرونا تغییرات محسوسی در شدت «میل به مهاجرت» مشاهده می‌شود.
- ◆ تغییرات عددی شاخص «میل به مهاجرت» پس از کرونا در میان دو گروه استارت‌آپ‌ها و اساتید بیش از ۲۰ درصد و در میان پزشکان و پرستاران ۸ درصد نسبت به پیش از آن افزایش داشته است.

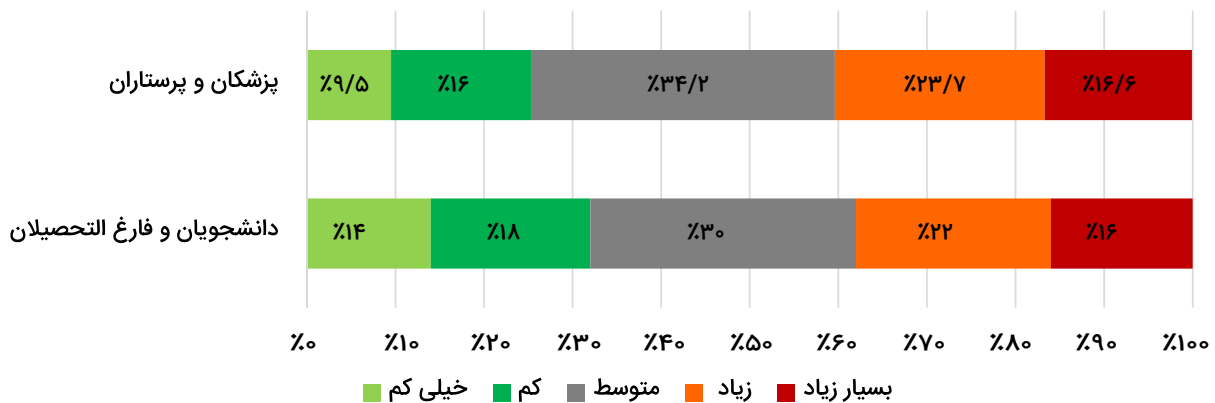
● **تأثیر عوامل (بیرونی درونی) بر شاخص «میل به مهاجرت»**  
تأثیر عوامل درونی (موارد شخصی و فردی) و عوامل بیرونی)

● **میل به مهاجرت در شما تا چه اندازه تحت تأثیر عوامل بیرونی (شرایط کلی کشور) است؟**



نمودار ۲- مقایسه تأثیر شرایط کلی کشور بر میل به مهاجرت در میان دانشجویان و پزشکان

● **میل به مهاجرت در شما تا چه اندازه تحت تأثیر عوامل درونی (مسائل فردی و شخصی) است؟**



نمودار ۳- مقایسه تأثیر عوامل درونی بر میل به مهاجرت در میان دانشجویان و پزشکان



و در میان «فعالین استارت‌آپ‌ها» ۵۵ درصد تمایل خود به مهاجرت را تحت تأثیر عوامل بیرونی (خیلی زیاد یا کاملاً بیرونی) دانسته‌اند.

◆ در میان افرادی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند:

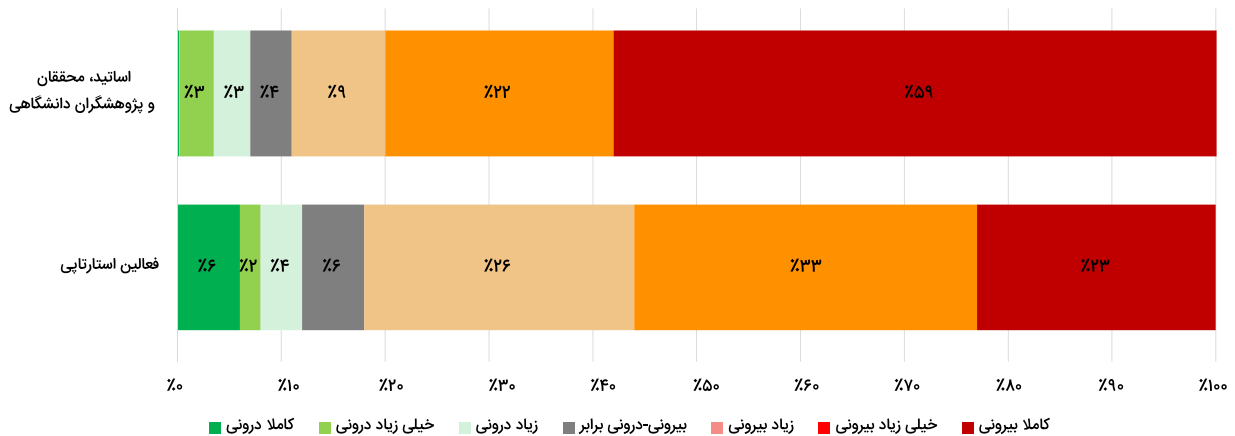
در این دسته از افراد، «فعالین استارت‌آپ‌ها» ۶۰ درصد و «اساتید، محققان و پژوهشگران» ۸۲ درصد تمایل خود به مهاجرت را تحت تأثیر عوامل بیرونی (خیلی زیاد یا کاملاً بیرونی) دانسته‌اند. در میان «فعالین استارت‌آپ‌ها» ۱۶ درصد و در میان «اساتید و محققان» ۲ درصد افراد تصمیم خود را «کاملاً یا خیلی زیاد متأثر» از عوامل درونی دانسته‌اند.

در سؤال تک طیفی دوطرفه که در خصوص تأثیر عوامل درونی و بیرونی از دو گروه «اساتید» و «فعالین استارت‌آپی» پرسیده شده است. نسبت عوامل بیرونی به درونی به خوبی قابل مقایسه است. لازم به ذکر این سؤال از دو گروه هدف در میان افرادی که تصمیم قطعی به مهاجرت گرفته‌اند و افرادی که هنوز تصمیم نگرفته‌اند به صورت جداگانه پرسیده شده است.

◆ در گروهی از افراد که هنوز تصمیم قطعی به مهاجرت نگرفته‌اند:

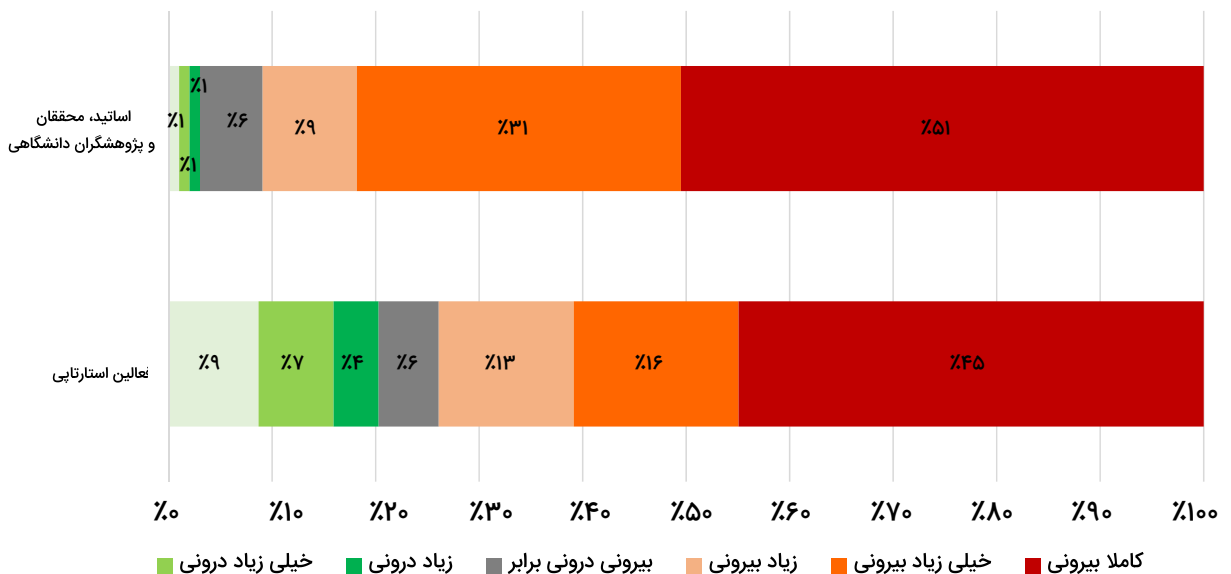
در این دسته از افراد، «اساتید، محققان و پژوهشگران» ۸۱ درصد

● گرایش خود به مهاجرت را تا چه حد متأثر از انگیزه‌های شخصی (درونی) و تا چه حد ناشی از تحمیل شرایط بیرونی می‌بینید؟



نمودار ۴- تأثیر عوامل بیرونی و درونی بر گرایش به مهاجرت در میان فعالین استارت‌آپ‌ها و اساتید و محققان

● تصمیم خود برای مهاجرت را تا چه حد مربوط به انگیزه‌های شخصی (درونی) و تا چه حد ناشی از تحمیل شرایط بیرونی می‌دانید؟



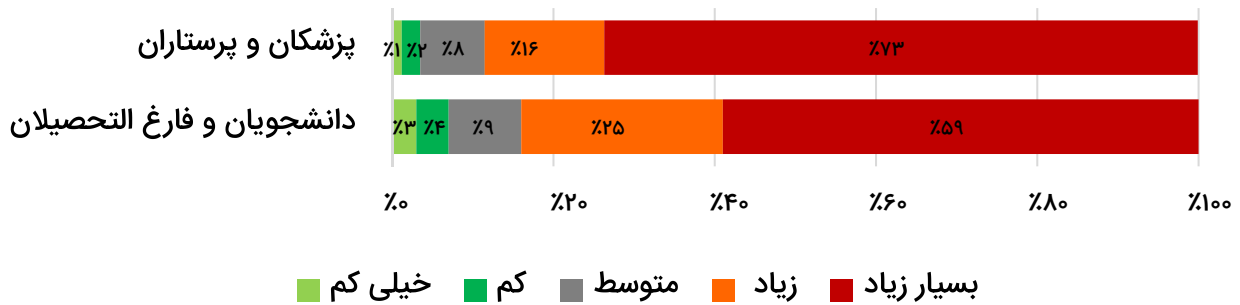
نمودار ۵- تأثیر عوامل بیرونی و درونی بر تصمیم به مهاجرت در میان فعالین استارت‌آپ‌ها و اساتید و محققان

● تأثیر تحولات اقتصادی سال‌های اخیر بر شاخص «میل به مهاجرت»

مهاجرت خود بیشتر دانسته‌اند.   
 ♦ ۷۳ درصد پزشکان و پرستاران، و ۵۹ درصد دانشجویان اثرات تورم را بر تمایل به مهاجرت خود بسیار زیاد دانسته‌اند.   
 ♦ درحالی‌که ۶۳ درصد پزشکان پرستاران و ۵۱ درصد دانشجویان اثرات تحریم را بر تمایل به مهاجرت خود را خیلی زیاد ارزیابی نموده‌اند.

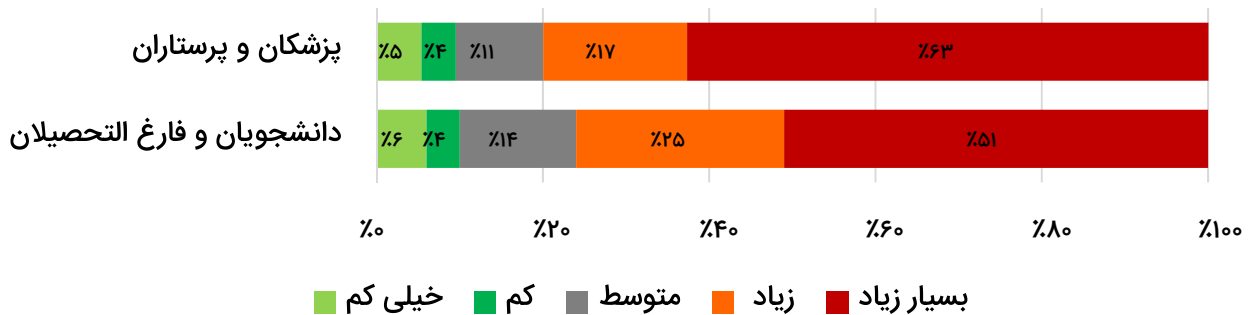
در دو گروه «پزشکان و پرستاران» و «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» اثر تحولات اقتصادی ناشی از تحریم و تورم بر روی شاخص میل به مهاجرت هر یک به صورت جداگانه از افراد پرسیده شده است.   
 ♦ در هر دو گروه اثرات اقتصادی ناشی از تورم را بر تمایل به

● اثرات اقتصادی ناشی از تورم چه میزان بر میل به مهاجرت شما تأثیر داشته است



نمودار ۶- مقایسه میزان تاثیر تورم بر میل به مهاجرت در میان گروه‌های مختلف

● اثرات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها به چه میزان بر میل به مهاجرت شما تأثیر داشته است؟

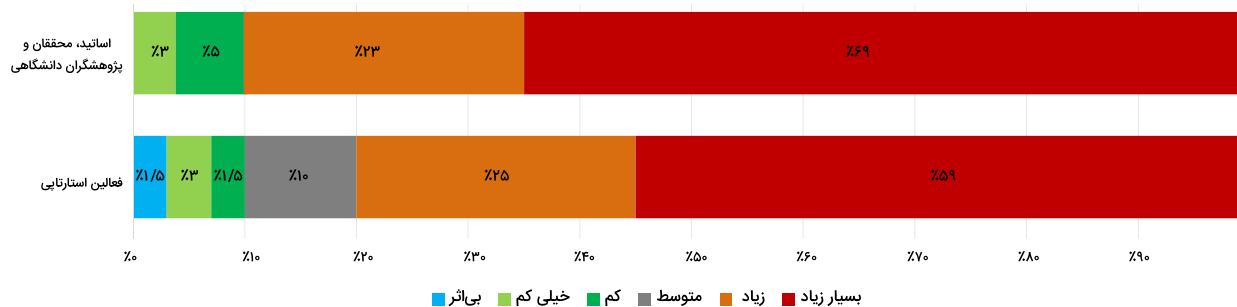


نمودار ۷- مقایسه میزان تاثیرگذاری تحریم‌ها بر میل به مهاجرت گروه‌های مختلف

تحولات اقتصادی بر تصمیم به مهاجرت خود را بسیار زیاد دانسته‌اند.   
 ♦ تنها ۳ درصد از اساتید و محققان و ۴ درصد از فعالین استارت‌آپ‌ها اثر تحولات اقتصادی در تصمیم خود برای مهاجرت را خیلی کم یا بی‌اثر دانسته‌اند.

در دو گروه «اساتید و محققان»، و «فعالین استارت‌آپ‌ها»، اثر تحولات اقتصادی یک سال اخیر بر افرادی که تصمیم به مهاجرت گرفته‌اند، پرسیده شده است.   
 ♦ ۶۹ درصد اساتید و محققان، و ۵۹ درصد فعالین استارت‌آپ‌ها اثر

● تحولات اقتصادی یک سال اخیر چه میزان بر «تصمیم به مهاجرت» شما مؤثر بوده است؟



نمودار ۸- اثر تحولات اقتصادی یک سال اخیر بر تصمیم به مهاجرت اساتید و فعالین استارت‌آپ‌ها

● عوامل اصلی مؤثر بر «میل به مهاجرت» در گروه‌های مختلف

تمایل به مهاجرت بوده است.   
 ♦ شیوه حکمرانی و مملکت‌داری از جمله عوامل مهم ( جایگاه دوم یا سوم) اثرگذار بر روی تمایل به مهاجرت در میان سه گروه «دانشجویان»، «پزشکان و پرستاران»، و «فعالین استارت‌آپ‌ها» بوده است.

در جدول ۶ عوامل اصلی (۵ عامل با بیشترین فراوانی) مؤثر بر تمایل افراد به مهاجرت در گروه‌های مختلف مورد بررسی آورده شده است.   
 ♦ بی‌ثباتی اقتصادی در غالب گروه‌ها از جمله عامل اصلی مؤثر بر

جدول ۶- مقایسه پنج عامل اصلی میل به مهاجرت در میان گروه‌های مختلف

گروه	پنج عامل اصلی میل به مهاجرت (به ترتیب اهمیت)
دانشجویان و فارغ‌التحصیلان	۱- بی‌ثباتی اقتصادی کشور
	۲- شیوه حکمرانی و مملکت‌داری
	۳- ناامیدی نسبت به آینده
	۴- امید به زندگی بهتر در خارج از کشور
	۵- وضعیت آزادی‌های فردی و اجتماعی
پزشکان و پرستاران	۱- بی‌ثباتی اقتصادی- اجتماعی
	۲- کیفیت زندگی بهتر در خارج از کشور
	۳- شیوه حکمرانی و مملکت‌داری
	۴- کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای بین‌المللی
	۵- درآمد پایین
فعالین استارت‌آپ‌ها	۱- ناامیدی از اصلاح امور کشور
	۲- آینده مبهم وعدم امکان برنامه‌ریزی بلندمدت (بی‌ثباتی)
	۳- شیوه حکمرانی و مملکت‌داری
	۴- تأمین وضعیت رفاهی و معیشتی مناسب
	۵- امکان شاد زندگی کردن
اساتید، محققان و پژوهشگران	۱- بی‌ثباتی اقتصادی
	۲- عدم شایسته‌سالاری
	۳- سطح درآمد و تناسب آن با هزینه‌ها
	۴- امکان شاد زندگی کردن
	۵- سلامت اخلاقی جامعه

در پیمایش‌های انجام‌شده توسط رصدخانه مهاجرت ایران در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، شاخص «تصمیم به مهاجرت» از طریق پرسش مستقیم از افراد در مورد تصمیم آن‌ها در مورد مهاجرت سنجیده شده است. جدول و نمودار زیر نتایج کلی مربوط به وضعیت شاخص «تصمیم به مهاجرت» در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در سال ۱۴۰۰ را نمایش می‌دهند.

● وضعیت شاخص کلیدی «تصمیم به مهاجرت» در داخل کشور ایران

این شاخص مبین حالت و وضعیت افرادی است که تصمیم جدی به مهاجرت دارند و برای مهاجرت از کشور برنامه‌ریزی و اقدام عملی کرده‌اند. این شاخص نیز همانند شاخص میل به مهاجرت ممکن است به مهاجرت واقعی منجر نشود.

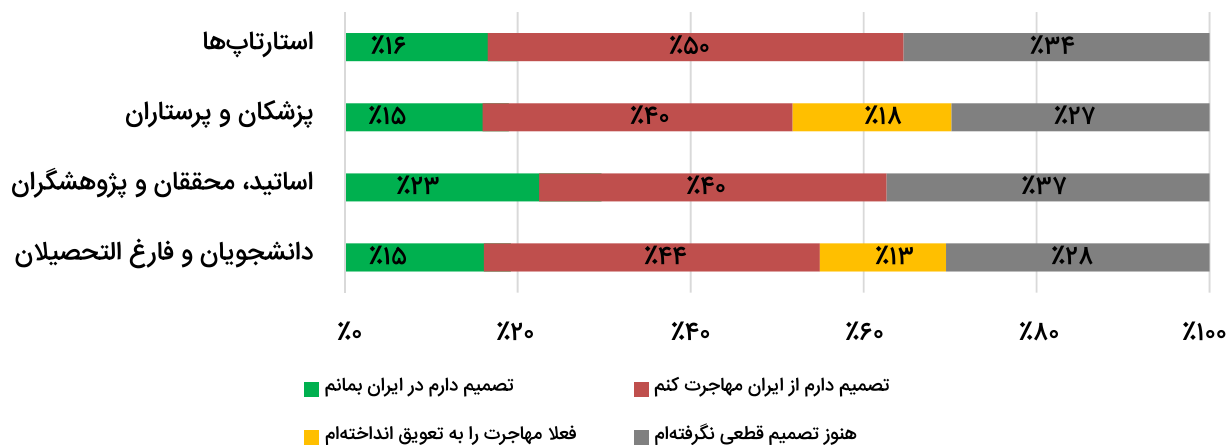
Decision to Migrate - ۱

● تصمیم شما در خصوص مهاجرت از ایران یا ماندن در کشور چیست؟

جدول ۷- مقایسه شاخص تصمیم به مهاجرت در میان گروه‌های مختلف اجتماعی در سال ۱۴۰۰

گروه اجتماعی	اندازه نمونه کلی	تصمیم به مهاجرت (درصد)		
		ماندن در ایران	تعویق مهاجرت	مردد
دانشجویان و فارغ‌التحصیلان	۲۰۶۵	٪۱۵	٪۱۳	٪۲۸
پزشکان و پرستاران	۳۳۰	٪۱۵	٪۱۸	٪۲۷
اساتید، محققان و پژوهشگران	۲۴۶	٪۲۳	-	٪۳۷
استارت‌آپ‌ها	۱۳۵	٪۱۶	-	٪۳۴

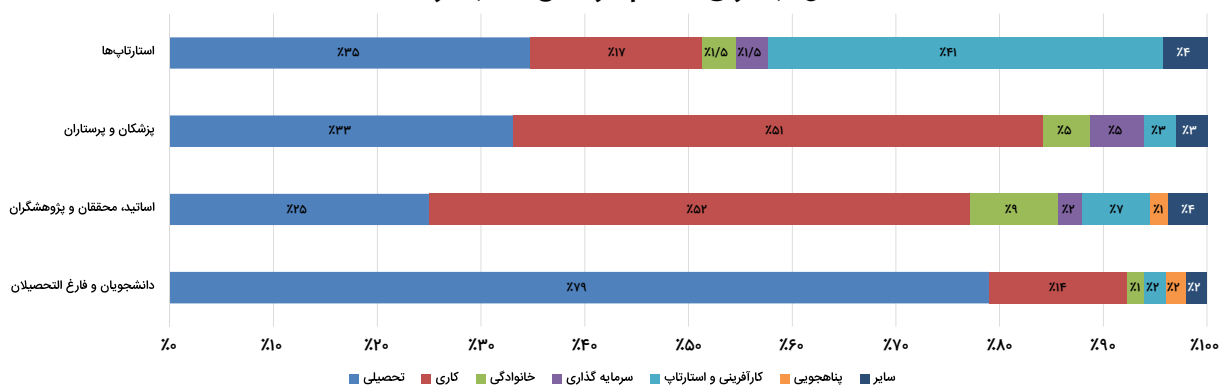




نمودار ۹- مقایسه وضعیت شاخص «تصمیم به مهاجرت» در میان گروه‌های مختلف اجتماعی

♦ «تصمیم به مهاجرت» در میان همه گروه‌ها بین ۴۰ تا ۵۰ درصد بوده است. فعالین استارتاپ‌ها بیشترین مقدار در شاخص تصمیم به مهاجرت (۵۰ درصد) را در میان گروه‌های بررسی شده داشته‌اند. ♦ در میان ۴ گروه مورد مطالعه ۱۵ تا ۲۳ درصد افراد تصمیم به ماندن در کشور دارند، و ۲۷ تا ۳۷ درصد افراد هنوز تصمیم قطعی خود را نگرفته‌اند.

### • کانال مهاجرتی تصمیم‌گیرندگان به مهاجرت



نمودار ۱۰- مقایسه اولویت کانال‌های مهاجرت از کشور در میان گروه‌های مختلف اجتماعی

«پژشکان و پرستاران» کانال مهاجرت کاری و در میان فعالین استارتاپ‌ها «کانال کارآفرینی و استارتاپ ویزا از جمله مهم‌ترین کانال‌های مهاجرتی مورد نظر این گروه‌ها بوده است.

### • از چه کانالی برای مهاجرت استفاده خواهید کرد؟

برای گروه «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» کانال مهاجرت تحصیلی، برای گروه‌های «اساتید و محققان» و همچنین گروه



● عوامل اصلی تصمیم به عدم مهاجرت افراد در گروه‌های مختلف

جدول ۸- مقایسه پنج دلیل اصلی برای ماندن در کشور در میان گروه‌های مختلف

گروه	۵ دلیل اصلی برای ماندن در کشور (به ترتیب اهمیت) گروه
دانشجویان و فارغ‌التحصیلان	۱- علاقه به تلاش برای اصلاح و پیشرفت ایران
	۲- بودن در کنار خانواده
	۳- احساس مفید بودن در داخل کشور
	۴- عرق به وطن
	۵- مسائل مذهبی
اساتید، محققان و پژوهشگران	۱- علاقه به تلاش برای اصلاح و پیشرفت ایران
	۲- علاقه به وطن و سرزمین مادری
	۳- علاقه به جایگاه شغلی فعلی در ایران
	۴- غم غربت و دوری از خانواده
	۵- دلیلی برای مهاجرت نمی‌بینم.
پزشکان و پرستاران	۱- بودن در کنار خانواده
	۲- علاقه به تلاش برای اصلاح و پیشرفت ایران
	۳- اضطراب و مشکلات ناشی از شروع مجدد زندگی حرفه‌ای در خارج از کشور
	۴- احساس مفید بودن در داخل کشور
	۵- عرق به وطن
فعالین استارت‌آپ‌ها	۱- علاقه به تلاش برای اصلاح و پیشرفت ایران
	۲- دلیلی برای مهاجرت نمی‌بینم
	۳- علاقه به وطن و سرزمین مادری
	۴- داشتن کسب و کار در ایران
	۵- ریسک مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده در خارج

◆ علاقه به تلاش برای اصلاح و پیشرفت ایران در همه گروه‌ها عامل اول یا دوم «تصمیم به ماندن و عدم مهاجرت افراد» در میان گروه‌های مختلف اجتماعی بوده است.

◆ «بودن در کنار خانواده» در گروه پزشکان و پرستاران عامل اول ماندن و عدم مهاجرت از کشور بوده است.

◆ «عرق به وطن و علاقه به سرزمین مادری» در همه گروه‌ها جزو ۵ عامل اصلی ماندن در کشور بوده است.

● موانع اصلی مهاجرت در گروه‌های مختلف

در جدول زیر پنج مانع اصلی مهاجرت در میان افرادی که تمایل به مهاجرت داشته‌اند در گروه‌های مختلف اجتماعی بر اساس پیمایش‌های انجام شده، نشان داده شده است.

جدول ۹- مقایسه ۵ مانع اصلی مهاجرت از کشور در میان گروه‌های مختلف

گروه	پنج مانع اصلی مهاجرت از کشور (به ترتیب اهمیت) گروه‌های اجتماعی
دانشجویان و فارغ‌التحصیلان	۱- هزینه‌های بالای مهاجرت و عدم توانایی مالی
	۲- غم غربت و دوری از خانواده و آشنایان
	۳- سختی فراهم کردن مقدمات مهاجرت
	۴- خدمت وظیفه
	۵- شرایط ناشی از شیوع ویروس کرونا در ایران و جهان
پزشکان و پرستاران	۱- هزینه‌های بالای مهاجرت و عدم توانایی مالی
	۲- غم غربت و دوری از خانواده و آشنایان
	۳- سختی فراهم کردن مقدمات مهاجرت
	۴- نگرانی از یافتن شغل مناسب در خارج از کشور
	۵- تعهد به خدمت اجباری
فعالین استارت‌آپ‌ها	۱- ریسک مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده در خارج
	۲- هزینه‌های بالای مهاجرت
	۳- سختی تدارک مقدمات مهاجرت مثل زبان و اخذ پذیرش
	۴- محدودیت خروج از کشور مانند سربازی و ..
	۵- عدم موافقت خانواده
اساتید، محققان و پژوهشگران	۱- وابستگی‌های خانوادگی
	۲- ریسک مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده در خارج
	۳- هزینه‌های بالای مهاجرت
	۴- سختی تدارک مقدمات مهاجرت مثل مدرک زبان و اخذ پذیرش و ویزا
	۵- عدم یافتن فرصت شغلی مناسب در کشور مورد نظر

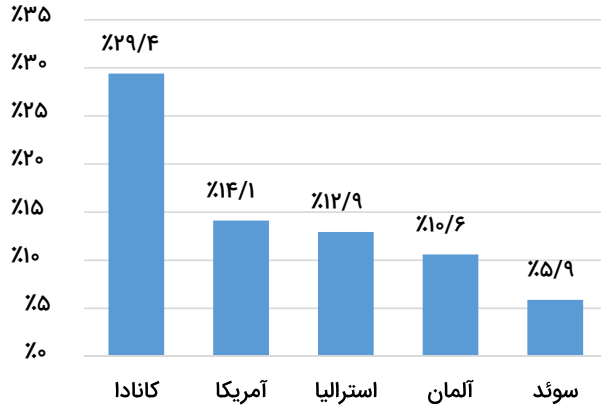
◆ در همه گروه‌ها «هزینه‌های بالای مهاجرت»، «سختی فراهم کردن مقدمات مهاجرت مانند اخذ ویزا، مدرک زبان»، و «مسائل و وابستگی‌های خانوادگی» جزء پنج مانع اصلی مهاجرت از کشور بوده است.

### کشورهای مطلوب برای مهاجرت

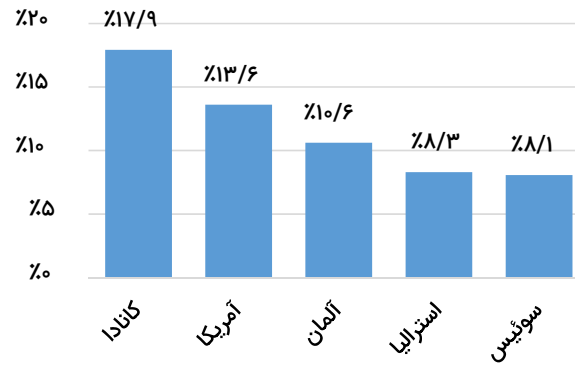
در نمودار زیر ۵ کشور مطلوب برای مهاجرت در میان گروه‌های

مختلف اجتماعی بر اساس پیمایش‌های صورت گرفته نمایش داده شده است.

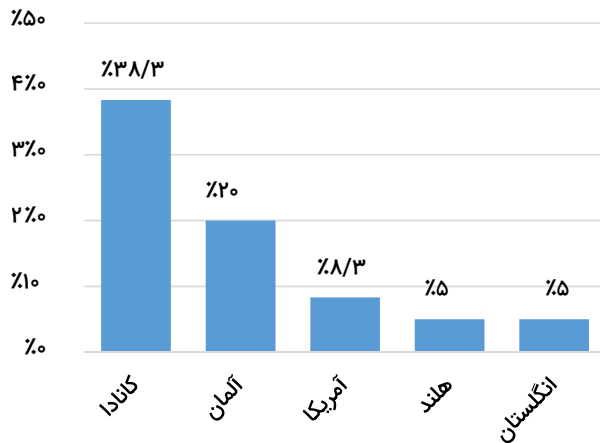
#### اساتید، محققان و پژوهشگران



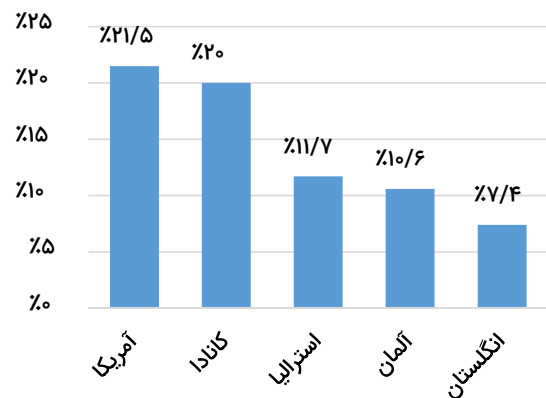
#### دانشجویان و فارغ‌التحصیلان



#### فعالین استارت‌آپ‌ها



#### پزشکان و پرستاران



نمودار ۱۱- کشورهای مطلوب برای مهاجرت در میان گروه‌های مختلف مورد مطالعه

تقریباً یک قاعده‌ی کلی وجود دارد و آن هم این است که اغلب مهاجران در ابتدا قصد مهاجرت دائمی ندارند و خواهان بازگشت هستند، اما اکثر آن‌ها پس از مهاجرت در مقصد مهاجرتی خود باقی می‌مانند (Carling & Pettersen, ۲۰۱۴).

شاخص «میل به بازگشت به کشور» پس از مهاجرت از سه گروه «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان»، «پزشکان و پرستاران» و «فعالین استارت‌آپ‌ها» به صورت سؤال مستقیم پرسش شده است. نتایج پیمایش‌های صورت گرفته در ارتباط با این شاخص در میان گروه‌های فوق‌الذکر در جدول زیر آمده است.

◆ لازم به ذکر است اعداد در جدول آمده صرفاً مربوط به افرادی که است که اعلام نموده‌اند پس از مهاجرت، قطعاً به ایران بازخواهند گشت.

◆ بیشترین میل (قطعی) بازگشت به کشور پس از مهاجرت در میان فعالین استارت‌آپی و در حدود ۱۲ درصد بوده است.

◆ شاخص میل (قطعی) بازگشت به کشور پس از مهاجرت در

◆ کشورهای کانادا و آمریکا در میان «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان»، «اساتید و محققان» و همچنین «پزشکان و پرستاران» و کشورهای کانادا و آلمان در میان «فعالین استارت‌آپ‌ها» به‌عنوان دو کشور اصلی مطلوب برای مهاجرت انتخاب شده‌اند.

◆ نکته حائز اهمیت این است که در فهرست کشورهای مطلوب برای مهاجرت در همه گروه‌های مورد مطالعه تنها اسامی ۷ کشور کانادا، آمریکا، استرالیا، آلمان، سوئد، سوئیس هلند و انگلستان مشاهده می‌شود.

### وضعیت شاخص کلیدی «میل به بازگشت» در کشور ایران

شاخص میل به بازگشت، میل به بازگشت را در میان مهاجرانی می‌سنجد که مایل هستند در صورت وجود فرصت، به کشور مبدأ خود بازگردند. علیرغم اینکه میل به بازگشت مفهومی ارزشمند است، اما در عین حال چالش‌برانگیز است. چراکه در مورد مهاجرت بازگشتی



مختلف شرکت‌کننده در پیمایش متفاوت و درعین حال حائز توجه است.

♦ نرخ مرددین به بازگشت در میان «پزشکان و پرستاران» ۶۶ درصد، در میان «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» ۵۷ درصد و در میان «فعالین استارت‌آپی» در حدود ۳۳ درصد است.

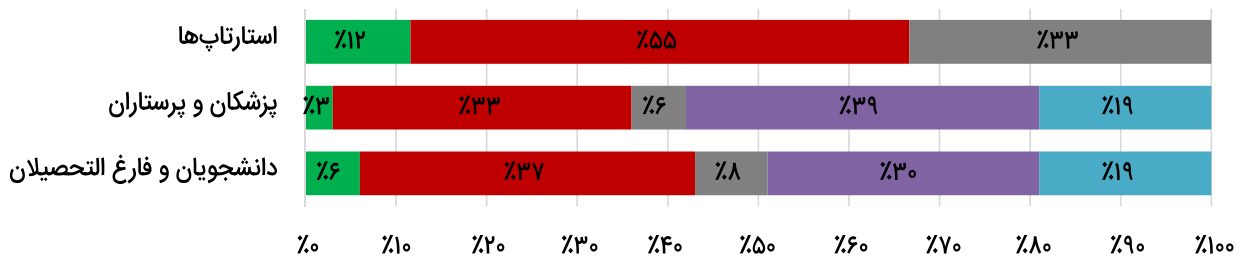
میان «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» ۶ درصد و در میان «پزشکان و پرستاران» ۳ درصد هست.

♦ نرخ مرددین به بازگشت (افرادی که شرایط بازگشت خود را وابسته به شرایط آتی کشور و شرایط فردی منوط دانسته‌اند و یا اینکه در این زمینه هنوز ذهنیت روشنی ندارند) در میان گروه‌های

جدول ۱۹- مقایسه شاخص میل به بازگشت پس از مهاجرت در میان گروه‌های مختلف در سال ۱۴۰۰

تصمیم به بازگشت (درصد)					اندازه نمونه کلی	گروه اجتماعی
قطعا بر نمی‌گردم	وابسته به شرایط آتی کشور	وابسته به شرایط آتی خودم	نمی‌دانم	قطعا بر نمی‌گردم		
۳۷٪	۱۹٪	۸٪	۳۶٪	۶٪	۲۰۶۵	دانشجویان و فارغ‌التحصیلان
۲۳٪	۳۹٪	۱۹٪	۲۳٪	۳٪	۳۳۰	پزشکان و پرستاران
۵۵٪	-	-	۱۲٪	۳۳٪	۱۳۵	استارت‌آپی‌ها

### ● نظر شما در مورد بازگشت به کشور پس از مهاجرت چیست؟



بستگی به شرایط آتی من در کشور مقصد دارد ■ بستگی به شرایط آتی ایران دارد ■ نمی‌دانم ■ قطعا بر نمی‌گردم ■ قطعا بر می‌گردم

نمودار ۱۲- مقایسه نظر گروه‌های مختلف در مورد بازگشت به کشور پس از مهاجرت

### ● امکان ایفای نقش در فرآیند توسعه و پیشرفت ایران

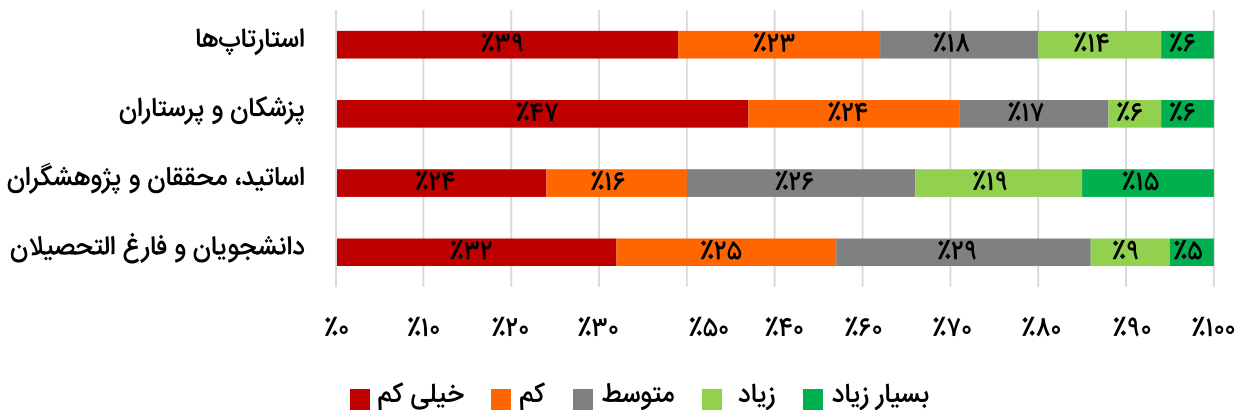
در سؤالی که از گروه‌های مختلف اجتماعی در خصوص ایفای نقش در توسعه و پیشرفت ایران پرسیده شده است:

■ با توجه به سطح توانمندی‌های خود، فکر می‌کنید شرایط کلی کشور تا چه اندازه برای ایفای نقش توسط شما در جهت توسعه و پیشرفت ایران مساعد است؟

### ● «چشم‌انداز و جاذبه سرزمینی» در میان ایرانیان

رصدخانه مهاجرت ایران تلاش نموده است تا با طرح سؤالاتی در چهار محور زیر در پیمایش‌های خود در میان گروه‌های مختلف اجتماعی وضعیت «چشم‌انداز و جاذبه سرزمینی» کشور ایران را تبیین نماید:

- ♦ فراهم بودن شرایط ایفای نقش در فرآیند توسعه و پیشرفت ایران
- ♦ مفید و مؤثر بودن در ایران یا خارج
- ♦ احساس تعلق ایرانیان نسبت به تابعیت خود
- ♦ تصور نسبت به آینده کشور

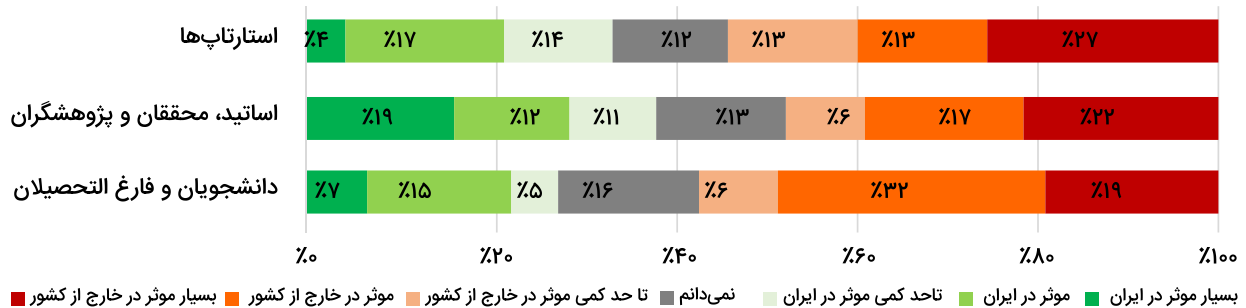


نمودار ۱۳- مقایسه نظر گروه‌های مختلف در مورد مساعد بودن شرایط کشور برای ایفای نقش در جهت توسعه و پیشرفت ایران

### احساس مفید و مؤثر بودن در داخل ایران یا خارج از کشور

در سؤالی که از گروه‌های مختلف اجتماعی در خصوص "احساس مفید و مؤثر بودن در ایران یا خارج از کشور" پرسیده شده است:

#### فکر می‌کنید در خارج از کشور بیشتر می‌توانید مفید و مؤثر باشید یا در ایران؟



نمودار ۱۴- مقایسه نظر گروه‌های مختلف در مورد مؤثر بودن در داخل یا خارج کشور

پس از آن ۲۲ درصد در میان اساتید، محققان و پژوهشگران بوده است.

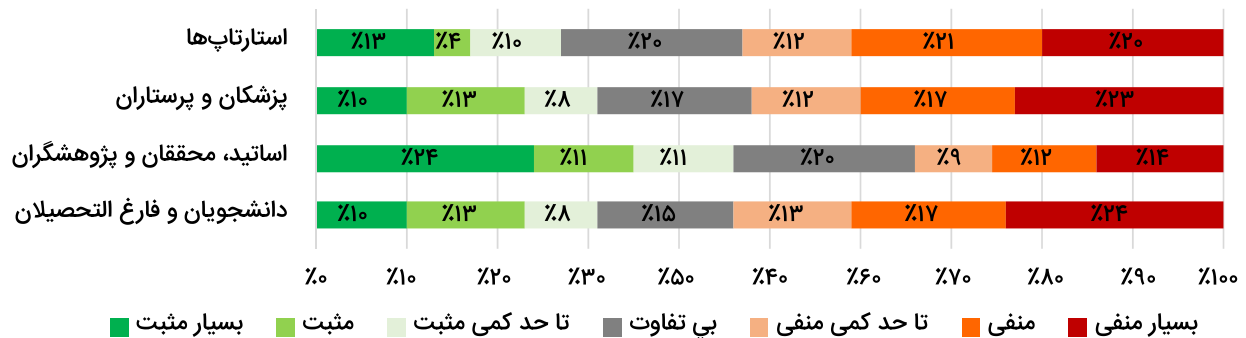
#### احساس تعلق ایرانیان نسبت به تابعیت خود

در پیمایش‌های مهاجرتی رصدخانه مهاجرت ایران از گروه‌های مختلف اجتماعی پرسیده شده است:

♦ بیشترین میزان احساس مفید و مؤثر بودن در ایران در قیاس با خارج (بسیار مؤثر در ایران) مربوط به «اساتید و محققان» با ۱۹ درصد و پس از آن «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» با ۷ درصد بوده است.

♦ بیشترین میزان احساس مفید و مؤثر بودن در خارج در قیاس با ایران (بسیار مؤثر در خارج) مربوط به استارت‌آپی‌ها با ۲۷ درصد و

#### از داشتن تابعیت ایران چه حسی دارید؟



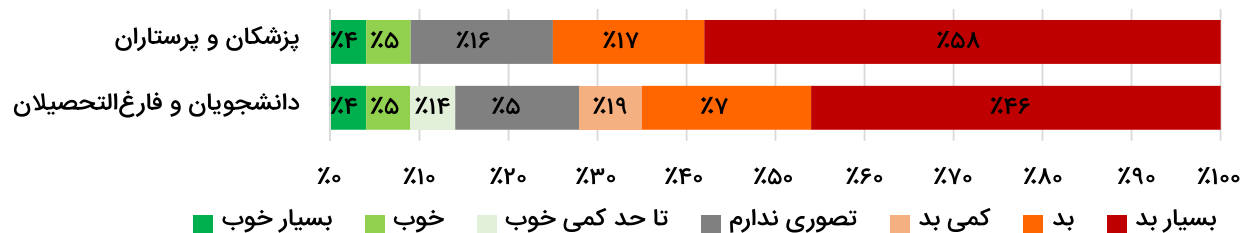
نمودار ۱۵- وضعیت احساس تعلق افراد نسبت به تابعیت ایرانی در گروه‌های مختلف اجتماعی

ایرانی در میان «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» و کمترین احساس بسیار منفی به داشتن تابعیت ایرانی مرتبط به «اساتید، محققان و پژوهشگران» بوده است.

♦ بیشترین احساس "بسیار مثبت" نسبت به داشتن تابعیت ایرانی در میان «اساتید محققان و پژوهشگران» و کمترین احساس بسیار مثبت در میان «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» بوده است.

♦ بیشترین احساس "بسیار منفی" نسبت به داشتن تابعیت

#### تصور شما از آینده کشور چیست؟



نمودار ۱۶- مقایسه تصور از آینده کشور در میان گروه‌های مختلف

♦ تنها ۴ درصد «پزشکان و پرستاران» و «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» "بسیار خوبی" از آینده کشور داشته‌اند.

♦ ۵۸ درصد «پزشکان و پرستاران» و ۴۶ درصد «دانشجویان و فارغ‌التحصیلان» "تصور بسیار بدی" از آینده کشور داشته‌اند.

# تحلیلی بر افزایش میل به مهاجرت در کشور

تبعات منفی افزایش میل به مهاجرت در ایران: از شکل‌گیری بازار برای مهاجرت تا "مهاجرت به درون"



محمدامین مولا

پژوهشگر رصدخانه مهاجرت ایران



به بهبود وضعیت کلی کشور و اصلاح امور زمینه‌های مهاجرت و تشدید میل به مهاجرت را در میان ارزشمندترین نیروهای انسانی یک کشور ایجاد می‌کند. کشور ایران طی دهه‌های گذشته به دلیل دست‌وپنجه نرم کردن با عدیده‌ای از مشکلات داخلی و بین‌المللی با موضوع مهاجرت سرمایه‌های انسانی خود و تشدید میل به مهاجرت خصوصاً در میان افراد تحصیل‌کرده و با مهارت بالا، روبرو بوده است. مسئله‌ای که عدم توجه به تبعات منفی آن می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری را متوجه کشور سازد. در این نوشته، ضمن بررسی آمار و ارقام جهانی شاخص میل به مهاجرت، سعی می‌کنیم که تصویری دقیق از این شاخص در سطح دنیا و کشور ایران ارائه دهیم و در نهایت به برخی از تبعات افزایش این شاخص در میان اقشار مختلف جامعه ایران اشاره کنیم.

طی دهه‌های گذشته جریان مهاجرت‌های بین‌المللی با شدت بیشتری ادامه یافته است. ادغام اجتماعی و اقتصادی بازارهای جهانی و بین‌المللی شدن اقتصاد از جمله مهم‌ترین دلایلی هستند که فرایند جابه‌جایی و مهاجرت‌های بین‌المللی را تسهیل کرده است. اگرچه مقوله مهاجرت در بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان را می‌توان به عواملی همچون جهانی‌شدن اقتصاد نسبت و آن را به‌عنوان جزئی طبیعی از نظام جهانی قلمداد کرد اما پدیده مهاجرت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته را باید از دریچه‌ای دیگر مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. در واقع ریشه مهاجرت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته را باید در "بحران ناکارآمدی" جست‌وجو کرد؛ بحرانی که با ایجاد ابهام نسبت به آینده، از بین بردن روزنه‌های امید و ناامید شدن نسبت



میل به مهاجرت (درصد)		نام کشور
۲۰۱۸	۲۰۲۰	
۵۵	۷۴	بلژیک
۸۰	۷۲	ساحل‌عاج
۸۸	۷۰	کامرون
۹۲	۶۸	مصر
۷۸	۶۸	آلبانی
۷۷	۶۷	مکزیک
۷۵	۶۶	فیلیپین
۶۷	۶۵	قبرس
۵۷	۶۴	بلاروس
۶۱	۶۴	قزاقستان
۶۱	۶۲	ازبکستان
۵۸	۶۰	آنگولا
۷۱	۵۹	آفریقای جنوبی
۵۶	۵۵	استونی
۶۹	۵۵	فرانسه
۶۴	۵۵	نپال
۵۴	۵۴	ترکیه
۹۴	۵۳	عربستان سعودی
۵۰	۵۲	اتریش
۶۲	۵۱	صربستان
۶۸	۵۱	فنلاند
۸۰	۵۰	شیلی
۵۸	۴۸	پرتغال
۶۲	۴۸	انگلستان
۶۰	۴۷	ایرلند
۴۶	۴۷	روسیه
۵۱	۴۶	اندونزی
۶۶	۴۶	تایلند
۵۵	۴۵	آلمان
۷۰	۴۴	سنگاپور
۶۰	۴۴	سوئیس
۵۱	۴۰	آمریکا
۶۵	۴۰	مالزی
۴۸	۴۰	لهستان
۵۷	۳۸	هلند
۷۲	۳۸	بلغارستان
۵۰	۳۴	اسپانیا
۵۵	۳۳	رومانی
۳۵	۳۳	مجارستان
۴۳	۳۳	اسلوانی
۳۹	۲۹	لیتوانی
۵۵	۲۷	دانمارک
۲۸	۲۷	لتونی

منبع: (Boston Consulting Group, 2021)

"میل به مهاجرت" مفهومی است که قدمت چندانی در ادبیات دانشگاهی ندارد. بیشتر ادبیات شکل‌گرفته در رابطه با این مفهوم مربوط به نظرسنجی جهانی است که موسسه گالوپ آن را از سال ۲۰۰۹ اجرا کرده است. باید به این نکته توجه داشت که افزایش میل به مهاجرت در میان افراد به معنی افزایش نرخ مهاجرت واقعی نیست و از میان افرادی که میل به مهاجرت دارند تنها درصد معدودی مهاجرت می‌کنند. طبق نظرسنجی‌های گالوپ تمایل مردم برای مهاجرت دائم به کشوری دیگر بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ با افزایش همراه بوده است. طی این سال‌ها ۱۵ درصد از جمعیت بزرگ‌سالان جهان یا بیش از ۷۵۰ میلیون نفر اظهار داشته‌اند که اگر فرصت مهاجرت برای آن‌ها مهیا باشد، دوست دارند به کشور دیگری مهاجرت کنند. این میل از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ میلادی ۱۴ درصد و از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ میلادی ۱۳ درصد بوده است. طبق گزارش گالوپ در ۱۳ کشور، حداقل نیمی از جمعیت بالغ، مایل به مهاجرت به کشور دیگری هستند. همچنین مطالعه صورت گرفته توسط گروه مشاوران بوستون در سال ۲۰۲۱ نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد افراد مایل هستند که برای کار و زندگی به کشور دیگری مهاجرت کنند. اگرچه این رقم در مقایسه با سال ۲۰۱۶ و متأثر از سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی و ویروس کرونا با کاهش ۱۳ درصدی همراه بوده اما این ایده همچنان برای نیمی از مردم جهان جذاب به نظر می‌رسد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میل مردم خاورمیانه و شمال آفریقا برای مهاجرت نسبت به سال ۲۰۱۸ نه تنها با کاهش همراه نبوده بلکه افزایش یافته است و این اتفاق در مقایسه با مناطق دیگر جهان که میل به مهاجرت در آن‌ها تقریباً ثابت مانده است یک استثنا محسوب می‌شود. جدول زیر وضعیت میل به مهاجرت را در میان کشورهای مختلف جهان در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ نشان می‌دهد:

#### جدول ۱- مقایسه میل به مهاجرت در میان کشورهای مختلف جهان در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰

میل به مهاجرت (درصد)		نام کشور
۲۰۱۸	۲۰۲۰	
۹۷	۹۴	سودان
۹۵	۹۴	امارات متحده عربی
۹۷	۹۳	قطر
۹۱	۹۲	تونس
۷۵	۹۲	برزیل
۸۹	۹۲	نیجریه
۸۰	۹۰	یمن
۵۵	۹۰	ایتالیا
۹۲	۸۷	هند
۶۸	۸۶	سوئد
۸۰	۸۵	مراکش
۷۸	۸۳	پاکستان
۸۴	۸۳	الجزیره
۸۲	۸۱	لوکزامبورگ
۸۴	۸۰	بنین

و اخلاقی جامعه ایران» که سال ۱۳۹۵ به اجرا در آمده است، میل به مهاجرت ایرانیان حدود ۳۰ درصد گزارش شده است. این آمار در میان افراد تحصیل کرده و متخصص جامعه ایران نگران کننده تر است. پیمایش‌های صورت گرفته توسط رصدخانه مهاجرت ایران به منظور سنجش میل و تصمیم به مهاجرت در میان چهار گروه "دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی"، "فعالین کسب و کارهای کوچک و متوسط و استارت‌آپ‌ها"، "اساتید، پژوهشگران و محققان"، و "پزشکان و پرستاران" که در اسفند ۱۳۹۹ و بهار ۱۴۰۰ انجام شده است، نشان می‌دهد که میل به مهاجرت در میان گروه‌های ذکر شده با افزایش همراه بوده است. جدول زیر وضعیت میل به مهاجرت را در میان گروه‌های اجتماعی مختلف نشان می‌دهد:

### جدول ۲- مقایسه میل به مهاجرت در میان اقشار مختلف اجتماعی

میل به مهاجرت (درصد)					اندازه نمونه (تعداد مشارکت‌کنندگان)	گروه‌های اجتماعی
هیچ یا خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد		
۷٪	۷٪	۲۰٪	۲۶٪	۴۰٪	۲۰۶۵	دانشجویان و فارغ التحصیلان
۱۱٪	۱۳٪	۱۵٪	۲۶٪	۴۵٪	۳۳۰	پزشکان و پرستاران
۱۵٪	۴٪	۱۰٪	۱۸٪	۵۳٪	۲۴۶	اساتید، محققان و پژوهشگران
۱۰٪	۸٪	۱۹٪	۲۰٪	۴۳٪	۱۳۵	فعالان کسب و کارهای نو پا (استارت‌آپ‌ها)

منبع: (رصدخانه مهاجرت ایران، بهار ۱۴۰۰)

مهاجرت چهره‌های سرشناس کلیدواژه و موضوع مهاجرت به کلیدواژه و موضوع اصلی در میان کاربران توئیتر تبدیل شده است. دوم، افزایش میل به مهاجرت در کشور موجب شکل‌گیری یک "بازار مهاجرت" از کشور شده است؛ به طوری که طی چند سال گذشته شاهد افزایش قانونی و غیرقانونی مؤسسات یا مشاوران مهاجرتی هستیم. همچنین بررسی محتوای شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که گستره تولید محتوای مهاجرتی در شبکه‌های اجتماعی مشاغل و کسب و کارهای مختلفی را از جمله مؤسسات زبان، صرافی‌ها، مشاوران املاک و... را شامل می‌شود. استفاده از هشتگ‌های مهاجرتی در تبلیغات رسمی کسب و کارهای کاملاً غیر مرتبط با مهاجرت، دلیلی دیگر بر این واقعیت است که کلید واژه مهاجرت بیش از گذشته در جست و جوی اینترنتی مردم محبوب شده است. در واقع وجود تقاضا و شکل‌گیری بازار برای مهاجرت در کشور موجب ایجاد اکوسیستمی شده است که در این اکوسیستم مشاغل مختلفی زنجیره خروج از کشور را تکمیل می‌کنند. سوم، افزایش میل به مهاجرت در میان اقشار مختلف جامعه ایرانی می‌تواند مهاجرت را برای ذهنیت سوژه آرزومند ایرانی بدل به هدفی نماید که از هر طریقی باید ممکن شود. در واقع در نگاه "مهاجرت به هر قیمتی" فرد آرزومند و مشتاق به مهاجرت در جست‌وجوی تمام آمال و آرزوهایی است که معادل آن را در داخل کشور نمی‌یابد و گمان می‌کند که مهاجرت و خروج از کشور تنها مانع رسیدن او به آمال و آرزوهای خویش است. در نهایت افزایش شدید میل به مهاجرت که خود ناشی از تداوم بحران حکمرانی در کشور است موجب کاهش چشم‌انداز و جاذبه سرزمینی در میان ایرانیان شده است. این کاهش چشم‌انداز و جاذبه سرزمینی حتی اگر به مهاجرت فیزیکی افراد منجر نشود، می‌تواند منجر به "مهاجرت درونی" و بی‌رغبت شدن افراد و کاهش تمایل آن‌ها برای ایفای نقش سازنده در جهت رشد و توسعه کشور شود. اما راه حل چیست؟ آیا می‌توان بر تمایل به مهاجرت اثر گذاشت و آن را مهار کرد؟ «مهرداد عربستانی» معتقد است که مهاجرت انتخاب کسانی است که به لحاظ مکانی داخل قلمرو کشور هستند، ولی احساس می‌کنند که بهره‌ای از آن نمی‌برند. در اینجا سعی می‌کند با خروج از کشور و درجایی دیگر امیدها و آرزوهای خود را جست‌وجو کند. «بی‌شک اگر راه‌حلی برای مهار میل به مهاجرت در میان جامعه ایرانی وجود داشته باشد، باید معطوف به سیاست‌گذاری‌ها و اقداماتی باشد که نتیجه نهایی آن تغییری در میان ذهنیت ایرانیان باشد؛ گفتمانی ملی که ظرفیت بیشتری برای جذب و مشمول کردن بخش بیشتری از جمعیت کشور در نظام اقتصادی امید داشته باشد؛ نظامی که بتواند امید رسیدن به زندگی بهتر را برای جمعیت بیشتری از ایرانیان در داخل مرزهای ملی فراهم نماید.»

تمامی آمار ارائه شده در بالا نشان می‌دهد که به طور کلی شاخص میل به مهاجرت در سطح دنیا و بسته به سطح توسعه یافتگی کشورهای مختلف جهان بالاست و جمعیت زیادی از مردم جهان بنا به دلایل مختلف تمایل دارند که در کشوری خارج از کشور محل تولد خود زندگی کنند. پیرنگ شدن مسئله مهاجرت در پس زمینه ذهن ایرانیان و افزایش تمایل به مهاجرت خصوصاً در میان اقشار تحصیل کرده و نخبه جامعه ایران چند صباحی است که به طور جدی‌تری در فضای رسانه‌ای، آکادمیک و بدنه سیاست‌گذاری کشور دنبال می‌شود. شواهد میدانی و آماری از وضعیت میل به مهاجرت در میان جامعه ایرانی نیز نشان دهنده افزایش تفکر برانگیز این شاخص است. بر اساس پیمایش «وضعیت اجتماعی، فرهنگی

اگرچه بالا بودن عدد میل به مهاجرت لزوماً به ترک کشور منجر نمی‌شود اما باید این نکته را مدنظر قرارداد که افزایش میل به مهاجرت خصوصاً در میان جامعه تحصیل کرده و متخصص جامعه ایران، به دلیل اینکه این افراد توانایی و شرایط مناسب‌تری برای جابجایی و مهاجرت دارند، ممکن است با احتمال خیلی بیشتری به ترک وطن منجر گردد. بررسی عوامل مؤثر بر میل به مهاجرت نشان می‌دهد که بی‌ثباتی اقتصادی و شیوه حکمرانی و مملکت‌داری در غالب گروه‌ها از جمله عامل اصلی مؤثر بر تمایل به مهاجرت بوده است. همچنین در میان موانع مهاجرت از کشور نیز عوامل اقتصادی نقش چشمگیری دارند. در میان هر چهار گروه اجتماعی، تأثیر شرایط کلی کشور و وضعیت اقتصادی (از جمله تورم و تحریم) بر میل به مهاجرت به خوبی قابل مشاهده است، به طوری که پنج عامل مؤثر میل به مهاجرت در میان همه گروه‌ها به نوعی بر عوامل اقتصادی و وضعیت کلی کشور دلالت دارند. نکته حائز توجه این است که «شرایط اقتصادی» همچنان که به عنوان پیش‌ران مهاجرتی شناخته می‌شود، در عین حال می‌تواند به عنوان مانع مهاجرتی هم عمل می‌کند. در واقع «بالا رفتن هزینه‌های مهاجرت» و همچنین «عدم توانایی مالی افراد برای اقدام به مهاجرت» از جمله مهم‌ترین موانع و یا تعویق مهاجرت از کشور در میان افراد بخصوص دانشجویان و فارغ التحصیلان شناسایی شده است، بنابراین در صورت بهبود شرایط کلی کشور به خصوص «وضعیت اقتصادی»، ممکن است این موضوع اثرات متضادی را بر مهاجرت در پی داشته باشد. از یک سو، افرادی که هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌اند و یا مهاجرت خود را به تعویق انداخته‌اند، به واسطه بهبود وضعیت اقتصادی ممکن است از تصمیم مهاجرتی خود منصرف شوند. از دیگر سو، به واسطه کاهش هزینه‌های مهاجرتی، به جمع افرادی که برای مهاجرت از کشور اقدام عملی و برنامه‌ریزی کرده‌اند، اضافه شوند.

به طور کلی بحران ناکارآمدی در کشور و وجود گفتمانی که هر قرائتی غیر از قرائت رسمی را به رسمیت نمی‌شناسد و راه حل پیش روی اقشار مختلف مردم با اندیشه‌ی متفاوت از حاکمیت را مهاجرت می‌داند، موجب افزایش خزنده میل به مهاجرت و افزایش تمنای رفتن از کشور شده است. افزایش خزنده و خاموش میل به مهاجرت در کشور را می‌توان در ابعاد مختلفی مورد بررسی قرار داد. اول اینکه، با ظهور شوک‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شاهد برجسته شدن بیش از پیش پدیده مهاجرت در میان ذهنیت ایرانیان هستیم. بررسی شبکه اجتماعی توئیتر نشان می‌دهد در هر یک از اتفاقات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ورزشی از قبیل طرح صیانت از فضای مجازی، المپیک و تقابل ورزشکاران ایرانی به عنوان رقیب در برابر یکدیگر، ویروس کرونا، تأخیر در واکنش‌های سیاسی، انتخابات ریاست جمهوری و





# سیاست گذاری مهاجرت



# سندروم اجتماعی مهاجرت و سردرگمی سیاستی کشور

(مروری بر ریشه‌ها و پیامدهای شکل‌گیری حلقه‌های بازخوردی زنجیره مهاجرت در جامعه امروز ایران)



بهرام صلواتی

پژوهشگر ارشد رصدخانه مهاجرت ایران



لذا می‌توان نشانه‌های جدی از سرمایه‌گذاری‌های مهاجرتی فردی و خانوادگی در جامعه امروز ایران مشاهده کرد که اثرات مخرب و غیر سازنده کوتاه‌مدت و بلندمدتی در پی دارد.

#### ● حلقه سوم: نیروهای کوشی جامعه مقصد

هم‌زمان با اثرگذاری نیروهای رانشی داخلی، نباید از کارکرد نیروهای کوشی خارج از کشور غافل شد. بسیاری از کشورهای جهان بخصوص کشورهای پیشرفته و پیشرو به اهمیت و جایگاه سرمایه‌های انسانی در فرآیند کلان توسعه خود پی برده‌اند. این کشورها با معرفی برنامه‌های جذاب و اغواکننده در حوزه‌های مختلف دانشجویی، کاری، سرمایه‌گذاری و حتی استارت‌آپی در تلاش برای جذب استعداد‌های سایر کشورها بخصوص کشورهای درحال توسعه هستند. بنابراین علی‌الدوام در حال معرفی برنامه‌های تسهیل‌کننده جذب و اقامت نیروهای جوانان و مستعد به بازارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود هستند. روند معرفی برنامه‌های جذاب و تسهیل‌کننده ورود مهاجران ماهر و مستعد در چند سال اخیر شتاب فراوانی گرفته است. این کشورها در بخش‌های موردنیاز خود بخصوص کادر بهداشت و درمان، متخصصان حوزه نرم‌افزار و فناوری اطلاعات، هوش مصنوعی و علوم داده و حتی درزمینه جذب فعالان حوزه‌های نرم و فرهنگی برنامه‌های بشدت جذاب و رقابتی را معرفی می‌کنند که باعث ترغیب هر چه بیشتر افراد متمایل به مهاجرت از کشورهای درحال توسعه به سوی آن‌ها می‌شوند. برای مثال، اخیراً کشورهای حوزه خلیج فارس ویزاهای مختلفی را برای جذب جوانان و مستعدین با سطح پرداخته‌ای بالا از کشورهای منطقه از جمله ایران معرفی کرده‌اند و این برنامه‌ها نیز بشدت موردتوجه مخاطبین خود از جمله اتباع ایرانی قرارگرفته‌اند.

#### ● حلقه چهارم: فرآیند «خود تداوم پذیر» مهاجرت

بررسی الگوهای رفتاری مهاجران در اقصی نقاط جهان، حاکی از آن است که مهاجران نسل اول با تحمل مخاطرات جابجایی بین‌المللی، هزینه این مسیر را برای مهاجرت بعدی کاهش می‌دهند و در نتیجه مهاجرت به‌سوی مقاصد خاص را افزایش می‌دهند. آن‌ها از زبان کشور میزبان، شیوه‌های استخدام و جذب در بازار کار، روال‌های شغلی و شیوه‌های زندگی آگاهی کسب می‌کنند. آن‌ها یاد می‌گیرند که چگونه به‌صورت قانونی یا غیرقانونی وارد کشور مقصد شوند، محل کار را بیابند و کشف کنند که چگونه زندگی را در یک محیط خارجی مدیریت کنند. در نتیجه این دانش جدید، هزینه‌ها و خطرات اقامت فراوطنی (یا ماندن برای یک سال اضافی) کاهش می‌یابد درحالی‌که مزایای بالقوه مهاجرت افزایش می‌یابد. بنابراین، پس از تجربه مهاجرت اولیه، مهاجرت ثانویه بین‌المللی تکرار می‌شود و با ظهور نیازهای جدید و تغییر انگیزه‌ها، به منبعی آشنا تبدیل می‌شود. می‌توان گفت هرچه طول اقامت فردی در خارج از کشور بیشتر گردد، احتمال ادامه مهاجرت او بیشتر می‌شود و مدت بیشتری در خارج از کشور باقی می‌ماند. دلایل اولیه مهاجرت هر چه که باشد، زمانی که شخصی در یک محیط خارجی زندگی و کارکرده باشد، دیگر همان فرد قبلی نیست. تجربه کار در یک اقتصاد صنعتی پیشرفته باعث ایجاد تغییرات برگشت‌ناپذیری در انگیزه‌های فردی و ویژگی‌های شخصی می‌شود که اسکان طولانی‌مدت (مهاجران موقت) یا مهاجرت مجدد (مهاجران بازگشته) را بسیار محتمل می‌کند. ارضای خواسته‌هایی که در ابتدا

جامعه ایران در طول چند دهه گذشته همواره فراز و فرودهای مختلف مهاجرتی را پشت سر گذاشته است. هم اکنون ایران در حال تجربه یکی دیگر از دوره‌های اوج مهاجرتی خود است. برای تبیین دلایل و ریشه‌های قرار گرفتن جامعه ایران در نقطه اوج مهاجرتی نیاز به در نظر گرفتن مجموعه عوامل تشدیدکننده مهاجرت به‌ویژه روند شکل‌گیری و پیوستگی حلقه‌های بازخوردی زنجیره مهاجرت است که در ادامه به‌صورت اختصار توضیح داده می‌شوند.

#### ● حلقه اول: نیروهای رانشی جامعه مبدأ

مهم‌ترین پیش‌رسان مهاجرتی در هر جامعه‌ای، مربوط به مجموعه عوامل فعال و اثرگذاری هستند که یک جامعه را از درون منسجم و ماندگار می‌سازند. چنانچه این نیروهای انسجام بخش نتوانند به‌خوبی شکل بگیرند و یا دچار سوء کارکرد گردند، می‌توانند باعث گسستگی و رانش اعضای شکل‌دهنده خود شوند. جامعه ایران در طول یک دهه گذشته یکی از سخت‌ترین دوره‌های اقتصادی و اجتماعی خود را پشت سر گذاشته است. کلان عوامل اقتصادی و اجتماعی از جمله تورم افسارگسیخته، تحریم‌های اقتصادی، ناکارآمدی اداری و فساد اقتصادی، ناامیدی و گسست اجتماعی، بی‌نظمی و بی‌قانونی، فقر فرهنگی و دیگر عوامل ریز و درشت مجموعه‌ای از علل انباشته‌ای را به وجود آورده‌اند که دست در دست یکدیگر باعث کاهش مسئولیت‌پذیری و پیوند متقابل جامعه و افراد شده‌اند. این علل و نیروهای رانشی انباشته در قالب یک دور باطل در حال تشدید و تقویت یکدیگر هستند بطوریکه برآیند آن‌ها باعث کاهش چشم‌انداز و جاذبه سرزمینی برای آحاد جامعه ایران شده است. با این توصیف اجمالی می‌توان ادعا کرد این حجم از نیروهای رانشی فعال در جامعه، ایران را به یکی از جوامع با ظرفیت و میل بالا برای مهاجرت تبدیل کرده است.

#### ● حلقه دوم: سرمایه‌گذاری مهاجرتی افراد و خانوارها

مهاجرت می‌تواند انگیزه‌های انفرادی متنوعی را در برگیرد اما رفتار مهاجرتی افراد و خانوارها در سطح جامعه می‌تواند اثرات و پیامدهای جمعی به دنبال داشته باشد. بر همین اساس، حلقه بعدی، تغییر رفتار افراد و خانوارها در اثر فشارها و نیروهای رانشی داخلی است که ممکن است آن‌ها را وارد مسیر میل، تصمیم و اقدام به مهاجرت نماید. به این معنا که سرمایه‌گذاری‌های فردی و خانوادگی بجای اینکه در مسیر توسعه محلی و ملی بکار گرفته شوند و به‌عنوان بازوهای قوی برای ایفای نقش موثر و سازنده در فرآیند کلان توسعه سرزمینی بازی کنند به‌سوی آمادگی برای مهاجرت کردن سوق پیدا می‌کنند. این تمایل از سوی افراد و خانوارها در جامعه و یا بالعکس قابلیت تشدید و تقویت را داراست. برای مثال شیوع پدیده مهدکودک‌های دوزبانه (فارسی و انگلیسی) و حتی تک‌زبانه (انگلیسی) به این معنا است که خانوارها در فکر تسهیل زمینه مهاجرت فرزندان خود از سنین بسیار پائین می‌باشند. همچنین ممکن است افراد و اعضای جوان و یا میان‌سال خانواده با سودای مهاجرت، فراگیری زبان‌های خارجی و یا ثبت‌نام در رشته‌های دانشگاهی خاص را با امیال مهاجرتی در اولویت قرار دهند که این خود باعث تشدید فرهنگ مهاجرپرستی در فضای خانوارها و جامعه می‌شود. همچنین نوعی فرهنگ رقابت و منزلت بخشی به داشتن فرزندان مهاجر در خارج از کشور باعث می‌گردد که خانواده‌ها مخصوصاً در شهرهای بزرگ ترغیب به مهاجرت گردند.



همین اساس، در حال حاضر ما شاهد نقش‌آفرینی و فعالیت هزاران موسسه حقوقی و حقیقی در بازار جمعی مهاجرت در ایران هستیم که نقش تسهیلگری در فرآیند مهاجرت به خارج را ایفا می‌نمایند.

### ● حلقه هفتم: فضای عمومی رفتن و ماندن

آخرین حلقه از زنجیره مهاجرت دلالت بر جو عمومی ترک و جلای وطن دارد. این فضا و اتمسفر زمانی شکل می‌گیرد که تمامی حلقه‌های پیشین به شکل کامل و پرنفوذ ایجاد شوند بطوریکه نیروهای جذاب و نگهدارنده کننده داخل کشور کارکرد خود را از دست داده باشند و یا به صورت اساسی تضعیف شده باشند. در چنین شرایطی یک جو عمومی غالب در جامعه شکل خواهد گرفت که افراد مهاجر احساس غرور و بالندگی و افراد بازمانده احساس غبن و سرافکنندگی خواهند کرد. وجود و تقویت این حلقه باعث شکل‌گیری رویای «مکانی ورای سرزمین مادری» برای زندگی آرمانی خواهد شد. اما نکته حائز اهمیت این است چنانچه جامعه‌ای درگیر فضا و جو عمومی رفتن گردد، اثرات بلندمدتی برای آن به دنبال خواهد داشت و متعاقباً گذر و عبور از نقطه «تعادل اجتماعی رفتن» به نقطه «تعادل اجتماعی ماندن» زمان‌بر و پرهزینه خواهد بود.

### ● پیوند حلقه‌های بازخوردی زنجیره مهاجرت و سندروم مهاجرت اجتماعی در ایران

در صورت ایجاد و پیوستگی حلقه‌های ۷ گانه زنجیره مهاجرت در یک جامعه، می‌توان پیش‌بینی کرد آن جامعه در آستانه یا آماده ورود به فاز «مهاجرت عام» یا «مهاجرت توده‌وار» خواهد بود. ورود جامعه به فاز مهاجرت عام به این معنی است که بیشتر طبقات و اقشار اجتماعی تحت تأثیر قرار خواهند گرفت و ما شاهد بروز موج‌های مهاجرتی در آن جامعه خواهیم بود. هرچند که در نگاه اول ورود به فاز مهاجرت توده‌وار برای هر جامعه‌ای می‌تواند بسیار مخرب و ناگوار باشد، اما نکته کلیدی این است که نتایج مطالعات و تجربیات جهانی حاکی از آن است که مهاجرت عام زمانی که کنترل نشده و بدون تدارک و پیش‌بینی قبلی اتفاق افتد واجد خسارات و مشکلات جدی برای جامعه خواهد بود. در واقع کشورهای مهاجر فرست با درک و پیش‌بینی عمق و گستردگی مهاجرت عام و پیامدهای آن می‌توانند با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌های کنترل و مدیریت آن، از نقطه اوج مهاجرت عام با کمترین هزینه عبور کنند و حتی در شرایطی از مواهب و مزایای آن شامل کاهش فشارهای اجتماعی، بهره‌برداری از عواید مالی و معنوی ناشی از حضور مهاجران خود در خارج از کشور استفاده نمایند. هرچند که وقوع این امر و بهره‌مندی از نتایج معمولاً به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. نکته مهم دیگر، شناخت نحوه شکل‌گیری حلقه‌های مهاجرت شامل عوامل خرد (فردی) و عوامل کلان (اجتماعی سیاسی و اقتصادی) و نوع بازخورد آن‌ها به یکدیگر و همچنین امکان ظهور جمعی و احتمال هم‌زمان اتصال آن‌ها است که در شرایط استثنائی همه این حلقه‌ها ممکن است شکل گرفته و به یکدیگر متصل شوند. به نظر می‌رسد جامعه ایران در حال حاضر در وضعیت خاص ظهور و پیوستگی کلیه حلقه‌های (خرد و کلان) زنجیره مهاجرت قرار گرفته است و قدرت کنترل و یا مدیریت این زنجیره مهاجرت با توجه به مقدرات و امکانات موجود، بسیار سخت و دشوار می‌نماید. این موضوع باعث شکل‌گیری نوعی سندروم مهاجرت در سطح جامعه و

منجر به مهاجرت شده است، خواسته‌های جدیدی ایجاد می‌کند و دسترسی به دستمزدهای بالا استانداردهای جدیدی از رفاه مادی ایجاد می‌کند و جاه‌طلبی‌های جدیدی را برای مهاجر القا می‌کند که قبلاً وجود نداشته است. همان‌طور که مهاجران به درآمدهای بالاتر عادت می‌کنند، الگوهای مصرف خود را تغییر می‌دهند و سبک زندگی جدیدی را اتخاذ می‌کنند که نمی‌توان آن را از طریق کار محلی حفظ کرد و لذا مدت طولانی‌تری در خارج از کشور می‌مانند. این الگوی رفتاری «مهاجرت خود تداوم‌پذیر» نیز در میان مهاجران ایرانی همانند سایر مهاجران تا حد زیادی قابل‌مشاهده و ردیابی است.

### ● حلقه پنجم: شبکه اجتماعی مهاجران

حلقه «شبکه اجتماعی مهاجران» اشاره به بستر ارتباطی دارد که به کمک آن مهاجران بالقوه، سرمایه اجتماعی موجود در روابط با مهاجران بالفعل را استخراج می‌کنند تا هزینه‌ها و خطرات را کاهش دهند و مزایای جابجایی بین‌المللی را افزایش دهند. در واقع برای یک مهاجر بالقوه، ارتباط با یک مهاجر فعلی یا سابق، موثر و مولد است، زیرا می‌توان از آن برای دسترسی به شغل خارجی پردرآمد استفاده کرد. بنابراین هر اقدام مهاجرتی باعث ایجاد سرمایه اجتماعی در میان افرادی می‌شود که فرد مهاجر با آن‌ها مرتبط است. هنگامی که شخصی مهاجرت می‌کند، هزینه‌ها و خطرات جابجایی بین‌المللی متوجه دوستان و اقوام آن شخص می‌شود و برخی از آن‌ها را وادار به مهاجرت می‌کند، که شبکه افراد مرتبط با مهاجران را بیشتر گسترش می‌دهد و سرمایه اجتماعی بیشتری را به همراه دارد که افراد جدید را وادار به مهاجرت می‌کند (گسترش بیشتر شبکه و غیره). انباشت مداوم سرمایه اجتماعی از طریق گسترش تدریجی شبکه‌های بین فردی، حلقه بازخورد قدرتمند دیگری را به همراه دارد که منجر به ایجاد «انباشته مهاجرت» در طول زمان می‌شود. در حال حاضر، ظهور و فعالیت صدها شبکه ارتباطی مهاجران ایرانی خارج از کشور با داخل کشور، منجر به شکل‌گیری یک جریان ارتباطی پویا و جهان‌شمول میان ایرانیان داخل و کشور و انتقال حجم غیرقابل‌وصفی از آگاهی و اطلاعات پیرامون فرصت‌ها، امکانات و زمینه‌های مهاجرت به خارج از کشور شده است.

### ● حلقه ششم: تسهیلگران مهاجرت

زمانی که انگیزه‌های داخلی و خارجی مهاجرت در یک جامعه رشد قابل‌توجهی نمایند، عوامل و بازیگران میدانی مهاجرت نیز می‌توانند در جهت تسریع و تسهیل فرآیند مهاجرت وارد عمل شوند. از جمله مهم‌ترین تسهیلگران مهاجرت می‌توان به مؤسسات اعزام دانشجوی، نیروی کار و حتی پناهجو اشاره کرد که با پررنگ کردن مزیت‌ها و فرصت‌های مهاجرتی در خارج از کشور، ارائه مشاوره‌های عمومی و تخصصی، مهاجرت را به شکل گسترده‌تری دسترس‌پذیر و هزینه‌های آن را تا حد زیادی مقرون‌به‌صرفه نشان می‌دهند. مهم‌ترین کارکرد این نوع تسهیلگری شامل: باورپذیری، دسترس‌پذیری و نفوذپذیری مهاجرت در میان اقشار مختلف اجتماع است. در واقع این نوع تسهیلگری می‌تواند به نوعی به شکل‌گیری «بازار جمعی مهاجرت» در جوامع کمک کند. وقتی چنین بازار جمعی مهاجرت به‌ویژه بر اساس سطح تقاضای بالا شکل بگیرد، دامنه تسهیلگران بازار می‌تواند از دایره مؤسسات حقوقی و رسمی فراتر رود و پای بازیگران حقیقی و غیررسمی نیز به آن باز شود. بر

دوران « مهاجرت عام » را در کشور دوچندان نماید، همچنین امکان فرصت طلائی کوتاه جهت بهره‌برداری از معدود فرصت‌های ناشی از مهاجرت‌های بین‌المللی برای کشور را نیز از دسترس خارج نماید. این موضوع زمانی بشدت حیاتی و حساس می‌شود که ما صرفاً نگاهی اجمالی بر زنجیره سیاست‌های کلان و برنامه‌های جذاب و رقابتی کشورهای همسایه و منطقه در زمینه جذب و نگهداشت مهاجران داشته باشیم.

رکن سوم نظام سیاست مهاجرتی، وجود یک جریان «هماهنگی و هم‌افزایی» میان برنامه‌های میان بخشی مهاجرت در دستگاه‌ها و نهادهای مختلف است که متأسفانه شواهد موجود حاکی از عدم هماهنگی لازم و سازنده میان دستگاه‌ها و نهادهای مختلف است. برای مثال، برنامه بازگشت متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی خارج از کشور توسط معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در چند سال گذشته انجام شده است و جزء معدود برنامه‌های منسجم و هدفمند در کشور در زمینه‌ی مهاجرت‌های بازگشتی در چند سال اخیر بوده است. خوشبختانه این برنامه تا کنون اثرات بسیار مفیدی را در محدوده و مقیاس خود بر جای گذاشته است، اما توسط سایر دستگاه‌ها و نهادها از حمایت و پشتیبانی کامل برخوردار نبوده است. این عدم‌حمایت و هماهنگی کامل باعث شده است که اثربخشی این برنامه پیشاهنگ و پیش‌تاز محدود گردد و قدرت رقابت‌پذیری آن در فضای رقابت جهانی برای استعدادهای کاهش یابد. این تجربه ناهماهنگی در سایر تجربیات و برنامه‌های دستگاه‌ها و نهادهای مختلف دخیل در حوزه مهاجرت به وضوح قابل‌مشاهده است.

رکن آخر، داشتن یک نظام پایش و رصد جامع آماری در کشور برای تهیه شواهد متقن و مستند در زمینه جریان‌های ورودی و خروجی مهاجران برای سیاست‌گذاری هدفمند در این حوزه است. اهمیت وجود چنین نهادی، علاوه بر اینکه اطلاعات و آگاهی دقیقی از وضعیت جریان‌های مهاجرتی برای ذی‌نفعان موضوع در کشور فراهم می‌آورد، امکان پایش و ارزیابی میزان اثرگذاری سیاست‌های مدیریت مهاجرت بخصوص در زمینه بهره‌برداری از عواید و مزایای مهاجرت برای جامعه و اقتصاد کشور را میسر می‌سازد. در کشور علی‌رغم اینکه تلاش‌های خوبی در زمینه شکل‌گیری چنین نهادی صورت گرفته است، اما متأسفانه همچنان کشور فاصله زیادی با شکل‌گیری نهادی با کارکردهای موردنظر و هم‌تراز با استانداردهای جهانی دارد.

چنانچه کشور بخواهد در مسیر عبور کم‌هزینه از نقطه اوج « مهاجرت عام » گام بردارد و همچنین احیاناً بخواهد از مزایای و مواهب مهاجرت بهره‌مند گردد، لازم است هر چه سریع‌تر و بدون فوت وقت در شکل دادن چهار رکن نظام سیاست‌گذاری و مهاجرت کشور اقدام نماید. این ضرورت و تعجیل در دوران مواجهه با حلقه‌های به‌هم‌پیوسته مهاجرتی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. چراکه فاکتور زمان در حال حاضر بشدت تعیین‌کننده است. همان‌طور که در سطور بالاتر اشاره شد، در اثر پیوستن حلقه‌های زنجیره مهاجرت، ممکن است کشور در نقطه «تعادل اجتماعی رفتن» قرار گیرد و بشکل طولانی گرفتار آن باشد. توقف طولانی‌تر در این نقطه تعادلی، با توجه به شرایط و مقدرات مدیریتی کشور، علاوه بر اینکه اثرات اقتصادی و اجتماعی مخرب مضاعفی را در پی خواهد داشت، گذر از این شرایط و بازگشت مجدد به نقطه «تعادل اجتماعی ماندن» نیازمند صرف زمان طولانی‌تر و هزینه‌های گزاف‌تری خواهد بود.

حتی سطح حاکمیت شده است. برای تحلیل ریشه‌های شکل‌گیری زنجیره مهاجرت، پیامدهای آن و حتی راه‌های کنترل یا مدیریت یا پیشگیری آن لازم است که اول از همه ذات و نوع بازخورد هر یک از حلقه‌ها به‌درستی تشخیص داده شوند و سپس نسبت به رفع ریشه‌های شکل‌گیری و تخفیف پیامدهای منفی و تقویت پیامدهای مثبت مهاجرت اقدام کرد.

### ● سردرگمی سیاست مهاجرتی کشور

همان‌گونه که پیشتر بارها به آن اشاره شده است مهاجرت به ذات برای هیچ کشور فرستنده یا گیرنده مهاجران سازنده یا مخرب نیست و تنها نوع رویکرد سیاستی و نحوه مدیریت کشورها نسبت به جریان ورود، خروج و بازگشت مهاجران است که تعیین می‌کند مهاجرت دارای اثرات مثبت یا منفی باشد. لذا اتخاذ یک رویکرد سیاست مهاجرتی هوشمند و هدفمند در مواجهه با موضوع مهاجرت فارغ از سطح و تراز آماری منفی و یا مثبت، مهم و کلیدی است. داشتن این رویکرد سیاستی منسجم مهاجرتی در جوامع در زمان بروز اوج‌های مهاجرتی ( ورودی - خروجی) و مخصوصاً در مواجهه با پدیده « مهاجرت عام»، بی‌نهایت تعیین‌کننده و حیاتی برای گذر از این دوران حساس است.

چنانچه بخواهیم ارزیابی واقع‌بینانه و دقیقی از نظام سیاستی کشور در حوزه مهاجرت داشته باشیم می‌توان گفت پیش از هر چیزی کشور دچار یک نوع « سردرگمی سیاستی » مزمین در زمینه مهاجرت است. به این معنا که هنوز تکلیف کشور در زمینه خروج و بازگشت سرمایه‌های انسانی خود و حتی جذب سرمایه‌های بین‌المللی سایر کشورها خیلی روشن و مشخص نیست. گفتمان غالب حاکم بر فضای سیاستی کشور همچنان بین مثبت یا منفی انگاشتن مهاجرت در نوسان است و نمی‌توان یک رویکرد سیاستی هدفمند را در این حوزه ردیابی و شناسایی کرد. علاوه بر آن، تشکیل و ساماندهی یک نظام جامع سیاست‌گذاری و مدیریت مهاجرتی (خروج، بازگشت و جذب سرمایه‌های انسانی) در کشور همچنان مغفول مانده و یا حداقل دچار عقب‌افتادگی ساختاری و زمانی است. به بیانی دیگر، ما در چهار رکن اصلی این نظام دارای ضعف‌های جدی هستیم که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

رکن اول که ناظر به رویکرد منسجم سیاستی کشور در زمینه مهاجرت است. گفتمان غالب حاکمیتی در زمینه مهاجرت، گفتمان سنتی و نگاه منفی به آن است که بیشتر متعلق به اواسط یا اواخر قرن بیستم است و لذا فاقد یک رویکرد مدرن و مشخصی است. تمرکز این نوع نگاه بیشتر بر اثرات و مضرات منفی مهاجرت است و مهاجرت‌های بین‌المللی چه به شکل خروجی یا ورودی را مخرب و غیر سازنده ارزیابی می‌کند. بخشی از دلایل مهاجرت هراسی در ایران را می‌توان ناشی از فقدان برنامه و عدم بهره‌مندی از عواید مهاجرت و یا عدم آمادگی ساختاری برای بهره‌گیری از مهاجران ورودی و یا مواهب مهاجران خروجی و حتی مهاجران بازگشتی برشمرد.

رکن بعدی، فقدان یک نهاد تخصصی در حوزه مدیریت جریان‌های مهاجرتی ( ورودی، خروجی و بازگشتی) در کشور همانند «سازمان ملی مهاجرت» است که علی‌رغم تأکید مکرر کارشناسان و دغدغه‌مندان این حوزه، همچنان تشکیل و راه‌اندازی آن درگیر فرآیند نامعلوم و طولانی دیوانسالاری در کشور است. تأخیر در ایجاد چنین نهاد تخصصی، علاوه بر آنکه ممکن است پیامدهای مخرب

# مهاجرت سرمایه‌های انسانی ایران؛ واقعیت‌ها و علل



محمد رضا جلائی پور

پژوهشگر و جامعه‌شناس



این روزها دوباره بحث عمومی درباره‌ی میزان و علل مهاجرت سرمایه‌های انسانی ایران داغ شده است. اما تصور عمومی از میزان و علل آن متأسفانه با داده‌ها و مطالعات معتبر فاصله دارد.

میزان، علل و نرخ بازگشت مهاجران دارد. اما به‌طور کلی می‌توان گفت میزان و اشکالی از مهاجرت نیروی انسانی، به‌ویژه از نوع موقت، نه‌تنها مانع توسعه نیست، بلکه لازمه‌ی توسعه و انتقال دانش، فناوری و تجربه است.

## وضعیت کنونی ایران در جهان چگونه است؟

واقعیت این است که میزان و وضعیت مهاجرت سرمایه‌های انسانی ایران به‌هیچ‌عنوان مطلوب نیست، اما به‌خامتی که عموماً تصور می‌شود هم نیست. به تعبیر دیگر، وضعیت ایران در

## آیا اساساً مهاجرت نامطلوب است؟

مشکل ایران بیش از اینکه مهاجرت سرمایه‌های انسانی باشد، عدم استفاده‌ی بهینه از سرمایه‌های مانده در کشور، نرخ پایین بازگشت مهاجران، ضعف انواع تبادل با ایرانیان خارج از کشور و ضعف استفاده از سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور در خدمت توسعه و منافع ایران است. به دلایل پرشمار (به‌ویژه افزایش سهولت جابجایی نیروی کار و سرمایه) مهاجرت در دهه‌های گذشته در سطح جهانی همواره رو به افزایش بوده است. مهاجرت پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است و داوری درباره‌ی تأثیر آن بر توسعه‌ی کشورها بستگی به نوع،

**کاهش میل مهاجرت سرمایه‌های انسانی مستلزم بهبود «شاخص جهانی رقابت‌پذیری برای استعدادها» و «شاخص چشم‌انداز جاذبه‌ی سرزمینی» است که لازم‌هاش همان بهبود کیفیت حکمرانی است.**



داشته‌اند که معادل حدود یک‌سوم کل متخصصان دانشگاهی ایرانی است و بازگشت تنها ۱۰ درصد این متخصصان با کیفیت سرمایه‌ای از دست ندادنی برای توسعه علمی در ایران است.

### • چه می‌توان کرد؟

وجه مشترک چند مطالعه معتبری که روی مهاجرت سرمایه‌های انسانی از ایران متمرکز بوده است (از جمله سالنامه مهاجرتی ایران) این است که مؤثرترین عامل بر کاهش یا افزایش میل به مهاجرت «شاخص کیفیت حکمرانی»

است. افزایش فقر، نابرابری، بیکاری، نارضایتی سیاسی و بحران‌های محیط زیستی همه از تبعات کیفیت و ظرفیت کم حکمرانی در ایران است. برای افزایش آن نیز نیازمند تلاش هم‌افزای نهادهای مدنی و حکمرانی هستیم. اگر واقعاً می‌خواهیم مهاجرت نخبگان کمتر شود، مهم‌ترین راهش افزایش کیفیت حکمرانی است. «نداشتن افق و چشم‌انداز امیدبخش»، «فشارهای اقتصادی»، «سلب آزادی‌های اجتماعی و سیاسی توسط حکومت»، «عدم وجود فرصت‌های ایفای نقش» و «احساس غیرمفید بودن در کشور» عواملی‌اند که در اغلب پیمایش‌های معتبر مرتبط با مهاجرت نخبگان تکرار می‌شوند. چنان‌که روشن است همه این عوامل تحت تأثیر کیفیت حکمرانی است.

ضعف دیپلماسی ایران در تسریع رفع تحریم‌ها و انزوای ایران، ضعف حکمرانی اقتصادی، طرح‌هایی همچون «صیانت از فضای مجازی» و «حمایت از خانواده» و «صیانت در برابر حیوانات خانگی» و تداوم اجبار حجاب که آزادی‌های اجتماعی را محدودتر می‌کند و به جنگ جامعه می‌رود و افزایش انواع فروبستگی‌ها در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی از عواملی‌اند که امید به آینده را می‌کاهند و رفعتشان مستلزم افزایش ظرفیت حکمرانی عادلانه و توسعه فراگیر است.

کاهش میل مهاجرت سرمایه‌های انسانی مستلزم بهبود «شاخص جهانی رقابت‌پذیری برای استعدادها» و «شاخص چشم‌انداز جاذبه سرزمینی» (تحت تأثیر عواملی همچون «فراهم بودن شرایط ایفای نقش در فرآیند توسعه و پیشرفت ایران»، «مفید و مؤثر بودن در ایران یا خارج»، «احساس تعلق ایرانیان نسبت به تابعیت خود» و «تصور نسبت به آینده کشور») است که لازم‌اش همان بهبود کیفیت حکمرانی است.

با دستور و توصیه (چه توسط حکمرانان و چه توسط استادان دانشگاه) نه قیمت لوازم‌خانگی پایین می‌آید، نه فساد و تبعیض و فقر و نابرابری کاهش می‌یابد، نه میل به مهاجرت کم می‌شود و نه بازگشت مهاجران افزایش می‌یابد. اگر تمهید افزایش مهاجرت سرمایه‌های انسانی را «خیانت» می‌دانیم، باید عملاً زمینه اصلاح این ریشه‌ها و عوامل نهادی و ساختاری افزایش مهاجرت سرمایه‌های انسانی را فراهم کنیم که مستلزم تجدیدنظر خود حکمرانان است.

مهاجرفرستی در جهان متوسط است.

مرور چند داده معتبر تصویر واقعی‌تری به ما می‌دهد: بر اساس آخرین داده‌های انستیتو آمار یونسکو، UNHCR، سازمان بین‌المللی مهاجرت، بخش امور اقتصادی و اجتماعی ملل متحد، پیمایش جهانی گالوپ، داده‌های سرشماری و نیز پیمایش‌های روشمند رصدخانه مهاجرت ایران: رتبه مهاجرفرستی ایران ۵۴ (از میان ۱۳۲ کشور جهان)، رتبه ایران در شاخص جریان بالقوه مهاجرت ۷۷ (از میان ۱۵۲ کشور)، رتبه ایران در شاخص جریان بالقوه جذب استعدادها ۷۸ (از میان ۱۵۲ کشور) و رتبه دانشجویفرستی ایران ۱۹ (از میان ۲۴۱ کشور) است.

به‌طور میانگین ۳.۶ درصد جمعیت جهان مهاجرند و میانگین جمعیت مهاجر نسل اول ایرانی از میانگین جهانی کمتر است (۲.۲ درصد) و حتی نرخ رشد دانشجویان ایرانی در کشورهای دیگر از میانگین جهانی نرخ رشد دانشجویان بین‌المللی هنوز کمتر است و از قضا در سال‌های اخیر به خاطر بدتر شدن شرایط اقتصادی، افزایش نرخ دلار، دشوارتر شدن کسب ویزا و نیز کرونا کاهش یافته است. بر اساس بدترین برآوردهای کارشناسان هم حدود ۳.۸ درصد جمعیت ایران مهاجرند (نزدیک به میانگین جهانی).

### • رتبه‌های برتر کنکور، المپادی‌ها و دانشجویان برتر چطور؟

بیشترین تعداد دانشجوی ایرانی به ترتیب به آمریکا، ترکیه، آلمان، ایتالیا و کانادا رفته‌اند. در آمریکا که اولین مقصد دانشجویان ایرانی است، بر اساس معیار «تعداد دانشجویان مشغول به تحصیل در ده دانشگاه برتر آمریکا» ایران در میان کشورهای دانشجوی فرست در رتبه دهم قرار دارد و کشورهای چین، هند، کره جنوبی، انگلستان، آلمان، فرانسه، ترکیه، استرالیا و عربستان بالاتر از ایران و در رتبه اول تا نهم قرار دارند. چنان‌که می‌بینید اغلب کشورهایی که بیشتر از ایران به آمریکا دانشجوی می‌فرستند توسعه‌یافته‌تر از ایران‌اند. تنها نیم درصد دانشجویان خروجی از ایران در دانشگاه‌های برتر آمریکا و جهان مشغول به تحصیل هستند.

### • در چه زمینه‌هایی وضعیت ایران در مقایسه با میانگین جهانی بسیار بد است؟

۱. پناهندگی: ایران در پناهنده فرستی در جهان رتبه ۱۴ و در پناهنده‌پذیری هم‌رتبه دهم در جهان را دارد.

۲. نرخ بازگشت متخصصان فارغ‌التحصیلان ایرانی به داخل کشور: آمار دقیق معتبری در دست نیست ولی بر اساس گزارش رصدخانه مهاجرت همچنان بسیار پایین است (البته از سال ۲۰۱۵ تا سال ۲۰۲۱ روند صعودی داشته است). بر اساس یک مطالعه در دانشگاه استنفورد حدود ۱۱۰ هزار ایرانی نسل اول یا دوم و سوم مهاجران در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های خارج از ایران سابقه کار

**مؤثرترین عامل بر کاهش یا افزایش میل به مهاجرت «شاخص کیفیت حکمرانی» است. افزایش فقر، نابرابری، بیکاری، نارضایتی سیاسی و بحران‌های محیط زیستی همه از تبعات کیفیت و ظرفیت کم حکمرانی در ایران است. برای افزایش آن نیز نیازمند تلاش هم‌افزای نهادهای مدنی و حکمرانی هستیم.**

### با دستور و توصیه نه قیمت

**لوازم‌خانگی پایین می‌آید، نه فساد و تبعیض و فقر و نابرابری کاهش می‌یابد... اگر تمهید افزایش مهاجرت سرمایه‌های انسانی را «خیانت» می‌دانیم، باید عملاً زمینه اصلاح این ریشه‌ها و عوامل نهادی و ساختاری افزایش مهاجرت سرمایه‌های انسانی را فراهم کنیم.**

# اجماع حاکمیتی، حلقه مفقوده بازگشت طبقه خلاق به کشور



علی بابایی

دکترای مدیریت دانشگاه صنعتی شریف و پژوهشگر نوآوری



ایده روی گشاده‌ای دارند و از آن‌ها به گرمی استقبال می‌کنند. فلوریدا در این مطالعه پراچاج و تحسین شده، به خوبی نشان می‌دهد که عملکرد اقتصادی هر منطقه، رابطه بسیار نزدیکی با حضور طبقه خلاق در آن منطقه دارد. در واقع فلوریدا نشان می‌دهد که همین طبقه خلاق هستند که می‌توانند دست به خلق تکنولوژی‌های جدید در محل زندگی خود بزنند و از همین رو فلوریدا قویاً توصیه می‌کند که در عصر جدید، استراتژی هر منطقه (اعم از شهر، ایالت و کشور) می‌بایست تلاش حداکثری برای جذب و نگاهداشت این طبقه خلاق در خود باشد.

قبل از ورود به بحث لازم است که نکاتی را در مورد طبقه خلاق و فرد نخبه، با توجه به اختلافاتی که بر سر این مفهوم وجود دارد، متذکر شوم. لزوماً تمام افرادی که مهاجرت می‌کنند نخبه نیستند. این افراد به‌طور بالقوه دارای استعدادهای برجسته‌ای هستند اما هنوز استعداد آن‌ها بالفعل نشده است. اگرچه تمام افرادی که از

ریچارد فلوریدا در کتاب شهرهای خلاق، مفهومی را تحت عنوان طبقه خلاق معرفی می‌کند. اهمیت این مفهوم از آن جهت است که این مفهوم چارچوبی را در اختیار ما قرار می‌دهد که به‌وسیله‌ی آن می‌توانیم به‌صورت منسجم‌تری در مورد مهاجرت و جابه‌جایی افراد نخبه و خلاق صحبت کنیم. در واقع ریچارد فلوریدا با گذاشتن قیودی بر مفهوم طبقه خلاق این مفهوم را به افراد دارای ایده‌ای محدود می‌کند که ایده آن‌ها قابلیت تبدیل شدن به فناوری، نوآوری و در نهایت رشد اقتصادی را دارد. بر اساس مفهوم طبقه خلاق فلوریدا، افراد دارای ایده و خلاق، مکان‌هایی را برای زندگی و مهاجرت انتخاب می‌کنند که به لحاظ سرمایه اجتماعی پایین است. به‌طور کلی فلوریدا معتقد است که افراد خلاق فارغ از گرایش‌های سیاسی، مذهبی، دینی و تعلق به فرهنگی خاص به مکان‌هایی جذب و مهاجرت می‌کنند که در آن مکان ایده و خلاقیت حرف اول را می‌زند. بر اساس نظر فلوریدا شهرهای خلاق شهرهایی هستند که نسبت به مهاجران دارای

دارند. این همان گلوگاهی است که زمینه مهاجرت طبقه خلاق را فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، به دلیل اینکه سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی در ایران نیاز و فشاری را برای نوآوری و تحول احساس نمی‌کنند یا کلاً از چنین طرح‌هایی استقبال نمی‌کنند یا در خوش‌بینانه‌ترین حالت این ایده‌ها و طرح‌ها وارد بروکرسی‌های عجیب و غیبی می‌شود که موجب ناامید شدن و مهاجرت طبقه خلاق از کشور می‌شود.

اینکه انتظار دریافت نوع دیگری از رفتار از سوی جامعه را دارند و به هر دلیلی این رفتار و احترام را دریافت نمی‌کنند، مهاجرت می‌کنند. طبیعی است خیلی از این افراد به دلیل اینکه در سطح حاکمیت و دولت اجماع و رویه مشخصی نسبت به آن‌ها وجود ندارد به کشور باز نمی‌گردند. نکته مهم در اینجا این است که اگر حاکمیت بر رویه و مسیر فعلی نسبت به این افراد پافشاری کند، کشور از یکی از فاکتورهای اساسی رشد و توسعه اقتصادی محروم شده است. در خیلی از تکنولوژی‌ها به دلایل مختلف ما چاره‌ای جز فعال کردن مکانیزم چرخش نخبگان نداریم. این نکته خصوصاً در مورد تکنولوژی‌های نوظهور که با مقاله و کتاب منتقل نمی‌شوند، بلکه از طریق دانش ضمنی این افراد به کشور وارد می‌شود از اهمیت بیشتری برخوردار است. به همین دلیل برخورداری از اجماع حاکمیتی و اتخاذ ابتکارات سیاستی در مواجهه با نخبگان خارج از کشور یکی از گام‌های اساسی برای ترغیب این افراد برای بازگشت به کشور محسوب می‌شود. متأسفانه علی‌رغم اینکه اهمیت موضوع مهاجرت در ادبیات نوآوری سالیان سال است که مورد توجه قرار گرفته است اما متأسفانه در کشور ما کماکان یک نگاه منفی به موضوع مهاجرت در میان سیاست‌گذاران دیده می‌شود. اتفاقاً شما اگر بتوانید نیروی انسانی خود را به قطب‌های فناوری و نوآوری جهان بفرستید، با این شرط که تحت شرایطی مجدداً از ظرفیت آن‌ها در قالب طرح‌های بازگشت دائم، موقت و حتی از راه دور استفاده کنید، از فضا بهترین کار را برای توسعه کشور انجام داده‌اید. این مهاجرت‌ها می‌تواند تأثیرات بسیار زیادی برای کشور مهاجرفرست داشته باشد. حتی می‌توان گفت این موضوع یکی از الزامات توسعه کشورهای در حال توسعه است.

اگر بخواهیم فضایی را ایجاد کنیم که دست‌کم این ارتباط ضعیف رفت‌ووبرگشتی بین مهاجران ساکن در قطب‌ها با داخل کشور برقرار شود، نیازمند نوآوری‌هایی در سیاست و سیاستگذاری هستیم. باید نهاد واسطی شکل بگیرد؛ بین دولت و حاکمیت از یک سو و مهاجران از سوی دیگر. این نهاد واسط با دانستن زبان دو طرف شاید بتواند این جریان را برقرار کند. ما به یک نهاد واسط نیازمندیم که زبان حاکمیت و زبان مهاجران را بشناسد تا با لحاظ نگرانی‌های حاکمیت و همچنین شأن مهاجران کار را پیش ببرد. شرط این هم، اول از همه، اجماع دولت و حاکمیت بر سر اهمیت اصل این ماجراست.

### برخلاف سایر اقشار اجتماعی که عمدتاً دغدغه‌های معیشتی و رفاهی برای مهاجرت دارند، دلیل مهاجرت طبقه خلاق بیش از آنکه مربوط به تنگنای اقتصادی باشد، مربوط به ساختار اقتصاد دولتی ایران و مشکلات فرهنگی است.

ایران مهاجرت می‌کنند جزء سرمایه‌های انسانی این کشور به شمار می‌روند اما از منظر سیاستی افرادی که در طول دوره مهاجرت خود توانسته‌اند استعداد‌های بالقوه خود را بالفعل نمایند و به دانشمند، تکنولوژیست، افراد خلاق و صاحب ایده تبدیل شوند، برای کشور از اهمیت بالاتری برخوردار هستند. در واقع حوزه تمرکز سیاست‌های کارآفرینی، نوآوری و به‌طور کلی سیاست‌های توسعه‌ای کشور بیشتر باید معطوف به چنین افرادی باشد.

اکنون موضوع مهمی که پیش می‌آید این است که اگر مطالعه ریچارد فلوریدا درست باشد (به هر حال نمی‌توان منکر غنای علمی این مطالعه، تعداد ارجاعات به آن، و شواهد تایید کننده موجود در آن شد) باید اذعان نمود که یکی از مهم‌ترین دوره‌های کشور در مورد پیشرفت در حوزه‌های تکنولوژیک و اقتصادی، تصمیم‌گیری در مورد چگونگی برخورد با طبقه خلاق است: آیا حاکمیت، دولت‌مردان و جامعه می‌خواهند با فراهم کردن یک فضای باز فکری، یعنی یک فضای تحمل‌کننده تنوع فکر و ایده و فارغ از گرایش‌های سیاسی و مذهبی افراد، زمینه جذب طبقه خلاق به کشور و حفظ آن‌ها را فراهم نمایند یا خیر؟ و آیا ایجاد زیرساخت‌های فرهنگی باکیفیت و یکتا، اساساً برای حاکمیت، دولت‌مردان و جامعه قابل تصور است یا خیر؟ در واقع اگر مطالعه ریچارد فلوریدا درست باشد، متأسفانه باید گفت که پاسخ «خیر» به دو سوال قبل، به این معنی است که کشور باید قید پیشرفت تکنولوژیک و اقتصادی را (حداقل در مقایسه با سطح جهانی) بزند. که البته طبیعی است در صورت انتخاب این گزینه، بحث‌هایی نظیر عقب ماندن استاندارد زندگی مردم ایران نسبت به سایر کشورها، نارضایتی عمومی، و حتی ضعف نظامی به وجود خواهد آمد. بنابراین برای پیشرفت تکنولوژیک و اقتصادی، به سختی بتوان راهی به جز زمینه‌سازی برای حضور طبقه خلاق در کشور تصور نمود. به هر حال، حل این دوراهی مهم پیش روی کشور، نیاز به یک تعمق جدی، خلق یک نوآوری سیاستی و سپس اجماع حاکمیتی در اجرای آن سیاست دارد.

حال با استفاده از مفهوم طبقه خلاق اگر بخواهیم دلایل مهاجرت افراد خلاق و دارای ایده در ایران را مورد واکاوی قرار دهیم، یک نکته بیش از بقیه موارد خودنمایی می‌کند. برخلاف سایر اقشار اجتماعی که عمدتاً دغدغه‌های معیشتی و رفاهی برای مهاجرت دارند، دلیل مهاجرت این افراد بیش از آنکه مربوط به تنگنای اقتصادی

### برای پیشرفت تکنولوژیک و اقتصادی، به سختی بتوان راهی به جز زمینه‌سازی برای حضور طبقه خلاق در کشور تصور نمود. به هر حال، حل این دوراهی مهم پیش روی کشور، نیاز به یک تعمق جدی، خلق یک نوآوری سیاستی و سپس اجماع حاکمیتی در اجرای آن سیاست دارد.

باشد، مربوط به ساختار اقتصاد دولتی ایران و مشکلات فرهنگی است. در واقع مصرف‌کننده نهایی محصول و خدمت بسیاری از استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان عموم مردم نیستند و مشتری محصول و خدمت این کسب‌وکارها، مشاغل دیگر و یا سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی هستند. به عبارت دیگر جامعه هدف بخش بزرگی از طبقه خلاق و کسب‌وکارهای استارت‌آپی و دانش‌بنیان عامه مردم نیستند و این گروه‌ها بیشتر با سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی سروکار



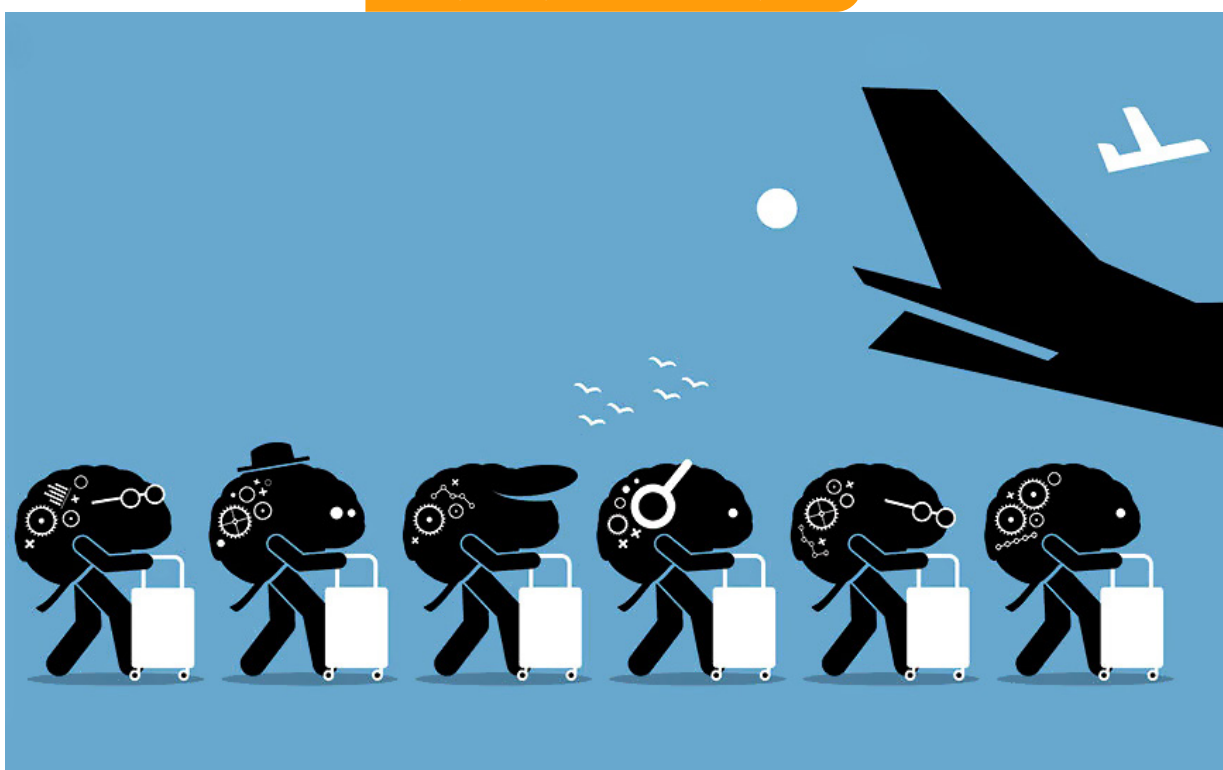
# مهاجرت نخبگان: فرصتی که تبدیل به تهدید شد!

کشور نیازمند تعریف دقیق مسئله مهاجرت و عزم جدی برای حل آن است



مسعود قدرت آبادی

استادیار دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، ساکرامنتو



ایرانی خارج از کشور را به خود اختصاص داده است. با این حال چند صباحی است که التهابات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه ایران سبب گردیده تا بخش وسیع تری از استعدادها بی‌همتای ایرانی، از وطن رخت بر بسته و به غربت ساکن شوند و هرگز نیز به وطن بازنگردند. عده این افراد چنان زیاد است که هر صاحب‌خردی را به تأمل در این موضوع، ریشه‌ها و عواقب آن وامی‌دارد. برآورد گردیده که در سال ۲۰۱۹، در حدود ۵۹ هزار دانشجوی ایرانی در خارج از کشور مشغول به تحصیل بوده‌اند. مقصد اول این محصلین، ایالات متحده بوده، بطوریکه بیش از ۱۲ هزار دانشجوی ایرانی در این کشور حضور داشته‌اند. تاریخ هرگز چنین جمعیتی از نخبگان ایرانی را در خارج از کشور شاهد نبوده است. برخلاف اسلاف که اغلب به واسطه بورس‌های تحصیلی دولت ایران عازم فرنگ می‌شدند، محصلین خارج نشین امروزی اکثراً بر پایه بودجه‌های تحقیقاتی کشور میزبان روزگار می‌گذرانند. دین به وطن اما همچنان در جای جای زندگی

شاکله اصلی و سنگ بنای تحقق‌پذیری هر برنامه‌ی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی وجود نیروی انسانی جوان، توانا، متعهد و متخصص در لایه‌های مختلف مدیریتی و اجرایی است. با این حال، حلقه مفقوده در زنجیره‌ی برنامه‌ریزی بسیاری از مسئولان امر، ایجاد فرآیندهای سیستماتیک و مؤثر به‌منظور جذب حداکثری نیروی کار جوان و متخصص است. این شرایط زمانی بحرانی‌تر می‌شود که بخش بزرگی از نیروی انسانی نخبه و توانا از کشور خارج می‌شود. پدیده موسوم به "فرار مغزها" همواره به‌عنوان یکی از معضلات اجتماعی در جوامع در حال توسعه تلقی گردیده، چنانچه ایران نیز هرگز از این امر مستثنی نبوده است. تقریباً این از اواسط دوران ناصری است که مهاجرت جوانان ایرانی به اروپا برای تحصیل علم آغاز می‌گردد. روندی که تا سال‌ها بعد با نوسانات متفاوت ادامه می‌یابد. در قریب به نیم‌قرن گذشته، سال‌های ابتدایی دهه ۸۰ میلادی بیشترین و سال‌های پایانی دهه ۹۰ کمترین تعداد دانشجویان

اما امثال آن صاحبان قدرت را اغلب از آن شور و شعور جوانی یا به وعده‌های نهانی کشانده یا محتوم به سرنوشتی تلخ نموده چنان‌که آن مقدمه زیبا را مؤخره‌ای نامیمون پدیدار گشته است. این مضمون، به‌وضوح در سال‌های دهه ۲۰ و سال‌های ابتدایی پس از انقلاب ۵۷ دیده می‌شود. فوجی از جوانان تحصیل‌کرده، آزادی‌خواه، مستعد و با ریشه‌های مذهبی به دنبال رویای توسعه و آبادانی، پای به میهن گذاشته و از طرق مختلف به عرصه قدرت ورود می‌کنند. دریغ آن‌که اغلب تحصیل‌کردگان فرنگ، روسفید از امتحان تاریخ عبور نکرده‌اند.

ارائه راهکار برای برون‌رفت از این بحران ملی امری است که نیازمند ماه‌ها مطالعه و تدقیق در ریشه‌یابی هر یک از عوامل اثرگذار بر مهاجرت نخبگان و چرایی عدم بازگشت آن‌ها به میهن است. اتفاقی که هر از چندی سخن از آن به میان آمده، همایش‌ها برگزار شده و ستادها تشکیل شده اما هرگز اثربخشی جدی نداشته است. شاید آنچه در گام نخست نیاز است، تعریف صحیح مسئله و در گام بعد عزم جدی برای حل آن است. تهدیدی که از آن به‌عنوان بدبینی‌های دوسویه یاد شد می‌تواند با تدبیر از سوی مدیران به فرصتی بزرگ برای ایران تبدیل گردد. آنچه در این بین می‌تواند به‌خوبی اطمینان از دست‌رفته را بازیابی نماید وجود برنامه‌ریزی دقیق و منسجم از سوی دولت‌مردان برای جذب این سرمایه عظیم انسانی است. تشکیل کارگروه‌هایی با حضور نمایندگان از دولت و تحصیل‌کردگان خارج از ایران به منظور رفع موانع و تسهیل امور جذب این نیروها، توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان، ارتقای ارتباط صنعت و دانشگاه، ایجاد کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه، تحمل نقد سازنده در تمام لایه‌های حکومتی و لزوم شایسته‌سالاری از جمله مواردی است که می‌بایست از حوزه سخن خارج شده و جامه‌ی عمل بدان پوشانده شود. جلوگیری از تکرار تلخ تاریخ نیز با حسن تدبیر میسر خواهد بود. ایجاد سازوکارهای شفافیت‌سازی در زیر لایه‌های مدیریتی و اجرایی، حذف ادبیات خودی و غیرخودی و ارتقای سیستماتیک سلامت اداری بخشی از راهکارهایی است که نه‌تنها با ورود جوانان پرشور و متعهد به سیستم اجرایی کشور به‌خودی‌خود ارتقا می‌یابد بلکه باعث امیدواری و شکوفایی این نسل از نخبگان و جلوگیری از شکل‌گیری جریان‌های انحرافی در آینده می‌گردد. درنهایت نیز نگاهی پدران به فرزندان وطن همان یافتن حلقه مفقوده و ساختن زنجیره‌ای مستحکم است. بسیاری از نسل جوان خارج از کشور به حقیقت ایران را عاشقانه دوست داشته‌اند. در بازار ذهن بسیاری از آن‌ها به‌جز ارتقای وطن، متاع دیگری یافت نمی‌شود. از همین روی و با در نظرگیری سیل عظیم نخبگان ایرانی که در طی سال‌های گذشته از کشور خارج شده است، آنچه در این دوره ضروری است، لزوم توجه به این سرمایه‌ی انسانی گهربار است. فرصتی که اگر در این مقطع تاریخی بدان توجه کافی نگردد، شاید برای همیشه تهدید باقی بماند.

**بسیاری از استعداد‌های ایرانی نه برای تجربه زندگی غربی و پست‌مدرن بلکه به دنبال یافتن فرصتی در شأن استعدادها و توانایی‌های خود از ایران خارج شده‌اند. با وجود تمام تنگ نظری‌ها دین به وطن همچنان در جای‌جای زندگی این بخش از نخبگان نسل حاضر به شایستگی دیده می‌شود.**

**حلقه مفقوده شکل‌گیری زنجیره مستحکم برای بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان و متخصصان ایرانی خارج از کشور را باید در عواملی همچون بی‌اعتمادی به وعده‌ها و بدبینی تاریخی نسبت به افراد بازگشتی و تجربه منفی گذشتگان از بازگشت به کشور جست و جو کرد.**

این بخش از نخبگان نسل حاضر به شایستگی دیده می‌شود. بسیاری از این افراد - از جمله نویسنده این سطور - در سراسر دوران تحصیلی از خدمات آموزشی رایگان در بالاترین سطوح بهره برده‌اند. در برخورد نزدیک با بخش عظیمی از این نیروی جوان و فعال، قدرشناسی را می‌توان به‌عنوان جوهره‌ی ثابت شخصیتی آنان یافت نمود چنان‌که بسیاری از این جمع حاذق و توانا مترصد فرصتی برای خدمت خالصانه به ایران هستند. حلقه مفقوده اما درست در همین نقطه احساس می‌شود. پی بردن به آن‌که چرا اشارات گاه و بیگاه

مسئولین امر به جذب نیروی جوان متخصص از یک‌سوی، و علاقه بخش وسیعی از جوانان مستعد خارج نشین در خدمت به وطن از سوی دیگر، کمتر به شکل‌گیری زنجیره‌ای مستحکم ختم می‌شود. نخست، این حلقه مفقوده را می‌توان از منظر نخبگان خارج نشین جستجو نمود. جوانانی با استعداد اما بی‌اطمینان به وعده‌ها. گزاف نیست چنانچه ادعا شود این جوانان به نهالانی می‌مانند که در پاییزی سرد در خاک ایران کاشته شده و در زمستانی غمناک به خون شهیدان داشته شده‌اند تا به بهار، مام وطن را از شکوفه‌های خود سرمست کنند. بیمناکی این نسل از نخبگان اما از جایی آغاز می‌گردد که چون زمان آن رسد که این درختان جوان به بار نشسته و وطن را به پاس خدمات بی‌مزد و منتش، میوه‌ای دهند، باغبانی دلسوز یافت نمی‌شود. شاید حتی بتوان واژه بیمناکی را با واژگان سرد بدبینی و بی‌اعتمادی جایگزین نمود. بسیاری از این نسل نه برای تجربه زندگی غربی و پست‌مدرن بلکه به دنبال یافتن فرصتی در شأن استعدادها و توانایی‌های خود از ایران خارج شده‌اند. در دولت‌های اخیر، هم‌زمان با اوج‌گیری تورم و شدت گرفتن بیکاری، دانشگاه‌ها نیز شاهد فضای بسته سیاسی‌ای هستند که علی‌رغم تأکید مقامات ارشد نظام بر لزوم شکل‌گیری کرسی‌های آزاداندیشی، اجازه حضور به هیچ نگاه منتقدی داده نمی‌شود. ارجح بودن حداقل رابطه بر برترین مدارج تحصیلی، پیش‌قراولی تملق در برابر حقیقت‌گویی و حقیقت‌طلبی، تفتیش بی‌دلیل عقاید و سبک زندگی و نهایتاً عنان‌داری تهمت‌ها و پرونده‌سازی‌های سنگین در چالش‌های مدیریتی است که بسیاری از نخبگان دانشگاهی را به فکر دوری از وطن می‌کشاند.

دوم، این حلقه مفقوده را می‌توان از منظر بدبینی‌ای تاریخی به جامعه تحصیل‌کرده خارج از کشور جستجو کرد. در طول تاریخ، سیاستمداران و روشنفکران آموزش‌دیده در غرب گرچه زمانی در مرکز توجه جامعه قرار گرفته‌اند که بر مسند قدرت و شوکت تکیه زده‌اند، لکن خاستگاه اجتماعی بسیاری از آن‌ها طبقات معمول و چه‌بسا محروم جامعه بوده است. چه بسیار از این صاحبان قدرت که در عنفوان جوانی، در اوج بینامی و زمانی که هنوز بر اسب سرکش قدرت ننشسته‌اند، سری پرشور و دلی پردرد داشته و غایت آمال خود را در ایرانی آباد دیده‌اند. سیاه‌چاله‌ای عظیم

## حاکمیت و لزوم مواجهه با واقعیت در حل مسئله مهاجرت نخبگان

ایران کشوری مهاجریزیر و مهاجر فرست محسوب می‌شود اما وجودنداشتن برنامه مدون مهاجرتی طی چهل سال گذشته موجب شده است که ایران نتواند برخلاف بسیاری از کشورهای مهاجریزیر و مهاجر فرست دنیا از جریان‌های مهاجرتی کشور در راستای برنامه‌های توسعه‌ای خود بهره گیرد. درواقع بلاتکلیفی و ناآگاهی نسبت به مزایا و معایب جریان‌های مهاجرتی به / از کشور موجب از دست رفتن تمام منافع شده است که پدیده مهاجرت می‌توانست برای کشور در پی داشته باشد. با این دغدغه به سراغ دکتر فرشاد مؤمنی رفتیم و نظر او را در مورد مهم‌ترین مسائل مهاجرتی کشور همچون مهاجرت سرمایه‌های انسانی از کشور، عدم توجه جدی به مسئله مهاجرت در سطح حکمرانی کشور و دلایل وجودنداشتن انسجام بین برنامه‌های مهاجرتی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور جویا شدیم:



مصاحبه با دکتر فرشاد مؤمنی

استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی





چون یکی از دلایل ناپایداری نظام‌وار حکومت‌ها در ایران، فقدان همین آمادگی و گستاخی برای روبه‌رو شدن با واقعیت \_ آن‌گونه که وجود دارند. بنابراین این سالنامه، به نوعی یک خدمت به کشور و حاکمیت هم محسوب می‌شود و امیدوارم فهم آن و قدردانی از آن را نیز شاهد باشیم.

اما در خصوص این که پدیده «تمایل به نسبت فراگیر در میان دانش‌آموختگان کشور به خروج از ایران»، از منظر اقتصاد سیاسی چگونه تحلیل می‌شود، نیازمند مقدمات و کار جدی است که به بخشی از آن اشاره می‌کنم:

به نظر من بخش کوچکی از این دانشجویان به انگیزه اعتلا بخشی به خود و سپس بازگشت به کشور، مهاجرت می‌کنند. بخش قابل‌توجه و گسترده‌ای از آن‌ها در یک بازی چند سر باخت برای حکومت، جامعه و آینده کشور، معمولاً با نوعی دل‌چرکینی موجه یا غیرموجه و تمایل نداشتن به بازگشت، از کشور خارج می‌شوند.

نکته مهم در این باره این است که گرچه جامعه ایران در حال حاضر فقر گسترده‌ای را تجربه می‌کند، اما این قشر از دانشجویان و تحصیل‌کردگان معمولاً واجد چنین ویژگی لاقبل به صورت حاد نیستند. می‌توان گفت که دل‌چرکینی‌های این افراد عموماً به اداره ناعادلانه کشور و تنظیم ناعادلانه مناسبات با منطق شایستگی‌ها است. بنابراین باید گفت که این دل‌چرکینی‌ها باید موضوع شناسایی قرار بگیرد. اگر هم از میان همین افراد، کسانی به کشور بازگردند، با فقدان نظام پاداش‌دهی مناسب مواجه خواهند شد و این امر آن‌ها را سرخورده‌تر

## ● ریشه مهاجرت دانشجویان و تحصیل‌کردگان از کشور از منظر اقتصاد سیاسی چیست؟

برای مقدمه و پیش از ورود به بحث، خوب است که از تمام کسانی که برای انتشار سالنامه مهاجرتی ایران تلاش کردند، تشکر کنم. چراکه به نظر من سالنامه مهاجرتی امکان مشاهده این پدیده را برای دغدغه‌مندان توسعه ملی در ایران، به شکلی روشن‌تر فراهم می‌کند. یقیناً وقتی نهادی با این هدف شکل می‌گیرد، کوشش پژوهشگران زیادی را باید ببینیم که با چه دشواری‌هایی به اصطلاح خون‌دل خورده‌اند که کاری با این کیفیت، به سطوحی از باروری برسد. درعین حال که محدودیت‌ها و معذوریت‌های چنین کار ارزشمندی را درک می‌کنم، ولی نفس وجود این اثر گران‌قدر و انتشار سالانه این گزارش را باید از دریچه مصالح توسعه ملی، سنجید و قدردان بود.

در خصوص این پرسش که از منظر اقتصاد سیاسی مطرح کردید، باید به این نکته تأکید کرد که اقتصاد سیاسی ایران به معنای دقیق کلمه، یک اقتصاد سیاسی رانتی است؛ از این‌رو باید اساس تداوم و بقای مناسبات رانتی را هم در دست‌کاری واقعیت یا پنهان‌سازی واقعیت‌های کلیدی جستجو کرد. دقیقاً از دریچه همین نکته است که شکل‌گیری چنین نهادی و انتشار چنین گزارش‌هایی، از نظر من به‌مثابه تاباندن نوری روشنی‌بخش، به حیطة‌ای بسیار سرنوشت‌ساز و حیاتی است. حکومت باید با آزاد گذاشتن دست اندیشمندان در مسیر اعتلای کشور تلاش کند؛ درواقع دولت به معنی حکومت، باید تمرین و امکان جسارت برای دیدن واقعیت‌ها را در ساختار درونی خودش ایجاد کند.



دانش آموخته، یک خالص درآمدی دو تا سه میلیون دلاری به دست می‌آورند.

اما این نکته به آن معنی نیست که بخواهیم در چارچوب مناسبات کنونی ساختار نهادی ایران، حکم کلی برای این افراد صادر کنیم یا حتی میانگینی از آن هزینه فرصت ازدست‌رفته را به تصویر بکشیم. ما اجمالاً می‌فهمیم که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اقتصادهای توسعه‌نیافته، این است که ظرفیت‌های بلااستفاده انسانی و مادی آن‌ها از حدود متعارف فراتر است و تنها کسانی

می‌توانند این ظرفیت‌ها را بالفعل کنند که به سطوحی از دانایی و توانایی دست یافته باشند. و نکته مهم این است که بخش قابل‌اعتنایی از کسانی که از ایران با ویژگی دانش‌آموختگی خارج می‌شوند و بالقوه یا بالفعل واجد آن اوصاف محسوب می‌شوند. اصلاً تضمینی نیست که اگر بمانند به شکل بایسته و کارآمد به کار گرفته شوند. بنابراین من در واقع نمی‌توانم به شکار عدد و رقم مشخصی دست یابم، گرچه می‌توان در حیطه‌هایی کار کرد و به عدد و رقم‌هایی رسید، اما فعلاً من نمی‌توانم برای آن پاسخی داشته باشم.

### ● به نظر شما چرا اهمیت خروج مهم‌ترین سرمایه‌های انسانی از کشور در سطح حاکمیت نادیده گرفته می‌شود؟

به چند صورت می‌توان به این پرسش پاسخ داد. نکته اول این است که حکومت‌گران ما هرگز نشده است که دست‌کم در مقام شعار مدعی شوند که امور مطلوب و خوب را نمی‌خواهند. آن‌ها همواره شعار می‌دهند که در پی این امور مهم و اساسی هستند، اما به‌زعم من حکومت‌گران گرمی، آمادگی تن در دادن به لوازم در اختیار گرفتن آن چیزهای خوبی که می‌خواهند را هم تاکنون از خودشان نشان نداده‌اند. و مهم‌ترین کاری که می‌توان کرد، گوش‌زد کردن به سیاست‌گذار و حکومتگر است که برای رسیدن به چیزهایی که مطلوب می‌پنداری، لوازم دست یافتن به آن‌ها را هم در نظر بگیر و رعایت کن!

نکته مهم دیگر در این مسئله، توجه به این امور بدون میل شخصی و بررسی آن با مناسبات شخصی است. برای مثال در «خاطرات محمد یگانه» آمده است: «من زمانی در صندوق بین‌المللی پول منصبی داشتم. به خاطر دارم که وقتی در آن دوران، شاه به نیویورک می‌آمد و با نخبگان آنجا صحبت می‌کرد، شخصاً به من گفت که به ایران بیا و در کشورت مفید باش» و به او پاسخ دادم که حاکمان ایران نسبت به ما «خوش استقبال و بد بدرقه‌اند». در ادامه این کتاب وقتی که «یگانه» با تضمین شخص شاه به ایران بازمی‌گردد و مسئول سازمان برنامه‌بودجه کشور می‌شود. در بخشی از کتاب درباره هنگامی که ایران دچار شوک نفتی شده است، بیان می‌شود که شاه به محمد یگانه می‌گوید میزان شکایت‌ها از تو به‌واسطه محدود سازی بخشی از امور مورد نظر رانت‌جویان، بسیار بالاست و دفاع از تو از عهده من هم خارج است. هدفم از این روایت کوتاه این است که اتفاقاً این نگاه شخصی و فردی به مسائل بنیادین از سوی حکومت‌گران ما سابقه طولانی دارد.

امروز هم که دانش‌آموختگان ما از ایران می‌روند، تنها کاری که می‌توانیم بکنیم آن است که «بد بدرقه» نباشیم. چراکه اگر نمی‌توانیم منزلت، امنیت و رفاه آن‌ها را فراهم کنیم، دست‌کم می‌توانیم کاری کنیم که این‌ها با دل‌چرکینی از وطنشان نروند. اگر هم دل‌چرکینی می‌روند،

### گرچه جامعه ایران در حال حاضر فقر گسترده‌ای را تجربه می‌کند، اما این قشر از دانشجویان و تحصیل‌کردگان معمولاً واجد چنین ویژگی نیستند. می‌توان گفت که دل‌چرکینی‌های این افراد عموماً به اداره ناعادلانه کشور و تنظیم ناعادلانه مناسبات با منطق شایستگی‌ها است.

و مایوس‌تر می‌کند. با این تفاسیر به نظر می‌رسد حکومت‌گران ایرانی در این زمینه جز موارد استثنا همواره بازنده اصلی این میدان بوده‌اند.

طنز تلخ اما آنجاست که این نیروهای باکیفیت، پس از مهاجرت عموماً تقدیم به کسانی می‌شوند که در تبلیغات رسمی به‌عنوان نظام سلطه و استکبار جهانی تلقی می‌شوند و با این نوع ادبیات، خطاب می‌شوند. بنابراین لزوم آگاهی‌بخشی به حکومت‌گران کشور از این جهت اهمیت دارد که برای مثال کشوری انسان‌های باکیفیتی در وضعیتی که همان کشور به چنین افرادی بسیار نیازمند است، تربیت می‌کند و رایگان در اختیار دیگران قرار می‌دهد؛ وضعیتی که مصداق ضرب‌المثل «یکی بر سر شاخ، بن می‌برید».

حدود بیست سال پیش، کتابی می‌خواندم با عنوان «قرن آسیا» که برخی از پیش‌بینی‌های مهم درباره قرن بیست‌ویکم نوشته شده بود. برخی از آن پیش‌بینی‌ها درباره انتقال قدرت و ثروت از اروپای غربی و شمال آمریکا در قرن بیست و یکم به عمدتاً کشورهای شرق آسیا بوده است. در واقع نویسنده این کتاب، تلاش داشت که به ویژه از پدیده قدرت‌گیری شگرف چین، رمزگشایی کند.

این کتاب از این جهت مهم است که بخش اعظم مهاجرت‌کنندگان از چین در دوران «مائو» و در دوران «دنگ شیائوپینگ»، با یک ویژگی مشترک دل‌چرکینی شدید از حکومت، از چین خارج شدند. اما آموزش‌ها و مناسباتشان در چین، گونه‌ای بوده است که آن مهاجران میان وطن، آینده و مردم چین با نارضایتی‌شان از حکومت قادر به تفکیک بودند. علاوه بر این، نویسنده بیان می‌کند که حرکت‌هایی که از دوران «مائو» شروع شد و در دوران «دنگ شیائوپینگ» شدت گرفت، در دوران بیست‌ساله منتهی به عضویت در سازمان تجارت جهانی و «گات» شد؛ یعنی در طی کمتر از دو دهه، توانستند صادراتشان را به بیش از هشتاد برابر برسانند. پیشرفت در صادراتی که با شبکه چینی‌تبارهای ساکن در کشورهای دنیا برایشان میسر شد؛ آن‌ها به قطب متقاضی محصولات ولو کم‌کیفیت‌تر و گران‌تر چینی تبدیل شده بودند. ما برای آموختن از چنین آموزه‌های عملیاتی باید از این تصویر سیاه و سفید نسبت به نخبگان کشورمان و البته سایر کشورهای جهان که یا با ما هستند یا بر ما، رها شویم.

این پرسش شما در بنیادی‌ترین شکلش، یک پرسش تأکیدی است. بدیهی است که با این فهم از توسعه که معتقد است انسان هدف برنامه‌های توسعه، مهم‌ترین ابزار تحقق آن برنامه‌ها تعریف می‌شود. باید سازوکارهایی تعریف کرد که این نوع مهاجرت‌ها، به ضرر کشور تمام نشود.

### ● به نظر شما مهم‌ترین اثر خروج نخبگان از کشور چیست؟ آیا برآوردی از ضرر و زیان ناشی از خروج هر فرد تحصیل‌کرده از کشور وجود دارد؟

اگر نخواهیم دچار اظهار نظرهای احساسی شویم، باید بگویم که پاسخ به این پرسش، بسیار دشوار است؛ چراکه واقعاً پاسخ آن نیازمند یک مطالعه دقیق و همه‌جانبه است. ما در علم اقتصاد مفهومی داریم به نام «هزینه فرصت ازدست‌رفته»؛ در این باره، کشورهای پذیرنده این مهاجران تحصیل‌کرده بیان داشتند که ازای هر نیروی انسانی

مثال دیوان محاسبات کشور می‌گوید: فقط از کانال بودجه، خلاف‌هایی سالانه حدود ۲۵۰۰ مورد اتفاق می‌افتد، مشخص است که چه وضعیتی است. با توجه به اینکه ما طی سالیان گذشته برنامه مدونی برای بهره‌گیری از ظرفیت مهاجران در کشورمان نداشته‌ایم بنابراین طبیعی است که طی این سال‌ها نتوانسته باشیم از ظرفیت مهاجران در راستای سیاست‌های اقتصادی، اشتغال و بازار کار کشورمان بهره گرفته باشیم. در خصوص مهاجران افغانستانی، شخصاً با تعدادی از چهره‌های بسیار فرهیخته و صاحب صلاحیتی از افغانستانی‌ها، همکار و هم‌نشین بودم و می‌توانم بگویم که ما آن‌ها را در زمینه‌هایی گماردیم که نسبت بسیار ناچیزی با ظرفیت و توانمندی این افراد دارد. این همان کاری است که ما در سرزمینمان با نیروهای انسانی بومی انجام می‌دهیم.

### ● تحولات اقتصادی در سطح جهانی، منطقه‌ای و خود کشور چه تأثیری بر روندهای مهاجرتی از/ به کشور دارد؟

از این فرصت استفاده می‌کنم و همه مخاطبان این مصاحبه را به گزارش‌های امنیت دفاعی و گزارش امنیت تجاری آمریکا طی ده ساله گذشته دعوت می‌کنم.

اکنون مجال آن نیست که نتیجه یافته‌های خودم را با جزئیات مطرح کنم. اما لازم است بگویم که به اعتبار یک دگرگونی استراتژیک راهبردی در جهت‌گیری‌های بین‌المللی آمریکا و به تبع آن در اروپای غربی و شرق آسیا، ما منطقه‌ای با چشم‌انداز پرتلاطم را پیش رو داریم و در این تلاطم‌ها آن چیزی که حیاتی است، قدرت انعطاف نظام‌های ملی برای نشان دادن واکنش‌های مساعد و به‌موقع با این شوک‌ها و تغییرهای ناگهانی است..

قابلیت تاریخی ایران، در این زمینه تأسّف‌بار و غم‌انگیز بوده و به شرحی که اشاره کردم، ما به دلیل اینکه آن قدرت انعطاف را نداریم، فرصت‌ها را به تهدید تبدیل می‌کنیم، چه برسد به آنکه پیش‌دستانه از تهدیدها، فرصتی بسازیم.

در سال ۱۹۹۹، شورای روابط خارجی آمریکا مأموریتی به موسسه «Rand» محول کرد با این موضوع که گفته مؤلفه‌های اصلی قدرت ملی، در اثر انقلاب دانایی در حال دگرگونی است. از موسسه رند خواسته شده بود که اصول جدیدی متناسب با اقتضائات زمانه طراحی کند تا آمریکا بتواند قدرت‌های رقیب را به‌خوبی دیده‌بانی و پایش کند. در آن گزارش از ۱۶۴ شاخص، به‌عنوان ارکان قدرت ملی در عصر دانایی یاد شده بود. پس از تجمیع و تلخیص داده‌های کلی، از رکن رکن قدرت ملی و قدرت انعطاف نظام ملی برای نشان دادن واکنش‌های مساعد و به‌موقع به شوک‌های داخلی و بیرونی نام برده شد.

آن شاخص یکتا، رابطه حکومت با مردم است. به نظر من وظیفه ماست که به شکل عالمانه راه برای نزدیکی مردم و جامعه ایجاد کنیم. چراکه در صورت بی‌توجهی ما، هزینه فرصت این مسئله روز به روز بالاتر خواهد رفت. بنابراین با توجه به اینکه کشور ما در یک منطقه پرتنش واقع شده و در برابر تحولات جهانی از انعطاف بالایی برخوردار نیست و همچنین با توجه به کیفیت رابطه حاکمیت با مردم که طی سالیان گذشته آسیب‌های جدی به آن وارد شده است، بنابراین من گمان می‌کنم که در صورت ادامه شرایط موجود جریان‌های مهاجرتی از / به کشور همچنان قوی و پایدار خواهند ماند.

حداقل با کارهای بعدی‌مان آن‌ها را دچار سرخوردگی و موجب عبرت‌آموزی دیگران نشویم.

راه‌حل مهم از نظر من، گزارش‌های مکتوب از سوی اندیشمندان است تا با کمک به برقرار سازی امکان گفتگوی شرافتمندانه، آزادمنشانه برای آبادانی کشور تلاش کنیم.

### ● با توجه به اینکه ما تاکنون نتوانستیم از ظرفیت‌های اقتصادی مهاجرت در راستای منافع ملی خودمان استفاده کنیم، پیشنهاد و راهکار شما در این زمینه چیست؟ (پدیده مهاجرت ظرفیت‌های اقتصادی زیادی را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی فعال می‌کند. چگونه از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم)

نکته لطیف این بخش آن است که در بحث‌های مرتبط با سهم جذب سرمایه خارجی، ما علاوه بر سرمایه فیزیکی با سرمایه انسانی مواجهیم. به‌صراحت عرض می‌کنم که هیچ کشوری قادر به جذب کارآمد سرمایه‌های انسانی و مادی بیرونی نیست، جز اینکه ابتدا صلاحیت و شایستگی خود را برای کار بست سرمایه‌های انسانی و مادی از خود نشان دهد. زمانی که ما نتوانیم کسی را با علقه‌های زیادی که به این کشور دارد، حفظ کنیم، جذب با حفظ سرمایه‌های خارجی هم به طریق اولی ممکن نیست.

برای عمیق شدن در این مسئله، خوب است که به کتاب «نظام ملی اقتصاد سیاسی» نوشته «فردیک لیست»، یکی از بنیان‌گذاران مکتب تاریخی آلمان اشاره کنیم. درباره اهمیت این کتاب باید گفت که عموماً اقتصاددان‌های توسعه‌گرا باور دارند که از زمان نگارش این کتاب تا امروز، هیچ تجربه موفقی در زمینه توسعه اتفاق نیفتاده جز اینکه اصول، مبانی و جهت‌گیری‌هایش در چارچوب رهنمودهای این کتاب بوده باشد.

یکی از سؤال‌های مهم آن کتاب این بود که «چرا انگلستان در جذب سرمایه‌های انسانی در قرن نوزدهم موفق است؟». پاسخ این سوال این بود که سفرای انگلستان محدودیت تدارکاتی و مالی برای جذب افراد مستعد و با استعداد نداشتند. درواقع آن سفیرها موظف بودند تا بیشترین زمانشان را در شناسایی افراد باکیفیت صرف کنند. نکته مهم آن است که توسعه، نوعی لوازم نرم‌افزاری مانند ایجاد امنیت و اعتماد نیاز دارد و کسانی که قصد به دست یافتن آن را دارند، باید به میزان اهمیت آن تلاش کنند.

### ● همان‌طور که می‌دانید از بعد از انقلاب مهاجران افغانستانی زیادی در ایران زندگی می‌کنند. به نظر شما حضور این مهاجران چه تأثیری بر سطح دستمزد، اشتغال و به‌طور کلی اقتصاد ایران داشته است؟ چه راهکارهایی برای ادغام اقتصادی این مهاجران در بازار کار ایران وجود دارد؟

اصطلاحی در اقتصاد سیاسی توسعه وجود دارد و آن هم این است که برای کشتی‌بانی که فرمان کشتی‌اش هرز شده باشد، هیچ بادی، باد موافق تلقی نمی‌شود. این پرسش شما را اگر برای کشوری که برنامه مدون، پایبندی عملی به سند چشم‌انداز، اراده کافی و سازمان مناسب دارد، در نظر بگیریم، می‌توان پاسخ مطلوبی داد. اما اگر شرایطی مثل شرایط کنونی ما، که برای

بخش قابل‌توجه و گسترده‌ای از  
نخبگان و متخصصان در یک بازی چند  
سرباخت برای حکومت، جامعه و آینده  
کشور، معمولاً با نوعی دل‌چرکینی موجه یا  
غیرموجه و تمایل نداشتن به بازگشت، از  
کشور خارج می‌شوند.



# مهاجرت‌های اقلیمی و چالش‌های حکمرانی

تا سال ۲۰۵۰، بیش از ۲۰۰ میلیون نفر در اثر تغییرات اقلیمی در جهان مجبور به مهاجرت خواهند شد



رقیه صمدی

پژوهشگر رصدخانه مهاجرت ایران



شکندنده کنونی را تشدید کرده و منجر به بروز جنگ و درگیری بر اثر تضعیف منابع شوند. طبق آخرین گزارش مرکز پایش آوارگی داخلی (IDMC) در سال ۲۰۱۹، مخاطرات طبیعی بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ در مجموع سه برابر بیشتر از جنگ و خشونت باعث آوارگی مردم در جهان شده است. انتظار می‌رود با ادامه روند تغییرات اقلیمی تعداد آوارگان ناشی از مخاطرات طبیعی افزایش یابد. چنانچه بانک جهانی تخمین زده است تا سال ۲۰۵۰، بیش از ۲۰۰ میلیون نفر در اثر تغییرات اقلیمی در جهان مجبور به مهاجرت خواهند شد. به گزارش دفتر کاهش خطر سازمان ملل متحد (UNDRR) در

علی‌رغم کمبود آمار دقیق در زمینه آوارگی‌های ناشی از تغییرات اقلیمی، اکنون تردیدی وجود ندارد که مناطقی از زمین به دلیل عواملی مانند تغییر اقلیم، از بین رفتن زمین‌های کشاورزی، بیابان‌زایی و آلودگی آب‌ها، غیرقابل سکونت شده‌اند. مرکز نظارت و پایش آوارگی‌های داخلی (IDMC) تخمین می‌زند که سالیانه بیش از ۲۵ میلیون نفر به دلایل بلایای طبیعی مجبور به جابجایی می‌شوند. دانشمندان اظهار می‌کنند که خطرات جوی پیوسته، همچنان به افزایش آوارگی‌های اجباری در آینده ادامه خواهند داد. اثرات تغییرات اقلیمی و بلایای طبیعی می‌توانند وضعیت‌های

"مهاجر محیط زیستی"، "پناهنده یا آواره محیط زیستی" وجود ندارد. کنوانسیون ۱۹۵۱ سازمان ملل و پروتکل ۱۹۶۷ در مورد وضعیت پناهندگان به خوبی تثبیت شده است، اما در خصوص افرادی که تحت تأثیر عوامل محیطی هستند، اصول حفاظتی و حمایتی ارائه نشده است و اصطلاح "پناهنده محیط زیستی" یا "پناهنده اقلیمی" اغلب توسط رسانه‌ها استفاده می‌شود. سازمان‌هایی مانند کمیساریا، سازمان بین‌المللی مهاجرت، دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل (OCHA) و سایر نهادها، بکار بردن

اصطلاح "پناهنده" در رابطه با عوامل استرس‌زای محیط زیستی را نادرست می‌دانند. کمیساریا استدلال می‌کند که اصطلاح "پناهنده" در حقوق بین‌الملل به اشخاصی اطلاق می‌شود که به دلیل ترس از آزار و اذیت در زمینه‌های مشخص یا به دلیل خشونت عمومی از محل زندگی خود فرار می‌کنند و یا نمی‌توانند به کشورهای خود برگردند.

سازمان بین‌المللی مهاجرت در سال ۲۰۱۱، مفهوم "مهاجر محیط زیستی" را این‌گونه تعریف کرده است: "مهاجران محیط زیستی، اشخاص یا گروه‌هایی از افراد هستند که عمدتاً به دلایل تغییر ناگهانی یا پیش‌رونده محیط زیست که بر شرایط زندگی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، موظف به ترک مکان زندگی خود هستند، این افراد مکان زندگی خود را به صورت موقت یا دائم ترک کرده و در داخل یا خارج از کشور جابجا شوند".

سازمان بین‌المللی مهاجرت، کمیساریای عالی ملل متحد در امور پناهندگان و دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل متحد در حال حاضر انواع مختلفی از مهاجران انسانی، از کمک به پناهندگان گرفته تا مهاجران اقتصادی و آسیب دیدگان ناشی از بلایای طبیعی را مدیریت می‌کنند. این ساختارها در طول زمان با شناسایی عوامل محرک مهاجرت، گسترش یافته‌اند. افزودن گروه دیگری از مهاجران در چارچوب وظایف این سازمان‌ها به عنوان امری طبیعی تلقی می‌شود. با این وجود، یک مانع عمده برای افزودن مهاجران یا آوارگان ناشی از تغییرات اقلیمی به سیستم‌های حکومتی کنونی تعیین این نکته است که چه کسی مسئول این دسته از مهاجران است.

به طور کلی نهادینه کردن همکاری‌های بین‌المللی در مورد مهاجرت‌های بین‌المللی و به ویژه مهاجرت محیط زیستی به این امر بستگی دارد که چگونه این پدیده می‌تواند به عنوان یک مفهوم مجزا و مستقل در قوانین و سیاست‌ها و تعریف شود. در حال حاضر فرصت‌ها و چالش‌های سیستم‌های حکمرانی این است که سیاست‌ها و اقداماتی اتخاذ کنند تا مهاجرت و تغییرات محیطی را به صورت انعطاف‌پذیر مدیریت کنند. از جمله: بهبود آموزش در راستای دسترسی به معیشت جایگزین در جوامع متأثر از تغییرات محیطی. در این راستا، سازمان بین‌المللی مهاجرت به منظور مقابله با

**مرکز نظارت و پایش آوارگی‌های داخلی (IDMC) تخمین می‌زند که سالیانه بیش از ۲۵ میلیون نفر به دلایل بلایای طبیعی مجبور به جابجایی می‌شوند. به گزارش این مرکز، مخاطرات طبیعی بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ در مجموع سه برابر بیشتر از جنگ و خشونت باعث آوارگی مردم در جهان شده است.**

سال ۲۰۱۹، وقوع بلایای طبیعی ناگهانی به طور متوسط سالیانه ۲۵ میلیون نفر را آواره می‌کند. این به آن معنی است که تقریباً در هر ثانیه یک نفر مجبور به فرار از خانه خود می‌شود. اگر آوارگی‌های ناشی از بلایای تدریجی مانند خشکسالی نیز به این آمارها افزوده شود، آمار جهانی آوارگی‌های ناشی از بلایای طبیعی به میزان قابل توجهی افزایش خواهد یافت. بسیاری از سوالات اصلی مربوط به مهاجرت‌های اقلیمی وجود دارد که در حال حاضر مورد بحث قرار گرفته است. این سوالات عبارتند از: چه اصطلاحاتی

برای شناسایی افرادی که به دلیل عوامل محیط زیستی و اقلیمی مجبور به مهاجرت شده‌اند و یا تصمیم به مهاجرت دارند، مناسب‌تر است؟ چه چارچوب‌ها و راه‌حل‌های قانونی در حال حاضر موجود است یا بایستی در رابطه با دسته بندی افراد تحت تأثیر تغییرات اقلیمی مشخص شود، توسعه یابد؟ چه پاسخ‌های برنامه‌های را باید تهیه کرد و توسط چه کسانی بایستی ارائه شود؟ پاسخ به این سوالات تا حد زیادی نیاز به تعریف بهتری از حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی دارد. این امر شامل تصمیم‌گیری درباره قوانین، سیاست‌ها و شیوه‌های ملی است که مطابق با تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر، امکان مدیریت ایمن و موثر مهاجرت‌های اقلیمی را فراهم می‌آورد.

حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی و محیط زیستی، به بررسی روابط مهاجرت، تغییر اقلیم و مدیریت مهاجرت‌های اقلیمی اشاره دارد. به طور کلی، حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی و محیط زیستی در سطوح مختلف از سطح بین‌المللی گرفته تا سطوح منطقه‌ای و محلی از ضعف ساختاری برخوردار است. به عبارت دیگر حکمرانی مهاجرت‌های ناشی از تغییر اقلیم در حال حاضر در مرحله توسعه موقت بوده و علیرغم وجود مکانیسم‌های متعدد، فرایندها و نهادهای حاکمیتی، چارچوب حکمرانی منسجم و چند جانبه‌ای برای آن مشخص نشده است. طبقه بندی حقوقی و مفهومی این پدیده دشوار بوده و روند توسعه کندی دارد.

پایه اصلی اکثر تحقیقات در زمینه مهاجرت و جابجایی ناشی از اقلیم، از حوزه حقوق بین‌الملل حقوق بشر و حقوق پناهندگان برگرفته شده است. در این راستا هنجارهای قانونی بین‌المللی و حمایت‌ها می‌تواند به کسانی که نیاز به مهاجرت دارند یا در حال حاضر آواره شده‌اند کمک کند. با توجه به اینکه هیچ استاندارد حقوقی رسمی یا حتی مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای هدایت اقدامات در این پدیده وجود ندارد، تجزیه و تحلیل حقوقی این مساله بیشتر مستلزم اسناد حقوقی نرم بین‌المللی است. علمای حقوقی و غیر حقوقی به طور یکسان از زبان ناسازگار برای توصیف آنچه اتفاق می‌افتد استفاده می‌کنند. یکی از مفاهیم مبهم و چالش برانگیز در مباحث حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی، مفهوم "مهاجر، پناهنده و یا آواره اقلیمی" است. در حال حاضر هیچ موافقت بین‌المللی از مفهوم

**پیشبرد بحث‌های حساس سیاسی در مورد مهاجرت‌های اقلیمی در سطح کشورها و توجه به چگونگی ایفای نقش بازیگران غیردولتی از نکات قابل تاملی است که در ایجاد چارچوب حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی باید به آن توجه کرد.**

۶- مهاجرت به عنوان یک استراتژی سازگاری برای ایجاد معیشتی به دور از وابستگی‌های اقلیمی با ایجاد انگیزه‌های حساس و فراگیر یا "دور نگه داشتن" جمعیت از مناطق پر تنش اقلیمی، امکان پذیر می‌شود. در همین راستا، بانک جهانی چارچوب یک اقتصاد تاب‌آور و متنوع را پیشنهاد می‌کند که شامل تغییر فرصت‌های شغلی جایگزین، آموزش مهاجران بالقوه، یکپارچه‌سازی (به ویژه در مناطق شهری) و شناسایی بازار کار مقاوم در برابر تغییرات اقلیمی است.

در این میان، ملاحظه مهم، افزایش همکاری و گفت و گو در سطح کشورها برای آغاز و پیشبرد بحث‌های حساس سیاسی در موارد مهاجرت‌های اقلیمی بین المللی است که از مرزها عبور می‌کنند. همچنین باید در مورد چگونگی ایفای نقش بازیگران غیردولتی- از جمله سازمان‌های بین المللی، جامعه مدنی، بخش خصوصی، سازمان‌های غیر دولتی و خود جوامع مهاجر-در ایجاد چارچوب حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی، تامل کرد. در این زمینه، هم پیمان جهانی در مورد مهاجرت و هم اقداماتی که در مذاکرات اقلیمی انجام شده است، فرصت مهمی را برای دولت‌ها برای تبادل داده‌ها، دانش موجود و راه‌های احتمالی پیش رو ارائه می‌دهد. این امر به ویژه در شرایطی اهمیت دارد که منافع و دیدگاه دولت‌ها در مورد مهاجرت می‌تواند بسیار متفاوت باشد. این فضا برای ایجاد این تبادلات نه تنها در سطح جهان، بلکه از طریق مشورت‌ها و همکاری در سطح منطقه‌ای، ملی و زیرملی نیز وجود دارد. گرد هم آوردن کشورها و سایر ذینفعان برای بررسی، درک، مقایسه و تجزیه و تحلیل شیوه‌های موجود که مربوط به محیط زیست، تغییرات اقلیم و مهاجرت است،

یک فرصت کلیدی برای اطلاع رسانی فرایندهای مذاکره رسمی فراهم می‌آورد. علاوه بر این، این فرصت را برای شیوه‌های خوب سیاست‌های مهاجرتی، سیاست‌های اقلیمی و قوانین-که شامل نگرانی‌های مربوط به تغییر اقلیم و محیط زیست است-ارائه می‌دهد تا با توجه به مقیاس بندی و اجرا، شناسایی شوند.

پیشرفت در مذاکرات در مورد سیاست‌های اقلیمی و مهاجرت به کشورها این فرصت را می‌دهد که تعهدات عملی، ابزارهای قابل اجرا و چارچوب‌های پیگیری را پیشنهاد دهند. این امر به نوبه خود یک حرکت قدرتمند برای پیشبرد اقدامات در سطح ملی، به ویژه از طریق مشروعیت بخشیدن به دسترسی به منابع تأمین مالی در خصوص تغییر اقلیم و مهاجرت به منظور توسعه اقدامات برنامه‌ای در مقیاس بزرگ و در بازه زمانی بلند مدت برای پاسخگویی به چالش‌های مهاجرت اقلیمی محسوب می‌گردد.

### حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی و محیط زیستی در سطوح مختلف از سطح بین المللی گرفته تا سطوح منطقه‌ای و محلی از ضعف ساختاری برخوردار است. علیرغم وجود مکانیسم‌های متعدد، فرایندها و نهادهای حاکمیتی، چارچوب حکمرانی منسجم و چند جانبه‌ای برای آن مشخص نشده است.

اثرات تغییرات اقلیمی، چارچوب حکمرانی مهاجرت‌های اقلیمی را در قالب چند بند تدوین کرده است:

۱- یکپارچه‌سازی حرکات جمعیتی در مدیریت بحران بلایای طبیعی، برنامه‌ها و سیاست‌های انطباق ملی برای به حداقل رساندن مهاجرت اجباری و آوارگی. به عنوان مثال، کوبا استراتژی آمادگی اضطراری مؤثر در برابر بلایای طبیعی را با محوریت بسیج و آمادگی جامعه اجرا کرده است. بر اساس گزارش جهانی آوارگی داخلی سال ۲۰۱۸، طی طوفان ایرما، ۱/۷ میلیون نفر مکان زندگی خود را تخلیه کردند. این استراتژی نشان

می‌دهد که جابجایی‌ها همیشه نتیجه منفی ندارند بلکه می‌توانند منجر به کاهش میزان بلایا شوند.

۲- ترویج همکاری با همسایگان و سایر کشورهای ذی‌ربط برای آماده‌سازی برای هشدار زودهنگام، برنامه‌ریزی احتمالی، مکانیسم‌های هماهنگی، برنامه‌ریزی برای تخلیه سکونتگاه‌ها، مدیریت مرزها، پذیرش و کمک‌های لازم برای تسهیل مهاجرت ایمن و منظم و افزایش ظرفیت پاسخگویی به جابجایی‌های برون مرزی، بازگشت و ادغام مجدد.

۳- تدوین توافق‌نامه‌های مهاجرت دو جانبه و چندجانبه برای مشارکت مهاجران در فرصت‌های شغلی برای تأمین منابع مالی و انسانی کشورهای خود. از نمونه‌های این نوع توافق‌نامه‌ها می‌توان به تسهیل طرح‌های مهاجرت موقت کارگران واجد شرایط برای کمک به بازسازی محیط‌های پس از بحران اشاره کرد. به عنوان مثال، برنامه سازمان بین المللی مهاجرت در خصوص طوفان دومینیکا شامل آموزش ۷۱ نفر در حرفه نجاری و همچنین استخدام ۳۶ نجار بود که چهار نفر از آنها کارگران مهاجر از ترینیداد و توباگو<sup>۱</sup> بودند.

۴- تقویت رویکردهای زیرمنطقه‌ای، همکاری و به‌کارگیری ظرفیت همه کشورهای درگیر برای ارتقاء اعتماد، انعطاف‌پذیری و توسعه پایدار و همچنین کمک‌ها و حمایت‌های بشردوستانه از جمعیت آسیب دیده.

۵- مکان‌گزینی مجدد برنامه‌ریزی شده؛ این استراتژی در بسیاری از کشورها به دلیل بالا آمدن سطح دریا و جاری شدن سیل به‌عنوان یک ابتکار مهم سازگاری شناخته می‌شود. همان‌طور که توسط بانک جهانی تأکید شده است، در نظر گرفتن این استراتژی به عنوان یک راه حل بلند مدت و حتی راه حل آخر گامی مهم است، چرا که استراتژی سازگاری "در محل" محدودیت‌های خاص خود را دارد و تضمین کننده یک زندگی بادوام و پایدار نیست.<sup>۲</sup>

۱- Irma Hurricane - 1  
Trinidad and Tobago - 2  
Planned Relocation - 3



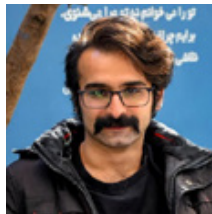


# بازتاب مهاجرت در هنر و ادبیات





## نوشتن از دور ماندگی؛ خود «اینجا» یا «آنجا»



پوریا پیرانی

پژوهشگر جامعه‌شناسی

به بکتاش آبتین در هجدهم دی‌ماه یک هزار و  
چهارصد شمسی.  
«پیچیده است مرز/ پیچیده است جغرافیا/ جهان  
سوم مظلوم، فقیر، خشن/ پیچیده است خودکشی  
دسته‌جمعی نهنگ‌ها در ساحل/ ساده است اما/  
پاسپورت‌های خفه‌شده‌ی مهاجر در قایق‌ها/ جهان  
سوم قربانی!»  
بکتاش آبتین



### یک

از بیم گسستن و از برای گفتن و نوشتن و نقش زدن یا چیزی را به یادآوردن، و «جایی» را داشتن برای «خلق» کردن، جایی از جنس خاک یا کلمه. گاه نیز از ابتدا مفهومی بوده در عدم، در هیچ، مفهومی که هیچ‌گاه نه زاد و نه مجالی برای بروز یافت، و این بسته به آن است که کجا زاده شده‌ای و چه دیده‌ای و چه مقدار در راه بوده‌ای برای رسیدن و نشستن در جایی که در انتهای راه، بیابی، یا نیابی، در جست‌وجوی رحمی برای زادنش.

خصیصه‌ کلی قرن پیشین و قرن حاضر، قرن انسان‌های آوره جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای، انسان‌های عاصی و دل به کوه و دشت سپرده متواری و تبعیدی رژیم‌های تمامیت‌خواه و

وطن، گاه «جایی»ست برای ایستادن، برای نشستن؛ ایستادن در منتها علیه برداری از تحولات تاریخی و فرهنگی به‌ظاهر مشترک که از سر گذرانده، یا گذرانده‌ای و «اکنون»ات گویی حاصل جمعی است از این زمان گذشته بر «اینجا»، و شواهد ممکن است تعلقت را بر این زمان رفته و مکان حادثه گواهی دهند، یا ندهند. گاه نیز خیالی است برساخته در دنیای تجرید و ایده‌ای است دل‌برای برای پناه جستن از همان مکان حادثه و به‌واقع برافراشتن دگرجایی که می‌بایست باشد و نیست. گاه نیز پناهی است برای «حافظه»،

فریدون مشیری شعری دارد که لقلقهٔ زبان عموم است و گویی سرودی است همگانی از آن کسانی که به هر نوعی و در هر زمانی شکایتی دارند از وطنشان. گاه حرفی آن قدر تکرار می‌شود، تا حقیقتی مجاب‌کننده شود. «ریشه در خاک» را سرآغازی چنین است: «تو از این دشت خشک تشنه روزی کوچ خواهی کرد و / اشک من ترا بدرود خواهد گفت» و در

ادامه در این بخش گویی سروده‌ای می‌شود از ورد زورث انگلیسی: «تو را هنگامه شوم شغلان / بانگ بی تعطیل زاغان / در ستوه آورد». شاید این شباهت در ادبیات رمانتیک نه بی‌معنا باشد و نه اتفاقی. شعر روزها و لحظات باشکوه ازدست‌رفته، حال این روزها را به‌عین دیده باشی یا نه. زورث نیز میلیتون قرن هفدهمی را خطاب قرار می‌دهد و چنین می‌گوید: «آری، ای میلتن / باید که تو در این ساعت زنده می‌بودی / آری این وطن به تو نیاز دارد، / کشوری که دیگر / گندابی شده / از آب‌های راکد / وطنی که / محراب‌هایش، / شمشیرهایش / و قلم‌هایش / آتش مقدسی که دورش جمع می‌شوند». اما نقطهٔ اوج و اشهر شعر مشیری نه آغاز و پایان آن که این بخش است: «من اینجا ریشه در خاکم. / من اینجا عاشق این خاک اگر آلوده یا پاکم. / من اینجا تا نفس باقی ست می‌مانم. / من از اینجا چه می‌خواهم، نمی‌دانم!» و نیز در مضمون ماندگاری در وطن نیست شده شاید برای اهالی فرهیخته‌تر شعر این شعر محمد مختاری را به یاد آورد که هرچند ممکن است مرتبط باشد اما جناس این شعر و مفهومش و شاعرش نیز: «که ما همچنان می‌نویسیم / که ما همچنان در اینجا مانده‌ایم / مثل درخت / که مانده است».

این مرثیه‌های سوزناک برای وطن چه در «آخر از ستیغ کوه، چون خورشید سرود فتح» خواندن ختم شوند یا نه، می‌توان شاعرانشان را عسرت‌زدگانی خواند که هراتیوس وار سوگند یاد می‌کنند یا نامیدانی که باور دارند «کرم همین لجن» اند و به حفظ و پاسداشت وطن می‌کوشند.

#### چهار

ابراهیم گلستان شاید از معدود نویسندگانی است که فارغ از هر جزمی به تاریخش و آنچه بر او گذشته، بر او و موطنش، نظر می‌افکند. گلستان نقطهٔ مقابل خوانشی است که پیش‌تر اشاره رفت و به وضوح در نامه‌ای به سیمین بهبهانی می‌نویسد: «می‌گویی... باید اعتراف کنیم که کرم همین لجن هستیم. البته که در این لجن هستیم و چه اعتراف کنیم چه نکنیم، بوی گند اطراف که رویمان می‌نشیند شاهد این واقعیت است و ناچار آن را روشن می‌کند... من که کرم همین لجن هستم نه لجن را قبول دارم و نه کرم بودن را...». او می‌کوشد ذهنش را به رهایی تمرین دهد و بشکند سد عادت‌های نهفته در ذهن را که گویی اندیشیدن به نظر می‌رسند و می‌کوشد خود را در گفت‌وگویی جهانی در عالم هنر قرار دهد که حاضرینش ولاسکر و گیا، پیکاسو از یک طرف، و حافظ و سعدی و نیما و سهروردی از طرفی دیگر شکسپیر و مارکس و لنین و نظامی گنجوی و بیهقی از افق‌های مختلف‌اند که حاضرند بی‌آنکه دشمن باشند. گاه نیز نفس ضرورت بودن در «جایی» را انکار می‌کند و این

۲ - نامه به سیمین، ابراهیم گلستان، نشر بازتاب نگار

### در طول قرن بیستم، و نیز دو دههٔ طی شده از این قرن، ما شاهد نوعی نوک‌نشین به اشکال مختلفش بوده‌ایم و گویی این انتقامی است از شکل غالب زندگی شهری قوام‌یافته.

آواره‌های استعمار، یا جنگ داخلی، یا بی‌آبی یا بی‌مهری، بی‌شک این عصر، عصر ریشه‌کنندگان است و بی‌ریشگی یا به یک معنا بی‌وطنی نه دیگر غریبه و ناهنجار، که گویی خصیصه‌ای است آشنا و بهنجار، شاید.. ددالوس دوباره بال‌های خود را برافراشته، برای به چالش کشیدن نیروی گرانش و سست کردن ریشه‌های وابستگی و فرزندش ایکاروس همچنان در

دریا، شاید جایی میان یونان و اسپانیا به آب می‌افتد، و این در حالی است که بازگشت ادیسه به خانه (با همان نظم و نسق) گویی امری است غیرممکن، یا پر محنت. به یک معنی گاه مرز «اینجا» و «آنجا» باریک و ناپیداست و امتزاج دو جا در درون آن قدر زیاد است که محتمل است بحرانی شود در ذهن برای شناختن خویشتن و اگر نشود بی‌شک شهروندی خواهد زاد به پهنای جمهور جهانی که از آن بی‌وطن است. گاه «آنجا» مفری برای تنفس، جایی برای رهایی و خوشی و آواز خواندن است و گاه نیز، وطن صندوقچهٔ یادگاری است برای حسرت و بی‌شک نوشتن در هر جا و هر کجا در این قرن رنگ‌وبویی دارد از هرکدام از این انواع.

#### دو

در این جهانی که قهرمانانش، و نیز قربانیانش مهاجران‌اند، چه تعداد هنرمندان و نویسندگان را می‌توان قطار کرد و سرنوشتشان را، و آفرینش‌گری‌شان را در پرتو مفهوم وطن گمشده یا «اینجا»ی به چنگ نیامدنی بازخواند؟ از دانه گرفته تا جوزف کنراد و جویس، کوندر، گارسیا مارکز و گوتتر گراس و بارگاس یوسا تا بنیامین و غیره و غیره؟ و چه تعداد از هنرمندان و نویسندگان گاه به خیانت ترک وطن متهم شده‌اند؟ اسمها را دوباره از سر قطار کنید و بخوانید. یا در حوالی همین «جایی» که نشسته‌ایم، در «اینجا»ی خودمان؟ مثلاً سرنوشت غلامحسین ساعدی را؟ یا اگر اندکی دورتر برویم و سؤالمان را بر بالای کلیت این نظام ادبی به‌عنوان یک کل مستقر کنیم و نه فقط ناظر بر بی‌مکانی، بلکه گم‌شدن وطن را به‌مثابهٔ یک مضمون در نظر آوریم، به چه نتیجه‌ای خواهیم رسید؟ یعنی نه صرفاً بخشی از این نظام ادبی که توسط بی‌وطنان یا مهاجران آفریده شده، بلکه به کلیهٔ آثاری نظر افکنیم که یا در بی‌وطنی و یا در وطنی از آن خویش و لیک غریب و در گیرودار تأمل در این امر آفریده شده‌اند، گرچه در خاکی به‌ظاهر تاریخاً از آن خویش ریشه داشته باشند، یا نداشته باشند.

«ادبیات مهاجر» یا «ادبیات مهاجرت»؛ گرچه ضرور است روایت سرنوشت «انسان‌های عصر ظلمت»، شاید به یک معنا در صورت فراروی از زندگینامهٔ مؤلف به‌عنوان یک اصل تعیین‌کننده، با تأکید بر ویژگی‌های درون‌متنی همچون محتوا و فرم و نیز نیروهای برون‌متنی‌ای همچون فرایندهای اجتماعی گاه جهانی، مفهوم وطن هرچه محوتر شود و آفرینش هنری با هارمونی سرنوشت بشری در کلیت واقع خود همسان‌تر. چه گویی گاه وطن نه موجود که آفریدنی است، چیزی تجریدی و البته مستقل، از جنس دنیای کلمات، سرزمینی خیالی برای تبعیدیان، که می‌سازی‌اش و با هر دگرشت به زبانی دیگر مرزهایش گسترش می‌یابد، مرزهای کشوری جهان‌گشا.

و هنرمندان... و همه آن‌هایی که هنوز جان شکوفا را ستایش می‌کنند، آن‌هایی که زیبایی را دوست دارند و می‌پرورند. درد بر این بینوایان! آن‌ها در جهان زندگی‌ای دارند به غربت بیگانه‌ای در خانه خود. آن‌ها راست مثل اولیس بردبارند در آن ساعت که در جامعه گدایان بر در خانه خود نشسته بود و در همان حال خواستگاران بی‌شرم در تالار هیاهو می‌کردند و می‌پرسیدند کدام کس این ولگرد را به زحمت ما فرستاده؟»

### ● شش

آیا کوچ‌نشینان، مهاجران و تبعیدیان حافظه‌ای یکپارچه دارند؟ حافظه‌ای یکدست و سراسر است و صریح که بتوان توالی زمانی حوادث را در آن ردگیری کرد؟ شاید نه بی‌مکانی که چندمکانی منجر به تکه‌تکه شدن پاره‌های حافظه شود. اگر بپذیریم که اشیاء نیز حافظه‌ای دارند و پرتاب‌کننده نشانه‌هایی هستند و تاریخ‌هایی در کالبدشان منجمد شده است و در لحظاتی خاص به سخن می‌آیند، آنگاه اهمیت مکان و اشیاء ثابت برای حافظه اثبات می‌شود. نه تنها دوری از وطن، که اگر در وطن نیز جایی برای نشستن نباشد» همیشه چیزها تکه‌تکه به یاد می‌آیند. «و این ابراهیم است در رمان آینه‌های دردار گلشیری که می‌گوید» شاید برای همین می‌نویسم تا جمعشان کنم، در عالم خیال درجایی کنار هم، مثل دو همسایه قدیمی. «و اینجاست که «نوشتن جایی می‌شود برای زیستن» و جمع‌آوری تکه‌های حافظه و انتقال آن‌ها به «خانه زبان» و راست‌راست شهروند دنیای زبان شدن که به یک معنا... «چه می‌توانم بگویم؟ که مثلاً اینجا خانه من است؟ نه، من خانه‌ای ندارم، سقفی نمانده است. دیوار و سقف خانه من همین‌هاست که می‌نویسم، همین طرز نوشتن از راست به چپ است. در این انحنای نون است که می‌نشینم. سپر من از همه بلایا سرکش ک یا گ است. مگر نباید حداقل خشت‌های نیروانای خودم را به قالب بریزم»<sup>۵</sup>

گاه نیز ممکن است در معرض اشیاء جدید، محیط جدید و «جای» جدیدی باشی، اما حافظه جز مکان قدیم را نشانسد، یا نخواهد که بشناسد یا نتواند و زبان الکن به چنگ نیآورد «آنجا» را و صم بکم تنها لمس کنی و حافظه مستقل از قوای ادراک تنها ببیند هرآن چه که می‌خواهد. این شاید مرگی است که زودتر از موعد ارگانسیم فرارسیده باشد: «از ساعدی گفت که او را دیده است، مصاحبه‌ای هم با او کرده است. گفت: اینجا هر گوشه‌ایش کسی زیسته است که آنجا شما کتاب‌هایش را با آن ترجمه‌هایی که دیده‌ای می‌خوانید. میز همینگوی هنوز هم در دوم هست، پیش‌خدمت کوپل، حتی اگر جوان باشد، می‌داند سارتر سر کدام میز می‌نشسته است، آن وقت او همه‌اش از خانه‌شان در امیرآباد می‌گفت یا نمی‌دانم از مطبخ که کجا بود، از معلمی که در تبریز مجبورش کرده بود پنج بار از روی «زنی که مردش را گم کرده بود» بنویسد. خوب، پزشک بود، می‌دانست که اگر همین‌طور ادامه بدهد می‌میرد، اما باز ادامه می‌داد. من که فکر می‌کنم دستی‌دستی داشت خودش را می‌کشت، انگار که برای مردن به اینجا آمده باشد.<sup>۶</sup> و مرد هم به راستی و با همین کیفیت.

نوشتن از وطن و شهر، حافظه می‌شود در دل اشیاء. می‌توان به

به این معناست «که از یک‌تکه خاک به خاک دیگر هجرت نیست «و ماندن و رفتن از «جایی» به جای دیگر اساساً خصلتی است انسانی و الا «آیا درخت هستیم که چون نمی‌توانیم متحرک باشیم باید جفای تبر و جوراره را تحمل کنیم؟» و یا در همین مضمون و به زبان هلدلین «مگر آیا ما، همچون روستایی بردگان، به آن زمینی که شخمش می‌زنیم، زنجیرشده‌ایم؟ مگر آیا ماکیانی هستیم که از حیاط خانه نباید پا بیرون بگذارند، چون که دانه‌اش را همان‌جا در پیشش می‌ریزند؟» (هر چند نگاه هلدلین نماینده نوع دیگری از برساخت وطن است و به آن در ادامه خواهیم پرداخت).

نظرگاه گلستان مشحون از امید به جمهوری جهانی هنر است و این دیدگاه، شنا کردنی است در کرانه‌های آفرینش هنری، و به عبارتی کشف جهان‌های بی‌کران و بی‌پایان آفرینندگان بشری است؛ جهانی که پایانی بر آن متصور نیست و اساساً وطنی گم‌شده نیست که از پیش‌اش باشی و تنها جست‌وجویی است بی‌پایان که انسانی، برای این جست‌وجو، و تا هنگام جست‌وجو. به عبارتی «آیا اگر دلت بخواهد ستاره‌شناس باشی و در شهرت تلسکوپ نباشد باید بی تلسکوپ بمانی؟ یا اگر برای مردم چیزی بخواهی که خودشان آن چیز را نمی‌خواهند آیا باید باز میان آن‌ها، در جوار جسمی و بدنی آن‌ها بمانی؟»

### ● پنج

اما گفتیم گاه وطن خیالی است برساخته در دنیای تجرید و ایده‌ای است دل‌برای پناه جستن از مکان واقعی؛ همچون یونان برای هلدلین و شور و عشق او به این دنیای کهن و از آن خودسازی آن. برای هلدلین آن چیست که او را «به این کرانه‌های مقدس کهن پیوند می‌دهد؟/ کرانه‌هایی که به آن‌ها/ بیشتر از سرزمین پدری‌ام عشق می‌ورزم؟». به واقع، شاعر «در زمانه عسرت» به یادگاران کهن یونان پناه می‌برد. هیبریون می‌شود که از وطن حرمت شکسته به جایی پناه می‌برد، اما سرگشته، ناامید و حیران معناه‌های دست نیافتنی است کماکان.

هیبریون هلدلین از زمین حرمت شکسته یونان به آلمان پناه می‌برد اما نه تنها شکوه باستان رهایش نمی‌کند که در نظرش «ملتی از هم پاشیده‌تر از ملت آلمان به تصور... در نمی‌آید. تو پیشه‌ور می‌بینی، ولی انسان نه، اندیشمند، اما انسان نه، کشیش، اما انسان نه، آقا و بنده می‌بینی و جوان و پیر هم، اما انسان هیچ-آیا این همه شباهتی به آن میدان جنگ ندارد که در آن دست‌وپا و همه اندام‌ها تکه‌تکه از هم جدا افتاده‌اند و در همان حال خون ریخته‌جان در خاک فرو می‌رود.»<sup>۷</sup> و این همان آلمانی است که هلدلین، هیبریون‌اش را، یا خودش را در آن می‌یابد و از آن می‌نویسد و حسرت وطن راستین‌اش را در آن به جانش می‌چکاند.

هلدلین، غریبه‌ای در وطن خویش، خاموشی جان‌های گرم را در هیبریون و در اشعارش روایت می‌کند و کلماتش را به وطنی در هرچه دورتر جایی نثار می‌کند که کوهستان‌ها و دریاچه‌ها و دشت‌هایش شوق او را فرامی‌خوانند. غربت جان شکوفا در خاکی که وطن نیست و «نیز دل خراش است دیدن شاعران...»

۱- همان

۲- گوشه‌نشین یونا(هیبریون)، فردریش هلدلین، ترجمه محمود حدادی، انتشارات نیلوفر.

۳- نامه به سمین، ابراهیم گلستان، نشر بازتاب نگار

۴- گوشه‌نشین یونا(هیبریون)، فردریش هلدلین، ترجمه محمود حدادی، انتشارات نیلوفر.

۵- همان

۶- نیروانای من، مجموعه داستان نیمه تاریک ماه، هوشنگ گلشیری، انتشارات نیلوفر.

۷- آینه‌های دردار، هوشنگ گلشیری، انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۹.



چک در سال ۱۹۶۸، به کشورهای دیگر پناه می‌برند و رنج اینان را در مهاجرت و بحران هویتشان را به تصویر می‌کشد. ایرنا با خانواده‌اش به پاریس می‌روند و یوزف به تنهایی راهی کپنهاگ می‌شود. سرانجام پس از فروپاشی شوروی به وطن بازمی‌گردند اما همچون افرادی شکست‌خورده و سرخورده و پرآشوب. گویی این وطن دگرگون‌شده است و دیگر همانی نیست که بود، یا همانی که خیالش را پرورانده بودند و ساخته بودندش در ذهنشان. این وطن، در مهاجرت کابوس بود و اکنون نیز نه تعبیر کابوس که هیچ نیست. گویی هر بخش حافظه درجایی در طول سفر جامانده و هویت، نه وابسته به «جایی» که چندپاره و چندتکه شده است. و این معنایی است شاید مترادف با حسرت فرح غادت سلمان در بیروت ۷۵: «یاسمینه از پنجره نگاهی به چشم‌انداز بیروت انداخت و گفت: «این شهر از دور چه زیباست!» فرح زمزمه کرد: «آری! از دور... از دور.»

وطن، دور یا نزدیک، و انسان در «اینجا» یا «آنجا»ی مثالی، در غربت، که می‌تواند اعم از هجرت باشد، خوشحال نیست، برعکس لبخندش سرد است و سنگ است. بی‌شک انسان به دلایل متفاوتی چفت شده به سرزمینی است که محمل آرامش اوست. کرانه‌های دور شونده وطن، محمل حسرت‌اند، شاید، اما گم شدنشان محمل اضطراب، و گاه نیز رهایی.

ونیز و پاریس رفت و خیالات مصور مکتوب شده در صفحات رمان در جست‌وجو را احضار نمود یا در شانزله‌لیزه بازی کردن مارسل کوچک با ژیلبرت را خیال کرد، یا رژه باشکوه ناپلئون در رمان زن سی‌ساله بالزاک را در اطراف قصر توپلیری تصور نمود یا به دنبال پانسیون مادام ووکر در محله‌های پاریس گشت. اما ادبیات مهاجرت شاید حافظه‌ای چندپاره دارد و فاقد مکانی است برای تجمیع شخصیت‌هایش؛ جایی برای پذیرایی نیست و مکانی برای توصیف. «گفت: آن مجسمه بالزاک در تقاطع مونپارناس-راسپای یادت هست؟/خوب؟/ وقتی نگاهش کردم دیدم نه به ما که پیش پایش ایستاده بودیم، که به دور نگاه می‌کند، به پاریس خودش، به راستینیاک یا مادام ووکرش، به همان پانسیون که شرحش را جزء به جزء داده است، یا اصلاً گوش می‌دهد به صدای خش‌خش دامن دخترهای باباگوریو. خوب، او جایی داشته است که آدم‌هایش را یکجا جمع کند، اما ما، نه، لاقل من جایی نبوده‌ام، جای ثابتی هرگز نبوده‌ام.»

#### ● هفت

گاه مرز «اینجا» و «آنجا» باریک و ناپیدا است، و این بلای جان شخصیت‌های رمان‌های میلان کوندر است. کوندر در رمانی به نام Ignorance، ایرنا و یوزف را که هر دو بعد از حمله شوروی به

۸ - آینه‌های دردار، هوشنگ گلشیری، انتشارات نیلوفر، ۱۳۹۹  
 ۹ - جهل، نادانی، جهالت و بی‌خبری، که این رمان توسط آرش حجازی به جهالت و توسط سحر بهشتی در نشر روشنگران به دورماندگی ترجمه شده است.



آخرین نگاه بر انگلستان، فردمداکس براون، ۱۸۵۰

# مهاجرت و بازتاب آن در آثار ادبی کودکان و نوجوانان



سارا صدیق

دانش آموخته‌ی جامعه‌شناسی و عضو شورای کتاب کودک



داد، فقط روزنه‌ای است در برابر چشم‌اندازی وسیع و به‌عبارت‌دیگر طرح مسئله‌ای است که می‌تواند بدل به مسئله‌ای پژوهشی در حوزه سؤال‌های طرح‌شده، گردد. در این متن تلاش کردم برای نزدیک شدن به پاسخ سؤال‌های طرح‌شده، ابتدا مفهوم مهاجرت و مسئله‌مندی آن را در جهان امروز شرح دهم و بر اساس مدل‌های نظری مهاجرت به بعضی از دلایل مهاجرت بپردازم. سپس بر اساس زمینه‌ی مفهومی ایجادشده در بحث با ذکر چند نمونه از کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ی منتشرشده در ایران، کمبود آثار تألیفی در این حوزه را علیرغم نیاز مخاطب امروز جامعه ایران بیان کنم. هم‌چنین با معرفی آثار برجسته در این حوزه، توانایی و قدرت ادبیات کودک و نوجوان در فهم پدیده‌ی مهاجرت و امکان مواجهه‌ی آگاهانه برای بهره‌بردن از الگوهای سازگاری در یک جامعه‌ی متکثر فرهنگی را نشان دهم. چنان‌که در ابتدای این بحث مطرح کردم، پاسخ دقیق به سؤال‌های

قبل از طرح بحث در مورد موضوع مهاجرت و بازتاب آن در آثار ادبی کودکان و نوجوانان و پاسخ به سؤالات مهمی همچون «چگونگی مواجهه کودک و نوجوان با پدیده مهاجرت» و برشمردن معیارهایی که مکان‌ها، ارتباطات و زبان جدید را برای یک کودک مهاجر در سرزمینی دیگر تسهیل می‌نماید، لازم است نکاتی را متذکر شوم.

بی‌شک پاسخ دقیق به این سؤالات نیاز به پژوهش در حوزه‌ی آثار ادبی کودک و نوجوان منتشرشده در ایران و نسبت آن‌ها با موضوع مهاجرت دارد و از آنجا که مهاجرت موضوعی میان‌رشته‌ای است، تحلیل وضعیت کتاب‌های کودک و نوجوان منتشرشده در ایران که به موضوع مهاجرت و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته‌اند، علاوه بر بهره‌گیری از رویکردهای جامعه‌شناختی، روان‌شناختی، اقتصادی و سیاسی مستلزم مطالعه‌ای تاریخی نیز هست. بنابراین اذعان می‌کنم آنچه شرح خواهم





به منزلتی برابر اما متمایز راه درازی در پیش است. اقلیت‌های قومی هنوز از نظر بسیاری از مردم تهدید به حساب می‌آیند. تهدیدی برای شغل، سلامت، امنیت و فرهنگ ملی. از این رو به نظر می‌رسد مدل کثرت‌گرایی فرهنگی در زمان حاضر هدفی دوردست و خوش‌بینانه است.

بنا بر نظر بَری، فرهنگ پذیری یک فرایند یادگیری است که از آن طریق فرد در یک زمینه اجتماعی-فرهنگی جدید، زندگی را شروع می‌کند و در واقع این فرایند فرهنگ‌پذیری از اجتماعی شدن اولیه که در جامعه قبلی رخ داده بود، به وجود می‌آید. فرهنگ‌پذیری یک فرایند متقابل و مداوم میان گروه‌های اقلیت و اکثریت غالب در یک جامعه متکثر است. بری از طریق رویکرد نظری خود سه پرسش اصلی را مطرح می‌کند: ۱- چگونه جوانان مهاجر فرهنگ پذیر می‌شوند؟ ۲- چگونه آن‌ها به سازگاری می‌رسند؟ ۳- آیا برای دستیابی به موفقیت در جامعه جدید روش بهتر و مطلوب‌تری برای فرهنگ‌پذیری وجود دارد؟ از نظر وی هیچ شخصی در جست‌وجوی راه‌های مشابه برای پذیرش فرهنگ جدید نیست. همه‌ی افراد و گروه‌ها استراتژی‌هایی برای فرهنگ‌پذیری اتخاذ می‌کنند. بری مدلی دو بُعدی از فرهنگ‌پذیری را ارائه می‌دهد که نگرش‌های فرهنگ‌پذیری هر دو گروه یعنی مهاجران و شهروندان جامعه بزرگ‌تر را در برمی‌گیرد. بر اساس نظریه بری، مهاجران با دو سؤال اصلی مواجه می‌شوند: ۱- آیا ارزش دارد فرهنگ نیاکانم را حفظ کنم؟ ۲- آیا حفظ روابط با دیگر گروه‌ها ارزشمند است؟ بر اساس پاسخ‌هایی که به این دو پرسش داده می‌شود، چهار استراتژی فرهنگ‌پذیری متمایز می‌شوند: استراتژی یکپارچگی، همانند گردی، جدایی و استراتژی حاشیه‌ای شدن.

منظور از استراتژی همانند گردی این است که فرد هویت فرهنگی خود را از دست داده و به فرهنگ جامعه مقصد روی آورد (مانند مدل همانند شدن گیدنز). استراتژی جدایی هنگامی است که افراد برای حفظ فرهنگ مادری‌شان ارزش قائل شده و از کنش متقابل با دیگر فرهنگ‌ها سرباز می‌زنند و توجهی به فرهنگ جامعه میزبان ندارند. بر اساس استراتژی یکپارچگی، شخص مهاجر به فرهنگ جامعه مبدأ پایبند است و در عین حال با فرهنگ جامعه میزبان یا مقصد نیز ارتباط دارد. این وفاداری به هر دو فرهنگ نوعی همبستگی اجتماعی را به وجود می‌آورد (شبیه به مدل کوره ذوب گیدنز). استراتژی حاشیه‌نشینی به این معناست که فرد مهاجر هم فرهنگ کشور مبدأ خود را و هم فرهنگ جامعه میزبان را طرد می‌کند. عدم وفاداری به دو فرهنگ منجر به بیگانگی دوگانه می‌شود. بری در مورد انتظاراتی که شهروندان جامعه میزبان در مورد فرهنگ پذیر شدن مهاجران دارند، می‌گوید که گروه مسلط تمایل به همانند گردی گروه‌های مهاجر با فرهنگ میزبان دارند. جداسازی هنگامی است که گروه مسلط به اجبار مهاجران را از جامعه بزرگ‌تر جدا می‌کنند و حاشیه‌ای شدن توسط گروه‌های مسلط بر گروه‌های اقلیت مهاجر تحمیل می‌شود. تکثرگرایی فرهنگی نیز هنگامی که تنوع و تکثر به طور گسترده به عنوان ویژگی کل یک جامعه مورد پذیرش همه گروه‌های متنوع قومی و فرهنگی قرار گرفته است، رخ خواهد داد. از نظر بَری چهار استراتژی فرهنگ‌پذیری با هم پیوسته هستند و افراد ممکن است از یک استراتژی به استراتژی دیگر تغییر موضع بدهند و فرهنگ جامعه میزبان چندین فرهنگ دیگر را در خود جای بدهد. همچنین او علاوه بر استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری تعدادی از متغیرهای بین فرهنگی را در امر سازگاری دخیل می‌داند. مانند هویت‌های فرهنگی، دانش زبانی و استفاده از آن؛ روابط اجتماعی با گروه همسالان؛ جنسیت؛ ترکیب قومی همسایگی؛ رفاه روان‌شناختی (مانند عزت نفس، رضایت از زندگی، عدم نگرانی)؛ سازگاری فرهنگی-اجتماعی (مانند سازگاری در مدرسه، نبود مشکلات رفتاری در اجتماع مثل وندالیسم و سرقت‌های جزئی) نتایج پژوهش بَری نشان داده است که بیشترین اولویت فرهنگ

نظریه لاری ساستاد<sup>۱</sup>، اورت لی<sup>۲</sup>، زیپف<sup>۳</sup>، آرتور لوییس<sup>۴</sup> و تودارو<sup>۵</sup> و دیگران که پرداختن به تک‌تک آن‌ها را از حیطة بحث مورد نظر بر اساس سؤال‌های طرح شده دور می‌کند.

بر اساس نظریه‌های فوق به طور اجمالی با مفهوم مهاجرت و بعضی از دلایل انجام آن آشنا شدیم. اما آنچه در بحث ما اهمیت دارد، نظریه‌هایی است که به وضعیت مهاجران در جامعه میزبان و هم‌چنین وضعیت در تعلیق افراد در آرزوی مهاجرت در جامعه مبدأ توجه دارد. از این منظر می‌توان به مدل‌های ادغام قومی گیدنز<sup>۶</sup> و استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری بَری<sup>۷</sup>، نظریه تعاملی بوریس<sup>۸</sup>، نظریه همانند گردی قطاعی پورتز<sup>۹</sup> و دیگران اشاره کرد<sup>۱۰</sup>. بدین منظور به طور مختصر به نظریه گیدنز و بَری در باب سازگاری مهاجران خواهیم پرداخت و بر اساس دیدگاه‌های این دو اندیشمند، وضعیت ادبیات کودک و نوجوان منتشر شده در سال‌های اخیر را که به نوعی به مهاجرت و مفاهیم برآمده از آن مانند سازگاری (قومی)، دینی، زبانی، جنسیتی، فرهنگی)، احساس تنهایی، طرد و جدایی، هویت سیال، دیگری متمایز از نظر آداب و رسوم و فرهنگ، خوراک و پوشاک و مانند آن‌ها مرتبط است، خواهیم پرداخت.

بنا بر نظر گیدنز در عصر جهانی شدن و دگرگونی‌های پرشتاب، مزایای بی‌شمار و چالش‌های بغرنج تنوع قومی در برابر بسیاری از دولت‌ها قرار دارد. حرکت و اختلاط جمعیت‌های انسانی در آینده بیشتر خواهد شد و از این رو تنش‌ها و تعارض‌ها نیز افزایش خواهد یافت. در این شرایط چگونه می‌توان تنوع قومی را تاب آورد و از بالا گرفتن تعارض‌ها پیشگیری کرد؟ و یا در جوامع چند قومیتی چه رابطه‌ای میان گروه‌های اقلیت و اکثریت جمعیت برای کاهش تنش‌ها باید وجود داشته باشد؟ او سه مدل اساسی را برای ادغام مهاجران مطرح می‌کند. همانند شدن، کوره ذوب<sup>۱۱</sup> و کثرت‌گرایی فرهنگی<sup>۱۲</sup>. اولین مدل، همانند شدن است که بر اساس آن مهاجرانی که وارد یک جامعه می‌شوند دست از آداب و رسوم و کردارهای اولیه خود بردارند و رفتار خود را بر مبنای ارزش‌ها و هنجارهای اکثریت شکل دهند. یعنی مهاجران زبان و پوشاک و سبک زندگی و نگرش‌های فرهنگی خود را تغییر دهند تا در نظم اجتماعی جدید ادغام شوند. در مدل کوره ذوب، به جای آن که سنت‌های مهاجران به نفع سنت‌های غالب از میان بروند، در آن می‌آمیزد تا الگوهای جدید و تحول‌یافته‌ای ایجاد شود و منجر به تنوع و گوناگونی بیشتری گردد. شکل‌های مختلط آشپزی، مُد، موسیقی و معماری جلوه‌هایی از این رهیافت هستند. خیلی‌ها این مدل را مطلوب‌ترین برآیند تنوع قومی می‌دانند. مدل سوم، کثرت‌گرایی فرهنگی است. از این منظر بهترین راه این است که از ایجاد جامعه متکثر حمایت کنیم که در آن اعتبار و اهمیت مساوی برای خرده‌فرهنگ‌های متعدد و متفاوت به رسمیت شناخته شود. در این رهیافت گروه‌های اقلیت قومی از حقوقی برابر با اکثریت جمعیت برخوردارند و تفاوت‌های قومی به منزله‌ی مؤلفه‌های حیاتی زندگی کل جامعه مورد احترام قرار می‌گیرد. برای نیل

Sjaastad - ۱

Everet Lee - ۲

Zipf - ۳

Arthur Lewis - ۴

Todaro - ۵

۶ - برای مطالعه‌ی بیشتر و دقیق‌تر نظریه‌های مهاجرت به مقالات معرفی شده و کتاب‌های منبع مقالات مراجعه کنید.

Giddens - ۷

Barry - ۸

Bouris - ۹

Portes - ۱۰

۱۱ - نظریات گیدنز و بَری درباره‌ی مهاجرت برگرفته از مقاله‌ی زیر است:

برومندزاده، محمدرضا، توپخت، رضا، مروری بر نظریات جدید مطرح شده در حوزه مهاجرت، فصلنامه جمعیت، شماره ۹۵/۸۹، ص ۷۳-۸۹.

Melting Pot - ۱۲

Cultural Pluralism - ۱۳

ادبی و هنری هستند، دسترسی پیدا کرد<sup>۱۵</sup>. در مجموع ۶۰ کتاب در این فهرست معرفی شده است<sup>۱۶</sup>. از این تعداد، ۱۱ کتاب زمان‌های بزرگ سال هستند که به نوجوانان پیشنهاد داده شده‌اند. از میان ۴۹ کتاب کودک و نوجوان، تنها ۷ کتاب توسط نویسندگان ایرانی نوشته شده‌اند که در اغلب آن‌ها مهاجرت داخلی به دلیل وقوع جنگ، رخ داده است. این تعداد اندک کتاب‌های تألیفی نشان‌دهنده‌ی این نکته است که با وجود سیر صعودی مهاجرت و افزایش چشمگیر مهاجران ایرانی به ویژه از دهه هشتاد به بعد، در کتاب‌های داستانی تألیفی، جای کتاب‌هایی که به موضوع مهاجرت و مفاهیم برآمده از آن بخصوص مهاجرت بین‌المللی پرداخته باشند، خالی است. البته بهتر است به کتاب‌های آموزشی رسمی اصلاً اشاره‌ای نکنیم، زیرا اگر هم حرفی از مهاجرت در این کتاب‌ها باشد، برآمده از نگاه‌های ایدئولوژیک و سوگیری منفی به مهاجرت است بدون آن که زمینه‌های فهم مهاجرت و دلایل و اشکال آن برای کودکان و نوجوانان بر اساس منابع درست و مستند اجتماعی و تاریخی شرح داده شود. از این رو، به نظر می‌رسد کودکان و نوجوانان ایرانی با وجود مهاجرت وسیع خانواده‌ها، در حوزه‌ی داستان‌های تألیفی فرصت آشنایی و تجربه‌ی مهاجرت به ویژه مهاجرت برون مرزی و بین‌المللی را بسیار محدود داشته‌اند.

### ● تحلیلی بر آثار برگزیده ادبیات کودک در این زمینه

اما از میان کتاب‌های تألیفی به سه کتاب می‌پردازیم. کتاب "تو یک جهانگردی"<sup>۱۷</sup>، نوشته‌ی شهرزاد شهرجردی و تصویرگری غزل فتح‌اللهی در سال ۱۳۹۸ چاپ شده است و بدین جهت در فهرستی که معرفی شد، نیامده است. این کتاب کودک، داستان خواهر و برادری است که به دلیل جنگ مجبور به ترک خانه و کشورشان می‌شوند. سفر اجباری برادر و خواهر در این داستان به جهانگردی تشبیه شده است، آن‌ها در طول سفرشان با مشکلات فراوانی روبه‌رو می‌شوند اما امیدشان را از دست نمی‌دهند.

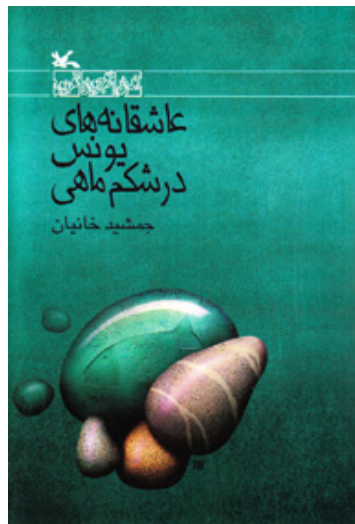
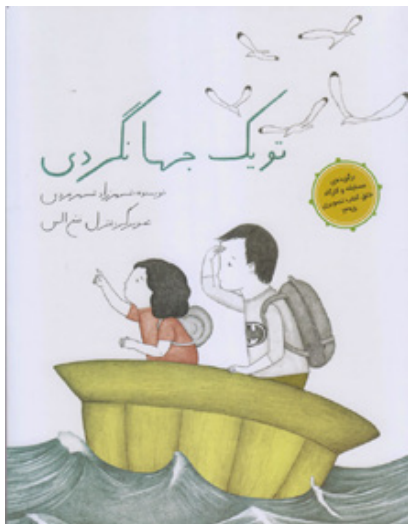
۱۵ - فهرست‌های موضوعی شورای کتاب کودک توسط خانم شکوه حاجی نصرالله گردآوری شده و در سایت شورا قرار می‌گیرند که منبع مناسبی برای پژوهشگران است.  
۱۶ - برای جست‌وجوی کتاب‌های کودکان و نوجوانان با موضوع مهاجرت و مفاهیم مرتبط با آن می‌توان به لیست کتاب‌های موسسه پژوهشی تاریخ ادبیات در سایت کتابک (<http://ketabak.org>)، یا لیست کتاب‌های جایزه‌ی لاک پشت پرنده (<http://lakposhtparandeh.ir>) و یا ناشرین آثار ادبی کودک و نوجوان مانند نشر طوطی، افق و غیره نیز مراجعه کرد.  
۱۷ - این کتاب که توسط نشر طوطی به چاپ رسیده است، برنده جایزه‌ی دوسالانه تصویرگری براتیسلاوا ۲۰۲۱ شده است. این جایزه از قدیمی‌ترین رویدادهای بین‌المللی تصویرگری کتاب کودک و نوجوان در کنار جایزه‌ی هانس کریستین آندرسن است که از سال ۱۹۶۷ با پشتیبانی یونسکو و همکاری شعبه‌های ملی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان در کشور اسلواکی برگزار می‌شود.

پذیری برای جوانان مهاجر، استراتژی یکپارچگی بوده است. پس از شرح مختصر مسئله مهاجرت بر مبنای نظریه‌های مطرح‌شده و سه الگوی ادغام مهاجران بنا بر نظر گیدنز و استراتژی‌های فرهنگ‌پذیری بـری، تا حدی با مفهوم مهاجرت و دلایل آن و آمار بالای مهاجران به ویژه مهاجران کودک و همچنین الگوهای سازگاری و ناسازگاری آشنا شدیم. حال ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که در بند ۱۳، اعلامیه جهانی حقوق بشر، مهاجرت یک حق شمرده شده و بر اساس آن هر انسانی آزاد است تا مکان زندگی خود را درون یا بیرون از مرزهای یک کشور برگزیند. علاوه بر آن در ماده ۱۰ و ۱۱ پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک نیز، به حق مهاجرت به عنوان یکی از حقوق بنیادی اشاره شده است و افراد یا دولت‌ها نمی‌توانند مانع مهاجرت خانواده‌ها و کودکان شوند. بنابراین مهاجرت به دلایل بسیاری که به بعضی از آن‌ها به طور کوتاه اشاره گردید با سیر صعودی وجود دارد و امری اجتناب‌ناپذیر در جهان امروز است. آنچه اهمیت دارد، فهم مهاجرت، پذیرش جوامع چند فرهنگی و الگوهای سازگاری با شرایط تازه‌ی زیست انسانی است.

### ● سهم توجه به «مهاجرت» در ادبیات کودک در ایران چه میزان است؟

بر اساس آنچه تاکنون توضیح داده شد، می‌توان به سؤالات مطرح‌شده در این بحث پرداخت. این که آیا در کتاب‌های کودک و نوجوان منتشرشده در ایران، به موضوع مهاجرت و مفاهیم برآمده از آن توجهی شده است؟ در این صورت بر مبنای الگوهای ادغام قومی گیدنز (همانند شدن، کوره ذوب، تکنرگرای فرهنگی) و استراتژی‌های فرهنگی بـری (همانند گردی، جدایی، یکپارچگی، حاشیه‌نشینی) که چگونگی مواجهه مهاجران با مهاجرت در کشور میزبان را تحلیل می‌کنند، در کتاب‌های کودک و نوجوان منتشرشده در ایران، می‌توان به داستان‌هایی برخورد که دربردارنده‌ی این الگوها و استراتژی‌ها باشند؟ به بیان ساده‌تر آیا این کتاب‌ها زمینه‌ای را برای فهم مهاجرت و ادغام مهاجران در هر یک از اشکال مطرح‌شده فراهم می‌کنند؟ با مراجعه به فهرست کتاب‌های برگزیده<sup>۱۸</sup>، شایسته تقدیر و چهار ستاره‌ی شورای کتاب کودک با موضوع مهاجرت و مفاهیم مرتبط با آن بین سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۷ (سیزده سال) که به مناسبت "روز جهانی مهاجرت، ۱۸ دسامبر ۲۰۱۹، برابر با ۲۷ آذر ۱۳۹۸، منتشر شد، می‌توان به تعدادی از کتاب‌های منتخب شورا که در جایگاه ادبیات قرار می‌گیرند و دارای ارزش

<http://cbc.ir> - ۱۴



بازار نشر کتاب ایران از فراوانی بالایی نسبت به کتاب‌های تألیف برخوردارند و در فهرستی که معرفی گردید، تعداد آن‌ها هفت برابر کتاب‌های تألیفی است. بنابراین کودکان ایرانی در واقع اغلب با مطالعه‌ی کتاب‌های ترجمه با مفهوم مهاجرت و تجربه‌ی آن در داستان آشنا می‌شوند. از میان کتاب‌های ترجمه که به موضوع مهاجرت و مفاهیم مرتبط با آن پرداخته‌اند، کتاب‌های بسیاری وجود دارند که ظرفیت و قابلیت تحلیل آن‌ها بر اساس مدل‌های نظری گیدنز و بری امکان‌پذیر است. یکی از این کتاب‌ها، کتاب «کودک خود شجاع تو»<sup>۱</sup>، اثر ژاکلین وودسن<sup>۲</sup> با تصویرگری رافائل لویپز است. کتاب با این جمله آغاز می‌شود: «گاهی پیش می‌آید که وارد کلاسی می‌شوی و می‌بینی هیچ‌کس شبیه تو نیست»، در صفحات دیگر مخاطب متوجه تفاوت شخصیت داستانی با دیگران به دلیل رنگ پوست، لباس، حالت مو، زبان و غذا می‌شود. شخصیت داستانی گاه احساس تنهایی، جدایی و حتی طرد می‌کند. اما به تدریج تصمیم می‌گیرد از استراتژی یکپارچگی (الگوی کوره ذوب) برای سازگاری و ادغام (جهان آغوشش را کمی بیشتر به سویت باز می‌کند تا خودش را در تو جا دهد) بهره‌برد. مخاطب کودک قدم به قدم با شخصیت داستانی همراه می‌شود تا در پایان در فضای متکثر فرهنگی با او همسو و همدل و همراه و دوست می‌شود. این کتاب ظرفیت قابل توجهی برای تحلیل بر اساس الگوهای نظری گیدنز و بری در باب مهاجرت دارد.

یکی از کتاب‌های ترجمه با موضوع مهاجرت، کتاب نوجوان «وزن آب»<sup>۳</sup>، نوشته‌ی سارا کرووسان<sup>۴</sup> است. کتاب فوق، داستان یک دختر نوجوان لهستانی است که به همراه مادرش به امید پیدا کردن پدر که پیش‌تر آن‌ها را ترک کرده و به انگلیس رفته است، راهی انگلیس می‌شوند. او در انگلیس علاوه بر مشکلات و بحران‌های خانوادگی باید بحران‌های ناشی از مهاجرت را نیز تجربه کند. تنهایی، تفاوت‌های ظاهری، زبان متفاوت، شهر ناآشنا، عدم پذیرش در جامعه میزبان و طردشدگی، منجر به تجربه رنج و اندوه در او می‌شود. اما عشق و امید او را به سوی سازگاری با جامعه تازه هدایت می‌کند. او می‌گوید: «وقتی مامان گفت: «می‌رویم انگلیس». فکر نمی‌کردم این‌طور تنها بشوم. می‌دانستم تفاوت‌هایی دارم و خارجی‌ام. می‌دانستم از همه چیز سر در نمی‌آورم. اما فکر کردم، شاید فقط کمی متفاوت باشم. مثل یک سنجاب قرمز بین سنجاب‌های خاکستری، مثل دختری انگلیسی در گدانسک. اما من یک دختر انگلیسی در گدانسک نیستم. من یک لهستانی‌ام در کاونتری. و این‌ها اصلاً یکی نیستند، اصلاً.» مخاطب نوجوان در تمام ماجراهای کتاب با شخصیت مهاجر هم‌ذات‌پنداری می‌کند و به درک تجربه‌ی مهاجرت از طریق او نزدیک می‌شود. تجربه‌ای که در دنیای واقعی شاید هرگز برای مخاطب پیش نیاید و شاید هم پیش بیاید. در هر دو صورت مخاطب در مواجهه با مهاجرت با پیامدهای آن مانند رنج‌ها، کمبودها و گاه امتیازهایش آشنا می‌شود. این کتاب نیز از ظرفیت قابل تأملی برای تحلیل بر مبنای الگوهای ادغام قومی گیدنز و راهکارهای فرهنگی سازگاری در نظریه بری، برخوردار است. به طوری که می‌توان پیوستگی چهار الگوی بری را در آن پیدا کرد و تغییر موضع فرد مهاجر را بر اساس حرکت و تعلیق میان آن‌ها تحلیل کرد.



ترویج صلح، نکوهش جنگ و درک پدیده‌ی مهاجرت در تجربه‌ی سفر از ویژگی‌های این کتاب است. این کتاب کودک فاقد مؤلفه‌هایی است که بر اساس آن‌ها بتوان از الگوهای ادغام قومی گیدنز و استراتژی‌های فرهنگی بری، جهت تحلیل بهره‌برد.

کتاب «عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی»<sup>۵</sup>، نوشته جمشید خانیان است. این کتاب نوجوان درباره تجربه‌ی مهاجرت خانواده‌ای است که در هنگام جنگ ایران و عراق، مجبور به ترک خانه و شهر خود می‌شوند. تجربه‌ی آوارگی در جاده‌ها، انتخاب میان هویت خود و زندگی دیگری، زندگی جمعی مهاجران در یک فضای محدود، تلاش برای بقا، خشونت و تباهی جنگ، زیبایی و شور عشق و موسیقی موضوعاتی است که داستان به آن‌ها می‌پردازد. از آنجاکه مهاجرت در این داستان داخلی است، مهاجران با فرهنگ و زبان متفاوت مواجه نمی‌شوند و سازگاری و ادغام درون گروه خود مهاجران صورت می‌گیرد که با وجود ملیت واحد ایرانی و حتی تعلق قومی و زبانی یکسان، زندگی جمعی مهاجران در یک فضای مشترک، منجر به بروز تنش‌ها و چالش‌هایی بر سر مرز فضای زیست‌شان در یک مکان مشترک می‌شود. همان‌طور که گفته شد در آثار تألیفی تجربه مهاجرت برون مرزی و حضور شخصیت‌های داستانی در یک جامعه دیگر به ندرت به رشته تحریر درآمده است. یکی از این کتاب‌های نوجوان تألیفی «طعم سیب زرد»<sup>۶</sup>، نوشته‌ی ناصر یوسفی است. در این کتاب که به موضوعاتی چون، جدایی، تک‌والدی، دروغ، ترس و اضطراب می‌پردازد. یکی از شخصیت‌های اصلی (نثار) پسری افغانستانی است که پدر و مادرش سرایدار مدرسه‌ای هستند که پسران ایرانی در آن درس می‌خوانند و او نیز در همان مدرسه درس می‌خواند. تجربه‌ی حضور نثار در مدرسه و رابطه‌ی دوستی‌اش با سینا شخصیت دیگر کتاب، بازتابی از استراتژی‌های فرهنگی جدایی و یکپارچگی در نظریه بری است. از این رو می‌توان کتاب فوق را از این منظر مورد تحلیل قرار داد. همان‌طور که گفته شد تعداد کتاب‌های ترجمه با موضوع مهاجرت در

۱- کتاب «عاشقانه‌های یونس در شکم ماهی»، که در سال ۱۳۸۹، توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ رسید، تاکنون جوایز زیادی را از آن خود کرده است. از جمله برگزیده‌ی شورای کتاب کودک و برنده‌ی شش لاک پشت و نشان لاک پشت طلایی از جایزه لاک پشت پرنده است و برگزیده جایزه مهر طاها نیز هست. همچنین به فهرست کتاب‌های کلاغ سفید کتابخانه‌ی مونیخ (۲۰۱۴) نیز راه یافته است. نویسنده کتاب «جمشید خانیان» از سوی شورای کتاب کودک، نامزد جایزه هانس کریستین آندرسون (۲۰۲۲) و جایزه آستریلندگرن (آلما) (۲۰۲۲) شده است. او پیش از این نیز از سوی شورا و انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به عنوان نامزد جایزه آلما در سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۱ معرفی شده بود.

۲- کتاب «طعم سیب زرد» در سال ۱۳۹۸، توسط نشر پیدایش به چاپ رسیده است و از کتاب‌های تقدیر شده‌ی شورای کتاب کودک و برگزیده هجدهمین دوره‌ی جشنواره کتاب رشد است.

۳- این کتاب با ترجمه‌ی میترا امیری در سال ۱۳۹۷، توسط نشر پرتقال به چاپ رسیده است. (این کتاب به دلیل چاپ در ۱۳۹۷ فهرستی که معرفی شد، نیامده است)

۴- ژاکلین وودسن، نویسنده آمریکایی آثار متعددی برای کودکان و نوجوانان نوشته است. او تاکنون برنده جوایز معتبر بسیاری شده است از جمله جایزه آستریلندگرن در سال ۲۰۱۸، جایزه هانس کریستین آندرسن در سال ۲۰۲۰.

۵- کتاب «وزن آب»، نوشته‌ی سارا کرووسان، با ترجمه‌ی مریم فیاضی توسط نشر هوپا در سال ۱۳۹۷، چاپ شد. این کتاب در سال ۲۰۱۳، نامزد نهایی مدال کارنگی و برنده جایزه CBI شده است.

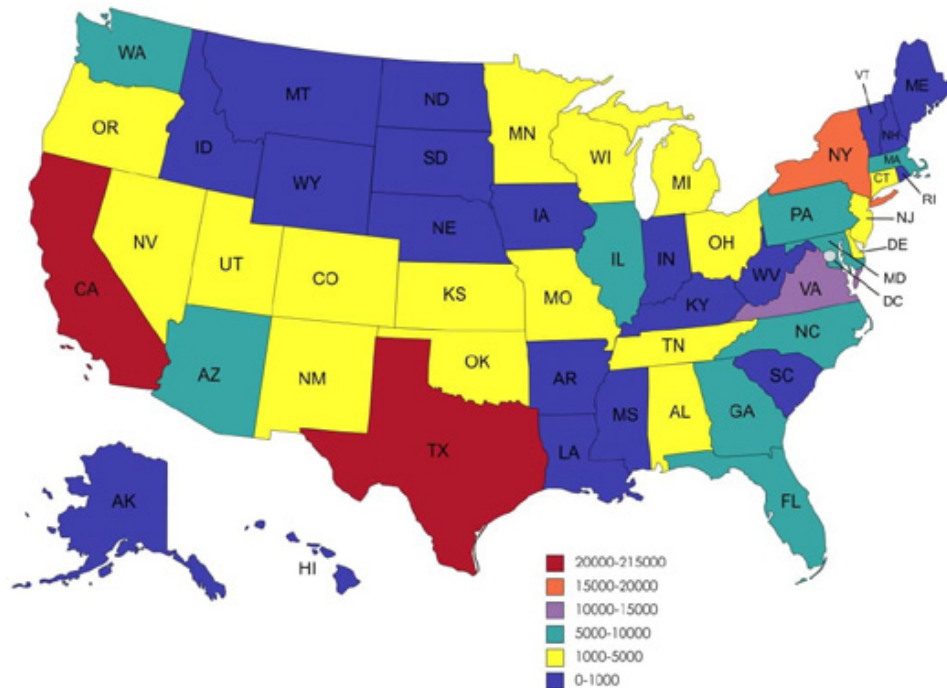
۶- سارا کرووسان، نویسنده ایرلندی است. او آثار متعددی برای کودکان و نوجوان نوشته است که مورد توجه قرار گرفته‌اند و کاندیدا و برنده‌ی جوایز بسیاری نیز شده‌اند.



# معرفی فیلم‌های مهاجرتی



# جمعیت مهاجران ایرانی در ایالت‌های مختلف آمریکا



(Migration Policy Institute, 2021)

ایالت	جمعیت
نبراسکا	۴۰۷
هاوایی	۳۸۰
ایندیانا	۲۷۶
آرکانزاس	۲۶۸
می سی سی پی	۲۴۱
نیوهمپشایر	۱۷۶
ماین	۱۰۳
داکوتای شمالی	۹۸
ورمونت	۸۷
آلاسکا	۷۹
ویرجینیای غربی	۷۸
رود آیلند	۷۴
وایومینگ	۴۸
مونتانا	۱۴
داکوتا جنوبی	-
جمعیت کل	۳۸۵,۴۷۳

ایالت	جمعیت
اوهایو	۳۴۴۶
کولرادو	۲۸۳۶
نیو مکزیکو	۲۲۷۱
مینه سوتا	۲۲۴۱
اکلاهاما	۱۹۸۶
کانکتیکت	۱۸۸۳
یوتا	۱۷۹۰
آلاباما	۱۷۲۷
میسوری	۱۶۶۹
ویسکانسین	۱۳۵۰
دلور	۱۲۲۹
کانزاس	۱۱۹۸
منطقه کلمبیا	۹۷۴
کنتاکی	۹۵۱
لوئیزیانا	۹۰۸
آیووا	۶۷۶
آیداهو	۵۸۱
کارولینای جنوبی	۵۵۷

ایالت	جمعیت
کالیفرنیا	۲۱۲۶۲۹
تگزاس	۲۷۶۱۰
نیویورک	۱۷۰۰۰
ویرجینیا	۱۳۱۶۶
واشنگتن	۹۷۴۹
میرلند	۹۷۰۸
فلوریدا	۹۶۰۴
جورجیا	۶۱۵۵
ایلینوی	۶۰۹۲
ماساچوست	۵۶۷۴
آریزونا	۵۵۳۲
پنسیلوانیا	۵۴۵۵
کارولینای شمالی	۵۳۶۰
نیوجرسی	۴۷۸۴
نوادا	۴۲۲۰
اورگان	۴۲۱۱
تنسی	۴۱۹۱
میشیگان	۴۰۳۳

# دستاوردهای رصدخانه مهاجرت ایران





## بخشی از فعالیت‌های رصدخانه مهاجرت ایران

نسخه فارسی  
سالنامه مهاجرتی  
۱۴۰۰ ایرانی



نسخه انگلیسی  
سالنامه مهاجرتی  
ایران ۱۴۰۰



وبسایت خبری  
تحلیلی IMOBS





راه‌اندازی  
پورتال داده‌های  
مهاجرتی



پرونده کوچ بزرگ  
(بررسی تحولات  
افغانستان)

نسخه انگلیسی وبسایت  
رصدخانه مهاجرت ایران،

انتشار کتاب مقدمه‌ای بر  
سیاست‌گذاری مهاجرت در ایران

انتشار کتاب آمدن، ماندن و رفتن  
مهاجران افغانستانی در ایران

و به‌زودی:

